



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

موسمِ بہاری



فاطمہ زہرا

فیض اللہ دہلوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عصمت کبری فاطمه ی زهرا سلام الله علیها

نویسنده:

فضل الله ویسی

ناشر چاپی:

همای رحمت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	عصمت کبری فاطمه ی زهرا سلام الله علیها
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	«متن اجازه نامه ی مؤلف از آیت الله سید محمد علی موحد ابطیحی»
۱۴	مقدمه:
۱۸	موضوع اول: معنای لغوی عصمت
۱۸	اشاره
۱۹	معنای لغوی عصمت
۲۴	دلیل لزوم عصمت پیغمبران از گناهان چیست؟
۲۶	فلسفه ی عصمت انبیا علیهم السلام از زبان حضرت رضا علیه السلام
۳۲	اعتقاد شیخ صدوق در مورد عصمت:
۳۳	گفتار شیخ مفید:
۳۵	مقام راضی بودن حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام
۳۵	چند روایت در مورد فضیلت حضرت زهرا علیها السلام از طریق عامه
۳۸	روایات:
۴۶	موضوع دوم: پیرامون آیه ی تطهیر
۴۶	اشاره
۴۷	طهارت از نظر لغوی
۴۷	اصطلاح فقهی و ادبی طهارت
۴۸	آیات طهارت در قرآن: کلمه ی طهارت ۲۹ مرتبه در قرآن آمده است
۵۴	اهل بیت چه کسانی هستند
۵۶	دفع سه اشکال دیگر
۵۸	سخنی فی ما بین سلطان الواظنین شیرازی و علمای سنی:
۶۵	روایات در ذیل آیه ی تطهیر
۷۲	طهارت ظاهری و باطنی ائمه ی اطهار علیهم السلام
۷۵	نزد بعضی، نجاسات بر چهار قسم است
۷۸	علامت امام در روایات
۸۰	عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام در خطبه ی خود
۸۶	ادامه ی خطبه ی حضرت زهرا
۸۷	اینجا در حرمت قول اشتباه دو مسئله است
۸۸	خلاصه ی کلام تجاوز از حق دو جهت دارد
۸۸	احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام با ابی بکر و عمر
۹۱	برخلاف عصمت کبری علیها السلام حکم کردن
۹۳	عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
۹۶	موضوع سوم: عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام در القابش
۹۶	اشاره
۹۹	معنای بتول و طاهره
۱۰۰	نور عصمت او می درخشید
۱۱۱	❁ احسان به چهار معنی تفسیر شده

- ۱۱۲ * زکيه
- ۱۱۳ * در زيارت آن بزرگوار چنين آمده است:
- ۱۱۴ * دليل ديگر بر عصمت زنان برگزيده شده
- ۱۱۷ * صديقه ي طاهره، معصومه است بايد معصوم او را غسل دهد
- ۱۱۷ * اما روايات
- ۱۱۹ * فاطمه عليها السلام علت غائي است
- ۱۲۲ * شبهه ي اول
- ۱۲۳ * جواب شبهه
- ۱۲۶ * شبهه ي دوم
- ۱۲۸ * جواب شبهه ي دوم
- ۱۲۸ * اشكال ها:
- ۱۳۱ * چند روايت در اين باره
- ۱۳۲ ۱- سخن طنبور چيست؟
- ۱۳۲ ۲- حرمت غناء
- ۱۳۲ ۳- مسئوليت گوش و چشم و دل
- ۱۳۳ ۴- نشانه هاي افراد پست و فرو مايه:
- ۱۳۳ ۵- نخستين آوازه خوان:
- ۱۳۳ ۶- سرگرمي به آلات موسيقي:
- ۱۳۳ ۷- كيفر مطربان و نوازندگان:
- ۱۳۴ ۸- نواختن و گوش دادن به سازهايي از قبيل تار و كمانچه و بيانو و طنبور و دف و نظائر آن از گناهان كبيره به حساب آمده است.
- يك سوال: در اينجا بايد از اين آقاي محترم پرسيد با اين ادله ي قوي و مستند و مستدل كه از قول پيغمبر و اهل بيت عصمت و عترت عليهم السلام گفته شد، آيا مي توان گفت كسي كه مقام عصمت دارد، به خصوص حضرت صديقه ي طاهره، فاطمه ي زهرا عليها السلام كه خداوند متع
موضوع چهارم: فضائل حضرت زهرا عليها السلام ۱۳۷
- اشاره ۱۳۷
- * بعضي از آيات قرآن در مورد حضرت صديقه ي طاهره عليها السلام ۱۳۸
- * حضرت زهرا عليها السلام در ۹۷ فضيلت مشترك با ساير اهل كساء ۱۴۱
- * مناقب مشترك ۱۹۵
- اشاره ۱۹۵
- اول: زهراي مرضيه يكي از علل آفرينش است ۱۹۵
- دوم: نام پنج تن بر ساق و بر در بهشت نوشته شده است ۱۹۶
- سوم: فاطمه عليها السلام خيره الله است ۱۹۷
- چهارم: بهشت با تصوير فاطمه عليها السلام منور است ۱۹۷
- پنجم: اهتدا و اقتداء و تمسك ۱۹۸
- ششم: در مقام ولايت با ساير معصومين عليهم السلام شريك است ۱۹۹
- هفتم: منقبت حضرت صديقه طاهره عليها السلام با ساير معصومين عليهم السلام ۱۹۹
- هشتم: فاطمه عليها السلام محبت است يعنى حديث فرشتگان را مي شنود ۲۰۰
- نهم: براي شيعيان فاطمه عليها السلام هم بشارت بهشت وجود دارد ۲۰۱
- دهم: مبدأ خلقت در خوي و سرشت و شئون ديگر آفرينش است ۲۰۱
- موضوع پنجم: افضليت حضرت زهرا عليها السلام از انبياء به جز پدر بزرگوارش و امير مؤمنان عليهما السلام ۲۰۷
- اشاره ۲۰۷
- * اشتراك حضرت زهرا عليها السلام با ائمه اطهار عليهم السلام در فضائل (به جز امامت) ۲۰۸
- * نبوت هيچ پيامبري تكميل نشد ۲۰۹

۲۱۰	❖ اگر امیر المؤمنین علیه السلام نبود همسری برای فاطمه علیها السلام یافت نمی شد
۲۱۱	❖ سخن قوشچی
۲۱۴	❖ نظر شیعه درباره خواستگاری معصومه علیها السلام
۲۱۷	❖ افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت آدم علیه السلام
۲۲۰	❖ افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت نوح علیه السلام
۲۲۲	❖ افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت ابراهیم علیه السلام
۲۲۴	❖ افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت موسی علیه السلام
۲۲۶	❖ افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت عیسی علیه السلام
۲۲۸	❖ تفسیر یک آیه از قرآن
۲۳۱	❖ اخبار و روایات طهارت و عصمت
۲۳۱	❖ اما روایات
۲۴۳	❖ قصائدی که بر فضائل، طهارت و عصمت حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد.
۲۸۲	منابع و مأخذ
۲۸۸	درباره مرکز

عصمت کبری فاطمه ی زهرا سلام الله علیها

مشخصات کتاب

سرشناسه: ویسی، فیض الله، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور: عصمت کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام: مباحثی در مورد طهارت عصمت کبری حضرت صدیقه طاهره فاطمه الزهرا علیها السلام/نویسنده فیض الله ویسی .

مشخصات نشر: اصفهان: همای رحمت: نشر لیلی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۶۳ ص.

شابک: ۹۰۰۰۰ ریال: ۷-۳۹-۷۸۲۹-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۵۶ - ۲۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: مباحثی در مورد طهارت عصمت کبری حضرت صدیقه طاهره فاطمه الزهرا (س).

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ق.

موضوع: عصمت

رده بندی کنگره: BP۲۷/۲ و ۶۹۵/۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۲۱۹۳۱

ص: ۱

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

بسمه تعالی

این کتاب شریف به یاد پدر گرامیم مرحوم حاج ابراهیم رضی زاده و مادر ارجمندم که رحمت خدا بر ایشان باد چاپ و اهداء گردید.

امیدوارم خوانندگان گرامی با قرائت فاتحه و نثار صلوات، روح ایشان را شاد نمایند.

السلام عليك يا فاطمه الزهرا عليها السلام

عصمت كبرى فاطمه ي زهرا عليها السلام

مباحثی در مورد طهارت عصمت كبرى حضرت صدیقه طاهره فاطمه الزهرا عليها السلام

ص: ۳

مشخصات کتاب

نام کتاب: عصمت کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام

نویسنده: فیض الله ویسی

حروف نگاری و طراحی جلد: مجموعه فرهنگی غصب فدک اصفهان

ناشر: انتشارات همای رحمت / ناشر همکار: نشر لیالی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳ / ۱۰۰۰ نسخه

قطع: وزیری / تعداد صفحات: ۲۶۴ صفحه

تلفن مرکز پخش: ۰۳۱۳۲۲۸۱۲۰۰ - ۰۹۱۳۸۱۵۲۵۸۹

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ می باشد.

شابک: ۷-۳۹-۷۸۲۹-۹۶۴-۹۷۸

ص: ۴

«متن اجازہ نامہ ی مؤلف از آیت اللہ سید محمد علی موحد ابطحی»

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الأنبياء و خاتم المرسلين محمد رسول الله و آله الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم الى يوم الدين اما بعد فقد استجازنى فى الروايه الشيخ الثقة فيض الله الويسى دام توفيقه فأجزته على شرط الروايه أن يروى عنى كلما صلحت لى روايته من كتب الحديث المعتبره للاماميه بطرقى المسنده الى النبى الا-كرم والأئمه عليهم عن مشايهى الكرام، منهم من سميناهم فى اجازتنا لآيه الله السيد شهاب الدين النجفى المرعشى قده و أوصبه

قم المقدسه: السيد محمد على الموحد الابطحى

٧ ذيقعه الحرام / ١٤٢١

ص: ٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعْنِ الدَّائِمِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَ مَخَالِفِيهِمْ وَ مُعَانِدِيهِمْ وَ مُنْكَرِي فَضَائِلِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهِ ابْعَدُ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

مقدمة:

فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَ الْمُقْصِرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعِدْنُهُ وَ مِيرَاثُ التُّبُّوهِ عِنْدَكُمْ وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُ عَلَيْكُمْ وَ فَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ...

عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً...

سَعَدَ وَ اللَّهُ مِنَ الْوَالِدِ وَ هَلَكَ مِنَ عَادَاتِكُمْ وَ خَابَ مِنَ جَحَدِكُمْ وَ ضَلَّ مِنَ فَارَقِكُمْ وَ فَازَ مِنَ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ آمَنَ مِنَ لَجَأِ إِلَيْكُمْ وَ سَلِمَ مِنَ صَدَقَتِكُمْ وَ هُدِيَ مِنَ اعْتَصَمَ بِكُمْ وَ مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فَهُوَ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ...

وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا فَجَعَلَكُمْ اللَّهُ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَشْنُ تَرْفَعُ وَ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صِيْلَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَائَتِكُمْ طَبِيباً لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَرْكِيهَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا...

ص: ٧

كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَ كَيْفَ أَحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدَّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَدَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي...

وَ قَرْنَ طَاعَتِكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي إِنْ لِي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ... (۱)

الحمدلله که از شناخت معصومین و مطهرین از آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقطه ی ابهامی در جهان نمانده، مگر اینکه خدای متعال اولیای خود را در آسمان ها و ملکوت اعلی و نزد جمیع ملائکه و همه ی مخلوقات جهان معرفی نموده و بلکه اسامی مطهر آنان در حضور صد و پنجاه عالم روشن است.

به قول حضرت زینب علیها السلام که به امام زین العابدین علیه السلام فرمود: (ناراحت و محزون مباش، سوگند به خدا که این عهد را رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با جد و پدر و عم تو استوار فرمود.

همانا خداوند در این امت با جماعتی پیمان بسته است و ایشان را فراعنه ی زمان ها نمی شناسند. یعنی نزد ستمکاران مانند یزید و یزیدیان است.

لکن ایشان در نزد اهل آسمان ها و فرشتگان معروفند و همین فرشتگان هستند که این اعضای تکه تکه را فراهم می آورند و این جسد های خون آلود را می پوشانند و در زمین طف بر قبر پدرت سیدالشهدا علیه السلام علامتی نصب می شود که تا قیام قیامت باقی است و محو نخواهد شد و هرچند ستم کاران و کفار و گمراهان بخواهند آن را کهنه و مندرس کنند و از بین ببرند نخواهند نتوانست) و به قول قرآن:

(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (۲)

ص: ۸

۱- زیارت جامعه ی کبیره

۲- سوره ی توبه آیه ی ۳۲

و واقعاً مضحک است که کسی بخواهد نور آفتاب را با فوت دهان خاموش کند، تا چه رسد به این که بخواهد نور خدا [پیغمبر و آل اطهرش صلی الله علیه و آله و سلم] را خاموش کند.

لذا بنا بر تکلیف و توصیه ی بعضی از دوستان، ما را بر آن داشت که کتابی به نام طهارت عصمت کبری، حضرت صدیقه ی کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام به رشته ی تحریر درآوریم. البته کتاب های زیادی راجع به حضرت زهرا علیها السلام در همه ی ابعاد زندگی آن بزرگوار، چه از طریق شیعه و چه از طریق عامه نوشته شده است، اما در خصوص طهارت آن حضرت کمتر نوشته شده است.

ان شاء الله به استعانت از پروردگار متعال و توجه خاصه ی حضرت زهرا ی مرضیه علیها السلام و لطف حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف از کتب خاصه و عامه مطالب ارزنده ای در این کتاب خواهیم آورد و در خدمت علاقمندان به ساحت قدسیه ی آن حضرت قرار می دهیم تا قطره ای از فضایل بی کران حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام را مورد مطالعه قرار دهند و در پایان این کمترین بنده، امیدوارم که خدای تبارک و تعالی و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و بی بی دو عالم حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام و فرزند برومندش حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف مرا در این امر کمک و یاری دهند و این کتاب مورد رضایت آنان قرار گیرد ان شاء الله.

دوشنبه ۲۷/ربیع الاول ۱۴۲۸

فیض الله ویسی

ص: ۹

موضوع اول: معنای لغوی عصمت

اشاره

ص: ۱۱

کلمه ی عصمت به معنای منع، بازداشتن، نگاهداری نفس از گناه، قلابه ی گردن، آن ملکه ی اجتناب از معاصی و حافظت، که در نمایندگان پروردگار وجود دارد. (۱)

عَصَمَ: الْعَصَمَ الْإِمْسَاكَ وَالْإِعْتِصَامَ الْإِسْتِمْسَاكَ.

عصمت به معنی امساک و بازداشتن است و اعتصام یعنی چنگ زدن به چیزی. اِسْتَمْسَكَ به: چنگ به آن زد و تعلق یافت.

در حکایت پسر نوح علیه السلام قرآن می فرماید:

«لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ» (۲)

ای پسر امروز نگهدارنده ای نیست که تو را از عذاب پروردگار نجات دهد. یعنی چیزی نیست که انسان به او چنگ بزند و از عذاب خدا، خود را برهاند مگر لطف و رحمت او... (۳)

خلاصه معنی عصمت یعنی چیزی که انسان را از گناه و کار خلاف نگهداری و حفظ نماید و باز دارد. اعتصام یعنی دست انداختن به چیزی و چنگ زدن، خود را از گناه و خطا و خطر بازداشتن. یعنی نیروی کنترل کننده ی نفس از گناهان و خطایا و لغزش ها، معصوم (اسم مفعول)، به معنی بازداشته شده از گناه، کسی که در عمر خود گناه نکرده باشد.

اما اصطلاحاً عصمت، محفوظ بودن معصوم، پیامبر یا امام از تمام خطاها و گناهان و لغزش هاست چه ظاهری و چه باطنی و معنوی.

ص: ۱۲

۱- عَصَمَ الرَّجُلُ عَصَمًا: کسب کرد. عَصَمَ الشَّيْءَ عِصْمَهُ: بازداشت آن را. عَصَمَ اللَّهُ فُلَانًا مِنَ الْمَكْرُوهِ: خداوند او را حفظ کرد و بازداشت. اِعْتَصَمَ بِهِ: به آن چنگ زد. اِعْتَصَمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ: به ریسمان خدا چنگ بزنید. اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ: به امید لطف پروردگار از گناه کناره گیری کرد. اِعْتَصَمَ مِنَ الشَّرِّ: از بدی امتناع کرد. اِعْتِصَامٌ: چنگ زدن. اَعِصِمَهُ جَمْعُ عِصَامٍ: بند مشک، سرمه، جای باریک، یک طرف، دم ریسمان، محمل که بر پشت شتر ببندند تا عقب نرود. عِصَامٌ جَمْعُ عِصَمٍ: دسته آوند که بدان آویزند.

فرهنگ جامع

۲- سوره ی هود آیه ی ۴۳

۳- مفردات راغب

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً» (۱)

«خداوند چنین خواسته است و اراده اش بر این شده است که رجس و هر آلودگی و آلائش را از شما خانواده ی نبوت دور سازد و شما را از هر عیب و نقص پاک و منزّه گرداند».

یعنی از اول خداوند با اراده ی تکوینی خود، شما خانواده را پاک و منزّه گرداند. نه اینکه نعوذ بالله گناهی بوده و حال بخواهد رفع کند. اصلاً عیب و گناه و رجسی نبوده است و اراده ی الهی بر این شد که شما را از هر آلودگی، پاک نگهدارد.

در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُفْرَبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصِطَفُونَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِ الْعَامِلُونَ بِإِزَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ.

یعنی گواهی می دهیم که شما خاندان نبوت، پیشوایان، راه یافته شدگان، هدایت شدگان، نگاهداشته شدگان، گرامی شدگان، مقربین درگاه خداوند، پرهیز کنندگان، راستگویان، برگزیده شدگان، فرمان بردار خدای متعال به فرمان او، عمل کنندگان به اراده ی او، رستگاران به کرامت او می باشید.

و در قسمت دیگر این زیارت می خوانیم:

عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ أَمَنَكُمُ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمُ مِنَ الدَّنَسِ وَ أذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكُمُ تَطْهِيراً.

خداوند شما را از لغزش نگاهداشت و شما را از آشوب و فتنه ایمن داشت و شما را از چرک گناه پاک داشت و از شما پلیدی را دور کرد و پاکیزه نمود شما را پاکیزه داشتنی.

ص: ۱۳

در مورد معنای معصوم از امام صادق علیه السلام پرسیده شد و حضرت در جواب چنین فرمودند:

الْمَعْصُومُ هُوَ الْمُتَمَنِّعُ بِاللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَقَدْ قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: معصوم کسی است که از جوانب خداوند (و به امر پروردگار) از جمیع گناهان بازداشته شده و خداوند در این باره می فرماید: و هر کس به دین خدا چنگ زند، پس به حقیقت به راه راست هدایت شده است. (۲)

به طور کلی علت معصوم بودن پیامبران یا ائمه هدی علیهم السلام آیا صرفاً بر موهبت مخصوص الهی است یا خودشان این حالت را در پرتو اعمالشان تحصیل می کردند؟

باید گفت: معصوم بودن پیامبران الهی و دور بودن از گناه و خطا و اشتباه و سهو، از کمالات معنوی و روحی پیامبران سرچشمه می گرفت. تردیدی نیست که منشأ اعمال خوب یا بد انسان حالات روحی و معنوی اوست. حالات روحی و پلیدی هایی همچون جهل، عدم عقیده به مبدأ و معاد، طغیان تمایلات سرکش و مانند این ها، منشأ گناه و انحراف و آلودگی می گردد. همان طور که علو دانش، ایمان، اعتدال تمایلات و نیروی پرهیزکاری انسان را از گناه و آلودگی باز می دارد و منشأ یک سلسله اعمال نیک و انسانی می گردد.

پیامبران از نظر روحی و معنوی از نیروی ایمان فوق العاده ای و علم و دانش سرشار بهره مند بودند و بیش از هر چیز این دو عامل روحی بود که عوامل گناه و انحراف را در وجود آن ها محکوم نموده بود. وقتی یک انسان به زشتی گناه و عواقب وخیم آن نسبت به سعادت ابدی خود کاملاً آگاه باشد و از طرفی نیروی ایمان و پرهیزکاری در او به اندازه ای باشد که عوامل برونی و درونی گناه نتواند در وجود او مؤثر باشد، چنین فردی در هنگام عمل ممکن نیست مرتکب گناه شود.

ص: ۱۴

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۱

۲- معانی الاخبار / ۱۳۲

اگر گفته شود عصمت نیروی مرموزی است که به انسان در برابر هر نوع گناه و انحراف و خطا مصونیت می بخشد، بنابراین یک چنین فردی با توجه به این نیروی نهفته قادر به گناه نیست و سرانجام، پاکی و قداست آنان افتخاری نخواهد بود، پس در پاسخ باید گفت: مصونیت پیامبران در برابر گناه هرگز یک مصونیت غیر ارادی و غیر اختیاری نیست بلکه عصمت آنان از گناه کاملاً یک حالت ارادی و اختیاری است که سرچشمه ی آن علم و ایمان است.

توضیح این مطلب این است که عصمت و مصونیت در برابر گناه از شئون و لوازم علم و ایمان به فساد گناه است. البته این مطلب نه به این معنی است که هر نوع علم به لوازم گناه پدید آورنده ی مصونیت و عصمت می باشد، بلکه باید واقع نمایی علم به قدری شدید و نیرومند باشد که لوازم و آثار گناه آن چنان در نظر وی مجسم و روشن گردد که آن ها را با دیده ی دل موجود و محقق ببینند و در این موقع صدور گناه از وی به صورت یک محال عادی و نه محال عقلی در می آید. هر یک از ما در برابر یک سلسله اعمال خارجی که به قیمت جان ما تمام می شود یک نوع عصمت و مصونیت داریم و این نوع مصونیت زاییده ی علم ما به لوازم این گونه اعمال است.

مثلاً دو کشور متعاصم که با یک دیگر هم مرز می باشند و سربازان هر دو طرف با فاصله ای کوتاه به وسیله ی دوربین های صوتی و نورافکن های نیرومند مراقب اوضاع و امور مرزی و بالاخص عبور افراد به طرف افراد دیگر باشند، به طوری که یک گام تجاوز از خطوط مرزی باعث مرگ و کشته شدن قطعی افراد می گردد، در این صورت هیچ انسان عاقلی فکر عبور از آن مرز را در مغز خود نمی پرورد تا چه رسد که عملاً به آن اقدام کند. بنابراین نسبت به این عمل یک نوع عصمت دارد. اصلاً هر فرد عاقل و خردمندی در برابر زهر کشنده ای که نوشیدن آن به قیمت جان او تمام می شود و سیم بدون روکش که تماس با آن انسان را خشک و سیاه می سازد یا باقی مانده ی غذای بیمار مبتلا به مرض جذام و سل، با علم به اینکه

خوردن آن موجب سرایت بیماری های مزبور می گردد، یک نوع مصونیت و عصمت دارد، یعنی هرگز به هیچ قیمت این اعمال را انجام نمی دهد و صدور این اعمال از وی یک محال عادی می باشد و عامل این مصونیت همان تجسم لوازم این اعمال است. این لوازم آن چنان در نظر وی مجسم و محقق و از نظر دیده ی عقل آن چنان مسلم می باشد که در پرتو آن فکر به چنین کارها را در مغز نمی پروراند تا چه رسد که عملاً به این کار اقدام نماید.

البته درباره ی معصوم باید نظری بالاتر از حد اعلی کرد. چون ایمان و علم معصوم با ایمان و علم دیگران به مراتب فرق می کند. چون ایمان معصوم، به دلیل شناخت کامل خدا مسلماً در جایگاهی است که دیگران به آن راه نمی یابند. مثل همان حدیث معروف و مشهور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: یا علی! خدا را آن چنان که حق شناخت او باشد شناخت مگر من و تو و مرا کسی شناخت مگر خداوند و تو و تو را کسی شناخت مگر خداوند و من.

پس ایمان به خدا در میان بندگان درجات و مراتبی دارد. معصومین که از برگزیدگان می باشند با کسی قابل قیاس نیستند. یعنی نمی شود دیگران را با معصومین سنجید. خود حضرات معصومین نیز فرموده اند:

لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ

کسی را با ما نباید قیاس کرد.

اما علم اهل بیت هم که روشن است. علم مردم، اکتسابی و اجتهادی و با زحمت به دست می آید و خیلی از علوم آن ها نیز به واقع نمی رسد و بسیاری از علوم ایشان قابل خدشه و اشتباه و خطاست. چون از طریق میزان و وحی الهی به دست نیامده است، چرا که از ناحیه ی معصومین به دست نیامده است. اما علوم معصومین علیهم السلام علوم لدنی و افاضله از جانب پروردگار متعال است، لذا در عصمت انبیا علیهم السلام مخصوصاً وجود پر برکت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم چند شرط است:

۱- اینکه دارای عصمت باشند. یعنی از همه ی گناهان در همه ی عمر بری و پاک باشد. (البته پیامبر و امام فکر گناه را هم در ذهنشان خطور نمی دهند).

۲- از خطا و سهو و فراموش و اشتباه و شک مصون باشد. و این دو شرط را می توان تحت یک عنوان یعنی عصمت مطلقه ذکر کرد.

۳- به جمیع آن چه امت در امور دینی محتاج است علم و به زبان مردم آگاه باشند.

۴- جمیع اخلاق پسندیده را دارا و از همه ی اخلاق زشت مبرا و در جمیع کمالات نفسانی از همه ی افراد امت افضل و والاتر باشد. و این دو شرط را می توان تحت عنوان اکملیت جمع نمود (یعنی با این دو شرط دیگر کمال مطلق ائمه بیان می شود).

۵- باید نسب او پاک و جسمش شریف و بدنش از امراض خلقی و امراضی که موجب نفرت مردم است، مانند برص و جذام و امثال آن و همچنین زشتی صورت خالی باشد و به طور کلی باید از جمیع اموری که موجب تنفر مردم است منزّه باشد.

۶- باید علوم و کمالات وی موهبتی باشد، یعنی از راه های عادی تحصیل و اکتساب نکرده باشد.

۷- دارای معجزه یا یک دلیل قطعی باشد. مثل این که پیغمبری که نبوت او ثابت یا معصومی که عصمت وی مسلم باشد بر نبوت او خبر دهد.

دلیل لزوم عصمت پیغمبران از گناهان چیست؟

دلیل اول بر عصمت پیامبران این است که پیغمبر انسان کاملی است که خداوند برای تکمیل بشر و راهنمایی آنان به طریق ثواب و سداد و راه معرفت و اطاعت و احتراز از عصمت و دارا نمودن آنان با آنچه صلاح دنیا و آخرت است و بازداشتن آنان از آنچه موجب زیان هر دو عالم می باشد و بیدار کردن آن ها از خواب غفلت و رها نمودنشان از قید هوی و هوس و شهوت و بالجمله برای برخوردار نمودن بشر از سعادت دنیا و آخرت مبعوث می گرداند. بنابراین اگر گناه یا فعل قبیح و خلاف شریعت از پیغمبر یا امام صادر شود نقض غرض لازم آید، زیرا که معصوم مجری

قانون الهی است اگر خودش به قوانین عمل نکند، نمی تواند از سایرین جلوگیری نماید و مخالفتش با قانون موجب جرئت دیگران بر نافرمانی بلکه عذر آن ها می شود و از این جهت گفته شده است:

إِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ

هر گاه دانشمندی فاسد شد دنیایی فاسد می شود.

دلیل دوم بر لزوم عصمت این است که معصوم بودن پیغمبر یا امام بدون شك دارای مصلحت برای امت و خالی از هر مفسده است. بنابراین به مقتضای عدل بر خداوند متعال لازم است که پیغمبر یا امام را معصوم قرار دهند برای اینکه صدور فعلی که دارای مصلحت و خالی از مفسده باشد بر خداوند کریم لازم است زیرا در سرکشی مفسده می باشد.

دلیل سوم آیه ی شریفه ی:

«وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۱)

یاد کن وقتی را که پروردگارش ابراهیم را با کلماتی امتحان کرد (ذبح و قربانی اسماعیل علیه السلام و مطیع بودن در امر و دستور پروردگار) پس ابراهیم آن ها را به اتمام رسانید (تمام امتحانات را با موفقیت پشت سر گذاشت) خداوند فرمود: تو را پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: ذریه ی من را نیز پیشوا قرار ده. خداوند گفت: عهد من به ستم کاران نمی رسد.

وجه استدلال به ای آیه این است که وقتی خداوند متعال منصب امامت و پیشوایی مردم را به حضرت ابراهیم علیه السلام عنایت فرمود، عرض کرد: این منصب را به ذریه و اولاد من نیز مرحمت فرمای. خداوند فرمود: ظالمین و ستم کاران به عهد من (پیشوایی مردم) نایل نخواهند شد.

ص: ۱۸

ظلم عبارت است از ظلم به نفس و ظلم به غیر و هر معصیتی هر چند کوچک باشد ظلم به نفس است و بر مرتکب شونده ی آن اطلاق ظالم می شود. چنانچه در آیات و اخبار زیادی به گناهکار اطلاق ظالم و ستم کار شده است.

مثل این آیه ی شریفه:

«وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» (۱)

ما به ایشان ستم نکردیم بلکه خودشان به خویشان ستم نمودند.

بنابراین کسی قابلیت پیشوایی مردم را دارد که از جمیع اقسام ظلم منزّه باشد یعنی از هر گناهی پاک بوده و دامنش به هیچ معصیتی آلوده نباشد. و مراد از عصمت نیز همین معنی است. البته تنها گناه نیست و ممکن است بعضی از اولیاء الله و تالی تلو معصوم حتی یک مکروه هم انجام نداده باشند، اما این ها برای عصمت کافی نیست، علاوه بر این حکمت و مصلحت و مشیت و اراده ی خداوند متعال هم مداخلت دارد.

البته اعتقاد ما بر این است که نصب و تعیین امامت و انتخاب او همه به دست خود پروردگار متعال است و دست هیچ کس از مخلوقین نیست. چه پیامبران، چه فرشتگان و چه مردم. زیرا اگر غیر از این باشد شخص انتخاب شده نه پیامبر است و نه امام، بلکه ستم کاران و ظالمان بر مردم مسلط می شوند که تاریخ مملو از این نمونه هاست. حکایت سقیفه ی بنی ساعده و خلفای بنی امیه و بنی عباس از مصادیق اتم و اکمل آن می باشد.

فلسفه ی عصمت انبیا علیهم السلام از زبان حضرت رضا علیه السلام

ابوصلت هروی گوید: مأمون عباسی علمای فرق مختلف اسلامی و نیز علمای یهود و نصاری و مجوس و صابئین (۲) و سایر اهل علم و کلام را نزد حضرت رضا علیه السلام گرد آورد و هر کس از جای برخاسته و سخنی گفت و جواب قاطعی گرفت و ساکت ماند. در آخر کار، علی بن محمد بن جهم برخاست و گفت: یابن رسول الله! آیا شما

ص: ۱۹

۱- سوره ی هود آیه ی ۱۰۱

۲- فرقه ی مذهبی که آن ها را مشرک یا ستاره پرست و یا بت پرست می دانند

قائل به عصمت انبیا هستید؟ حضرت فرمودند: بله قائلم. وی گفت: پس در مورد این آیه چه می گوئید:

«وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» سوره ی طه آیه ی ۱۲۱

آدم پروردگار خود را نافرمانی کرد و بی راهه رفت.

و آیه ی:

«وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» سوره ی انبیا آیه ی ۸۷

و یونس با خشم قوم خود را ترک کرد و مطمئن بود که ما بر او سخت نخواهیم گرفت.

و در مورد حضرت یوسف علیه السلام فرموده است:

«وَ لَقَدْ هَمَمْتُ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا» سوره ی یوسف آیه ی ۲۴

زلیخا قصد یوسف کرد و یوسف نیز قصد او.

و درباره ی حضرت داوود علیه السلام فرموده است:

«وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ» سوره ی ص آیه ی ۲۴

داود فهمید که ما او را آزمایش کرده ایم.

و درباره ی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«وَ تُخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ» سوره ی احزاب آیه ی ۳۷

در خود چیزی پنهان می کنی که خدا آن را آشکار خواهد کرد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: ای وای بیچاره. علی بن جهم از خدا بترس و زشتی ها را به انبیای خدا نسبت نده و کتاب خدا را با رأی خودت تأویل و تفسیر نکن. خداوند فرموده است:

«وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» سوره ی آل عمران آیه ی ۷

تأویل آن را جز خدا و راسخون در علم نمی دانند.

برخاست تا پرنده را بگیرد، پرنده به حیاط رفت. داوود هم به دنبالش از اطاق خارج شد. پرنده به پشت بام رفت و از آن جا به داخل حیاط خانه ی اوریا بن حنان پرید. داوود علیه السلام با نگاه خود پرنده را دنبال کرد و در این جا چشمش به همسر اوریا که مشغول غسل بود، افتاد و به او علاقمند شد. از طرفی قبلاً اوریا را به جنگ فرستاده بود. داوود به فرماندهی لشکر نامه ای نوشت که اوریا را جلوتر از تابوت عهد(۱) بفرست، فرمانده نیز چنین کرد، اوریا بر مشرکین پیروز شد و این مطلب بر داوود خیلی گران آمد، لذا مجدداً نامه ای نوشت و دستور داد تا او را جلوتر از تابوت بفرستند، فرمانده نیز این بار اوریا را جلوتر فرستاد و اوریا کشته شد و داوود با همسر او ازدواج کرد.

راوی می گوید: حضرت با دست بر پیشانی خود زدند و فرمودند:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»(۲)

شما به پیامبری از پیامبران خدا تهاون و سبک شمردن نماز را نسبت دادید به گونه ای که می گوئید نماز را رها کرده به دنبال پرنده ای رفت. سپس او را به فاحشه (عمل منافی عفت) و قتل نسبت دادید. او گفت: یا بن رسول الله! پس خطای داوود چه بوده است که به خاطر آن استغفار کرد؟

امام فرمود: ای بینوا! داوود گمان کرد خداوند کسی را داناتر از او خلق نکرده است. لذا خداوند دو فرشته را به سوی او فرستاد و آنان از دیوار محراب بالا-رفته و در مقابل داوود حاضر گشتند و گفتند: ما دو نفر با هم اختلاف داریم و یکی از ما بر دیگری ظلم کرده است. به حق بین ما حکم کن و خلاف حق نگو و ما را به راه راست راهنمایی کن. این برادر من است و ۹۹ گوسفند دارد و من فقط یک گوسفند

۲۲

۱- در قرآن کریم سوره ی بقره آیه ی ۲۵۰ به تابوت بنی اسرائیل اشاره شده است. این تابوت صندوقی بوده است که مادر حضرت موسی علیه السلام او را در آن نهاده و آن حضرت نیز در هنگام وفات الواح، لباس و نشانه های نبوت را در آن نهاده و به جناب یوشع بن نون علیه السلام وصی و جانشین خود داد و بنی اسرائیل به این صندوق تبرک می جستند. و نیز گویند حضرت موسی علیه السلام در هنگام حرکت تابوت را جلوی افراد قرار می داد. هر که جلوتر از تابوت می رفت یا کشته می شد یا پیروز می گردید.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۵۶

دارم و با این حال به من گفته است آن یکی را هم به من بسپار و در این بحث و گفت و گو من حریف او نشدم. (۱)

داوود علیه السلام عجله کرد و بر علیه مدعی علیه حکم داده و چنین گفت:

«لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ» سوره ی ص آیه ی ۲۴

با این درخواست به تو ظلم کرده است.

و از مدعی دلیل و شاهی بر مدعیان نطلبید و حال آن که قاضی باید از شخص مدعی دلیل و شاهد بخواهد، و حتی به مدعی علیه هم نگفت که تو چه می گویی؟ این خطا، خطای راه و رسم داوری بود نه آن خطایی که شما معتقد هستید. آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید:

«يَا دَاوُدَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ» سوره ی ص آیه ی ۲۶

ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم. در بین مردم به حق حکم کن و از هوای نفس پیروی نکن.

او سؤال کرد: پس قضیه ی او با اوریا چه بوده است؟

حضرت فرمودند: در دوران حضرت داوود علیه السلام حکم خدا چنین بود که هر گاه زنی شوهرش می مرد یا کشته می شد، بعد از او هرگز ازدواج نمی کرد و اولین کسی که خداوند برایش مباح کرد که با زنی که شوهرش کشته شده ازدواج کند داوود علیه السلام بود. آن حضرت هم پس از کشته شدن اوریا و تمام شدن عده ی همسرش با آن زن ازدواج کرد. و این همان چیزی است که در مورد اوریا بر مردم گران آمد.

و اما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و این آیه که می فرماید:

«وَتُخْفَىٰ فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (۲)

ص: ۲۳

۱- سوره ی ص آیات ۲۲ و ۲۳

۲- سوره ی احزاب آیه ی ۳۷

در دل خویش چیزی را پنهان می کنی که خداوند آن را آشکار خواهد کرد و از مردم می ترسی و حال آنکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسی.

خداوند اسامی همسران آن حضرت در دنیا و همسرانش در آخرت را به اطلاع آن حضرت رساند و نیز اعلام کرد که آنان ام المؤمنین هستند. یکی از آنان زینب دختر جحش بود که در آن ایام همسر زید بن حارثه بود. حضرت نام او را در دل نهران فرمود و آشکار نکرد تا مبدا منافقین بگویند: او زن شوهر داری را یکی از همسران خود می داند و از این گفته ی احتمالی ترسیدند. لذا خداوند فرمود:

وَ تَخَشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ يَعْنِي در دل از این گفته بیم داری و خداوند عزوجل هیچ زوجی را، عهده دار عقدشان نبوده است جز آدم علیه السلام و حوا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و زینب که این آیه قرآن هم به همین عقد اشاره دارد.

«فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَ طَرَأَ زَوْجَانِهَا» (۱)

و آن گاه که زید کام خویش را از او برگرفت و طلاقش داد او را به عقد تو در آوردیم.

راوی گوید: علی بن محمد جهم گریست و گفت: یابن رسول الله! من توبه می کنم از این که از این به بعد درباره ی انبیای خدا به غیر از آنچه شما گفتید سخنی بگویم.

پس به طور خلاصه می توان گفت، معصوم دارای یک نوع شایستگی اکتسابی از طریق اعمال خویش است. یک نوع لیاقت ذاتی و موهبتی از سوی پروردگار دارند تا بتوانند الگو و اسوه ی مردم بوده و باشند و به تعبیر دیگر می توان گفت: معصومین علیهم السلام به خاطر تأییدات الهی و اعمال پاک خویش، چنان هستند که در عین دانش و قدرت و اختیار برای گناه کردن به سراغ گناه نمی روند. درست همانگونه که هیچ فرد عاقلی حاضر نیست قطعه ی آتشی را بردارد و به دهان خویش بگذارد با اینکه نه اجباری در این کار است و نه اکراهی. این حالتی است که از درون وجود خود انسان بر اثر آگاهی ها و مبادی فطری و طبیعی می جوشد بی آنکه جبری در کار باشد. (۲)

ص: ۲۴

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۷

۲- امالی شیخ صدوق ۹۰ / ۹۳

مرحوم شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات چنین می گوید:

اعْتِقَادُنَا فِي الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَأَنَّهُمْ لَا يُذْتَبُونَ ذَنْبًا صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (۱)

وَمَنْ نَفَى الْعِصْمَةَ عَنْهُمْ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِمْ فَصَدَّ جَهْلَهُمْ وَاعْتِقَادُنَا فِيهِمْ أَلَمْ يُصَوِّفُونَ بِالْكَمَالِ وَالْتِمَامِ وَالْعِلْمِ مِنْ أَوَائِلِ أُمُورِهِمْ إِلَى آخِرِهَا لَا يُوصَفُونَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِمْ بِنَقْصٍ وَلَا عِصْيَانٍ وَلَا جَهْلٍ. (۲)

یعنی: عقیده ی شیعه این است که انبیا و رسولان و امامان و ملائکه علیهم السلام از هر دنس (چرک و پلیدی ظاهری و معنوی) معصوم و پاکند و آنان به هیچ وجه گناه، چه صغیره یا کبیره انجام نمی دهند و قرآن در بیان صفت ملائکه می فرماید: «فرشتگانی دل سخت مأمورند، که هرگز نافرمانی خدا را نمی کنند و آنچه به آن ها حکم شود فوراً انجام دهند».

کسی که عصمت را از آنان نفی کند، در این صورت آنان را جاهل قرار داده است و اعتقاد ما در مورد آنان این است که متصف به صفات کمال و تمام (صفات پسندیده) می باشند و علم از امور اولیه و آخرشان است. (زیرا اگر علم به اوضاع مخلوقات، مردم، احوالشان و مصالح دینشان نداشته باشند معصوم نیستند. و علم از علائم اولیه ی عصمتشان می باشد). حجت خداوند بر مردم هستند و به هیچ وجه متصف به نقص و عسیان و جهل و نادانی نمی شوند، بلکه منزّه از این صفات هستند و دارای صفات کمالند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: ما اهل بیت علیهم السلام کمال و تمام دین را به وراثت کسب کرده ایم. (۳)

ص: ۲۵

۱- سوره ی تحریم آیه ی ۶

۲- الاعتقادات / ۳۰۴

۳- پاورقی الاعتقادات / ۳۰۶

مرحوم شیخ مفید رحمه الله سخن می فرماید: عصمت از جانب خداوند بر حجت هایش یک توفیق و لطف و اعتصام از آلوده شدن به گناهان و غلط و اشتباه در دین خداوند می باشند و عصمت خود تفضلی از جانب باری تعالی می باشد که مانع از قدرت بر قبیح و عمل زشت و این یک چیزی است که وقتی خداوند به بنده ی خاص و صالح خود می دهد می داند که معصیت در او اثر و نقشی ندارد. یعنی مرتکب گناه و عصیان هرگز نمی شود (با اینکه قدرت بر گناه هم دارد).

البته همه ی مخلوقین عصمت ندارند، بلکه فقط افرادی که از میان خلق با این صفات عالیه که در وجودشان می باشد برگزیده شده اند دارا می باشند. این گونه افراد که حق تعالی در حقشان می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى...» سوره ی انبیا آیه ی ۱۰۱

به درستی مؤمنان، کسانی که وعده ی نیکو و توفیق طاعت بر آن ها سبقت گرفته ...

«وَلَقَدْ اخْتَرْنَاَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ» سوره ی دخان آیه ی ۳۲

به درستی که ایشان را برگزیدیم در حالی که به برگزیده شدن ایشان بر دیگران عالم و دانا بودیم.

«وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ» سوره ص آیه ی ۴۷

یعنی به درستی که ایشان در نزد ما از برگزیدگان و خوبان هستند.

و انبیا و ائمه از کبائر و صغائر معصومند و در امور مستحبات تقصیر و کوتاهی عمدی ندارند. حال به هر علتی یا به خاطر گرفتاری و زحماتی که در امر ارشاد مردم و امور زندگی و عبادات طاقت فرسا و ... دارند اما باز هم جایز نیست که واجبات را ترک کنند. البته نبی مکرم ما صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی هدی علیهم السلام بعد از انبیا چنین نیستند و نه تنها واجبات، بلکه مستحبات را نیز انجام می دهند. در هیچ حالتی غافل نیستند و تمام امور را مواظبند. واجبات و مستحبات که سهل است حتی یک ترک اولی نیز در زندگیشان ندارند. (۱)

ص: ۲۶

۱- رجوع شود به کتاب اعتقادات مجلسی، بحث عصمت پیامبران، امامان و ملائکه، صفحه ۲۷۸-۲۹۸، انتشارات: دلیل ما-

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه ای به عثمان بن حنیف انصاری که فرماندار بصره بود چنین می نویسد: اما بعد، ای پسر حنیف! به من گزارش داده شده که مردی از متمکنان اهل بصره تو را به خوان میهمانی دعوت کرده و تو به سرعت به سوی آن شتافته ای، در حالی که طعام های رنگارنگ و ظرف های بزرگ غذا یکی بعد از دیگری پیش تو قرار داده می شد. من گمان نمی کردم تو دعوت جمعیتی را قبول کنی که نیازمندان از آن ممنوع (و محروم) و ثروتمندان به آن دعوت می شوند.

به آنچه می خوری بنگر، (آیا حلال است یا حرام؟) آنگاه آنچه حلال بودنش برای تو مشتبه بود از دهان بینداز و آنچه را یقین به پاکیزگی و حلیتش داری تناول کن.

آگاه باش! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانشش بهره گیرد. بدان امام شما از دنیایش به همین دو جامه ی کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است. آگاه باش! شما توانایی آن را ندارید که چنین باشید اما مرا با ورع، تلاش، عفت، پاکی و پیمودن راه صحیح یاری دهید. به خدا سوگند من از دنیای شما طلا و نقره ای نیندوخته ام و از غنائم و ثروت های آن مالی ذخیره نکرده ام و برای این لباس کهنه ام بدلی مهیا نساخته ام و از زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته ام و از این دنیا پیش از خوراک مختصر و ناچیزی نگرفته ام. این دنیا در چشم من بی ارزش و خوارتر از دانه ی تلخی است که بر شاخه ی درخت بلوطی بروید. آری! از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکنده تنها فدک در اختیار ما بود که آن هم گروهی بر آن بخل و حسادت ورزیدند و گروهی دیگر آن را سخاوتمندانه رها کردند و از دست ما خارج شد و بهترین حاکم خداوند است.

مرا با فدک و غیر فدک چه کار؟ در حالی که جایگاه فردای هر کس قبر اوست که در تاریکی آن آثارش محو و اخبارش ناپدید می شود. قبر حفره ای است که هر چه بر وسعت آن افزوده شود و دست حفر کننده بازتر باشد، سرانجام سنگ و کلوخ آن را پر می کند و جاهای خالی آن را خاک های انباشته مسدود می نماید. من نفس سرکش را با تقوی تمرین می دهم و رام می سازم، تا در آن روز بزرگ و خوفناک که

وارد صحنه ی قیامت شود و همه در آنجا می لغزند او ثابت و بی تزلزل بماند. من اگر می خواستم می توانستم از عسل مصفا و مغز گندم و بافته های این ابریشم برای خود خوراک و لباس تهیه کنم، اما هیهات که هوا و هوس بر من غلبه کند و حرص مرا وادار کند تا طعام های لذیذ را برگزینم در حالی که ممکن است در سرزمین حجاز و یا یمامه کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان را هم نداشته باشد و نه هرگز شکمی سیر خورده باشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالی که در اطرافم شکم های گرسنه و کبدهای سوزانی باشند. (۱)

مقام راضی بودن حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خانه ی فاطمه ی زهرا علیها السلام آمد دید که گلیمی از پشم شتر پوشیده و به دست مبارک خود آرد خمیر می کند. با آسیای دستی گندم یا جو خورد می کند و دست های ایشان در اثر زحمت زیاد پینه زده و زخم شده است و فرزند خود را شیر می دهد. آب از چشم مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روان شد و فرمود:

يَا بِنْتَاهُ! تَعَجَّلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحَلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» سوره ی ضحی آیه ی ۵

دخترم! برای تلخی و سختی دنیا عجله کن تا به شیرینی آخرت برسی. حق سبحانه این آیه را بر من نازل گردانیده «به زودی پروردگارت آنقدر به تو عطا کند تا راضی شوی». (۲)

چند روایت در مورد فضیلت حضرت زهرا علیها السلام از طریق عامه

۱- عمر بن خطاب گوید: روزی بر فاطمه دختر رسول خدا وارد شدم و گفتم: ای فاطمه! بعد از رسول الله کسی در میان مردم، نزد من عزیزتر از تو نیست. (۳)

ص: ۲۸

۱- نهج البلاغه نامه ی ۴۵

۲- منهج الصادقین ۱۰ / ۲۷۳

۳- مقتل الحسین خوارزمی / ۹۹

۲- امام حسین علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه شادمانی قلب از است و پسران او میوه ی دل من و شوهرش نور چشمان من است، و ائمه ی بعد از فرزندان آن حضرت، امینان من بر خلق هستند و آن حضرت ریسمانی کشیده است بین خداوند و خلقش. کسی که چنگک به این ریسمان بزند اهل نجات است و هر که تخلف کند نابود خواهد شد. (۱)

۳- ابی ایوب نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که در آخر عمر بیمار شد، فاطمه علیها السلام به عیادت آن حضرت رفت. وقتی به آن وضع، پدر را دید که ضعف و ناتوانی بر او مسلط شده بود، گریه کرد و اشک ها بر صورتش جاری شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای فاطمه! کرامت خداوند شامل تو و شوهرت شده است. کسی که از نظر اسلام، مقدم است و از نظر علم، عالم تر و از نظر حلم، بزرگ تر است. خداوند متعال نظری به اهل زمین افکند، پس مرا اختیار و انتخاب نمود و مرا نبی مرسل مبعوث گردانید. سپس نظری انداخت و شوهرت را برگزید. پس به من وحی نمود تا تو را به ازدواج علی در بیاورم و دستور داد که علی را وصی خود کنم. (۲)

۴- ابن عباس گوید: رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دخترم فاطمه، حوراء آدمی (فرشته ای در قالب انسان) است. هرگز مبتلا به عادت زنانه نخواهد شد و همانا فاطمه نام گذاری شده، زیرا خداوند فاطمه و محبین آن حضرت را از جهنم و آتش قطع نموده. (۳)

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من درخت (اصل و ریشه ی درخت نبوت) هستم و فاطمه علیها السلام فرع و شاخه ی اوست و علی علیه السلام لقاح و بارورنده ی اوست و حسن و حسین علیهما السلام میوه های آن و شیعیان برگ هایش می باشند. پس این درخت اصلش، در

ص: ۲۹

۱- همان

۲- مناقب خوارزمی / ۱۱۲

۳- فضائل الخمسه ۳ / ۱۵۳ به نقل از تاریخ بغداد ۱۲ / ۳۳۱

بهشت عدن و دارای اصل و فرع و لقاح و ثمر و ورق است. (در بهشت نبوت، ولایت، امامت، و افراد متمسک به آن ها در بهشتند). (۱)

۶- سعید خدری گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» فرمودند:

در مورد پنج تن نازل شد: در حق من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام. (۲)

۷- عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْأَشَقْرِ قَالَ: قُلْتُ لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ مَا مَعْنَى قَوْلِكُمْ إِنَّ الْأِمَامَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا فَقَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ الْمَعْصُومُ هُوَ الْمُتَمَتِّعُ بِاللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۳)

راوی گوید: از هشام بن حکم پرسیدم: معنای اینکه شما می گوید امام باید معصوم باشد چیست؟ گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد این حدیث پرسیدم، حضرت فرمودند: معصوم آن کسی است که از جمیع حرام های الهی ممتنع و بازدارنده (نفس خویش) است. و خداوند می فرماید: کسی که به دین اسلام چنگ زند حقیقتاً به راه راست رفته است. (یعنی مردم باید از امام معصوم پیروی کنند تا به هدف اصلی و نهایی برسند). (۴)

۸- قال علی علیه السلام: مِنَ الْعِصْمَةِ تَعَدُّرُ الْمَعَاصِي.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: دست نیافتن به گناه نوعی از عصمت است. (۵)

ص: ۳۰

۱- مقتل الحسين ۱/ ۱۰۲

۲- فرائد المسطين ۲/ ۱۰

۳- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۱

۴- معانی الاخبار باب معنی عصمه الامام

۵- حکمت ۳۴۵ نهج البلاغه

۱- عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ لَا ذُنُوبَ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: انبیا و اوصیا به هیچ وجه گناه ندارند زیرا که ایشان معصوم و پاکند. (۱)

۲- قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَنَّهُمْ طَهَّرُوا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ وَسَخٍ.

امام رضا علیه السلام فرمودند: زیرا آنان (آل محمد علیهم السلام) از هر کثیف و پلیدی پاک شده اند. (۲)

۳- عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ: ... وَ أَعْصَى مَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ صَیْغِرِهَا وَ كَبِیْرِهَا لَمْ تُصِبْ بِهِ فِتْرَةٌ وَ لَا جَاهِلِيَّةٌ وَ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي كُلِّ زَمَانٍ قَائِمٌ يَهْدِيهِ الصَّفَهَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ...

هشام بن حکم (در مورد صفات امام علیه السلام) چنین می گوید: باید از (همه ی مردم جهان) در برابر گناهان چه گناه کوچک و چه بزرگ پاک تر و معصوم تر باشند و سستی و جاهلیت (که بعضی از نظر اخلاقی و اعتقادی در زمان جاهلیت به آن آلوده بودند) به او راه نیابد و ناچار باید در هر زمانی دارای این صفات (عالم ترین مردم، نیکوترین مردم از نظر خلق و خلق و با سخاوت ترین مردم، شجاع ترین مردم، عقیف ترین مردم و معصوم و پاک از گناهان) تا زمان قیامت باشند. (۳)

۴- عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْإِمَامُ مِنَّا لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا... (۴)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: امام از خاندان ما نیست مگر اینکه معصوم باشد.

ص: ۳۱

۱- پاورقی الاعتقادات صدوق / ۳۰۴

۲- عیون الاخبار / ۱ / ۴۹۲

۳- علل الشرایع جزء دوم / ۱ ب ۱۵۵

۴- معانی الاخبار / ۱۳۲ باب عصمت امام

۵- عن ابی عبدالله علیه السلام نَحْنُ خَزَانُ عِلْمِ اللَّهِ نَحْنُ تَرَاجِمُهُ أَمْرُ اللَّهِ نَحْنُ قَوْمُ مَعْصُومُونَ. أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِطَاعَتِنَا وَ نَهَى عَنِ مَعْصِيَتِنَا نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ فَوْقَ الْأَرْضِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: ما خزانه دار علم خداييم. ما مترجم امر خداييم. ما مردمي معصوم هستيم. خدای تبارک و تعالی مردم را به فرمان برداری از ما امر فرموده و از نافرمانی ما نهی نموده است. ما حجت رساییم بر هر که زیر آسمان و روی زمین است.

۶- عن الرضا علیه السلام قال: الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الدَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ... (۲)

امام رضا علیه السلام فرمودند: امام امین خداست در میان خلقش و حجت اوست بر بندگانش و خلیفه ی اوست در بلادش و دعوت کننده به سوی او و دفاع کننده از حقوق او است. امام از گناهان پاک و از عیب ها برکنار است.

علامه ی مجلسی رحمه الله در عین الحیوه در مورد عصمت امام چنین می فرماید: فرقه ی ناجیه ی امامیه اعتقادشان این است که امام باید از اول تا آخر عمر از جمیع گناهان صغیره و کبیره معصوم باشد و اهل سنت چون می دانند که هر گاه عصمت شرط امامت باشد، حقیقت امامت خلفای ایشان بر هم می خورد، می گویند عصمت در امامت شرط نیست و بر بطلان این قول دلایل عقلی و سمعی (روایات) بسیار است و بر صاحب عقل سلیم پوشیده نیست که شخصی که واجب الاطاعه است و همه ی امور دین و دنیای امت به او وابسته است، باید در علم و عمل معصوم باشد. و إلا فواید مترتبه بر امامت آن طور که باید به ظهور نخواهد آمد و آن شخص غیر معصوم نیز به امام و راهنما محتاج است. و اگر شخص غیر معصوم امام شود، از

ص: ۳۲

۱- اصول کافی ۲/۱۲

۲- همان ۲/۲۸۷

امامت و فتاوايش خلل بسيارى در دين به وجود خواهد آمد، زيرا كه از فتاوى غلطش ممكن است بدعت ها منتشر گردد و احكام حقه ي دين متروك شود و مفساد بزرگى ظاهر مى شود كه به هيچ نحو اصلاح پذير نيست.

مثلاً اگر شخص غير معصوم در تعيين خليفه ي بعد از خود اشتباه كند به گمان اينكه قابليت خلافت و امامت را دارد و از او امورى بر خلاف امامت ديده شود، دين به فساد و تباهى كشيده مى شود. پس اگر امت متعرض او نشوند موجب انهدام دين است و اگر قصد بركناريش را داشته باشند منازعه و مشاجره اى بزرگ در ميان امت به وجود مى آيد كه حتى در اين ميان ضايع مى شود. چنانچه در واقعه ي كشتن عثمان و خروج عايشه و طلحه و زبير و معاويه و خوارج به ظهور آمد تا آنكه كار امامت و نيابت خدا و رسول به معاويه و يزيد و امثال آن ظالمان بى دين رسيد و آن ظلم ها را بر اهل بيت رسالت و مسلمانان و شيعيان كردند و هم چنين قبيح است كه امامى به آنچه كه مردم را به آن امر مى كند خودش عمل نكند و آنچه كه مردم را از آن نهى مى كند خودش انجام دهد. لذا حق تعالى در قرآن مرتب كسانى را كه اين چنين هستند توبيخ كرده است. همان طور كه فرموده است:

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (۱)

آيا مردم را به نيكي امر مى كنيد و خودتان را فراموش مى كنيد در حالى كه شما كتاب را تلاوت مى كنيد (داراى كتاب هستيد).

هم چنين خود مردم نيز از اطاعت چنين شخصى متنفر مى باشند. و فخر رازى در تفسير آيه ي اولى الامر آيه ي ۵۹ سوره ي نساء گفته است كه اين آيه دلالت مى كند بر عصمت و عدم جواز خطاى اولوالامر و الا لازم مى آيد كه هم امر به اطاعتشان شده باشد و هم نهى از اطاعتشان زيرا اگر دستورات حرام از جانب ايشان صادر شود حرام است كه آنان را اطاعت كرد.

ص: ۳۳

همچنین در تفسیر آیه ی:

«وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» سوره ی توبه آیه ی ۱۱۹

گفته است که مراد از صادقین معصومین می باشند و خدا در آیه ی تطهیر (آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب) از عصمتشان خبر داده و اکثر مفسرین در آیه ی:

«لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» سوره بقره آیه ی ۱۲۴

اعتراف کرده اند که این آیه دلالت بر عصمت امام دارد زیرا که خداوند متعال به حضرت ابراهیم وحی فرمود:

«إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» سوره ی بقره آیه ی ۱۲۴

تو را برای مردم امام گردانیدم. حضرت ابراهیم درخواست نمود که به بعضی از فرزندان من نیز این شرف را کرامت فرما، خطاب رسید که عهد امامت به ظالمان نمی رسد و هر فاسقی، بر نفس خویش ظلم می کند چنانچه خداوند مکرر فاسقان را به ظلم وصف فرموده است.

بدانکه احادیث از طریق عامه (اهل سنت) و خاصه (شیعیان) به حد تواتر رسیده و آیه ی تطهیر در شأن اهل بیت رسالت علیهم السلام نازل شده که آل عبا باشند و بر طبق احادیث ما جمیع ائمه علیهم السلام و داخل در این آیه هستند. (یعنی آیه ی عصمت شامل همه ی دوازده امام می شود و همه را در بر می گیرد، چون در وقت نزول آیه ی شریفه فقط پنج نفر از معصومین در دنیا حضور داشتند و بقیه بعد پا به عرصه ی حضور گذاشتند. پس آیه شامل همه ی چهارده معصوم علیهم السلام می شود).

و صاحب کشف (تفسیر زمخشری) که از متعصبین علمای اهل سنت است، در جریان مباحثه (آیه ی ۶۱ سوره آل عمران):

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»

هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره ی حضرت مسیح علیه السلام) به تو رسیده باز هم با تو به محاجه و ستیز برخیزند به آن ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم شما هم فرزندان خود را دعوت کنید. ما زنان خویش را دعوت می کنیم شما هم زنان خود را دعوت کنید. ما نفوس خود را دعوت می کنیم شما هم نفوس خود را دعوت کنید. آنگاه مباحله (و تضرع و دعا) برای نابودی باطل می کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم.

ذکر کرده است که چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نصارای نجران (ساکن مدینه) را به مباحله خواند، ایشان مهلت خواستند و چون با یکدیگر خلوت کردند، به پیشوای خود که صاحب رأی و نظر ایشان بود، گفتند: چه مصلحت می دانی؟ گفت: والله ای گروه نصاری! شما می دانید که محمد پیغمبر و فرستاده ی خداست و در بیان احوال عیسی علیه السلام حق را بر شما ظاهر ساخت. والله که هیچ قومی با پیغمبر خود مباحله نکردند مگر پیر و جوان ایشان هلاک شدند. و اگر مباحله کنید البته هلاک خواهید شد و اگر اصرار می ورزید در نگاه داشتن دین خود و از مسلمان شدن ابا و منع دارید با او مصالحه کنید و برگردید. چون صبح شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امام حسین علیه السلام را در بر گرفت و دست حضرت امام حسن علیه السلام را گرفت و فاطمه و علی علیهما السلام را از پی خود حرکت داد و فرمود: من چون دعا کنم شما آمین بگویید. پس اسقف (۱) نجران گفت: ای گروه نصاری! من چند صورت می بینم که خدا به این روها و صورت ها کوه را از جا می کند. با ایشان مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و روی زمین یک نصرانی تا قیامت نخواهد بود.

ایشان به خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: ما با تو مباحله نمی کنیم. تو بر دین خود باش ما بر دین خود. حضرت فرمودند: اگر مباحله نمی کنید مسلمان شوید. آن ها ابا کردند و قبول نکردند. فرمود: پس با شما جنگ می کنیم. گفتند: ما طاقت جنگ با عرب را نداریم و لیکن با تو صلح می کنیم که با ما جنگ نکنی و به دین ما

ص: ۳۵

کاری نداشته باشی و ما به تو هر سال دو هزار حُلّه در ماه صفر و دو هزار حُلّه در ماه رجب به همراه سی زره نفیس جنگی می دهیم. حضرت به این نحو با ایشان مصالحه نمود و فرمود: والله که قوم نجران هلاک می شدند و اگر مباحله می کردند همه ی آن ها مسخ می شدند (و به صورت میمون و بوزینه و خوک در می آمدند) و این صحرا همه بر ایشان آتش می شد و خدا همه ی اهل نجران را هلاک می کرد و حتی مرغی که بر روی درختانشان بود و حیوانات و مرغانشان همه هلاک می شدند و یک سال نمی گذشت که همه ی نصاری به هلاکت می رسیدند.

زمخسری نیز در کشف خود از عایشه روایت کرده است که روزی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمد و عبایی پوشیده بود که از موی سیاه بود. پس امام حسن علیه السلام آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن حضرت را داخل عبا کرد. سپس امام حسین علیه السلام آمد و حضرت او را داخل عبا کرد. سپس حضرت فاطمه و حضرت علی بن ابی طالب علیهم السلام آمدند و هر دو را داخل عبا کرد و آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب نازل شد.

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

بعد از آن زمخسری در تفسیر کشف خود گفته است: «چرا این افراد را برای مباحله همراه خود برد؟ در جواب می گوئیم برای آن که این دلالت بر حقیقت و اعتماد به راستی او بیشتر می کرد تا آنکه دیگران را داخل کند زیرا که عزیزترین خلق در نزد خود و پاره های جگر خود و محبوب ترین مردم در نزد خدا را برای مباحله و نفرین آورد و به تنهایی بر خود اکتفا نکرد.

در کتاب موطاب مالک که پیشوای اهل سنت است از انس بن مالک روایت شده است که چون آیه ی تطهیر نازل شد نزدیک به شش ماه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هنگام رفتن به نماز صبح بر در خانه ی فاطمه علیها السلام می آمد و می گفت:

الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

و در صحیح ابی داوود سجستانی که از اهل تسنن است نیز به همین طریق از انس روایت شده و در صحیح مسلم و در صحیح ابی داوود و در جمع بین صحیحین حمیدی هم به این مضمون از عایشه روایت کرده است و در صحیح مسلم در جلد چهارم در باب فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام از سعد وقاص چنین روایت کرده که چون آیه ی مباحله نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را خواند و گفت: خداوندا این ها اهل بیت من هستند و در جای دیگر نیز همین را روایت کرده و ابو داوود در صحیح خود از ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که گفت: آیه ی تطهیر در خانه ی من نازل شد و در آن خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بودند و من بر در خانه نشسته بودم.

پس حضرت رسول علاوه بر ایشان گلیمی پوشانید و گفت: خداوندا، این ها اهل بیت من هستند. از ایشان رجس و گناه را دور گردان و برطرف کن و پاکیزه گردان ایشان را از بدی ها، پاکیزه کردنی. من گفتم: یا رسول الله! آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمود: نه تو از زنان منی و عاقبت تو به خیر است. و این مضمون و قریب به آن در اکثر کتب ایشان به طرق متعدد روایت شده است. و تعداد آن ها موجب طولانی شدن بحث است و دلالت این آیه ی شریفه بر عصمت ایشان بسی ظاهر است که چه عامه ی محققین و مفسرین رجس را در این آیه به گناه تفسیر کرده اند و منظور از تطهیر جمیع بدی ها و عیب ها و قبایح و زشتی هاست. و اراده ای که در آیه وارد شده است اراده ی حتمی خداوند می باشد. زیرا که اراده ی تکلیفی به ایشان اختصاصی ندارد.

پس عصمت ایشان ثابت است و هر گاه عصمت ثابت شد، دروغ بر ایشان روا نیست و این ثابت شده است که ایشان دعوی امامت کردند پس دعوی ایشان بر حق باشد. (۱)

ص: ۳۷

موضوع دوم: پیرامون آیه ی تطهیر

اشاره

ص: ۳۹

طهارت از نظر لغوی

طهارت (به فتح طا) از نظر لغت به معنای پاک شدن است. طهر بضم طا و سکون هاء به معنای پاک شدن، پاکی، پاک شدن زن از حیض و طهور به معنای پاک، پاک کننده، آنچه با آن چیزی را بشویند و پاک کنند (مانند آب). (۱)

اصطلاح فقهی و ادبی طهارت

آقایان فقها در تعریف طهارت چنین فرموده اند:

ثُمَّ الطَّهَارَةُ عَلَى مَا عَلِمَ مِنْ تَعْرِيفِهَا، إِسْمٌ لِلْوُضوءِ وَ الْغُسلِ وَ التَّيْمِمْ الرَّافِعِ لِلْحَدَثِ أَوْ الْمَبِيحِ لِلصَّلَاةِ عَلَى الْمَشْهُورِ. (۲)

یعنی طهارت بر آنچه که از تعریفش معلوم شده است اسم است برای سه چیز:

وضو و غسل و تیمم که رافع حدث یا مبیح نماز است.

بر قول مشهور:

و هي لغة النظافة و شرعاً استعمال طهور مشروط بالنية و الطهور هو الماء و التراب قال الله تعالى: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (۳)

و قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم: جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا.

از لحاظ لغوی؛ طهارت نظافت و پاکیزگی از چرکی هاست و شرعاً استعمال طهور است. طهور صیغه ی مبالغه ی طاهر است و در اینجا مقصود این است که آب ذاتاً پاک است و چیزهای دیگر غیر از خودش را هم پاک می کند. طهور به حسب استعمال، متعدی است و لو به حسب وضع لغوی لازم است.

ص: ۴۰

۱- طَهَّرَ طَهُورًا وَ طَهُورًا وَ طَهَّارَةً: پاک گردید. أَطْهَرَ، جمع طاهر. طَهَّرَتِ الْمَرْأَةُ: حیض زن منقطع شد. طَهَّرَهُ تَطْهِيرًا: پاک گردانید آن را. أَطْهَرَ جمع طهر: ایام پاکی زن از حیض و غیره. طهور: طهارت کردن آنچه به آن طهارت کنند پاک و پاک کننده. فرهنگ عمید و فرهنگ جامع

۲- لمعه شهید رحمه الله

۳- سوره ی فرقان آیه ی ۴۸

طهارت عبارت است از وضو و غسل و تیمم. پس برطرف کردن زن نجاست از جامه و بدن و غیر این ها از تعریف طهارت خارج می شود. چون نیت شرط تحقق آن ها نیست.

طهور آب و خاک است، پس آب مطهر است از حدث: [اثری که دنبال یکی از اسباب وضو و غسل برای شخص مکلف پیدا می شود و شبه آن و آن اثر مانع از نماز است و رفع آن اثر بر نیت متوقف باشد.] و از خبث: «نجس»، و همه ی اقسام آب مطلقاً به سبب نجاست نجس می شود و گاهی طهور مصدر و گاهی غیر مصدر است. که در عبارت مفردات راغب اصفهانی آمده است:

طهارت دو نوع است؛ یک نوع طهارت جسم و نوع دیگر طهارت نفس که ان شاء الله در تقسیم بندی طهارت خواهد آمد.

آیات طهارت در قرآن: کلمه ی طهارت ۲۹ مرتبه در قرآن آمده است

۱- بقره آیات ۲۵ - ۱۲۵ - ۲۲۲

۲- آل عمران آیات ۵۵ - ۴۲ - ۱۵

۳- نساء آیه ی ۵۷

۴- مائده آیات ۴۱ - ۶

۵- اعراف آیه ی ۸۲

۶- انفال آیه ی ۱۱

۷- توبه آیات ۱۰۳ - ۱۰۸

۸- هود آیه ی ۷۸

۹- حج آیه ی ۲۶

۱۰- فرقان آیه ی ۴۸

۱۱- نمل آیه ی ۵۶

۱۲- احزاب آیات ۳۳ - ۵۳

۱۳- واقعه آیه ی ۷۹

۱۴- مجادله آیه ی ۱۲

۱۵- مدثر آیه ی ۴

۱۶- انسان آیه ی ۲۱

۱۷- عبس آیه ی ۱۴

۱۸- بینه آیه ی ۲

ص: ۴۱

قال الله تبارك و تعالی: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۱)

جز این نیست که خدا می خواهد (اراده کرده) تا پلیدی گناه را از شما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ببرد (از شما دور کند) و شما را از معاصی پاک گرداند.

به اتفاق جمیع امت منظور از اهل بیت، آل پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و الف لام البیت برای عهد می باشد. ای اهل بیت نبوت و رسالت و خلاصه معنی اینکه: ای اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اراده ی الهی تعلق گرفته به اینکه خطیئات و سیئات و آثام را از شما دور دارد تا اذیال و دامن های عصمت شما به گرد عصیان آلوده و آغشته نشود و از کبیره و صغیره منزّه و معصوم باشید! (۲)

انما یرید الله... قال ابن عباس الرجس عمل الشیطان و ما لیس لله فیہ رضی و البیت التعریف فیہ للعهد و المراد به بیت النبوه و الرساله و العرب تسمى ما یلتجا الیه بیتا و لهذا سمو الانساب بیوتا و قالوا بیوتات العرب یریدون النسب. قال:

أَلَا يَا بَيْتُ بِالْعُلْيَا بَيْتٌ *** وَ لَوْ لَا حُبُّ أَهْلِكَ مَا آتَيْتُ

أَلَا يَا بَيْتُ أَهْلِكَ أَوْ عَدُوْنِي *** كَأَنِّي كُلَّ ذَنْبِهِمْ جَنَيْتُ

ص: ۴۲

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳

۲- اراده ی حق تعالی بر دو گونه است: اراده در تشریعات و اراده در تکوینات. اما اراده در تشریعات: مثل اراده کردن و خواستن نماز و روزه و سایر عبادات و طاعات از بندگان و این اراده گاهی از مراد تخلف می پذیرد، زیرا متعلق این اراده فعل بنده است و هر گاه به مجرد اراده ی پروردگار فعل بنده تحقق پیدا کند لازمه ی جبر است. و اما در تکوینات پس متعلق اراده، فعل خداوند است. و ارادته فعله و اذا اراد الله شیئاً ان یقول له کن فیکون مخفی نماند که اراده ی تطهیر در این آیه ی مبارکه از قبیل دوم است، به معنی اینکه اصلاً گناه و معصیت و رجسی وجود ندارد تا بخواهد رفع کند. بلکه از ابتدا از زمان عالم ذر تا قیام قیامت پاک و مطهرند از تمام آلودگی ها.

وقیل البیت بیت الحرام و أهله هم المتقون علی الاطلاق لقوله ان اولیاء الا المتقون و قیل البیت مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و أهله من مکنه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فیه و لم یخرجه و لم سید بابه و قد اتفقت الامه بأجمعها علی أن المراد بأهل البیت فی الآیه أهل بیت نبینا صلی الله علیه و آله و سلم! (۱)

احمد حنبل در مسند خود از عطا بن رباح نقل کرده که ام سلمه (رضی الله عنها) گفت: روزی حضرت فاطمه علیها السلام غذایی پخته و در ظرف گلی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن روز در خانه ی من بود. هنگامی که فاطمه علیها السلام غذا را حاضر کرد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای فاطمه! ای نور دیده ی من، به علی علیه السلام و به دو فرزند خود بگو بیایند تا با من این غذا را میل کنند. فاطمه علیها السلام همه را حاضر کرد و همه از آن غذا میل کردند. جبرئیل از طرف پروردگار متعال نازل شد و این آیه را آورد:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۲)

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی را بر ایشان انداخت و فرمود:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي اللَّهُمَّ فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

پس چون من این دعا را از آن حضرت شنیدم، گفتم: یا رسول الله! انا معکم؟ من با شما هستم. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إِنَّكَ عَلَي خَيْرٍ یعنی تو در رتبه ی اهل بیت من نیستی، اما زنی نیکو کرداری و به صفات حمیده و خصال پسندیده موصوفی.

مضمون این خبر را ابوالحسن اندلسی در جامع خود به نام جامع صحاح آورده است و ابوعبدالله محمد بن عمران مرزبانی که یکی از فضلالی اهل سنت است از ابو الحمرء روایت می کند. او می گوید: من ده ماه ملازم حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم.

ص: ۴۳

۱- تفسیر مجمع البیان ۸ / ۵۸۸

۲- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳

هر روز می دیدم که آن بزرگوار در وقت صبح می آمد و دست مبارک را بر در سرای شاه اولیا و فاطمه ی زهرا علیهما السلام می گذاشت و می فرمود: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

و ایشان هم در جواب می گفتند: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جواب ایشان را می شنید، می فرمود:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

و بعد از تلاوت این آیه ی شریفه باز می گشت و به مصلاهی خود می رفت و مشغول نماز می شد.

در مجمع البیان نیز از ابوسعید خدری، انس بن مالک، واثله ابن الاسقع، ام سلمه و عایشه روایت شده که آیه مختص است به رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

ابوحمزہ ی ثمالی در تفسیر خود و ثعلبی که از بزرگان اهل سنت است نیز در تفسیر خود از ام سلمه این روایت را نقل کرده است.

ابو سعید خدری نیز از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این روایت را بیان کرده و گفته است که پیامبر فرموده است:

قَالَ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي خَمْسَةٍ؛ فِي وَ عَلِيٍّ وَ حَسَنِ وَ حُسَيْنٍ وَ فَاطِمَةَ.

یعنی این آیه در حق من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد.

صاحب کشف الغمه آورده که:

فِي مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي بَيْتِي يَوْمًا إِذْ قَالَ الْخَادِمُ إِنَّ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ فِي السُّدَّةِ قَالَتْ فَقَالَ لِي قَوْمِي فَتَنَحَّيْتُ لِي عَنْ أَهْلِ بَيْتِي قَالَتْ فَقُمْتُ فَتَنَحَّيْتُ فِي الْبَيْتِ قَرِيبًا فَدَخَلَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ هُمَا صَبِيَّانِ صَغِيرَانِ قَالَتْ فَأَخَذَ الصَّبِيَّيْنِ فَوَضَعَهُمَا

فِي حَجْرِهِ وَقَبْلَهُمَا وَاعْتَنَقَ عَلِيًّا بِأَحْدَى يَدَيْهِ وَفَاطِمَةَ بِالْأُخْرَى وَقَبَلَ فَاطِمَةَ وَأَعْدَفَ عَلَيْهِمْ خَمِيصَهُ سَوْدَاءَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَأَهْلَ بَيْتِي قَالَتْ فَقُلْتُ فَإِنَّا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَأَنْتَ عَلِيُّ خَيْرٌ (۱).

در مسند احمد حنبل از ام سلمه نقل کرده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ی من بود، که خادم گفت علی و فاطمه علیهما السلام بر در خانه اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای ام سلمه! دور شو و اهل بیت مرا با من تنها بگذار. ام سلمه گفت: من برخاستم و از آن خانه اندکی دور شدم. پس علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام وارد شدند.

حسن و حسین در آن زمان طفل بودند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر دو را در دامن خود نشانید و پیوسته علی علیه السلام را با یک دست در بر خود می گرفت و با دست دیگر فاطمه علیها السلام را. پس هر یک از ایشان را می بوسید و گلیم سیاه علمدار را به ایشان پوشانید و فرمود: بار خدایا مرا و اهل بیت مرا به رحمت خود رسان که آن بهشت است و از آتش دوزخ دور کن. من گفتم: یا رسول الله! مرا نیز داخل ساز. فرمود: تو از اهل بیت من نیستی، اما بر راه خیری.

در شأن نزول این حدیث ام سلمه این چنین آورده که: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ی من بر گلیمی که برای فرش انداخته بودم نشسته بود و فاطمه وارد شد و برای پدر سبوساب (۲) با گوشت پخته آورده بود. حضرت فرمود: ای فاطمه علی و هر دو فرزندت را بخوان تا همگی بر سر این سفره بیایند. هنگامی که غذا خوردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پارچه ای را روی ایشان انداخت و فرمود: خدایا اینها اهل بیت من هستند، رجس را از ایشان ببرد و ایشان را پاکیزه گردان و این آیه نازل شد.

من نیز سر خود را در زیر پارچه کردم و گفتم: یا رسول الله من از اهل بیت توام؟ پیامبر فرمود: إِنَّكَ عَلِيٌّ خَيْرٌ.

ص: ۴۵

۱- کشف الغمه ۱/۴۶

۲- سبوسه ی آرد است و سبوساب نوعی از حریره است که با آرد می زنند و به زبان معمولی کاجی گویند.

همان طوری که اشاره شد مراد از اهل بیت، اهل بیت پیغمبرند، یعنی فقط کسانی که مقام عصمت دارند. به اتفاق همه ی علمای اسلام و مفسران، اهل بیت در این آیه ظاهر آیه اشاره دارد به اهل بیت پیغمبر. و این چیزی است که از ظاهر این آیه نیز فهمیده می شود. چرا که (بیت) گر چه به صورت مطلق در اینجا ذکر شده، اما به قرینه ی آیات قبل و بعد منظور از آن بیت، خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. علاوه بر اینکه ام سلمه (رضی) هنگامی که از رسول خدا سؤال می کند که یا رسول الله آیا من هم داخل در اصحاب کسا بشوم؟ حضرت می فرماید: نه! تو از اهل بیت (معصوم) من نیستی، اما زن نیکوکاری هستی.

اصولاً در عرب افراد نزدیک، مسئول خانه هستند، مانند فرزندان مرد. و زنان گرچه در خانه هستند ولی از اقربای مرد نیستند. پس زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از اهل بیت حساب نمی شوند ولو بسیار هم نیک باشند مثل ام سلمه. اما حضرت زهرا علیها السلام که فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و دامادش که از ابتدا اعلام برادری ایشان را برای مردم کرده بودند و نوه های ایشان جزو اهل بیت ایشان بودند.

علاوه بر این ضمیرهایی که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت (جمع مؤنث) است. در حالی که ضمائر این قسمت از آیه:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» همه به صورت (جمع مذکر) است و این خود نشان می دهد که معنای دیگری در نظر بوده است و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در بر نمی گیرد. هم چنین روایات بسیاری است که شمول همه ی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نفی می کند و می گوید: مخاطب در آیه ی مبارکه منحصرأ پنج نفرند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

یعنی اختصاص به خمسه ی طیبه دارد و البته سایر ائمه ی هدی علیهم السلام مسلماً داخل در اهل بیتند و تنها سؤالی که در این جا آمده است اینکه: چگونه در لابلای بحث از وظایف زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطالبی گفته شده است که شامل زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی شود؟

پاسخ این سؤال را مفسران شیعه من جمله مرحوم طبرسی در مجمع البیان داده است و آن اینکه: فقط در این جا نیست که در آیات قرآن، به آیه‌ای برخورد می‌کنیم که در کنار هم قرار دارند، اما از موضوعات مختلفی سخن می‌گویند و قرآن پر است از این گونه بحث‌ها. همچنین در کلام فصحای عرب و اشعار آنان نیز نمونه‌های فراوانی به این شکل موجود است و بعضی دیگر از مفسرین شیعه گفته‌اند، ما هیچ دلیلی در دست نداریم که جمله‌ی (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس...) همراه این آیات نازل شده است. بلکه از روایات به خوبی استفاده می‌شود که این قسمت جداگانه نازل گردیده، اما به هنگام جمع آوری آیات قرآن در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا بعد از آن در کنار این آیات قرار داده شده است.

و پاسخ دیگر اینکه قرآن می‌خواهد به همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بفرماید: شما در میان خانواده‌ای قرار دارید که گروهی از آنان معصومند. کسی که در زیر سایه‌ی درخت عصمت و در کانون معصومان قرار گرفته سزاوار است که بیش از دیگران مراقب رفتار خود باشد و فراموش نکند که انتساب او به خانواده‌ای که پنج معصوم پاک در آن است مسئولیت‌های سنگین برای او ایجاد می‌کند.

و هدف از جمع کردن آنها در زیر کسا گویا این بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌خواسته کاملاً آن‌ها را مشخص کند و بگوید آیه‌ی مذکور تنها درباره‌ی این گروه پنج نفره است. مبدا کسی مخاطب را در این آیه، تمام بیوتات پیامبر و همه‌ی کسانی که جزء خاندان او هستند بدانند. حتی در بعضی از روایات آمده است که رسول خدا سه بار این جمله را تکرار فرمودند: (خداوندا اهل بیت من این‌ها هستند. پلیدی را از آنها دور کن)

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً(۱)

ص: ۴۷

اشکال اول: گفته شده این آیه راجع به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

جواب: ترتیب نزول قرآن از سوره ها و آیات مسلماً به ترتیب نزول نیست، چنانچه بسیاری از سوره ها مدنی و بسیاری مکی است. حتی بعضی سوره ها قسمتی از آن مکی است و قسمتی از آن مدنی است. به علاوه در این نوع از آیات تعهد بوده، مثل آیه ی (اليوم اكملت لكم دينكم) و آیه ی (يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك) که در محل خود بیان شده است.

اشکال دوم: اینکه می گویند شما معتقدید که سایر ائمه ی هدی علیهم السلام از امام سجاد علیه السلام تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه معصوم هستند و هم چنین انبیای سلف و اوصیای آن ها نیز مشمول این آیه می شوند در حالی که این آیه منحصر به خمسه ی طیبه می شود.

جواب: در زمان نزول این آیه و خطاب گم منحصراً همین پنج نفر بودند و ششمی نداشتند (به حسب ظاهر) نه انبیای سلف و نه اوصیای آن ها و نه سایر ائمه ی هدی علیهم السلام بودند [یعنی به حسب ظاهر در خطاب کردن حضور نداشتند] و دلیل عصمت آن ها ادله ی نقلیه و عقلیه ی دیگر است که در باب شرائط نبوت و امامت موجود و مذکور است و حتی تک تک آن ها به اسم و اسم پدر و تمام مشخصات آنها در روایات فراوان از طریقین (شیعه و سنی) آمده است که فعلاً بحث ما نیست.

اشکال سوم: شما شیعه معتقدید به اینکه این ها در تمام عمر از اول تا آخر معصوم بودند.

جواب: اولاً یکی از اسمای الهی طاهر است و ذهاب فرع ثبوت نیست. اگر سگی یا دشمنی نزدیک شما باشد و او را دفع کنید این به معنای ذهاب است. قوای نفسانیه مثل قوه ی شهویه و غضبیه و وهمیه اقتضایی دارند، لکن قوه ی ایمان و تقوی و اراده ی باری تعالی آن ها را دفع می کند پس این به اصطلاح دفع است، نه رفع و خداوند در همان عالم نورانی و عالم ذر، ارواح ایشان را پاک و پاکیزه خلق

فرمود. ایشان در همه ی ابعاد زندگی، قبل از آمدن در دنیا امتحان شده و پاک و مطهر از همه ی آلودگی های ظاهری و باطنی و مادی و معنوی و منزّه از رجس و ناپاکی های اخلاقی و غیره و از پلیدی ها و از شرک و کفر و ضلالت و جهالت و تمام صفات خبیثه و اخلاق رذیله و ملکات قبیحه و تمام معاصی از کبائر و صفائر و مکرومات و منامیات مروت (حتی ترک اولی) از همه ی این ها مصون و محفوظ شده اند و معصوم و پاک بوده اند و از نظر نواقص خلقت مبرا هستند.

عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ وَ إِذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكُم تَطْهِيراً. (۱)

خدا شما را از لغزش ها نگاه داشت و شما از آشوب ها ایمن داشت و شما را از چرکی گناه پاک داشت و از شما پلیدی را دور کرد و پاکیزه کرد شما را پاکیزه داشتنی.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَهُ اِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكَ وَ كُنْتَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرَةً وَ نَحْنُ لَكَ اَوْلِيَاءُ... (۲)

درود بر تو ای آزموده شده در مودت، خدا آفریدت پیش از آنکه تو را بیافریند. آزمایش کرد تو را در آنچه امتحان کرد شکبیا یافت و ما دوستان شما هستیم...

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسِكِ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبِسِكِ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا. (۳)

گواهی می دهیم که شما در صلب های عالی و پاک پدران و ارحام مطهر مادران؛ نور پاک الهی بودید و هرگز مقام توحید کامل شما آلوده به ناپاکی های جاهلیت نگردید و غباری از شرک های عصر شرک و جهالت بر دامان شما ننشست.

ص: ۴۹

۱- زیارت جامعه ی کبیره

۲- زیارت حضرت زهرا علیها السلام

۳- زیارت وارث

داعی (سلطان الواعظین): آیه ی تطیر صراحت دارد در عصمت و پاکی پنج نفر که مشمولین آیه ی تطهیر محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بودند به علاوه اکابر علمای خودتان تصدیق صداقت و راستگویی آن ها را نموده اند. راجع به مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام قبلاً عرض کردم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را صدیق و راستگوی این امت معرفی فرموده و خداوند هم در قران مجید او را صادق خوانده و اما درباره ی حضرت صدیقه ی کبری فاطمه علیها السلام اخبار بسیار است از آن جمله حافظ ابونعیم اصفهانی در صفحه ی ۴۲ جلد دوم حلیه الاولیاء از عایشه روایت می کند که گفت:

مَا رَأَيْتُ أَحَدًا قَطُّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ غَيْرَ أَيْبَاهَا.

هرگز احدی را راستگوتر از فاطمه ندیدم غیر از پدر بزرگوارش.

حافظ(۱): این ادعای شما درباره ی نزول آیه ی تطهیر در شأن آن پنج بزرگوار نامشخص است، چون در این جلسات برای ما روشن شده که شما با کتاب های ما کاملاً مأنوس هستید. اعتراف کنید که راجع به این موضوع اشتباه کردید، چون عقیده ی مفسرین از قبیل قاضی بیضاوی و زمخشری این است که این آیه ی شریفه در شأن زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردیده و اگر قولی در مورد نزول آیه درباره ی آن پنج تن باشد قطعاً ضعیف است، برای آنکه خود آیه دلالت بر خلاف این معنی دارد. چرا که آیات قبلی و بعدی آیه ی تطهیر مربوط به همسران پیامبر است لذا نمی توان وسط آیه را به دیگران نسبت داد!!

داعی: این ادعای جناب عالی به جهاتی مردود است. اولاً اینکه فرمودید چون ابتدا و انتهای آیه مربوط به همسران پیامبر است پس علی و فاطمه علیهما السلام از شمول آیه ی شریفه خارجند؛ جوابش آن است که در عُرف عام بسیار اتفاق می افتد که در

ص: ۵۰

اثنای کلام روی سخن را به طرف دیگری نموده و خطاب به غیر می کند و بعد از آن به کلام اول بر می گردد، علاوه بر اینکه در اشعار فصحا و بلغا و ادبای عرب جاری است. حتی در خود قرآن کریم نظیر آن بسیار است، مخصوصاً در خود همین سوره ی احزاب دقت کنید که در حین خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خطاب به مؤمنان شده است و بعد روی خطاب به آن ها برگشته که وقت مجلس مقتضی نیست شواهد را مفصلاً در معرض فکر شما قرار دهیم.

ثانیاً اگر این آیه درباره ی همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود بایستی ضمیر تأنیث مربوط به آن ها آورده می شد یعنی باید می آمد:

ليذهب عنكن و يطهركن

چون به صیغه ی تذکیر آمده معلوم می شود که منظور عترت و اهل بیت پیغمبر می باشند نه زوجات آن حضرت.

نواب (یکی دیگر از علمای عامه): مگر به گفته ی شما فاطمه رضی الله عنها داخل آن جمع نیست، پس چرا خداوند او را لحاظ نکرده و ضمیر تأنیث در آیه نیامده.

داعی: آقایان (اشاره به علمای عامه) می دانند که صیغه ی مذکر در این آیه ی شریفه با بودن فاطمه علیها السلام در جمعیت به اعتبار تغلیب است. چه آنکه تغلیب در جایی است که افراد جمع، بعضی مذکر و بعضی مؤنث باشند، آنگاه مذکر را بر مؤنث غالب گردانند. (اشاره به شأن نزول آیه ی تطهیر است) پس صیغه ی تذکیر در این آیه خود دلیل قاطعی است که این قول ضعیف نیست بلکه کاملاً قوی است و اگر آیه درباره ی زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده بود، آوردن صیغه ی مذکر در جمع مؤنث به کلی غلط بود. علاوه بر این ها روایات صحیحه در کتب معتبره ی خودتان حکم می کند که این آیه می کند که این آیه در شأن عترت و اهل بیت آن حضرت است نه همسران ایشان.

چنانچه ابن حجر مکی با کمال تعصبی که دارد در ذیل همین آیه در صواعق محرقه می گوید: عقیده ی اکثر مفسرین آن است که این آیه در شأن علی و فاطمه و

حسن و حسین علیهم السلام است. به اعتبار آنکه ضمیر عنکم و یطهرکم ضمیر جمع مذکر است.

گذشته از این دلایل واضح، همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داخل اهل بیت نیستند، چنانچه حصین بن سمره در صحیح مسلم و جامع الاصول از زید بن ارقم سؤال کرده است که آیا زنان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از اهل بیتند؟ زید گفت: نه به خدا قسم. زیرا که زن مدتی با شوهر خود می باشد، چون طلاقش داد به خانه ی پدرش می رود و به قوم و طایفه ی پدری ملحق می شود و از شوهر به کلی جدا می گردد. اهل بیت او خویشان او می باشند که صدقه بر ایشان حرام است و به هر خانه ای که بروند از اهل بیت او جدا نمی باشند.

ثالثاً گذشته از اجماع شیعه ی امامیه، نقلاً از عترت و اهل بیت طهارت، اخبار متکثره از طرق خودتان بر خلاف این معنی حکم می کند. (۱)

حتی ابن حجر مکی با کمال تعصبی که دارد در صفحات ۸۵ و ۸۶ صواعق از هفت طریق با اعتراف به صحت این واقعه ی مهمه آن را نقل کرده و گفته این آیه در شأن محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل گردیده و فقط این پنج تن مقدس بودند که مشمول طهارت در این آیه ی شریفه واقع گردیدند و سید ابی بکر

ص: ۵۲

۱- چنانچه ثعلبی در تفسیر کشف البیان، فخر رازی در جلد ششم تفسیر کبیر ص ۷۸۳، جلال الدین سیوطی در جلد پنجم درّ المنثور ص ۱۹۹، خصائص کبری ۲۴۶ نیشابوری در جلد سوم تفسیر، عبدالرزاق الرسعنی در تفسیر رموز الکنوز، ابن حجر عسقلانی در جلد چهارم اصابه ص ۲۰۷، ابن عساکر در جلد چهارم تاریخش ص ۲۰۴ و ۲۰۶، احمد حنبل در جلد اول مسند ص ۳۳۱، محب الدین طبری در جلد دوم ریاض النضره ص ۱۸۸، مسلم بن حجاج در جلد دوم ص ۳۳۱ در جلد هفتم صحیح ص ۱۳۰، بنهانی در ص ۱۰ شرف المؤبد (چاپ بیروت)، محمد بن یوسف گنجی شافعی در باب ۱۰۰ کفایه الطالب با نقل شش خبر مسنداً و شیخ سلیمان بلخی حنفی در باب ۳۳ ینابیع الموده از صحیح مسلم و شواهد حاکم از عایشه و ده خبر از ترمذی و حاکم علاء الدوله سمنانی و بیهقی و طبرانی و محمد بن جریر و احمد بن حنبل و ابن ابی شیبه و ابن منذر و ابن سعد و حافظ زرندی و حافظ ابن مردویه از ام المؤمنین ام سلمه و عمر بن ابی سلمه (البیت النبوی) و انس بن مالک و سعد بن ابی وقاص و وائله بن اسقع و ابو سعید خدری نقل می نمایند که آیه ی تطهیر در شأن پنج تن آل عبا نازل گردیده.

بن شهاب الدین علوی در صفحات ۱۴-۱۹ کتاب رشقه الصّادی من بحر فضائل بنی النبی الهادی (چاپ مطبعه اعلانیه ی مصر در سال ۱۳۰۳) ضمن باب اول از ترمذی و ابن جریر و ابن منذر و حاکم و ابن مردویه و بیهقی و ابن حاتم و طبرانی و احمد بن حنبل و ابن کثیر و مسلم بن حجّاج و ابن ابی شیبّه و سمهودی با تحقیقات فراوان از اکابر علمای خودتان روایت کرده که این آیه ی شریفه در شأن پنج تن مقدس آل عبا نازل گردیده.

به علاوه استدلالاً ثابت می کند که تمام ذراری و اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صدقه بر آن ها حرام است و تا قیام قیامت مشمول این آیه ی شریفه می باشند. و در جمع بین الصحاح السنّه عن موطأ مالک بن انس الاصبیحی و صحاح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و سجستانی و ترمذی و جامع الاصول بالآخره عموم علما و محدثین و مورخین فقها شما اقرار دارند که این آیه ی شریفه در شأن این پنج تن آل عبا نازل گردیده و در نزد شما قریب به تواتر آمده، اگر چند نفری هم عناد ورزیده و حق کشی کرده و خبر را ضعیف دانسته اند، لطمه به این همه اخبار متکاثر معتبره ی مندرجه در کتب اکابر علمای خودتان نمی زند.

نیست خُفاشک عدوی آفتاب*** او عدوی خویش آمد در حجاب

منتهی بعضی مبسوطاً با نقل حریره نوشته اند و بعضی به اختصار نقل نموده اند. از جمله ثعلبی در تفسیر و احمد بن حنبل در مسند و ابن اثیر در جامع الاصول از صحیح ترمذی و مسلم با مختصر اختلافی در الفاظ از ام المؤمنین ام سلمه همسر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در منزل من بود که فاطمه علیها السلام ظرف حریره ای برای آن حضرت آورد در حالی که حضرت در صُفّه که خوابگاه آن حضرت بود نشسته بود. در زیر پای مبارکش عبای خیبری گسترده بود و من در حجره نماز می خواندم. پیغمبر به فاطمه علیها السلام فرمودند: برو شوهر و پسرهایت را با خود بیاور، طولی نکشید علی و حسنین علیهم السلام آمدند و مشغول خوردن حریره شدند. در آن حال جبرئیل نازل و این آیه ی شریفه را بر آن حضرت قرائت نمود:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» اراده ی پروردگار است که هر آرایش را از شما خانواده ی نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

ام سلمه گوید: من سرم را داخل عبا کرده و گفتم:

أَنَا مَعَكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّكَ عَلَيَّ خَيْرٌ.

من هم با شمایم؟ حضرت فرمودند: تو زن نیکویی هستی و بر خیر و خوبی هستی (به این معنی که رتبه ی اهل بیت من را نداری و در زمره ی آن ها نیستی ولی عاقبت بخیری). پس این آیه ی شریفه دلالت تام دارد بر این که این پنج تن بزرگوار، از کفر و شقاق و شرک و نفاق و تردید و کذب و ریا و هر گناه کبیره یا صغیره معصوم و پاکند.

چنانچه فخر رازی در تفسیر خود گوید: لیذهب عنکم الرّجس یعنی جمیع گناهان را از شما زایل گردانید و یطهرکم تطهیرا یعنی خلعت های کرامت خود را به شما پوشانید.

واقعاً جای تعجب است از علمای بی انصاف که در کتب معتبر خود نقل می نمایند که علی و فاطمه علیهم السلام مشمول آیه ی تطهیر بودند و مؤخری و مؤیری از هر رجس بودند که مهم تر از همه پلیدی دروغ می باشد، مع ذلک دعوی امامت آن حضرت را تکذیب می نمایند و شهادت آن بزرگوار را درباره ی فاطمه ی زهرا علیها السلام تکذیب نمودند. ادعای بی بی دو عالم حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام را در باب فدک تکذیب نمودند؟ نمی دانیم مردان با انصاف در این جا چگونه قضاوت می نمایند. حال برگردیم سر مقصود خود. منصفانه قضاوت نمایید آیا سزاوار بود، ادعای علی علیه السلام و فاطمه ای را که خداوند درباره ی آن ها می فرماید که از پلیدی های ظاهری و باطنی پاک و منزّه هستند، یعنی معصوم از کبائر و صغائر می باشند رد نمایند، ولی ادعای جابر را که یک فرد مسلمان مؤمن عادی است قبول نمایند و حتی ثابت آن خاندان جلیل را از میان ببرند!!

حافظ: هرگز نمی توان باور کرد که خلیفه ی پیغمبر و فرد مؤمن صحابی با کمال قربی که به رسول خدا داشته عمداً غصب فدک برآید! قطعاً انسان هر عملی که انجام می دهد برای مقصودی می باشد! خلیفه ای که تمام بیت المال مسلمین تحت تصرف او بوده است، چه احتیاجی به باغ و قریه ی فدک داشته که آن را غصب نماید.

داعی: بدیهی است که موضوع احتیاج نبوده، بلکه مستأصل نمودن خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت طاهره ی آن حضرت در نظر سیاسیون وقت بوده که چون خاندان پیغمبر اولویت مقام خلافت را داشتند، باید به طریقی به خود مشغول و با فقر و تهی دستی گرفتار باشند که خیال خلافت به فکرشان نزنند. چه آن که مردمان دنیا طلب، به جایی می روند که دنیای آن ها اداره شود. خیال می کردند اگر آن خاندان جلیل علم و فضل و ادب و تقوی که جامعیت کامل داشتند، دستشان از مال دنیا پر باشد، قطعاً مردم رو به آن ها می روند. فلذا نه تنها فدک را سیاستاً غصب نمودند بلکه تمام طرقی که منتهی به جلب اموال دنیوی می شد بر آن ها مسدود نمودند. (۱)

بنابراین حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام یکی از مصادیق کامل آیه ی تطهیر است که عصمت ایشان را خداوند متعال ثابت و ظاهر کرده و هر چه در حق آن چهار بزرگوار است در حق آن حضرت وجود دارد و خدای تبارک و تعالی همه ی عوالم و آسمان ها و زمین ملائکه و ... را به خاطر آل عبا پدید آورد و لذا معصومین علیهم السلام علت غایی و نهایی اند.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سَيِّكَانَ سَمَوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَ لَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَ لَا قَمَرًا مُنِيرًا وَ لَا شَمْسًا مُضِيئَةً وَ لَا فَلَكًا يَدُورُ وَ لَا بَحْرًا يَجْرِي وَ لَا فُلُكًا يَسْرِي إِلَّا فِي مَحَبَّةِ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ وَ مَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ:

ص: ۵۵

هُم أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعِيَدِنَ الرَّسَالَةِ هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَيْكَ الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذْنْتُ لَكَ فَهَبْطِ الدَّمِينِ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرِنُكَ السَّلَامُ وَ يَخْصُكَ بِالتَّحِيَّةِ وَ الْاِكْرَامِ وَ يَقُولُ لَكَ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبِيَّتِيهِ وَ لَا أَرْضًا مَبْدَحِيَّتِيهِ وَ لَا قَمَرًا مُنِيرًا وَ لَا شَمْسًا مُضِيئَةً وَ لَا فَلَكَا يَدُورُ وَ لَا بَحْرًا يَجْرِي وَ فَلَكَا يَسِيرِي إِلَّا لِاجْلِكُمْ وَ مُحِبَّتِكُمْ وَ قَدْ أَذْنُ لِي أَنْ أُدْخَلَ مَعَكُمْ فَهَلْ تَأْذُنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَ حِيَّ اللَّهُ أَنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذْنْتُ لَكَ فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ لِأَبِي: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا. (۱)

خداوند عزیز و عظیم الشان فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان های من! من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین کشیده و نه ماه روشنی دهنده و نه خورشید درخشنده و تابان و نه فلکی را که دور می زند و نه دریای جاری و نه کشتی که سیر می کند را جز در دوستی این پنج تن که آنان در زیر کساء هستند. پس جبرئیل عرض کرد: ای پروردگار من! در زیر کساء چه کسانی هستند؟ پس خداوند عزیز و بزرگ فرمود:

آن ها اهل بیت پیغمبر و معدن رسالت ایشانند فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و فرزندان فاطمه، جبرائیل عرض کرد: ای پروردگار من! آیا اجازه می دهی که به سوی زمین بروم تا ششمین آن ها باشم. خداوند فرمود: بلی به تحقیق به تو اجازه دادم. پس جبرئیل امین فرود آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! خداوند والای برتر به تو سلام می رساند و تو را با تحیت و اکرام مخصوص می گرداند و می فرماید: قسم به عزت و جلالم که من خلق نکردم آسمان بنا شده و زمین کشیده شده و نه

ص: ۵۶

۱- بحث حدیث شریف کسا را مستقلاً در کتابی دیگر آورده ایم علاقمندان به آن جا رجوع کنند.

ماه روشنی دهنده و نه خورشید تابنده و نه فلک دور زننده و نه دریای روان و نه کشتی که سیر کند جز برای شما و دوستی شما و همانا به من اجازه داده که با شما زیر کساء باشم.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بر تو سلام باد ای امین وحی خدا! به درستی که به تو اجازه دادم. پس جبرائیل با ما در زیر کساء داخل شد و به پدر بزرگوارم عرض کرد: به درستی که خدا به شما وحی کرده و فرمود: خدا اراده فرمود که از شما خانواده ی (نبوت) پلیدی را بر طرف نماید و شما را پاک گرداند پاک کردنی. (۱)

روایات در ذیل آیه ی تطهیر

۱- و فی روایه ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله: «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل السیت و یتهرکم تطهیرا» قال: نزلت هذه الآیه فی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام و ذلك فی بیت أم سلمه زوجه النبی صلی الله علیه و آله و سلم فدعا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: علیا و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام ثم ألبسهم کساء خبیریا و دخل معهم فیہ ثم قال: «اللهم هؤلاء أهل بیتی الذین وعدتني فیهم ما وعدتني اللهم أذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» نزلت هذه الآیه فقالت أم سلمه و أنا معهم یا رسول الله، قال أبشری یا أم سلمه إنک إلی خیر.

و قال أبو الجارود: قال زید بن علی بن الحسین علیهما السلام إن جهالا من الناس یزعمون أنما أراد بهذه الآیه أزواج النبی و قد کذبوا و أثموا لو عنی بها أزواج النبی لقال: لیذهب عنکم الرجس و یتهرکن تطهیرا، و لکان الکلام مؤنثا کما قال و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن و لا تبرجن و لستن كأحد من النساء. (۲)

ص: ۵۷

۱- حدیث شریف کساء

۲- نور الثقلین ۴/۲۷۰ - تفسیر قمی ۲/۱۹۳

ابی جارود در ذیل آیه ی تطهیر از قول امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: این آیه در حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده و آن ها در خانه ی ام سلمه همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را خواستند. سپس گلیم خیری را بر آنان پوشاند و خودش هم در میان آن ها داخل شد. سپس گفتند: خداوندا! این افراد اهل بیت من هستند. آن کسانی که به من وعده دادی در حق آنان. خداوندا رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه قرار بده. این آیه نازل شد. ام سلمه گفت: یا رسول الله من هم با این اهل بیت هستم. فرمود: تو را به خیر بشارت می دهم، ولی با اهل بیت من نیستی.

ابی الجارود گوید: زید بن علی بن حسین علیه السلام گوید: نادانان خیال می کنند که مقصود از این آیه زنان پیغمبرند و حال آنکه دروغ می گویند. گناهکارند و به خدا قسم اگر مقصود زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، باید می گفت: لِيَذْهَبَ عَنْكَ الرَّجْسُ وَيَطْهَرَكَ تَطْهِيراً وَ ضَمِيرٌ مُؤَنَّثٌ مِي أُورِدَ نَهْ مَذْكَرٌ.

۲- عن سلیم بن قیس عن أمير المؤمنين عليه السلام

انه قال في اثناء كلام له في جمع من المهاجرين و الانصار في المسجد ايام خلافة عثمان. ايها الناس اتعلمون ان الله عز وجل أنزل في كتابه إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً فجمعني و فاطمة و ابن حسينا و حسينا ثم ألقى علينا كساء و قال اللهم إن هؤلاء أهل بيتي و لحمي يؤلمني ما يؤلمهم و بجرحتي ما يجرحتهم فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً فقالت أم سلمة و أنا يا رسول الله فقال أنت علي خير إنما أنزلت في و في أخي و ابني و في تسبحة من ولد ابني الحسين خاصة ليس

مَعَنَا فِيهَا أَحَدٌ غَيْرُنَا فَقَالُوا كُلُّهُمْ نَشْهَدُ أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ حَدَّثَتْنا بِذَلِكَ فَسَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَحَدَّثَتْنا كَمَا حَدَّثَتْنا أُمَّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا. (۱)

سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین روایت می کند که حضرت در میان جمعی از مهاجر و انصار در زمان خلافت عثمان فرمودند: ای مردم می دانید که خداوند در کتابش می فرماید: همانا خداوند اراده فرموده که از شما اهل بیت رجس و پلیدی را دور کند و شما را پاک و پاکیزه گرداند یک نوع پاکیزگی. پس فاطمه و دو فرزند خود حسن و حسین علیهم السلام را در زیر کساء جمع کرد و گفت: خداوند این افراد اهل بیت من هستند و گوشت آنان گوشت من است. خشنود می کند مرا هر که آنان را خشنود کنند و ناراحت می کند مرا کسی که آنان را ناراحت کند. پس رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه گردان یک نوع پاکیزگی. پس ام سلمه گفت: یا رسول الله! من هم با آنان هستم؟ فرمودند: تو زن نیکویی هستی اما با اهل بیت من نیستی و همانا این آیه در حق من و برادرم علی و دو فرزندم حسن و حسین و ۹ فرزند از فرزندان حسین می باشد. و غیر از ما اهل بیت (۱۴ معصوم) کس دیگری را شامل نمی شود. همه ی آنان گویند ما شهادت می دهیم که ام سلمه برای ما روایت کرد و ما از رسول خدا سؤال کردیم حضرت همچنان که ام سلمه خبر داد ما را به آن آگاهی داد.

۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

قَالَ: الرِّجْسُ هُوَ الشَّكُّ. (۲)

از امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند که می فرماید: خداوند اراده کرده که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و شما را پاک و پاکیزه کند سؤال شد، فرمود: رجس به معنی شک است یعنی در هیچ چیزی شک ندارد چون خود شک رجس و پلیدی است.

ص: ۵۹

۱- نور الثقلین ۴/۲۷۲

۲- معانی الاخبار / ۱۳۸

۴- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرَّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ إِنَّ الْآيَةَ أَوْلَاهَا فِي شَيْءٍ وَأَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ وَآخِرُهَا فِي شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً مِنْ مِيلَادِ الْجَاهِلِيَّةِ. (۱)

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که هیچ چیزی دورتر از عقل های مردم از تفسیر قرآن نیست. همانا این آیه اولش درباره ی یک چیزی، وسط آن درباره ی چیز دیگری و آخر آن هم درباره ی چیز دیگری نازل شد. پس از آن خدا فرمود: همانا خداوند رجس و پلیدی را از شما دور کرده و شما را پاک و پاکیزه قرار داده. که منظور ائمه ی هدی علیهم السلام و ولایت آنان است و کسی که در ولایت آنان وارد شد در خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد.

۵- عن ابی عبدالله علیه السلام و قوله: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» یعنی الائمه عليهم السلام و ولايتهم من دخل فيها دخل في بيت النبي صلى الله عليه و آله و سلم. (۲)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که: همانا خداوند رجس و پلیدی را از شما دور کرده و شما را پاک و پاکیزه قرار داده که منظور ائمه ی هدی علیهم السلام و ولایت آنان است. کسی که در ولایت آنان وارد شد در خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده.

۶- عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ وَقَدْ نَزَلَتْ عَلَيْهِ هَذِهِ الْآيَةُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيكَ وَفِي سِبْطِي وَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ وَلَدِكَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَمُ الْأَنْبِيَاءِ بَعْدَكَ قَالَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ ثُمَّ ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ بَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ جَعْفَرٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ جَعْفَرٍ مُوسَى ابْنُهُ وَ

ص: ۶۰

۱- تفسیر صافی ۲/۳۵۲

۲- تفسیر برهان ۷/۲۵۲

بَعْدَ مُوسَىٰ عَلَىٰ ابْنِهِ وَبَعْدَ عَلِيِّ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُهُ وَبَعْدَ عَلِيِّ الْحَسَنِ ابْنُهُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّجُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ هَكَذَا وَحَدَّثَتْ أَسَاطِمُهُمْ مَكْتُوبَهُ عَلَىٰ سِاقِ الْعَرْشِ فَسَيَّأَلْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هُمُ الْمَائِمَةُ بَعْدَكَ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ وَ أَعْدَاؤُهُمْ مَلْعُونُونَ. (۱)

امام حسین علیه السلام می فرماید: من در خانه ی ام سلمه رضی الله عنها بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم و آیه ی تطهیر نازل شد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای علی! این آیه در حق تو و دو فرزندت حسن و حسین و در حق ائمه ی دیگر از نسل فرزندت حسین نازل شده. عرض کردم: یا رسول الله! ائمه بعد از شما چند نفرند؟ فرمود: تو یا علی، سپس فرزندت حسن، پس فرزند حسین و بعد از او علی بن حسین و بعد از او محمد بن علی یعنی امام باقر و بعد از او امام صادق و بعد از او موسی کاظم و بعد از او فرزندش امام رضا و بعد از فرزندش امام جواد و بعد از او فرزندش امام هادی و بعد از او فرزندش امام حسن عسکری و بعد از او حضرت حجت از فرزندان حسین می باشد.

من اسامی آنان را بر ساق عرش دیدم. به همین صورت نوشته شده بود. پس من اسامی آنان را از خداوند پرسیدم، جواب آمد که ای محمد آنان ائمه ی هدی علیهم السلام بعد از تو هستند که پاک و معصومند و دشمنانشان ملعونند.

۷- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ سَيِّتَةِ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَيَّ صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۲)

انس بن مالک روایت می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا ۶ ماه به در خانه ی فاطمه علیها السلام می آمد و وقت نماز صبح می گفت: الصلاه ای اهل بیت. همانا خداوند اراده فرموده که رجس را از شما دور کند و شما را پاک و پاکیزه قرار دهد.

ص: ۶۱

۱- تفسیر برهان ۷/۲۵۲

۲- شواهد التنزیل ۲/۱۸

۸- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ زَيْدِ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ جَاءَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ عَزِزٌ فَقَالَ يردائه وَ طَرَحَهُ عَلَيْهِمْ وَ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ عِترَتِي. (۱)

اسحاق بن زید انصاری از براء بن عازب روایت کند که گوید: علی بن ابی طالب علیه السلام به همراه فاطمه و حسن و حسین بر در خانه ی پیامبر خدا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمد در حالی که عرق کرده بود. کساء و گلیم را بر سرشان انداخت و فرمود: خداوندا این ها عترت من هستند.

۹- عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دَعَا عَلِيًّا وَ ابْنَيْهِ وَ فَاطِمَةَ فَأَلْبَسَهُمْ مِنْ ثَوْبِهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي هَؤُلَاءِ أَهْلِي [كَذَا]. (۲)

جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی و دو فرزندش و فاطمه علیها السلام را دعوت کرد و از لباس خود بر آنان پوشاند. سپس فرمود: خداوندا این افراد اهل بیت من هستند. این ها اهل بیت من هستند.

۱۰- عَنْ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ فِي هَذِهِ الْأَيَّةِ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ الْآيَةَ قَالَ نَزَلَتْ فِي خَمْسَةٍ فِي رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۳)

عطیه از ابی سعید راجع به این آیه روایت می کند: این آیه در مورد پنج نفر نازل شده است. راجع به رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

۱۱- عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَمَعَنَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ أَنَا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا ثُمَّ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي كِسَاءٍ لَهُ، وَ أَدْخَلْنَا مَعَهُ ثُمَّ ضَمَّنَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

ص: ۶۲

۱- همان ۲/۲۷

۲- همان ۲/۲۸

۳- همان ۲/۴۱

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنَّا وَدَنْتُ مِنْهُ فَقَالَ: أَنْتَ مِمَّنْ أَنْتَ مِنْهُ وَأَنْتَ عَلَيَّ خَيْرٌ، أَعَادَهَا رَسُولُ اللَّهِ ثَلَاثًا يَصْنَعُ ذَلِكَ. (۱)

علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم من و فاطمه حسن و حسین را در خانه ی ام سلمه جمع کرد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ما را با کساء و گلیم پوشاند. پس از آن فرمودند: خداوندا این ها اهل بیت من هستند. پس رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را از هر آلودگی پاک و پاکیزه گردان، یک نوع پاکیزگی. ام سلمه گفت: ای رسول خدا! من هم با شما هستم و خود را نزدیک ما قرار داد. پس حضرت فرمود: تو زن نیکویی هستی و تا سه بار این جمله را تکرار کردند ولی از ما اهل بیت نیستی.

۱۲- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي بَيْتِي:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

قَالَتْ: وَ فِي الْبَيْتِ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ وَ أَنَا جَالِسَةٌ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ قَالَ: أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سلم. (۲)

ابی سعید خدری گوید: ام سلمه گفت: این آیه در خانه ی من نازل شد. ام سلمه می گوید: در خانه ی من پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بودند و من هم بر در خانه نشسته بودم و گفتم: یا رسول الله! آیا من هم از اهل بیت شما هستم. فرمود: تو از زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستی، اما نه از اهل بیت.

در این مورد روایات فراوانی در حد تواتر وجود دارد که ذکر آن ها، ما را از موضوع بحث بیرون می برد و به همین اندازه در مورد آیه ی تطهیر سخن بس است. هدف ما از ذکر این آیه ی شریفه این بود که آیه ی تطهیر در مقام عصمت آل عبا یعنی پیغمبر مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام و خصوصاً حضرت

ص: ۶۳

۱- همان ۲/۵۲

۲- همان ۲/۸۲

صدیقه ی طاهره علیها السلام و یازده فرزند معصومشان می باشد و از جمیع جهات از جمیع

و بازده فرزند معصومشان می باشد و از جمیع جهات آلودگی های ظاهری و باطنی و غیر ذلک پاک و مطهرند. (۱)

طهارت ظاهری و باطنی ائمه ی اطهار علیهم السلام

مرحوم سید بن طاووس: در زیارت جامعه ی ائمه ی مؤمنین فرموده است:

بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَمِنْ كُلِّ رِيَّةٍ وَنَجَاسَةٍ وَدَيْتَةٍ وَرَجَاسَةٍ. (۲)

و می دانم که خدا شما را از زشتی ها و پلیدی های آشکار و پنهان و از هر شک و شبهه و آلودگی و پستی و پلیدی و ناپسندی و ... پاک داشته.

این بیان سلب نجاست صوری و معنوی را از ائمه ی معصومین علیهم السلام ما کرده است و می توان گفت که جهت و اصل و منشأ نجاست، غالباً از جهت نفسانیت و تبعیت شهوات و مخالفت از اوامر و ارتکاب معاصی می باشد، در این انوار طیبه.

حتی یک بار ولو به اندازه ی مثال ذره ای جهت نفسانیت و معصیت راه نداشت و ندارد به طور کلی طهارت بدن ائمه اطهار نسبت به اجزای ظاهری و باطنی آن ها محمول و مشکل است چرا که اگر مراد و منظور طهارت ظاهری اجساد آن ها باشد. پس هر مسلمانی نیز چنین طهارتی را دارا می باشد پس این را نمی توان بر ائمه ی اطهار فضیلتی به حساب آورد چرا که همه مسلمان ها نیز این گونه طهارت می کنند که اخبار و روایات زیادی در این باب وارد شده است. چنانچه در اخبار است که بول و مانند آن از ائمه بوی بد نداشت و معطر بود و زمین مأمور به بلع آن بود و این خود یکی از ویژگی های ائمه ی معصومین علیهم السلام بود.

ص: ۶۴

۱- همان ۲/۸۲ - در کتاب شرح حدیث شریف کساء در مورد طهارت اهل بیت علیهم السلام بیشتر توضیح داده ایم. به علاقمندان توصیه می شود به آن کتاب شریف رجوع کنند.

۲- مفاتیح الجنان و زیارت جامعه ی ائمه المؤمنین

اگر چه ایشان غسل از ابوال خود می کردند و امر به شستن هم داشتند و این احکام بر ایشان واجب بود؛ اما انجام این احکام با طهارت ابوال و عدم نجاست معروفه که مستلزم خبثات است منافاتی ندارد.

اما نجاست به معنی وجوب غسل و نجاست شستن و لزوم احتراز به ملاحظه ی مصالح خارجی است از نجاست و طهارت بالذات و در نهایت نظافت بودن. اگر چه اطلاق نجاست نیز در این صورت در انظار مستهجن است به جهت انصراف انظار از نجاست (من جهة الغلیه) به خبثات است لیک ایشان از نجاسات و کثافات و جمیع عیوب بدون شک پاک و منزّه اند و تمام وجودشان نور محض است.

و بحر العلوم رحمه الله هم در منظومه ی خود دره النجفیه گفته است:

و السِّرُّ فی فضلِ صلوه المسجدِ *** قَبْرٌ لِمَعْصُومٍ بِه مُسْتَشْهِدٍ

بِقَطْرِه مِنْ دَمِهِ مُطَهَّرَه *** طَهْرُهُ اللهُ بِعَبْدٍ ذَكَرَهُ

و هِیَ یُبُوْتُ اِذْنَ اللهُ بَانَ *** تَرْفَعُ حَتَّى یَذْکُرَ اسْمُهُ الْحَسَنُ (۱)

و روایتی که مرحوم علامه مجلسی رحمه الله در بحار از راوندی در قصص الانبیا و حسن بن بسطام در طب الائمة از ابی طیبیه ی حجام نقل می کند مؤید این بیان است. او روایت کرده است:

ابو طیبیه گفته: من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را حجامت کردم و یک اشرفی به من داد و خون او را نوشیدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن را نوشیدی؟ گفتم: آری، فرمود: چه چیز تو را بر آن داشت که آن را بخوری؟ گفتم بدان تبرک جستم. فرمود: از همه دردها و بیماری ها و فقر و فاقه در امان شدی، به خدا قسم هرگز آتش به تو نرسد. (۲)

غرض از این بیانات آن است که امور ائمه ی طاهرین را نباید قیاس با سایرین کرد. و حضرت زهرا علیها السلام نیز از رجیس پلیدی ها طاهره و مطهره است و نباید ایشان را

ص: ۶۵

۱- الدرہ النجفیه / ۹۱

۲- بحار الانوار ۱۷/۳۳

جدا از دیگر ائمه دانست. زیرا شخصیتی که امام پرور است هیچ گاه آلوده به گناه و کثافات نمی شود.

کار پاکان را قیاس از خود مگیر*** گر چه باشد در نوشتن شیر، شیر

آن یکی شیر است کآدم می خورد*** و آن یکی شیر است کآدم می درد

چنانچه آن مخدره، مطهره است، فرزند او هم طاهر و مطهر است و گوشت او از گوشت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و پوست او از پوست پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و طهارت ظاهری و معنوی گوشت و پوست و خون پیغمبر واضح است و منافاتی با وجوب تطهیر آن بزرگوار از خون خود ندارد.

و صدوق در اعتقادات خود فرمود: علت این که امام علیه السلام سایه ندارد این است که هیکل مبارکش از عالم نور است لهذا سایه ندارد.

از حضرت ثامن الائمه علائم معینه ای برای امام نقل شده، که یکی از آن ها این است:

لا یكونُ له ظلٌ و فی خبر آخر لا یری له ظل. (۱)

یعنی سایه ندارد و در خبر دیگر است که سایه ای برای او دیده نمی شود چون در این عالم مقام نورانی ائمه علیهم السلام محرز گردید و اشرفیت آن ها از ملک تعقل گردید تصور این که چگونه خون و ما یخرج منهم طاهر است و سهل و آسان خواهد گردید.

و در زیارت جامعه ی کبیره چنین آمده است:

عصمکمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ و آمنکمُ مِنَ الْفِتَنِ و طَهَّرکمُ مِنَ الدَّنَسِ و أذهبَ عنکمُ الرَّجْسَ و طَهَّرکمُ تَطْهِیراً.

خدا شما را از لغزش نگاه داشت و از آشوب ایمن داشت و از چرک گناه پاک داشت و از شما پلیدی را برد و شما را پاکیزه کرد پاکیزه کردنی.

ص: ۶۶

نزد بعضی، نجاسات بر چهار قسم است

اول - نجاسات حدث و خبث

دوم - نجاست معصیت

سوم - نجاست صفات رذیله

چهارم - اسباب انصراف از اوست. یعنی نجاست و پلیدی از او از اول هم از او منصرف بود. یعنی: به وسیله آیه ی تطهیر که در مورد عصمت آن بزرگوار و سایر معصومین علیهم السلام می باشد. تمام نجاسات چه اخلاقی چه غیر اخلاقی، چه ظاهری، چه باطنی، چه معنوی، چه غیر معنوی، همه از آن حضرت بدورند. گناهان یعنی خلاصه از تمام نجاسات و آلودگی های ظاهری و باطنی. پاک و منزّه است و از او انصراف از اول امر داشته اند.

موانع چون در این عالم چهار است*** طهارت کردن از وی هم چهار است

نخستین پاکی از احداث و انجاس*** دوم از معصیت و از شر و سواس

سومی پاکی از اخلاق ذمیمه است*** که با وی آدمی همچون بهیمه است

چهارم پاکی سزا است از غیر*** که آن جا منتهی می گرددش سیر

هر آن کس که حاصل این طهارت*** بود بی شک سزاوار مناجات(۱)

در واقع پلیدی ها از نفس اماره و لوامه نشأت می گیرد. بعد از آن که پلیدی های نفس در وجود آدمی از بین برود، بر شئون عقل و آثار نفس غلبه می کند و مانند ملائکه صاحب نفس قدسیه خواهد گردید و طاهر و مطهر خواهد بود.

اگر چه به حسب ظاهر خون بدن و آنچه از بدن خارج می شود را بشویند یا آنکه امر به تطهیر آن نمایند. از این جهت است که در باب غسل روایتی نقل شده که راوی از معصوم علیه السلام سؤال کرد، زمانی که امام علیه السلام از دار دنیا رفت و هنوز بدن مبارکش را غسل نداده اند، اگر شخصی آن بدن شریف را لمس کند غسل دارد یا نه؟ امام فرمود: هر وقت بدن و تن امام شهید را مسّ کند غسل ندارد.

در جلد دهم بحار عمار از ابن عباس روایت کرده که: در ظهر روز عاشورا حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب غبار آلود دیدم.

فی یده قارورة فیها دم فقال یا رسول الله ما هذا الدم؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم: دم الحسین علیه السلام.(۲)

۱- گلشن راز شبستری آیات ۴۰۴-۴۰۸

۲- بحارالانوار ۴۵/۲۳۱

و در جای دیگر ام سلمه روایت کرد: از زمانی که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از دار دنیا رفته بود او را در خواب زیارت نکرده بودم، تا ظهر عاشورا در خواب دیدم ژولیده مو و گردآلود و به دو دست مبارکش شیشه ای بود که در آن ها چیز سرخی جلوه می نمود. عرض کردم: در این شیشه چیست؟ فرمود: در شیشه ای که در دست راست من است خون گلوی حسین علیه السلام است و در شیشه ای که در دست چپ من است خون گلوی شهدا است و در ذیل خبر جمال است که حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام عرض کرد:

یا رسول الله أما ترى ما فعلت أمتك بولدي؟ أتأذن لي أن آخذ من دم شيبه و أخضب به ناصية بيتي و ألقى الله عزوجل و أنا مُخَضَّبَةٌ بدم ولدي الحسين؟ (۱)

یا رسول الله آیا نمی بینی امت تو با فرزندان من چه عملی انجام داده اند؟ آیا به من اجازه می دهی من از خون محاسن حسینم بگیرم و پیشانی خود را به وسیله آن خضاب نمایم؛ و خدا را در حالی ملاقات نمایم که با خون فرزندم خضاب کرده باشم؟

و در زیارتی که از ناحیه ی مقدسه ی حضرت امام حسن عسگری علیه السلام است آمده است:

السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الطِّفْلِ الرِّضِيِّ الْمَرْمِيِّ الصَّرِيحِ الْمُتَشَحِّطِ دَمًا الْمُصْعَدِ دَمُهُ فِي السَّمَاءِ. (۲)

قال الباقر عليه السلام فلم يسقط من ذلك الدم قطرة إلى الأرض. (۳)

و روز عاشورا سیدالشهدا علیه السلام چند قطره خون را به آسمان ریختند که به زمین برگشت نکند و در زیارت است که:

أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَأَقْشَعَرَتْ لَهُ أَظْلُهُ الْعَرْشِ. (۴)

پس همان طور که حالات و صفات و ذوات و ابدان و اجسام ائمه با سایر امت فرق دارد خون و بول و آنچه از ایشان بیرون می آید نیز با دیگران فرق دارد، اما به حسب ظاهر تطهیر می فرمودند و در باطن مطهر و طاهر می باشند.

ص: ۶۸

۱- همان ۴۵ / ۳۱۸

۲- همان ۲۷۰ / ۹۸

۳- همان ۶۶ / ۴۵

۴- همان ۱۵۲ / ۹۸

وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَخْلَى أَسْمَاءُكُمْ. (۱)

و نام های شما در نام ها و جسدهای شما در جسدها است و روح های شما در ارواح و نفس های شما در نفس ها و علامات شما در علامت و قبرهای شما در قبرها است پس چه شیرین است نام های شما.

بلکه می توان گفت هر کس پاک باشد و هر چیز پاکیزه گردد از برکت وجود این پاکان است و حتی آثار مترتبه بر وجود پاکان از آثار آفتاب و باران و آب و دریا بیشتر و بهتر است (بلکه قابل قیاس نیست).

پس باید خون امام علیه السلام پاک باشد که ملائکه در آسمان و حورالعین در بهشت ذخیره نمایند چگونه از نظر باطنی طاهر نباشد و حال آنکه به هر کجا اگر قطره ای از آن چکید برای شفای دردهای مزمن و قبولی نماز (منظور تربت است) مورد استفاده می باشد.

علائم امام در روایات

در کشف الغمه درباره ی علائم امام علیه السلام حدیث مفصلی از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْإِمَامِ عِلْمَاتٌ يُؤَلَدُ مَخْتُونًا وَيَكُونُ مُطَهَّرًا وَإِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلَى رَاحَتِيهِ رَافِعًا صَوْتَهُ بِالشَّهَادَتَيْنِ. (۲)

امام علیه السلام ختنه کرده و پاک و پاکیزه متولد می شود و چون از رحم مادر بیرون می آید با دو دست به روی زمین آید در خبر دیگر است که با دو پا به زمین آید در حالی که صدای خود را به گفتن شهادتین بلند می کند.

ص: ۶۹

۱- زیارت جامعه ی کبیره

۲- کشف الغمه ۲/۲۹۰

در بحار آمده است از ران راست مادر متولد می شود و در خبر دیگر است که دست چپ خود را بر زمین می گذارد و با انگشت سیبانه ی دست راست اشاره به آسمان و لیبیک گوید.

در مورد تولد امام از معصوم علیه السلام سؤال کردند، فرمود: هنگامی که امام متولد می شود هاتفی از آسمان اسم امام و اسم پدر و مادر امام را ندا می کند. لهذا امام در جواب آن هاتف می گوید: لیبیک.

در خیر دیگری آمده است که بر بازوی راست امام زمان علیه السلام نوشته شده:

«جاء الحقُّ و زهقُ الباطلُ»^(۱)

و بر بازوی چپ نوشته شده:

«و تمَّتْ کلمه ربِّک صدقاً و عدلاً لا مُبدل لکلماته»^(۲)

و بنابر روایتی هنگامی که متولد می شود سجده کرده و نوری از او ساطع گردد همه ی دندان های او روئیده شده است و به عبارت دیگر امام هنگام تولد تام الخلقه است. در روایت دیگر در اصول کافی چنین آمده است:

عن زراره عن أبي جعفر عليه السلام قال للإمام عشر علامات يولد مطهراً مختوناً و إذا وقع على الأرض وقع على راحته رافعاً صوته بالشهادتين و لا- يُجنَّب و تنام عيناه و لا- ينام قلبه و لا- يشاءُ و لا- يتمطى و يرى من خلفه كما يرى من أمامه و نجوة كرائحه المسك و الأرض موكله بستره و ابتلاعه و إذا لیس درع رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم كانت عليه وفقاً و إذا لبسها غيره من الناس طویلهم و قصيرهم زادت عليه شبراً و هو مُحَدِّثٌ إلی أن تنقضي أيامه.^(۳)

ص: ۷۰

۱- سوره ی اسراء آیه ی ۸۱

۲- سوره ی انعام آیه ی ۱۱۵

۳- اصول کافی ۲/۲۳۱

امام باقر علیه السلام فرمود: امام ده علامت دارد.

۱- پاکیزه و ختنه شده متولد می شود.

۲- هنگامی که به دنیا آید کف دست به زمین نهاده و شهادتین می گوید.

۳- محتمل نشود

۴- چشمش بخواهد، ولی قلبش بیدار باشد.

۵- خمیازه نمی کشد و دهانش را باز نمی کند.

۶- پشت سرش را ببیند همان طور که از پیش رویش می بیند.

۷- مدفوعش بوی مشک دهد.

۸- زمین وظیفه دارد مدفوعش را بپوشاند و فرو برد.

۹- چون زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بپوشد اندازه ی قامتش باشد. اما اگر زره مرد دیگری را بپوشد خواه کوتاه قد یا بلند قد باشد یک وجب برای امام بلندتر باشد.

۱۰- تا زمان حیاتش محدث باشد. [فرشته به او خبر دهد]

عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام در خطبه ی خود

هنگامی که ابوبکر و همکارانش دست عمال فاطمه ی زهرا علیها السلام را از فدک کوتاه نمود و خبر به آن بزرگوار رسید، آن بضعه ی رسول صلی الله علیه و آله و سلم مقنعه و خمار بر سر پیچید و چادر به سر انداخت و لباس دادخواهی پوشید و با فرزندان خود و زنان نزدیک و بنی هاشم و قریش و بسیاری دیگر از خدمتگزاران و زنان صحابه به طرف مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حرکت نمودند. چنان آن بانوی عظمی با وقار و سکینه راه می رفت که چادرش روی زمین می کشید و پاهای مبارکش به هم می پیچید. همه ی کسانی که او را می دیدند گمان می کردند پیغمبر است که گام بر می دارد و وارد مسجد می شود.

ابوبکر در میان مهاجر و انصار نشسته بود. بی درنگ پرده ی بین مردان و زنان را کشیدند. فاطمه ی زهرا علیها السلام نخستین باری بود که پس از پدر قدم به مسجد می گذاشت. انبوه جمعیت به احترام او ازدحام را شکافته و راهی باز نمودند و گذرگاهش را هموار ساختند.

فاطمه ی زهرا علیها السلام با اندوه فراوان به طرف قبر پدر رفت. نشست و اشک ریزان صدای ناله ی سوزناک او بلند شد و همه ی جمعیت را به گریه درآورد و ضجه ی زنان و مردان لرزه بر اندام همه انداخت. صدیقه ی طاهره علیها السلام لحظه ای آرام شد. پس از آن از جای برخاست و لب به سخن گشود و حمد و ثنای الهی گفت، اما فریاد و شیون زن و مرد تا سه بار رشته ی سخن و خطابه ی او را کوتاه کرد و به امواج ضجه و نعره و جزع و فرع سپرد. دختر گرامی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ولایت مطلقه ی خود امر به سکوت داد. نفس ها در سینه ها حبس شد و فرصت مناسبی برای سخنرانی ایجاد شد و آن گاه خطبه ی مهیج خود را شروع فرمود.

خطبه ی آن حضرت مفصل است و در اکثر کتب اعم از شیعه و سنی آمده است ما چند جمله ای که با بحث و موضوع مناسبت دارد از کتاب احتجاج طبرسی رحمه الله نقل می کنیم و عصمت آن بزرگوار را از خطبه ی خود ایشان استخراج می کنیم. چند جملاتی که مورد نظر است عبارت است از:

فَقَالَتْ: فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ وَالصَّيْلَةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ وَالزُّكَاةَ تَرْكِيهَ لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ وَالصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ وَالْعَدْلَ تَسْوِيقاً لِلْقُلُوبِ وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَيَّ اسْتِجَابَ الْأَجْرِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَضْلِحَةً لِلْعَامَّةِ وَبُرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السُّخْطِ وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمُرِ وَمَنْمَاءً لِلْعَدَدِ وَالْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدِّمَاءِ وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَغْرِيباً لِلْمَغْفِرَةِ وَتَوْفِيهَ الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَحْسِ وَالنَّهْيَ عَنِ شَرِّ بِالْخَيْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ وَتَرْكَ السَّرِقَةِ إِجَاباً لِلْعَفْوِ وَحَرَمَ اللَّهُ الشَّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ «فَاتَّقُوا اللَّهَ

حَقُّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتَنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱) وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (۲).

این کلمات جز از زبان معصوم خارج نمی شود. خودش پاک و مطهره است و سخنانش هم نور است که می فرماید:

پروردگار متعال ایمان را برای شما باعث تطهیر و پاکیزگی از شرک و کفر و پلیدی قرار داد. نماز را برای تنزیه دل از کبر و نخوت و زکات را برای تزکیه ی نفس و مال و جان و افزونی قوت ها و روزی مقرر فرمود و روزه را برای ثبات در اخلاص و حج را برای تشیید و محکم کردن مبانی دین و اعلام و تعظیم کلمه ی توحید و عدل را برای ارتباط و تألیف قلوب و اطاعت ما خاندان را برای حسن انتظام امور اجتماعی ملت ها و امامت ما اهل بیت را برای ایمنی و امان از اختلاف و تفرقه و لغزش و جهاد را برای عزت و ارجمندی و سربلندی ملت اسلام و صبر را برای استحقاق اجر و امر به معروف را مصالح عامه ی مردم و نیکی به والدین را برای مصونیت از غضب خداوند و صله رحم را برای پیوستگی ارحام و اقارب و تکثیر نسل وحدت ملی قرار داده است. این آیین مقدس، رشد ملی و ارتقای عقلی انسانیت است که به شما آموخته تا به کمال مطلوب و لایق خود برسید. خداوند صله ی رحم را برای زیاد شدن نفوس مسلمین (طول عمر مسلمین) و پیوستگی افراد اجتماع و اقارب و خویشان قرار داد و قصاص را برای حفظ خون های مردم و وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت و نیل به آمرزش الهی و تمام پیمودن کیل و وزن را برای اعتماد و حفظ اموال از نقص و زیان و نهی از شرب خمر و می را برای دوری از رجس و پلیدی و خود داری از فحاشی و دشنام را برای مصونیت از لعنت مردمان و دزدی نکردن را برای حفظ عفت و پاکدامنی قرار داده است. خداوند برای این شرک را حرام نمود تا همه با اخلاص او را بپرستند. پس تقوی الهی را به خوبی رعایت کنید به گونه ای که از این سرای با حال تسلیم خارج

ص: ۷۳

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۲

۲- سوره ی فاطر آیه ی ۲۸ - احتجاج طبرسی ۱/۹۹

شوید. پس خدا را در اوامر و نواهیش اطاعت کنید زیرا در میان بندگان تنها دانشمندان هستند که در برابر خدا خاشعند.

در بحث مورد نظر ما شاهد مثال این جمله است که فرمودند:

و طاعتنا نظاماً لِلْمَلِئِهِ و إمامتنا أمانةً لِلْفِرْقَةِ.

و لزوم اطاعت و امامت ما را موجب امان از تفرقه و جدایی مؤمنان قرار داده است. این که خداوند تبارک و تعالی فرموده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا الرَّسُولَ و أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و پیامبر خدا و صاحبان امر (امامان هدی علیهم السلام) اطاعت کنید.

اطاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اطاعت ائمه معصومین علیهم السلام را در ردیف اطاعت خود قرار داده؛ یعنی اطاعت معصوم اطاعت خداوند است. همین جمله اثبات می کند که اطاعت آنان از طرف خداوند است و خود خدا، فقط ایشان را برای پیشوای مردم قرار داده و شخص گناه کار نمی تواند معصوم باشد. چنان که در سوره ی بقره می فرماید:

«و إِذِ ابْتُلِيَ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ و مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَهَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۲)

(به خاطر بیاور) هنگامی که خداوند ابراهیم را با طرق گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده ی آزمایش بر آمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از دودمان من نیز امامانی قرار بده. خداوند فرمود: پیمان من (مقام امامت) به ستمکاران نمی رسد. (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته ی این مقام اند).

آیات و روایات فراوانی فوق تواتر در این زمینه می باشد و در این که حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام حجت خداست و همانند پدر بزرگوار و شوهر و فرزندان معصومش

ص: ۷۴

۱- سوره ی نساء آیه ی ۵۹

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۲۴

در حجت بودنشان شریکست. شک و تردیدی نیست همان هدایت و ارشاد و اندازی را که سایر معصومین علیهم السلام دارند، ایشان هم دارند.

حضرت باقر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی درباره ی حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام می فرماید:

اطاعت ایشان بر تمامی افریدگان خداوند از جن و انس، پرندگان و حیوانات وحشی و پیامبران و فرشتگان واجب بود. (۱)

محمد بن سنان گوید: نزد امام جواد الائمه علیه السلام بودم و سخن از اختلاف شیعه به میان آمد، فرمود:

ای محمد! همانا خداوند متعال پیوسته در وحدانیت خود یکتا بود، آن گاه محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را آفرید. آنان دوران زیادی درنگ کردند و پس از آن خداوند تمامی موجودات را آفرید و آنان را بر آفرینش موجودات گواه گرفت و اطاعت آنان را بر موجودات لازم فرمود و امور موجودات را به آنان واگذار کرد. آنان هر آنچه را که خواستند حلال و هر آنچه را که خواستند حرام نمودند. البته هیچ چیزی جز آنچه را که خداوند خواسته بود نمی خواستند. پس فرمود: ای محمد! این همان آیینی است که هر کس از آن پیشی گیرد از دین خارج شده و هر کس عقب بماند نابود می گردد و هر کس ملازم و همراه آن باشد به حق پیوسته است. (۲) این مطلب را غنیمت بشمار ای محمد. (۳)

علامه ی مجلسی رحمه الله در شرح این حدیث چنین می فرماید: آنان را بر آفرینش موجودات گواه گرفت یعنی در حضور و پیش روی آنان موجودات را آفرید و آنان بر کیفیت خلقت و رموز آن اشراف داشتند. اطاعت آنان را بر تمام موجودات حتی جمادات و موجودات آسمانی و زمینی واجب ساخت و امور موجودات را به آنان

ص: ۷۵

۱- دلائل طبری / ۲۸

۲- فالزاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَا حِقٌّ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ (زیارت جامعه ی کبیره)

۳- بحار الانوار ۱۵/۱۹

واگذار کرد، یعنی حلال و حرام کردن و بخشیدن و نبخشیدن را. هر چند ظاهر عبارت این معنی را می‌رساند که حتی تدبیر موجودات از حرکات و سکنتات و ارزاق و عمرها و امثال آن را به آنان واگذار کرد. (۱)

ابو سعید خدری می‌گوید: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم مردی از راه رسید و از حضرت درخواست کرد که درباره بیان خداوند که فرموده است:

«إِسْتَكْبَرَتْ أُمُّ كُنْتٌ مِنَ الْعَالِينَ» (۲)

که در خطاب به شیطان است، توضیح دهد که اینان چه کسانی هستند که از ملائکه ی مقربین برتر و والاترند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: منظور از آنان من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می‌باشیم که در سُرّادق عرش بودیم و دو هزار سال پیش از آنکه خداوند آدم علیه السلام را بیافریند خداوند را تسبیح می‌کردیم و ملائکه با تسبیح ما خدا را تسبیح می‌کردند. هنگامی که خداوند آدم را آفرید به ملائکه دستور فرمود که: بر او سجده کنند. البته به خاطر وجود ما مأمور به سجده ی بر آدم شدند. به جز ابلیس همه ی فرشتگان سجده کردند. خداوند متعال به او فرمود:

ای ابلیس! چه چیز تو را بازداشت از اینکه بر آنچه که من با دست قدرت خود آفریده ام سجده کنی؟ آیا استکبار ورزیدی یا از موجودات عالی و برتر بودی؟ یعنی از این پنج تنی که اسامی آنان در سُرّادق (۳) عرش نوشته شده بود.

پس ما هستیم آن باب خدایی که از آن در وارد می‌شوند و هدایت یافتگان به وسیله ی ما هدایت می‌گردند. هر کس ما را دوست داشته باشد خداوند او را دوست داشته و به بهشت خود واردش می‌سازد و هر کس با ما دشمنی کند خداوند او را دشمن داشته و به آتش داخلش می‌کند و دوست ندارد ما را مگر کسی که از دامان پاک و پاکیزه زاده شده باشد. (۴)

ص: ۷۶

۱- مرآة العقول ۵/۱۹۲ - ۱۹۵

۲- سوره ی ص آیه ی ۷۵

۳- سرا پرده، خیمه از جنس پنبه

۴- تأویل الآیات ۲/۵۰

ثُمَّ قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَقُولُ عَزُودًا وَ بَدْوًا وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»... (۱)

آنگاه فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه ی زهرا هستم و پدرم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم خاتم النبیین است. آنچه اول گفتم آخر هم همان سخن را می گویم و آنچه می گویم حساب شده است و اشتباه نمی گویم.

ای مردم! بدانید آنچه می گویم بر اساس حق و عدالت است آنگاه این آیه را تلاوت نمود که «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ...» (۲)

ای مردم! برای شما پیغمبری از جنس خود شما فرستاد که عزیز و بزرگوار است و سختی های زندگی شما و نابسامانی اجتماع شما بر او سخت و دشوار می نمود و او بر هدایت و ارشاد و خلاصی شما از این مشکلات طاقت فرسا حریص و بر مؤمنین رئوف و مهربان بود...

شاهد ما این جمله است:

أَقُولُ عَزُودًا وَ بَدْوًا وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا.

گفتم تماماً یکنواخت از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی به دور است و از من هرگز کلام بیجا و کردار بی ربط سر نمی زند.

طبق همان مدرکی که در آیه ی تطهیر ذکر شده، معصوم از همه ی الودگی های ظاهری و باطنی پاک و میراست و معصوم از نسیان و فراموشی و غلط گویی و اشتباه گویی با کلام بیجا و غیره دور است. اینکه فرمود: من هرگز کلام بیجایی نمی گویم چه نادرست، چه دروغ و بی ربط، یعنی این صفات نادرست از من به دور است و کلامی از من صادر نمی شود، مگر از روی بصیرت و حکمت و آن مطابق با

ص: ۷۷

۱- زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی) / ۶۹

۲- سوره ی توبه آیه ی ۱۲۸

واقع است. زیرا بسیار می شود که گوینده ای یک چیز را می گوید، سپس یک اشتباه در سخن خود می بیند که می گویند در کلامش خطا کرد و گفتارش به خطا رفت و این از مقام عصمت به دور است.

اینجا در حرمت قول اشتباه دو مسئله است

الف: قول و گفتار غلط گاهی حرام می باشد و گاهی مکروه که مانع از نقیضش نیست و گاهی غیر این می باشد، مانند خطا و سهوی که احکام خمس منطبق بر او نخواهد شد. زیرا از آن مقسم خارج می شود و صحبت غلط گاهی عمدتاً و گاهی سهواً گفته می شود اما قول غلط هنگامی که عمد باشد حرام است. مثلاً اگر در احکام شریعت اسلام یا در عقائد دینیه یا مانند آن باشد.

گاهی هم مکروه است مانند جایی که شارع مقدس اسلام برای معرفت او موضوعیتی نمی بیند. یعنی مثل شئون اعتقادیه نیست و از شئون اعتقادیه بیرون است. بنابراین به آن قول غلط گفته نمی شود. پس عنوان حرام بر آن بار نمی شود.

ب: همچنین است امر به فعل دور از حقیقت و تجاوز از حد و بی ربط که از مصادیق ظلم به نفس یا به دیگران است چه عمدتاً باشد و چه سهواً. که اشاره شد [کلمه ی شططا به معنی ظلم و تجاوز از حد است شطّ شطا و شطوطاً دور شد. شطّ شططاً تجاوز کرد از حد آن و دور شد از حق. شطّ علیه فی حکمه به او در حکم ظلم و ستم کرد.]

منظور از فعل در گفتار مبارکش که فرمود: و لا افعل ما افعل (و از من هرگز کلام بی جا و بی ربط سر نمی زند) یعنی در این گفتار علی بن ابی طالب علیه السلام شاهد قول و فعل من و یاور من است [یعنی من همانند امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام گفته هایم صادقم چون مقام عصمت دارم و همانند شوهرم هیچ وقت سخن بی ربط و بیهوده و گزاف و دروغ و خلاف واقع نمی گویم] و در این مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که دفاع از حقم می کنم، فدک مال پدرم بود که به دستور خداوند به من واگذار شد و شما خلفای ناحق غصب کردید. من ناچارم حقم را طلب نمایم. من همانند پدرم در

مقام عصمت هستیم. همان صفات عصمتی که برای پدرم است عیناً برای من هم هست. پیغمبر هرگز حرف بی ربط و گراف و خلاف حقیقت و کذب و ... نمی گوید بلکه هر چه می گوید از ناحیه خداوند است:

كما قال الله تبارك و تعالی فی كتابه: «و ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (۱)

خلاصه ی کلام تجاوز از حق دو جهت دارد

۱- انسان به راه خطا برود، ولی قصد صواب داشته باشد و از آن تعبیر به قصور می شود. مثل افرادی که در جستجوی حق هستند اما به خطا دچار می شوند.

۲- انسان در عهدش تجاوز از حق نماید و بر انگیزه ی هوای نفس حق را نادیده گیرد و آن را (شطط) و به تعبیر دیگر (تقصیر) گویند. بر این اساس است که صدیقه ی طاهره علیها السلام تأکید می کند که گفتارم نه از روی جهت اولی است (و لا اقول ما اقول غلطاً) و نه از جهت دومی که (شطط) است بلکه مبین حق و محض واقع است.

عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام از بیان امیر المؤمنین علیه السلام

احتجاج امیر المؤمنین علیه السلام با ابی بکر و عمر

در آن موقعی که فدک که حق صدیقه ی طاهره علیها السلام بود درین کردند:

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا بُويعَ أَبُو بَكْرٍ وَ اسْتِيقَامَ لَهُ الْأَمْرُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ بَعَثَ إِلَيَّ فِدَكَ مِنْ أَخْرَجٍ وَ كَيْلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مِنْهَا فِجَاءَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَيَّ أَبِي بَكْرٍ ثُمَّ قَالَتْ لِمَ تَمْنَعُنِي مِيرَاثِي مِنْ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَخْرَجْتَ وَ كَيْلِي مِنْ فِدَكَ وَ قَدْ جَعَلَهَا لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى؟

ص: ۷۹

از حماد بن عثمان نقل است که امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی با ابوبکر بیعت شد و خلافت او بر همه ی مهاجر و انصار محقق و ثابت گردید، فردی را از جانب خود به سرزمین فدک فرستاده و دستور داد تا نماینده ی حضرت زهرا علیها السلام را از آنجا اخراج کند. در پی این اقدام حضرت فاطمه علیها السلام نزد ابوبکر آمده و فرمود: چرا مرا از ارث پدرم محروم نموده و نماینده و وکیل مرا از آنجا بیرون کردی، حال اینکه پدرم آنجا را به دستور خدای متعال برای من قرار داده بود؟

فقال لها: هاتِي عَلَيَّ ذَلِكَ بِشُهُودٍ فَجَاءَتْ بِأُمِّ أَيْمَنٍ فَقَالَتْ لَهُ أُمُّ أَيْمَنٍ: لَا دَشْهَدَ يَا أَبَا بَكْرٍ حَتَّى اخْتَجَّ عَلَيْكَ بِمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْشَدَكَ بِاللَّهِ أَلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ أُمُّ أَيْمَنٍ مِنْ أُمَّرَأَةٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟

فقال: بِي قَالَتْ فَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «فَاتِذَا الْقُرْبِيُّ حَقَّهُ» (۱).

فجعل فدكا لها طعمه بأمر الله فجاء عليّ عليه السلام فشهد بمثل ذلك فكتب لها كتابا و دفعه إليها فدخل عمر فقال: ما هذا الكتاب؟ فقال: إن فاطمه عليها السلام ادعت في فدك و شهدت لها أم أيمن و عليّ عليه السلام فكتبته لها فأخذ عمر الكتاب من فاطمه فتفل فيه و مزقه!! فخرجت فاطمه عليها السلام باكية و هي تقول مرق الله بطنك كما مزقت كتابي هذا.

ابوبکر گفت: بر این مطلب شاهد بیاور. آن حضرت نیز ام ایمن را آورد و او گفت: پیش از اینکه شهادت و گواهی بدهم باید از تو ای ابوبکر پرسم تو را به خدا قسم آیا این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را قبول داری که فرمود: «ام ایمن یکی از زنان بهشتی است؟» گفت: آری، قبول دارم.

ام ایمن گفت: بنابراین من نیز شهادت می دهم که خداوند متعال بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی فرستاد که حق نزدیکانت را بده.

ص: ۸۰

پس رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نیز فدک را به دستور خداوند برای فاطمه علیها السلام قرار داد پس از ام ایمن حضرت علی علیه السلام آمد و به نفع حضرت فاطمه علیها السلام شهادت و گواهی داد. ابوبکر با شنیدن این گفتگوها راضی شد و نامه ای نوشت و فدک را به حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام داد. در همین بین عمر بن خطاب رسید و گفت این نامه چیست؟ ابوبکر گفت: فاطمه علیها السلام فدک را ادعا نمود و ام ایمن و علی علیه السلام برای او گواهی دادند من هم فدک را پس دادم.

عمر بن خطاب نامه را از دست حضرت فاطمه علیها السلام گرفته و پاره پاره کرد. آن حضرت گریان شد و با این حال از مجلس ابوبکر خارج شد و فرمود: همان طور که نامه ی مرا پاره کردی، خداوند شکمت را پاره کند. [همان طور هم شد و خداوند شکم او را پاره کرد و این اثر نفرین آن برگزیده ی خدا بود].

فلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ جَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ وَحَوْلَهُ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ. فَقَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ لَمْ مَنَعْتَ فَاطِمَةَ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ مَلَكَتْهُ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ هَذَا فِيَّ لِلْمُسْلِمِينَ. فَإِنْ أَقَامَتْ شُهُودًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ جَعَلَهَا لَهَا وَإِلَّا فَلَا حَقَّ لَهَا فِيهِ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا بَكْرٍ! تَحْكُمُ فِينَا بِخِلَافِ حُكْمِ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْمُسْلِمِينَ؟ قَالَ: لَا!

قال أمير المؤمنين عليه السلام: فإن كان في يد المسلمين شيء يملكونه ثم ادعيتُ أنا فيه من تسأل البيته؟ قال اياك أسأل البيته. قال أمير المؤمنين عليه السلام: فما بال فاطمه سألتها البيته على ما في يديها وقد ملكته في حياة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وبعده ولم تسأل المسلمين بيته على ما ادعوها شهوداً كما سألتني على ما ادعيت عليهم؟ فسكت أبو بكر. فقال عمر: يا علي! دعنا من كلامك فإننا لا نقوى على حجتك فإن أتيت بشهود عدول وإلا فهو فيء للمسلمين لا حق لك ولا لفاطمه فيه.

پس از آن امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد آمد و خطاب به ابوبکر که میان جماعت مهاجر و انصار بود فرمود: برای چه فاطمه را از میراث پدرش محروم ساختی در حالی که او در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مالک آن شده بود؟ ابوبکر گفت: این فیء (مال همه ی) مسلمین است. اگر شاهد بیاوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیاتش به او بخشید، قبول است و گرنه او هیچ حقی در فدک ندارد. حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای بابکر! آیا ما و مسلمانان خلاف دستور خداوند حکم می کنیم؟ گفت: نه! این طور نیست که می گویی.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر در دست یکی از مسلمانان چیزی باشد و من ادعا کنم که مالک آن هستم، تو از کدام یک از ما درخواست شهود می نمائی؟ ابوبکر گفت: معلوم است که فقط از تو طلب شاهد می کنم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پس چرا از فاطمه طلب شاهد می کنی اما از مسلمانان دیگر که مدعی هستند درخواست شاهد نمی کنی؟

ابوبکر ساکت شده و عمر گفت: ای علی! دست از این سخنان بردار که ما قادر به بحث و احتجاج با تو نیستیم. اگر در اثبات این مالکیت شاهدانی آوردید قبول است و گرنه فدک مال همه ی مسلمین بوده و نه تو و نه فاطمه هیچ حقی در آن ندارید!!

برخلاف عصمت کبری علیها السلام حکم کردن

فقال أمير المؤمنين عليه السلام يا أبا بكر تقرأ كتاب الله؟ قال: نعم.

قال أخيرني عن قول الله عزوجل إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً (۱) فيمن نزلت فينا أم في غيرنا؟ قال: بل فيكم. قال: يا أبا بكر! فلو أن شهوداً شهدوا علي فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بفاحشه ما كنت صانعاً بها؟ قال: كنت أقيم عليها الحد كما أقيمُهُ على نساء المسلمين.

ص: ۸۲

قال إِذْ كُنْتَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَافِرِينَ. قال: و لِمَ؟

قال: لأنك رددت شهادة الله لها بالطَّهارة و قَبِلْتَ شهادته النَّاسِ عَلَيْها كما رددتُ حَكمَ اللَّهِ و حَكمَ رَسولِهِ أَنْ جَعَلَ لَهَا فِدْكَا قَدْ قَبَضْتُهُ فِي حَيَاتِهِ ثُمَّ قَبِلْتَ شهادته أَعرابِيَّ بِإِثْلِ عَلِيٍّ عَقِيْبِهِ عَلَيْها و أَخَذْتَ مِنْها فِدْكَا و زَعَمْتَ أَنَّهُ فِيَّ ءُ لِلْمُسْلِمِينَ و قَدْ قالَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْبَيْنَةَ عَلَيَّ مِنَ الْأَدْعَى وَ الْيَمِينَ عَلَيَّ الْمُدْعَى وَ الْيَمِينَ عَلَيَّ مِنَ الْأَدْعَى عَلَيْهِ.

قال فدمدم النَّاسُ و أنكروا و نظرَ بَعْضُهُمْ إِلَيَّ بِغَضٍ و قالوا صدق و اللَّهُ عَلَيَّ بِنِ ابْنِ أَبِي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ و رَجَعَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيَّ مَنْزِلَهُ... (١)

حضرت امير المؤمنين عليه السلام فرمود: ای ابوبکر! آیا قرآن را خوانده ای؟ گفت: آری.

فرمود: به من بگو آیا آیه ی شریفه ی «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا» درباره ی ما نازل شده یا دیگران؟ ابوبکر گفت: البته درباره ی شما نازل شده.

امير المؤمنين عليه السلام فرمود: ای ابوبکر! اگر جماعتی گرد آمده و شهادت دهند که فاطمه عليها السلام دخت گرامی پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم العیاذ بالله مرتکب فاحشه ای شده است، تو چه خواهی کرد؟ گفت: مانند زنان دیگر مسلمان حد را بر او جاری می سازم [نعوذ بالله العلی العظیم]

حضرت امير عليه السلام فرمود: ای ابوبکر! در این صورت در نزد خداوند از کافران خواهی بود. گفت: برای چه؟

فرمود: زیرا تو منکر گواهی خداوند بر طهارت او شده و شهادت گروهی از مردمان را پذیرفته ای به همین ترتیب حکم خدا و رسول را در مسئله ی فدک که آن را در زمان حیات پیامبر صلی الله عليه و آله و سلم تصاحب نموده، رد کرده و در مقابل، شهادت فردی اعرابی دور از

ص: ۸۳

تمدن را پذیرفته ای و فدک را از او غصب نموده ای و پنداشته ای که آن فیئ (مال همه ی) مسلمین است، حال اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود فرموده بود که: السَّيِّئَةُ عَلَى الْمَيْدَعِي وَالْيَمِينُ عَلَى الْمَيْدَعِي عَلَيْهِ (دلیل و اثبات بر عهده ی شخصی است که ادعایی مخالف دارد و دیگر تنها باید سوگند یاد کند) و تو از این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز غافل شده و درست عکس آن عمل نموده ای و از فاطمه علیها السلام که فدک را تصاحب نموده، اقامه ی شاهد می کنی؟! با شنیدن این کلام بی نقص و سر تا سر منطقی جماعت حاضر متأثر و متحیر شده و به یکدیگر خیره شدند و یک صدا گفتند: به خدا که علی راست می گوید!! سپس حضرت امیر برخاسته و به خانه ی خود بازگشت...

عصمت صدیقه ی ظاهره علیها السلام از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پیش از هر نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اهل بیت علیهم السلام سلام می کرد

عبدالله بن حسن از پدرش از جدش نقل می کند که ابوالحمرء خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گوید:

پس از آنکه این آیه نازل شد:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...» (۱)

و نزدیکان خود را به نماز امر کن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از هر نماز بر در خانه ی علی و فاطمه علیهما السلام می ایستاد و می فرمود:

الصَّلَاةُ رَحْمَتُ اللَّهِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.

از ابی سعید خدری روایت است که هنگامی که این آیه نازل شد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که تا مدت نه ماه هر سه وعده ی نماز را به در خانه ی فاطمه و امیرالمؤمنین علیهما السلام می آمد و با صدای بلند می فرمود: الصلوه...

ص: ۸۴

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَمْرَاءِ خَادِمُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِاصْلَاهِ وَأَضْيَطَبِرَ عَلَيْهَا كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي بَابَ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ [عِنْدَ] كُلِّ صَلَاةٍ فَيَقُولُ: الصَّلَاةُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ الْآيَةَ... (۱)

در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده که فرمود: پس از آمدن فاطمه علیها السلام به خانه ی من، سه روز گذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد ما نیامد. صبح روز چهارشنبه به خانه ی ما آمد. در آن هنگام اسماء بنت عمیس در منزل ما بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به اسماء فرمود: در این جا که مرد هست پس چرا نرفته ای؟

اسماء عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت. وقتی دختر به خانه ی شوهر می رود و مرحله ی زفاف را می گذرانند نیاز به زنی دارد تا نیازهای او را برآورد من به این خاطر در اینجا هستم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای اسماء! خدا حاجت دنیا و آخرت تو را برآورد. (۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: آن روز روز سردی بود من و فاطمه علیه السلام خود را با عبا پوشانده بودیم. وقتی که صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شنیدیم خواستیم برخیزیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به حقی که من بر شما دارم بلند نشوید تا من بر شما وارد گردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و در بالای سر ما نشست. پاهای خود را با عبا پوشاند و من و فاطمه پاهای آن حضرت را گرم کردیم.

به من فرمود: کوزه ی آبی بیاور. کوزه ی آبی به حضورش آوردم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سه بار بر آن آب فوت کرد و چند آیه از قرآن را قرائت فرمود. سپس به من فرمود:

ص: ۸۵

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳؛ شواهد التنزیل ۱/۴۹۷

۲- از آن جا که اسماء همسر جعفر طیار بود و در این هنگام شوهرش در حبشه به سر می بردند. بعضی معتقدند در آن جا اشتباه لفظی رخ داده است و ظاهراً «سلمی بنت عمیس» (همسر حمزه) بوده است نه اسماء. ارشاد ۱/۱۳

این آب را بیاشام و در ته آن اندکی بگذار. به دستور آن حضرت عمل کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی مانده ی آب را به سر و سینه ی من پاشید و فرمود:

أذهب اللهُ عَنْكَ الرَّجْسَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ طَهَّرَكَ تَطْهِيراً.

خداوند ناپاکی را از تو ای ابو الحسن دور ساخت و تو را پاک و پاکیزه نمود. آنگاه فرمود: آب تازه ای بیاور. ظرف آبی به حضورش آوردم. چند آیه از قرآن را قرائت کرد و سه بار بر آن فوت کرد و آنگاه آن آب را به دخترش فاطمه علیها السلام داد و به او فرمود: بیاشام و مقداری از آن را باقی بگذار. حضرت فاطمه علیها السلام چنین کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باقی مانده ی آن را بر سر و سینه ی حضرت زهرا علیها السلام پاشید و به او فرمود:

أذهب اللهُ عَنْكَ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكَ تَطْهِيراً.

خداوند ناپاکی را از تو دور سازد و تو را پاک و پاکیزه نماید. (۱)

ص: ۸۶

موضوع سوم: عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام در القابش

اشاره

ص: ۸۷

اکثر القاب آن حضرت که علما جمع آوری کرده اند از این قبیل می باشند:

القاب بنت المطفی کثیره*** نظمت منها نبذه يسيره

نفسی فداها و فدا ابیها*** و بعلها الولی مع بنیها

سیده انسیه حوراء*** نوریه حانیه عذراء

کریمه رحیمه شهیده*** عقیفه قانعہ رشیده

شریفه حبیبه محترمه*** صابره سلیمه مکرمه

صفيه عالمه علیمه*** معصومه مغصوبه مظلومه

میمومه منصوره محتشمه*** جمیله جلیله معظمه

حامله البلوی بغیر شکوی*** حلیفه العباده و التقوی

حبیبه الله و بنت الصّفوه*** رکن الهدی و آیه النبوه

شفیعه العصاه امّ الخیره*** تفّاحه الجنه و المطهره

سیده النساء بنت المصطفی*** صفوه ربها و موطن الهدی

قره عین المصطفی و بضعتہ*** مهجه قلبه کذا بقیتہ

حکیمه فهیمه عقیله*** محزونہ مکروبہ علیله

عابده زاهده قوامه*** باکیه صابره صوامه

عطوفه رئوفه حنّانه*** البرّه الشفیّه الأنانه

والده السبطين دوحه النبی*** نور سماوی و زوجه الوسی

بدر تمام غرّه غرّاء*** روح أبیه درّه بیضاء

واسطه قلاده الوجود*** جوهره العزّه و الجلال

ولیه الله و سرّ الله*** درّه بحر الشرف و الجود

مكينه فى عالم السماء*** أمينه الوحى و عين الله

دره بحر العلم و الكمال*** جمال الآباء شرف الأبناء

ص: ٨٨

قطب رحي المفاخر السنيه*** مجموعه المآثر العليه

مشكاه نورالله و الزجاجة*** كعبه الامال لأهل الحاجه

ليه قدر ليله مباركه*** ابنه من صلّت به الملائكه

قرار قلب امها المعظمه*** عاليه المحل سر العظمه

مكسوره الضلع رضيف الصدر*** مغصوبه الحق خفي القبر

البته القاب آن بزرگوار بسیار است. عمده ی آن ها این القاب بود که در منظومه ذکر شد. (۱)

معنای بتول و طاهره

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد، معنای بتول چیست؟ زیرا ما از تو شنیدیم که می فرمودی: مریم و فاطمه هر دو بتول هستند؟ فرمود: بتول آن زنی است که هرگز سرخی نبیند، (یعنی خون حیض نبیند). زیرا خون حیض از برای دختران انبیا مکروه و ناپسند است.

علت اینکه حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام را طاهره گفته اند این است که آن بانوی بزرگوار از چرک و خون حیض و خون نفاس پاک بوده و در تمام مدت عمر خود هرگز خون حیض و نفاس ندید.

علامه مجلسی رحمه الله در جلاء العیون چنین می فرماید: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است:

فاطمه علیه السلام ۹ نام در نزد حق تعالی دارد که عبارتند از:

فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا. سپس حضرت فرمود: آیا می دانی که تفسیر فاطمه چیست؟ راوی عرض کرد: ای سید من شما برای من بگویید.

ص: ۸۹

۱- عوالم جلد حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام / ۷۰؛ کتاب بهجه قلب مصطفی لقب های حضرت را ۱۰۴ عدد ذکر کرده و خصائص فاطمیه از شیخ محمد باقر کجوری مازندرانی ۱۳۵ لقب آورده / ۶۸؛ جنه العاصمه لقب های حضرت را ۱۲۱ مورد ذکر کرده / ۱۳۸.

فرمود: یعنی از بدی ها بریده شده است. سپس فرمود: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج نمی نمود برای او تا روز قیامت روی زمین هیچ کفوی نبود [پس فاطمه ی زهرا علیها السلام معصومه است].

صدیقه به معنی بسیار راستگو که لقب آن بزرگوار است و مبارکه به صاحب برکت در علم، فضل، کمالات، معجزات و اولاد است. طاهره، پاکیزه از صفات نقص و زکیه، نمو کننده در کمالات و خیرات است. راضیه، راضی به قضای الهی و مرضیه، پسندیده ی خدا و دوستان خداست. محدثه، یعنی ملک با او می گفت و زهرا یعنی نورانی به نور صوری و معنوی است. (۱)

پس از آن علامه ی مجلسی رحمه الله می فرماید: این حدیث شریف دلالت می کند بر آنکه علی علیه السلام از جمیع پیغمبران و اوصیای ایشان به غیر از پیغمبر آخرالزمان صلی الله علیه و آله و سلم افضل است، بلکه بعضی استدلال بر افضلیت فاطمه ی زهرا بر ایشان نیز کرده اند. (۲)

نور عصمت او می درخشید

علامه ی مجلسی رحمه الله از کتاب علل الشرایع به سند معتبر از ابان بن تغلب روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که چرا فاطمه ی زهرا علیها السلام زهرا نامیده شد؟ حضرت فرمودند: برای آنکه نور فاطمه علیها السلام روزی سه مرتبه برای امیرالمؤمنین علیه السلام ظاهر می شد. در اول روز هنگامی که فاطمه علیها السلام نماز صبح می خواند و مردم در میان رختخواب های خود بودند، نور سفیدی از آن خورشید فلک عصمت ساطع می گردید و در همه ی خانه های مدینه داخل می شد و دیوارهای آنها سفید می شد. از مشاهده ی آن حالت تعجب می کردند و به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شتافتند و علت آن نور را سؤال می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: به خانه ی دخترم فاطمه علیها السلام بروید تا بفهمید آن نور از کجا ساطع شده است. هنگامی که به خانه ی آن حضرت می آمدند می دیدند که آن

ص: ۹۰

۱- جلاء العیون / ۹۰

۲- افضلیت حضرت صدیقه ی طاهره به نظر ما از جمیع انبیا و اوصیا به جز پدر و شوهر بزرگوارشان مسلم است که بحث او ان شاء الله خواهد آمد.

حضرت در محراب عبادت نشسته و مشغول نماز است و از صورت انورش آن نور امام است. پس می فهمیدند آن نوری که مشاهده کرده اند از اوست. هنگامی که ظهر می شد و فاطمه علیها السلام مهبیای نماز ظهر می شد نور زردی از پیشانی مبارکش می درخشید و در خانه های مدینه می تابید و از آن نور در و دیوار و جام ها و حتی رنگ صورت ایشان زرد می شد. چون از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علت آن را سؤال کردند، حضرت آن ها را به خانه ی فاطمه علیها السلام می فرستاد. چون به آنجا می رفتند او را در محراب عبادت می یافتند که مشغول نماز است و نور زردی از صورت منورش ساطع است پس می فهمیدند که این نور از صورت آن حضرت بوده است.

هنگامی که آخر روز می شد و آفتاب غروب می کرد، صورت منورش سرخ می شد و نور سرخی از فرح و شادی و شکر الهی از صورت آن بزرگوار می درخشید و داخل خانه های مدینه می شد و دیوارهای آنها سرخ رنگ می شد. از مشاهده ی آن حالت تعجب کرده و به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آمدند و از علت آن سؤال می کردند. حضرت ایشان را به خانه ی فاطمه علیها السلام می فرستاد. آنها حضرت زهرا را می دیدند که در محراب نماز نشسته و به تسبیح و تمجید الهی مشغول است و از گونه ی لطیفش نور سرخی ساطع است. پس می فهمیدند که آنچه دیده اند از آثار نور آن حضرت است و پیوسته آن نور در پیشانی انور آن حضرت بود تا آنکه حضرت امام حسین علیه السلام متولد شد و آن نور به پیشانی امام حسین علیه السلام منتقل شد و پیوسته آن نور با ما هست و تا قیامت از امامی به امامی دیگر منتقل می شود. (۱)

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که: هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام متولد شد، حق تعالی ملکی فرستاد تا بر زبان سید انبیاء نام فاطمه علیها السلام را جاری گردانید و به فاطمه علیها السلام خطاب کرد که تو را به واسطه ی علم از جهل بریدم و هم چنین تو را از حایض شدن بریدم.

ص: ۹۱

پس حضرت باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که حق تعالی او را در روز الست به علم خود برگزید و از کثافت حیض و آلودگی‌ها مطهر گردانید.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز روایت شده که: در فاطمه علیها السلام علت‌ها و کثافت‌های زنانه نمی‌باشد.

ابن بابویه به سند معتبر از ابن عباس روایت کرده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند. سپس حضرت فرمود: خداوندا تو می‌دانی که این‌ها اهل بیت من و گرامترین مردم نزد من هستند. پس دوست‌بدار هر که ایشان را دوست دارد و دشمن‌دار ایشان را دشمن دارد و دوستی‌کن با هر که با ایشان دوستی کند و دشمنی‌کن با هر که با ایشان دشمنی کند و یاری‌کن هر که ایشان را یاری می‌کند و ایشان را پاکیزه و مطهر گردان از هر شک و شبهه و معصوم گردان از هر گناهی و ایشان را از جانب خود با روح القدس تقویت کن.

پس فرمود: یا علی تو بعد از من پیشوا و خلیفه‌ی من بر امت من هستی و تو کشاننده‌ی مؤمنان به سوی بهشت هستی. هنگامی که به دخترم فاطمه نگاه می‌کنم گویا آن لحظه‌ای را می‌بینم که به صحرای محشر می‌آید در حالی که بر شتری از نور سوار شده و در طرف راست و چپ و پیش روی و پشت سر او هر یک هفتاد هزار ملک باشند و زنان مؤمن امت من را به دنبال خود به سوی بهشت می‌برد. پس هر زنی که در شبانه روز پنج نماز واجب را ادا کرده باشد و زکات مال خود را داده و از شوهر خود اطاعت کرده و اقرار به امامت علی علیه السلام بعد از من کرده باشد، به شفاعت دختر من فاطمه داخل بهشت شود.

به درستی که دختر من فاطمه علیها السلام بهترین زنان عالمیان است

گفتند: یا رسول الله! آیا او بهترین زنان زمان خود است؟ حضرت فرمود: آن مریم دختر عمران است که بهترین زنان زمان خود بود. دختر من فاطمه علیها السلام بهترین زنان عالمیان از گذشتگان و آیندگان است.

هنگامی که در محراب عبادت خود می ایستد هفتاد هزار ملک از ملائکه ی مقربین بر او سلام می کنند و به او می گویند آنچه را که ملائکه به مریم دختر عمران می گفتند:

يا فاطمهُ إِنَّ اللهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلٰى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. (۱)

یعنی: ای فاطمه! به درستی که حق تعالی تو را برگزید و مطهر و پاکیزه گردانید و تو را از میان زنان عالمیان برگزید.

پس متوجه امیرالمؤمنین علیه السلام شد و فرمود: یا علی! فاطمه علیها السلام پاره ی تن و نور دیده و میوه ی دل من است. هر چه او را آزرده می کند مرا نیز آزرده می کند و هر چه او را شاد می کند مرا نیز شاد می گرداند. اول کسی که از اهل بیت من به من ملحق می شود او خواهد بود. پس بعد از من با او نیکویی کن.

امام حسن و امام حسین علیهما السلام پسران من و دو گل بوستان من و بهترین جوانان بهشت هستند. پس باید ایشان را مانند چشم و گوش خود گرامی بداری.

سپس آن جناب دست به جانب آسمان بلند کرد و فرمود: خداوندا تو را گواه می گیرم که من دوست می دارم کسی را که ایشان را دوست دارد و دشمن می دارم کسی را که ایشان را دشمن دارد و صلح با کسی که با ایشان صلح است و می جنگم با کسی که با ایشان می جنگد و یارم با کسی که با ایشان یار است. (۲)

یونس بن ظبیان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام در پیشگاه خدا ۹ نام داشت:

فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا. سپس فرمود: آیا می دانی معنی فاطمه چیست؟ عرض کردم: ای سرور من معنی آن را برای من بیان کن.

ص: ۹۳

۱- بحار الانوار ۴۳/۲۴

۲- همان / ۹۵

فرمود: *فُطِمْتُ مِنَ الشَّرِّ* به خاطر اینکه از هر گونه بدی جدا و بریده است. سپس فرمود: اگر امیرمؤمنان علی علیه السلام نبود برای فاطمه علیها السلام تا روز قیامت در سراسر روی زمین همتایی نبود از زمان حضرت آدم علیه السلام تا پایان دنیا. (۱)

آن حضرت را از این رو طاهره می گویند که از هر گونه زشتی و پلیدی پاک بود و هرگز خون حیض و نفاس ندید. و از این رو زهرا نامیده شد که در هر روز سه بار نور جمالش برای امیرمؤمنان علی جلوه می کرد.

از نام های دیگر آن بزرگوار *حصان*، *حُزّه*، *سَیِّده*، *عُذراء*، *حوراء*، *مریم*، *کبری* و *بتول* است.

روایت شده از این رو آن حضرت را *بتول* گویند که هرگز عادت قاعدگی ندید چنانکه *مریم* مادر حضرت عیسی نیز به همین خاطر *بتول* نامیده شد. (۲)

از امام باقر علیه السلام روایت است هنگامی که فاطمه علیها السلام متولد شد خداوند عزوجل به یکی از فرشتگان دستور داد که زبان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به کلمه ی فاطمه گویا کند. بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را فاطمه نامید. سپس فرمود: من تو را به علم و دانش ممتاز نموده و از ناپاکی و خون حیض به دور نگه داشتیم. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، خداوند او را در عالم ذر و میثاق به علم مفطوم ساخت و از ناپاک دور نمود.

علامه ی مجلسی رحمه الله در ذیل این حدیث می فرماید: مفطوم شدن به علم، یعنی کسی را از پستان دانش شیر دادن تا آنجا که بی نیاز و مستغنی شود و یا اینکه از جهل و نادانی به وسیله ی علم و دانش دور گردد و یا این که کسی را از شیر گرفتن و به جای آن علم به او خورانیدن. کنایه از آنکه در آغاز آفرینش تمام علوم الهی را می دانست و به هر یک از این معانی آگاه بود. «اسم فاعل که کلمه ی (فاطمه) باشد به معنای اسم مفعول است که (مفطوم) باشد مانند کلمه ی (دافق) که به معنای (مدفوق) می آید و یا اینکه بر معنای صیغه ی (تفعیل) خوانده شود که فعل متعدی باشد». (فاطمه) یعنی تو را قطع کننده ی مردم از جهل و نادانی قرار دادم. یا اینکه

ص: ۹۴

۱- اصول کافی ۱/۴۶۱

۲- بیت الاحزان / ۲۱

معنی چنین باشد که چون خداوند او را از جهل بریده، او هم مردم را از جهل و نادانی بریده و دور نگه می دارد. البته این دو معنی را در جمله ی فَطْمَتْكِ عَنِ الطَّمْثِ نمی توان اجرا کرد، مگر با زحمت و تکلف یعنی کلمه ی طمّث را به معنای دیگری بگیریم و بگوئیم (چون من تو را از ناپاکی های جسمی و روحی پاک نگه داشتم تو مردم را از ناپاکی های معنوی به دور نگه می داری)...

از عایشه روایت شده که: به هنگامی که فاطمه علیها السلام از جلو می آمد، راه رفتنش باید مانند راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. او هرگز مانند دیگر زنان خون حیض ندید، زیرا از سبب بهشتی آفریده شده بود.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمود: همانا دخترم فاطمه علیها السلام حوریه است زیرا خون حیض نمی بیند و عادت ماهانه ندارد. و از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: تا وقتی که حضرت زهرا علیها السلام زنده بود خداوند دیگر زنان را بر علی علیه السلام حرام کرده بود، زیرا حضرت فاطمه علیها السلام همیشه پاک بود و خون حیض نمی دید.

امام باقر علیه السلام روایت کرده است که: پدران بزرگوارش فرموده اند که فاطمه علیها السلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن جهت طاهره نامیده شد که از هر پلیدی و ناپاکی برکنار و از هر آلودگی پاک بود. او هیچ گاه خون حیض و نفاس ندید.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: تا وقتی که حضرت فاطمه علیها السلام زنده بود، خداوند عالم تمام زنان را بر علی علیه السلام حرام کرده بود زیرا او طاهره بود و خون حیض نمی دید.

علامه امینی رحمه الله می فرماید: علت اینکه درهای ورودی به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خانه ی مردم بسته شد، آن بود که می خواستند از پلیدی های ظاهری و باطنی پاک باشد و کسانی که جنب هستند از آن عبور نکرده و کسی در آنجا جنب نشود. ولی علت آنکه در خانه ی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین در خانه حضرت علی علیه السلام بسته نشد آن بود که آن دو بزرگوار به نص آیه ی تطهیر از هر گونه پلیدی پاک بودند، حتی جنابت، آن ناپاکی معنوی که در دیگران ایجاد می شود در آنها به وجود نمی آید.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آگاه باشید که مسجد من بر هر زن حائض و هر مرد جنب حرام است مگر بر محمد و خاندانش علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فرمایش آن حضرت که فرمود: آگاه باشید این مسجد برای جنب و حائض حلال نیست، مگر برای محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام آگاه باشید من برای شما نام های این افراد را گفتم که گمراه نشوید.

خلاصه ی مطلب اینکه این فرموده های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این را می رساند که باز گذاشتن در آن خانه و اجازه دادن برای اهل آن از اختصاصات کسانی است که آیه ی تطهیر در شأن آن ها نازل شده و خداوند هر گونه پلیدی را از آنان دور ساخته است. (۱)

طاهره این لقب شریف از اوصاف ذاتیه ی حضرت زهرا علیها السلام است و مشتق از طُهر و آن پاکی از حیض است و طهارت.

به معنی پاک شدن و اصل آن نظافت است.

و نزاهت کما فی المجمع و المطهر: المنزه و الطهورین الماء و التراب و طهارت جمعی است، بدون قیاس. و اهل لغت می گویند: امرأه طاهره من الحيض و طاهره من النجاسه و العيوب. و معنی طهور پاک کننده است.

کما فی قوله تعالی: «و أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (۲)

و ثعلبی گفته:

طَهُورٌ طَاهِرٌ بِنَفْسِهِ وَ مُطَهِّرٌ لِغَيْرِهِ است و قوله تعالی: «رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (۳)

یا طهارت از نجاست است علی ما هو الاكثر یا طهارت از گناهان است بر طبق فرمایش خداوند که می فرماید:

«و ازواجٍ مُطَهَّرَةٌ» (۴)

ص: ۹۶

۱- بهجه قلب المصطفی

۲- سوره ی فرقان آیه ی ۴۸

۳- سوره ی توبه آیه ی ۱۰۸

۴- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۵

ای: نساء مطهّره من الحيض و الحدث و دنس الطبع و سوء الخلق.

و قوله تعالى: «و صُحُفًا مُطَهَّرَةً»

ای: لا یمسّیها الّا الملائکة المطهّرون و قيل مطهره عن الباطل و الکذب و الزور. و فی الحدیث: الطهّور شرط الايمان و الطهّر بالضمّ نقيض الحيض و الاطهار ایام طهاره المرثه. (۱)

شیخ کفعمی رحمه الله فرموده: طاهر از اسماء الله است. یعنی منزّه از اشیاء و امثال و اضداد و انداد و از صفات ممکنات و حالات مخلوقات از حدوث و زوال و سکون و انتقال و تطهّر: التّنزّه عما لا یحل و چون در این عالم اسماء خداوند به گونه ای ظاهر است، مظهر اسم طاهر، فاطمه ی طاهره بود که در مخلوق ماندی نداشت و از زنان دیگر امتیاز یافت. (۲)

علامه ی مجلسی رحمه الله در کتاب مصباح الانوار از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کرده

که فرموده: فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را طاهره نامیدند،

لِطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ طَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ رَفَثٍ وَ مَارَأَتْ يَوْمًا قَطُّ حُمْرَةً وَ لَا نَفَاسًا. (۳)

معنی «رفث» در آیه ی شریفه ی: «فلا رفث و لا فُسُوق» (۴)

دشنام دادن است و در این حدیث اشاره شده است به این که فاطمه علیها السلام غیر از طهارت از پلیدی های ظاهری بدنی، طهارت از اخلاق ذمیمه ی قبیحه ی باطنیه داشته است. و بعد از آن امام علیه السلام بیان از ادناس ظاهره نموده فرمودند: آن مخدره ی عظمی آنچه را که زنان دیدند از نفاس و غیره ندیده است.

در حدیث دیگری لقب طاهره را از القاب خاصه اش خوانده و حضرت اقدس نبوی فرموده است:

ص: ۹۷

۱- مجمع البحرین ذیل کلمه ی طهر

۲- مصباح کفعمی / ۴۵۷

۳- بحار الانوار ۴۳/۱۹

۴- سوره ی بقره آیه ی ۱۹۷

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ أَذْهَبَ الْهَيْبَةَ عَنَّا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطُنَ (۱)

و در ذیل آیه ی تطهیر - تطهیر به معنی تنزیه از هر عمل قبیح و متعلق طهارت یا طهارت ظاهر است از پلیدی ها یا طهارت اعضای بدن است از جرایم و گناهان یا طهارت نفس است از اخلاق رذیله با طهارت سیر است از ما سوی اله - و تمام این مراتب اربعه در آن طاهره ی مطهره موجود است. خصوصاً مورد اخیر که آن اقبال قلبی و توجه کلی به سوی خدا و انقطاع صرف از خلق و اتصال کامل به خالق است.

موانع چون در این عالم چهار است*** طهارت کردن از وی هم چهار است

نخستین پاکی از احداث و انجاس*** دوم از معصیت و از شر و سواس

سوم پاکی از اخلاق ذمیمه است*** که با وی آدمی همچون بهیمه است

چهارم پاکی سراسر است از غیر*** که آنجا منتهی می گرددش سیر

هر آن کس کرد حاصل این طهارت*** بود بی شک سزاوار مناجات (۲)

شیخ صدوق در امالی روایت کرده است:

ابن عباس گفت: یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نزد او بودند. گفت: خدایا تو می دانی که این ها اهل بیت من و گرامی ترین مردم نزد من هستند. هر کس که آن ها را دوست می دارد، دوست بدار و هر کس که با آن ها دشمنی می کند، دشمن بدار. با کسانی که با آن ها مهربانی می کنند مهربانی کن و با کسانی که به آن ها بدی می کنند بدی کن. به کسی که به آن ها کمک می کند کمک کن و آن ها را از پلیدی و گناهان پاک و معصوم بدار و آن ها را به روح القدس مؤید دار.

ای علی تو امام امت من و بر آن ها پس از من خلیفه ای. تو پیشروی اهل بهشتی. گویا من می نگرم که دخترم فاطمه روز قیامت بر اسبی از نور سوار است و در طرف

ص: ۹۸

۱- بحار الانوار ۲۳/۱۱۶

۲- گلشن راز شبستری ابیات ۴۰۴-۴۰۸

راستش هفتاد هزار فرشته و در طرف چپش هفتاد هزار و جلو رویش و پشت سرش هر کدام هفتاد هزار فرشته باشد و زنان امتم را به بهشت رهبری می کند.

هر زنی در شبانه روز پنج نماز بخواند و ماه رمضان را روزه بدارد و حج خانه ی خدا را به جا آورد و زکات مالش را پردازد و از شوهرش اطاعت کند و پس از من پیرو علی باشد، به شفاعت دخترم فاطمه علیها السلام به بهشت رود و که دخترم فاطمه سیده ی زنان عالمیان است

عرض شد یا رسول الله او سیده ی زنان عالم خود است؟ فرمود: او مریم دختر عمران بود. اما دخترم فاطمه علیها السلام بانوی زنان عالم از اولین و آخرین است و اوست که چون در محرابش بایستد هفتاد هزار فرشته ی مقرب بر او سلام دهند و ندائی که به مریم کردند به او کنند و گویند: ای فاطمه به راستی خدا تو را برگزید و پاک کرد و برگزید بر زنان جهانیان. سپس رو به علی کرد و فرمود: ای علی! فاطمه پاره ی تن من است و نور دیده ی من و میوه ی دلم است. هر چه او را ناراحت کند من را ناراحت کرده است و او اول کسی از خاندان من است که به من می رسد. پس از من به او خوبی کن. حسن و حسین دو پسر و دو ریحان منند و هر دو سید جوانان اهل بهشتند. باید پیش تو چون گوش و چشم عزیز باشند. سپس دست به آسمان برداشت و گفت: بار خدایا گواه باش که من دوستدار دوست آن ها و دشمن با دشمن آن ها و سازش کار با سازش کننده ی آن ها و در نبرد با نبرد کننده ی آن هایم و دشمنم با هر که بدخواه آن ها است و دوستم با هر که آن ها را دوست دارد.

در مضمون این خبر شریف معلوم است روح القدس همراه و ملازم صدیقه ی کبری است. حال چگونه ممکن است حضرت زهرا علیها السلام به زشتی ها و پلیدی ها آلوده باشند. یعنی هر آنکه با خداست حتماً دور از آرایش مردم عادی و زمینیان است. و خدا شاهد است که فاطمه ی طاهره علیها السلام از همه ی قید و بندهای دنیایی منزّه و جوهر ذاتی و قلب ملکوتی او از همه ی ذوات مقدسه پاک تر و به عبارت دیگر:

طاب ما طهر منها و طهر ما طاب منها من العليل و العادات على حسب الفطره الاولى و عن الاقدار و اذناس الغواشي.

و معلوم شد که:

اولاً: از زنان سلف زن را طاهر و طاهره می نامیدند یعنی از پلیدی های ظاهری و باطنی پاک بوده است.

ثانیاً: این لقب مخصوص زنی است که در زمان او زنی بهتر و بالاتر از جهت قدس و زهد و علم و فضل و حسب و نسب و اصالت و عطا و بخشش و عصمت و عفت از او نباشد.

الحصان: این لقب شریف از برترین القاب حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام است و حصنا زنی است که پارسایی و عفت خود را نگاه می دارد.

حَصْنَتِ الْمَرْأَةِ حُصْنًا اَي عَفَّتْ فَهِيَ خَاصِنٌ اِحْصَنَتِ الْمَرْأَهُ.

زن پارسا گردید یا شوهر کرد. (۱)

خداوند در حق مریم علیها السلام فرموده:

«وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابِّنَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (۲)

یعنی مریم علیها السلام از روی عفت و پاکدامنی نفس خود را حفظ و نگهداری کرده و خداوند سبحان به او حضرت عیسی علیه السلام را مانند ماه تابان در شب تاریک ظلمانی مرحمت فرمود و بعد از مریم علیها السلام حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام از روی عفت نفسانیه و عصمت ذاتیه ی خود دو پسر که نوه ی پیغمبر صلی الها علیه و آله و سلم بودند آورد. [خود معصومه و شوهرش معصوم و یازده فرزندش هم از معصومین]

ص: ۱۰۰

۱- فرهنگ جامع

۲- سوره ی انبیا آیه ی ۹۱

در کتاب مناقب محمد بن شهر آشوب مازندرانی رحمه الله و کتاب خرائج و جرایح روایت شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ (۱)

همانا فاطمه پاکدامن بود پس خداوند ذریه اش را بر آتش حرام کرد.

* احسان به چهار معنی تفسیر شده

۱- عصمت، کقوله تعالی: (أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا)

۲- ازدواج، کقوله تعالی: (وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ)

۳- زن آزاد، کقوله تعالی: (وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ)

۴- اسلام، کقوله تعالی: (فَإِذَا أَحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ)

و تمام این مراتب به طور کامل در وجود مقدسه ی حضرت زهرا علیها السلام موجود است.

و كذلك بنات طاهرات و بنین مطهرین.

تمام کمالات و موصوفات که در مورد وجود حضرت زهرا علیها السلام است در مورد مردان این خانواده و قوم نیز است:

لَقَدْ عَلِمْتَ قُرَيْشٌ غَيْرَ فَخْرٍ *** بِأَنَا نَحْنُ أَجْوَدُهُمْ حَضَانًا

وَ أَكْثَرُهُمْ دُرُوعًا سَابِغَاتٍ *** وَ أَمْضَاهُمْ إِذَا طَعَنُوا سَنَانًا

وَ أَرْفَعُهُمْ عَنِ الضَّرَاءِ فِيهِمْ *** وَ أَبْنِيَهُمْ إِذَا انْطَلَقُوا لِسَانًا

ص: ۱۰۱

این لقب مبارک نیز دلالت بر طهارت ذات کثیر البرکات حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام می کند و از صفات خاصه ی معصومین علیهم السلام است.

تزکيه در لغت به معنی تطهیر است و زکاه چون پاک کننده ی اموال است به این اسم موسوم گردید. در تفسیر آیه ی:

(قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) (۱)

اهل تفسیر گفته اند، تزکيه به معنای تطهیر از اخلاق ذمیمه است، که ناشی از غضب و حسد و بخل و حبّ جاه و حبّ دنیا و کبر و عجب است.

فرقی که بین طاهره و زکيه است این است که: در زکيه، تزکيه شده است، اما طاهره چنین نیست. یعنی هر قدر بماند طاهر است. اگر تزکيه هم نکند طاهر و منزّه است از اخلاق رذيله و اما زکيه، تزکيه می خواهد. فرق بین زاکيه و زکيه این است که زکيه به معنی طاهره است یعنی کسی که پاک است از جنایت کردن و نباید موجب قتل شود. جمعی آیه ۷۴ سوره کهف را زاکيه قرائت کرده اند:

(أَقْتَلتَ نَفْساً زَكِيَّةً)

و بین زاکيه و زکيه فرق گذاشته اند و گفته اند که زاکيه هرگز گناه نکرده و زکيه کسی است که گناه کند و آمرزیده شود و به بیان دیگر: نتیجه ی تزکيه طهارت است و طاهره خود نفس طهارت است. پس طاهره قوی تر از زکيه است.

در این بزرگی مقام و صفت حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام به زکيه آن است که گفته می شود آن بزرگوار فلاح و رستگاری یافت از زکات و طهارت فطریه ی ذاتیه و از اخلاق زشت و ناپسند دور بود و از آن چه که موجب نجات از عقوبات قیامت است رستگار است (۲)

ص: ۱۰۲

۱- سوره شمس آیه ۹

۲- البته مقام آن بزرگوار بالاتر از این حرف ها می باشد چون بهشت و جهنم و ... از وجود ایشان خلق شده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلَى الْبُتُولِ الطَّاهِرَةِ الصَّادِقَةِ الْمُعْصِيَةِ وَمَعَ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الرَّكِيَّةِ الرَّشِيدِ الْمَظْلُومِ الْمَقْهُورِ الْمَغْضُوبِ [الْمَغْضُوبِ] حَقُّهَا الْمَمْنُوعِ [الْمَمْنُوعِ] إِزْثَمًا الْمَكْسُورِ [الْمَكْسُورِ] ضِعْمًا الْمَظْلُومِ بَعْلَهَا الْمَقْتُولِ وَ لَدَهَا فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ وَ بَضْعَهُ لَحْمِهِ وَ صَمِيمَ قَلْبِهِ وَ فِلْدَهُ كَبِدِهِ وَ النُّجْبَةَ [وَ التَّحِيَّةِ] مِنْكَ لَهُ وَ التُّخْفَةَ خَصِيصَتِ بِهَا وَصِيَّتِهِ وَ حَبِيبَهُ [وَ حَبِيبَهُ] الْمُضِيَّ طَفَى وَ قَرِينَهُ [وَ قَرِينَهُ] الْمُرْتَضَى وَ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ وَ مُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ حَلِيفَةَ الْوَرَعِ وَ الزُّهْدِ وَ تَفَاحَةَ الْفِرْدَوْسِ وَ الْخُلْدِ الَّتِي شَرَفَتْ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ وَ سَلَّتْ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَائِمَّةِ وَ أَرْخَيْتْ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوَّةِ (۱)

یعنی: خدایا بر محمد و اهل بیت او رحمت فرست و بر بتول، طاهره، صدیقه، معصومه، تقیه، نقیه، رضیه، مرضیه، زکیه، رشیده، ستم دیده و مقهوره درود فرست. حق او غصب شد و ارثش را بردند و دنده اش را شکستند و بر شوهرش ستم کردند. فرزندش، کشته شد فاطمه دختر گرامی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم پاره ی تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سویدای قلب او و پاره ی جگر او و انتخاب شده ی تو برای او است و تحفه و هدیه ای که مخصوص وصیتش [امیر المؤمنین علیه السلام] ساختی و محبوبه ی مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و همسر گرامی مرتضی علیه السلام و سیده ی زنان عالمیان و مژده گیر به امامان و حلیف ورع و زهد و سیب بهشت و خلودی که میلادش را به زنان بهشت مشرف گردانیدی و انوار امامان را از او به وجود آوردی و برابر او پرده ی نبوت افکندی...

ص: ۱۰۳

هی و الله آیه لرسول الله*** بل رحمته بها أهداها
 هی عند الاله اعظم خلقاً*** و بها دار فی القرآن رحاها
 هی مشکوه عصمه علقته*** من سماء الوجود مثل رکاها
 أم آل الرسول عصبتهم*** هی لولاها لم یکن آل طه
 بابی ثم أرتی ثم أهلی*** ثم مالی و من سواها فداها
 بأبی فاطماً و قد فطمت*** باسمها نار حشرها و لظاها
 بأبی فاطماً شفیعه حشر*** بابی من بحکمها شفعاها
 بأبی من تكون خالصه*** عن میولات نفسها و هواها
 شمس ام القرى و ام ابیها*** بأبی امها و امی ایاها
 و لقد قلت انها علمت*** آخر الکاینات من مبداها
 کل من یجتنی ثمار علوم*** هی والله امها و مناها
 کیف أحصى ثنائها و لعمری*** عجز الناس عن اداء ثنائها(۱)

* دلیل دیگر بر عصمت زنان برگزیده شده

قال الله تبارک و تعالی: (وَ إِذِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي
 لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ)(۲)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده
 است. ای مریم! (به شکرانه ی این نعمت) برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جا بیاور و با رکوع کنندگان رکوع نما.

ص: ۱۰۴

۱- خصائص فاطمیه / ۱۱۸

۲- سوره آل عمران آیات ۴۲-۴۳

یعنی همچنان که مریم را از زنان زمان خودش برگزیدم، فاطمه ی زهرا علیها السلام را از بانوان عالمیان انتخاب کردم و برگزیده ی ماست و معلوم است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم افضل از عمران است و فرزندان فاطمه علیها السلام از حضرت عیسی علیه السلام افضلند.

همان است که حسان بن ثابت در شعر خود گفته است:

وَإِنْ أَحْصَيْتَ مَرِيْمَ فَرَجْهًا*** فَجَاءَتْ بِعَيْنِي كِبْدَرِ الدُّجَى

لَقَدْ أَحْصَيْتَ فَاطِمَ بَعْدَهَا*** فَجَاءَتْ بِسَبْطِي نَبِي الْهُدَى

و حضرت مریم علیها السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان خود بوده است، اما حضرت صدیقه ی کبری علیها السلام افضل بانوان دو عالم است.

فی کتاب علل شرایع باسناد الی ابی عبدالله علیه السلام انه قال: إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فُتْنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرِيْمَ بِنْتَ عِمْرَانَ، فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۱)

يَا فَاطِمَةُ اقْتَبِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاِكِعِينَ فَتَحِدُّهُمْ وَيَحِدُّنَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلٍ أَلَيْسَتِ الْمُنْفَضَّةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرِيْمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرِيْمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكِ وَعَالِمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا فاطمه علیها السلام محدثه نامیده شده چون که ملائکه از آسمان پایین می آمدند و او را صدا می زدند، همان طوری که مریم علیها السلام را صدا می زدند و می گفتند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و طاهر و پاکیزه خلق کرده و بر زنان عالمیان برتری داده است.

ص: ۱۰۵

۱- نور الثقلین ۱/ ۳۳۶

۲- همان ۱/ ۳۳۷

ای فاطمه! برای پروردگارت عبادت کن و سجده بنما و رکوع کن با رکوع کنندگان. پس حضرت فاطمه علیها السلام با آنان سخن می گفت. یک شبی حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: مگر مریم دختر عمران سرور زنان جهانیان نیست؟ ملائکه گفتند: مریم سرور زنان عالم خود بود و خداوند تو را سرور زنان اولین و آخرین قرار داده است.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ خَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعَ خَطَطٍ فِي الْأَرْضِ وَقَالَ أَتَدْرُونَ مَا هَذَا؟ قُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ (۱)

ابن عباس گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهار خط روی زمین کشید و فرمود: می دانید خط ها چیست؟ گفتند: خدا و رسولش آگاه هستند. فرمود: برترین زنان بهشتی چهار زنند، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مریم دختر عمران و آسیه زن فرعون دختر مزاحم.

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَشْرَفَ عَلَيَّ الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَيَّ رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَيَّ رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدِي، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّلَاثَةَ فَاخْتَارَ الْأَيْمَةَ نِ وَوَلَدِكَ عَلَيَّ رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدَكَ. ثُمَّ أَطَّلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَيَّ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصیت خود به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یا علی خداوند عزوجل بر دنیا نگرست مرا بر اهل عالم برگزید. سپس برای بار دوم تو را بر مردان عالم اختیار کرد. سپس برای بار سوم ائمه ی هدی علیهم السلام از فرزندان تو را برگزید و بر مردان عالم اختیار نمود. سپس برای بار چهارم فاطمه علیها السلام را برگزید و بر زنان دو عالم برتری داد.

ص: ۱۰۶

۱- خصال ۱/ ۱۹۵

۲- همان ۱/ ۱۹۶

* صدیقه ی طاهره، معصومه است باید معصوم او را غسل دهد

مفضل بن عمر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه کسی فاطمه علیها السلام را غسل داد؟ فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام. من از فرمایش او دلگیر شدم. حضرت فرمود: گویا از این جمله دلگیر شدی؟ عرض کردم: آری. فرمود: دلگیر نشو او صدیقه است و جز صدیق کسی نباید او را غسل دهد. مگر نمی دانی که مریم علیها السلام را کسی جز حضرت عیسی علیه السلام غسل نداد(۱).

* اما روایات

۱- عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ مَا الْبُتُولُ؟ فَإِنَّا سَمِعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَقُولُ إِنَّ مَرْيَمَ بُتُولٌ وَفَاطِمَةَ بُتُولٌ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْبُتُولُ الَّتِي لَمْ تَرِ حُمْرَةً قَطُّ أَيْ لَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ(۲).

در مباحث قبل گذشت که دختران انبیا خصوصاً حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام آلوده به خون حیض نمی شوند. علاوه بر این، آیه ی تطهیر نیز گذشت و این آیه ثابت می کرد که فاطمه ی زهرا علیها السلام از هر نظر معصومه است.

۲- عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَدْرِي أَي شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ: فَطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ وَ يُقَالُ: إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فَطِمَتْ عَنِ الطَّمْثِ(۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ معنی فاطمه این است که از بدی و شر بریده شده است و گفته شده: فاطمه به خاطر این فاطمه نامیده شد که آن حضرت از طمٹ بریده شده است.

کلمه ی طمٹ در لغت عرب به معنی حیض شدن است. الْمَرْأَةُ طَمْثًا: حَائِضٌ شَدْنَ زَنْ. طَمْثٌ: فَسَادٌ، خُونٌ، شَكٌّ وَ رِيْبَةٌ(۴).

ص: ۱۰۷

۱- بحار الانوار ۴۳ / ۱۵

۲- همان ۴۳ / ۱۶

۳- وسائل الشیعه ۲ / ۷۱۴-۷۱۵

۴- فرهنگ جامع

پس حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام از تمام بدی ها و شرها و نواقص و کمبودها و آلودگی های ظاهری و باطنی و هرچه که باشد بریده شده است. زیرا در غیر این صورت با مقام عصمتش منافات دارد و قوی ترین دلیل بر عصمت آن بزرگوار همان آیه ی تطهیر است که مفصل توضیح داده شد.

۳- سِئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ مِمَّا الْبُتُولُ؟ قَالَ: الَّتِي لَمْ تَرَ حُمْرَةَ قَطُّ وَ لَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ لِعَائِشَةَ: يَا حُمَيْرَاءُ! إِنَّ فَاطِمَةَ لَيْسَتْ كِنِسَاءِ الْأَدَمِيِّينَ لَا تَعْتَلُ كَمَا تَعْتَلُنَ (۱)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد: معنی بتول چیست؟ حضرت فرمودند: بتول آن زنی است که هرگز سرخی نبیند (خون حیض). زیرا حیض در دختران انبیا ناپسند است (یعنی قبیح می باشد) و در جواب عایشه فرمودند: ای حمیرا! به درستی که فاطمه همانند زنان دیگر نیست که خون حیض ببیند (یعنی او معصومه و مطهره است)

کلمه ی لا- تعتل علت است و علت، یعنی بیماری و مرض و ... مانند خون حیض که خود علت است که در میان زنان وجود دارد اَعْلَهُ اللهُ: خداوند او را بیمار گردانید. تَعَلَّتِ الْمَرْءَةَ مِنْ نَفَاسِهَا: زن از ایام نفاس بیرون آمد.

اعتلال: مشغول داشتن به کاری. عارض شدن چیزی. بیمار گردیدن (۲)

۴- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَّمَ اللَّهُ النِّسَاءَ عَلَيَّ عَلِيٍّ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً لِأَنَّهَا طَاهِرَةٌ لَا تَحِضُ (۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند تا زمانی که فاطمه علیها السلام زنده بود، زنان دیگر را بر علی بن ابی طالب علیه السلام حرام کرد زیرا فاطمه علیها السلام حیض نمی شد.

ص: ۱۰۸

۱- بحار الانوار ۱۶ / ۴۳

۲- فرهنگ جامع

۳- بحار الانوار ۱۶ / ۴۳

۵- کسی که سبب روشنی دادن به عوالم و ملائکه ی آسمان است و کسی که چندین میلیون سال قبل از خلقت آدم علیه السلام و غیره بوده و تمام عوالم دنیا و آخرت به وجود او پا به عرصه ی حیات گذاشته اند و اگر او نبود هیچ مخلوقی وجود پیدا نمی کرد [که روایات بسیاری در این مورد آمده است]، باید کسی باشد که از تمام نواقص بشری و آلودگی های ظاهری و معنوی میرا باشد.

علامه مجلسی رحمه الله از کتاب ارشاد القلوب دیلمی از سلمان فارسی نقل کرده که: سلمان فارسی گوید: در مسجد حضور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودم در این هنگام عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و سلام کرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم او را جواب گفت:

عرض کرد: یا رسول الله! برای چه خداوند اهل بیت علی بن ابی طالب علیه السلام را بر ما فضیلت داد با اینکه اصل و ریشه ی ما یکی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الان تو را آگاه خواهم کرد. ای عمو! بدان که خداوند تبارک و تعالی من و علی را در وقتی آفرید که نه آسمان و نه زمینی و نه بهشتی و نه جهنمی و نه لوحی و نه قلمی بود. سپس هنگامی که خداوند عزوجل اراده نمود آدمی را خلق کند ما را آفرید. کلمه ای گفت و آن کلمه نور شد. سپس برای بار دوم کلمه ای دیگر گفت و آن روح شد. آن دو را ممزوج و مخلوط کرد و من و علی را از آن دو بیافرید.

سپس از نور من عرش را خلق کرد، پس مقام من از عرش بالاتر است. سپس از نور علی علیه السلام آسمان ها را خلق کرد، پس علی علیه السلام از آسمان ها بالاتر است. سپس از نور حسن علیه السلام نور خورشید و از نور حسین علیه السلام نور ماه را آفرید. پس آن دو بزرگوار از خورشید و ماه بزرگتر و بالاتر هستند. (اصلاً سبب به وجود آمدن خورشید و ماه حسن و حسین علیهم السلام بوده است).

و ملائکه خداوند متعال را تسبیح می گفتند، و در تسبیحشان می گفتند: سبوح قدوس از انواری که خداوند آن ها را گرامی داشت.

هنگامی که خداوند متعال اراده فرمود تا ملائکه را بیازماید، ابری از ظلمت و تاریکی بر آنان فرستاد که ملائکه هیچ جا را نمی دیدند. نه اول و نه آخر را. ملائکه عرضه داشتند: الها و سیدا از زمانی که ما را آفریده ای هرگز چنین ظلمتی ندیده ایم. ما تو را به حق این انوار طیبه ای که خلق کردی و آن ها را بر همه چیز فضیلت و برتری داده ای قسم می دهیم تا این پرده ی تاریکی و ظلمت را از ما برطرف کنی.

خدای عزوجل فرمود: به عزت و جلالم سوگند این کار را انجام می دهم [تا شما بفهمید که من موجودی بهتر از این انوار مقدسه نیافریدم و مطیع آن ها گردید و در مقابل آنان تواضع نشان دهید] سپس نور فاطمه علیها السلام را آفرید و مطیع آن ها گردید و در مقابل آنان تواضع نشان دهید] سپس نور فاطمه علیها السلام را آفرید و آن را مانند قندیل به عرش معلق گردانید. و آسمان ها و زمین های هفت گانه به واسطه ی نور فاطمه ی زهرا علیها السلام روشن شدند. و به همین خاطر فاطمه علیها السلام زهرا نامیده شد.

ملائکه نیز تسبیح خدا را گفتند و خداوند را ستایش کردند. پس خداوند فرمود: به عزت و جلالم سوگند، ثواب تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت برای محبین فاطمه و پدر و شوهر و فرزندان شما قرار دادم.

سلمان می گوید: عباس بن عبدالمطلب بیرون آمد و در راه علی بن ابی طالب علیه السلام را ملاقات کرد. پس او را به سینه ی خود چسباند و میان دو چشم او را بوسید و گفت: به فدای عترت (محمد) مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم شوم که خداوند شما اهل بیت و عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را اکرام فرمود(۱).

از این قبیل روایات صدها مورد چه در کتب شیعه و چه کتب عامه وجود دارد که دائر مدار افضل و اشرف بودن چهارده معصوم علیهم السلام می باشند و علت غایی همه ی مخلوقات این بزرگوارانند که در حدیث شریف کساء اشاره شد و سابقاً گذشت. پس اگر اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معصوم نبودند خصوصاً حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام خداوند این همه تشریفات را در احادیث قدسی و قرآنش بیان نمی کرد. خداوند،

ص: ۱۱۰

بزرگان و انبیا از آدم علیه السلام تا انبیای اولوالعزم را به بهانه ای دچار بلا و گرفتاری کرد و به برکت توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصومش آنان را نجات می داد.

۶- وَ فِي كِتَابٍ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لِابْنِ بَابَوَيْهِ يَرْفَعُهُ إِلَىٰ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ قَدْ كُنْتُ شَهِدْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ قَدْ وُلِدَتْ بَعْضَ وُلْدِهَا فَلَمْ أَرَ لَهَا دَمًا فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورِهِ إِنْسِيَّةً (۱)

اسماء بنت عمیس می گوید: فاطمه علیها السلام بچه های خود را که به دنیا آورد و من از او قطره ی خونی ندیدم. این مطلب را به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتم: که من خود در بعضی از ولادت بچه های او حاضر بودم اما خونی از او ندیدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جواب اسماء بنت عمیس فرمودند:

فاطمه علیها السلام حوریه ای در صورت انسان است یعنی فاطمه به ظاهر انسان است ولی در حقیقت، او حوریه می باشد. یعنی خلاصه خون و آلودگی در او راه ندارد و همانند زنان دیگر نیست که سرخی ببیند و آلوده به خون حیض یا نفاس گردد، چون خدا او را پاک و مطهر قرار داده است.

۷- فِي مِصْبَاحِ الْأَنْوَارِ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرَةَ، لِطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ طَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ رَفَثٍ وَ مَا رَأَتْ قَطُّ يَوْمًا حُمْرَةً وَ لَا نِفَاسًا (۲)

امام باقر علیه السلام از پدران گرامیشان روایت فرموده اند که: همانا فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم طاهره نامیده شده به خاطر اینکه از هر دنس طاهر و پاک است و به خاطر اینکه از هر رفث پاک و پاکیزه می باشد و هرگز یک روز هم (بلکه یک لحظه هم) نه خون حیض دید و نه نفاس.

ص: ۱۱۱

۱- بحار الانوار ۷/۴۳

۲- همان ۱۹/۴۳

کلمه ی دنس به معنی چرک و پلیدی است و کلمه ی رفت به معنی کلام قبیح و زشت و هم به معنی جماع آمده است. شاید در این جا کنایه از عدم جنابت باشد. یعنی معصوم این حالت را که سایر مردم دارند، ندارد و پاک و مطهره است که سابقاً اشاره شد.

* شبهه ی اوّل

بعضی ها از روی ناآگاهی به بعضی روایات اشکال گرفته و روایت معروف و مشهور نبوی صلی الله علیه و آله و سلّم را زیر سؤال آورده و به او خدشه وارد کرده اند. آن روایت این است که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که از او پرسیدند: چرا حضرت زهرا علیها السلام را بتول ملقب گردیده است؟

آن حضرت در جواب فرمودند: برای اینکه او مانند زنان دیگر حیض نمی بیند و هرگز از او خون حیض دیده نشده است. آن فرد مذکور روایت را نپذیرفته و گفته است همان طوری که شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به مقتضای آیه ی کریمه ی:

(قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ...) (۱)

مانند دیگر افراد بشر [خواب و خوراک و ... داشت] (۲) بی تردید چه خدیجه ی کبری علیها السلام و چه فاطمه ی زهرا علیها السلام و چه مادران سایر ائمه ی معصومین علیهم السلام را نمی توان از غرائز بشری و عروض عادات عمومی زن ها مستثنی ساخت، مگر اینکه آن روایات (در صورت صحّت صدورشان) توجیه و تفسیر گردد. مانند اینکه گفته شود مثلاً هنگام به دنیا آمدن امامان، مادرانشان پاک و پاکیزه بوده اند و یا مطلقاً خون حیض و نفاس و استحاضه از آن ها دیده نشده است. چنانکه در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است که:

لَمْ يُرِ عَلَى بَوْلٍ وَلَا غَائِطٍ قَطُّ.

یعنی هرگز او را در حال بول و غائط ندیده اند.

ص: ۱۱۲

۱- سوره کهف آیه ی ۱۱۰

۲- سوره ی فصلت آیه ی ۶

با کمال تأسف این آقا با روایات آشنایی ندارد و نه تنها روایات، بلکه با قرآن هم آشنایی ندارد. با اینکه نصّ قرآن و روایات نبوی و روایات ائمه علیهم السلام را سابقاً بیان کردیم و مفصل توضیح دادیم. از آیه ی تطهیر و غیره ثابت کردیم که حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام مقام عصمت دارد و در رتبه سوم قرار گرفته است. و حتی از تفاسیر شیعه و سنی گفته شد که آیه ی تطهیر را بیان کرده اند و آن حضرت، از همه جهات از تمام آلودگی های ظاهری و باطنی پاک و مطهر است که بیانش گذشت و آیات دیگر همچون آیه ی شریفه ۴۲ سوره ی مبارکه ی آل عمران:

وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و افضلیت حضرت صدیقه ی کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام را بر مریم علیها السلام توضیح دادیم و گفتیم تفسیر ظاهری این آیه مربوط به مریم علیها السلام بود ولی تفسیر معنوی و تأویل آن مربوط به حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام بود. و اما روایات عدیده ای در بحار و کتب دیگر راجع به عصمت و طهارت حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام ذکر کردیم. روایات از نظر سند هیچ اشکالی ندارند. نه یک روایت بلکه روایات متعددی بالاتر از تواتر در کتب شیعه و سنی در فضائل و مناقب و عصمت و طهارت آن بزرگوار داریم و خلاصه در حق کسی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي لِحِمَّتِي لِحِمَّتِي وَدَمِهِمْ دَمِي يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ وَيَخْزُنُنِي مَا يَخْزُنُهُمْ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَ عِدْوٌ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صِلَاوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ غُفْرَانِكَ وَ رِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ وَ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

و در حق کسی که خدای تبارک و تعالی به ملائکه فرموده:

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَأَيْكَتِي وَ يَا سَيِّكَانَ سَيِّمَوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبِيَّتِيَّ وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّتِيَّ وَلَا قَمَراً مُنِيراً وَلَا شَمْساً مُضِيَّتِيَّ وَلَا فَلْكَاً يَدُورُ وَلَا بَحْراً يَجْرِي وَلَا فُلْكَاً يَسِيرِي إِلَّا فِي مَحَبَّتِهِ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا (۱)

به قدری ما دلیل بر عصمت و طهارت صدیقه ی طاهره داریم که ریب و شک و ابهام و جهل برای کسی باقی نخواهد ماند.

در یک کلام حق شناخت و معرفت به ساحت مقدسه حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام همانند منزلت شب قدر است.

«البته معرفت به ساحت آن بزرگوار قابل قیاس با این منزلت (شب قدر) نیست بلکه از باب تمثل است.»

و باید پذیرفت و اقرار نمود که معرفت کامل به حبیبی ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نداریم.

و در جواب آیه شریفه که در سوره ی کهف می فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ...﴾

باید گفت که در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام چنین آمده است:

۱- فی تفسیر علی بن ابراهیم قمی جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَىٰ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَضَّاحٍ وَ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ جَمِيعُهُمْ عَنْ أَبِي بَصَّيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَعْنِي فِي الْخَلْقِ أَنَّهُ مِثْلُهُمْ مَخْلُوقٌ... (۲)

یعنی: من در خلقت مانند شما آفریده شده هستم (و آفریننده نیستم)

ص: ۱۱۴

۱- حدیث شریف کساء

۲- نور الثقلین ۳/ ۳۱۳- تفسیر صافی ۲/ ۳۵

۲- عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلَكُمْ أَتَزَوَّجُ فِيكُمْ وَ أُزَوَّجُكُمْ إِلَّا فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَإِنَّ تَزْوِيجَهَا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ.

ابان بن تغلب از ابی جعفر علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا من نیز مثل شما بشر هستم و مانند شما ازدواج می کنم ولی فاطمه مانند شما نیست زیرا ازدواج او براساس فرمانی که از آسمان نازل شد صورت گرفت.

به او می گویم: مراد از بشرٌ مثلکم در آیه ی شریفه چیست؟ آیا معنی آن این است که من بشری در صورت، مثل شما هستم؟ یا آنکه بشری به صورت و سیرت و جنس و ذات و بدن و حقیقت مانند شمایم؟ یعنی آثار و خصوصیات بدن های شما و بدن من یکی است؟ مورد دوم که اشتباه است. [صدها روایات و اخبار، درباره ی طینت پیغمبر و ائمه هدی طیب علین و خالص است.]

کیفیت ولادت و ایام شیر خوارگی و احوال ایشان و سایه نداشتن و از جلو و پشت سر دیدن و روایات خلقت ارواح و قلوب شیعه از زیادی گِل پاکیزه ی آنان. همه ی این روایات که از حد تواتر افزون است که بیشتر آن ها در کتاب شریف کافی و بصائر الدرجات و غیره موجود می باشند(۱)

و اختصاصاتی دارد چه در احکام تشریحی و چه تکوینی و چه شخصی و از جمله ی آن ها طهارت از انواع نجاسات است. نه از نجاسات اند و نه مولد آن و نه منتهی به آن می شوند و آنچه ولایت دارند در تشریح و تکوین همه ی این ها از جانب خداوند متعال به اهل بیت عصمت و طهارت اضافه شده است و هیچ کدام از آن ها را مستقل ندارند.

نویسنده ای که در بعضی از مقالات خود می نویسد چه خدیجه ی کبری علیها السلام و چه فاطمه علیها السلام و چه مادران سایر ائمه را نمی توان از غرائز بشری و عروض عادات عمومی زن ها مستثنی ساخت، در جوابش باید گفت: مگر در این عالم استثنا وجود

ص: ۱۱۵

۱- در بحارالانوار ۱/ ۲۵-۲۲۵-۶۷-۷۷ علاوه بر اینکه بر او وحی می شود.

ندارد. مگر نه اینکه در همین مورد عادت ماهانه اختلاف وجود دارد بعضی از زن ها مدت عادت ماهانه شان ۳ روزه است و بعضی بیشتر (تا حداکثر ۱۰ روز)

مگر نه اینکه صریحاً آیات قرآن است که باردار شدن حضرت مریم علیها السلام بدون شوهر است؟ مگر نه اینکه همسر بعضی پیامبران در حالیکه نازا بودند و در سن یائسگی به سر می بردند بشارت فرزند دار شدن به فرزندان هم چون یحیی به آن ها داده شده؟ معنای این حرف یعنی چه که فاطمه علیها السلام را نمی شود از عادات زنانه مستثنی کرد؟ یعنی همانند زنان عادی است. اینکه به مقام عصمت آن بزرگوار توهین است پس معصومه بودن آن حضرت چه می شود؟

خلاصه ما حق نداریم که تفسیر و توجیه کلام اهل بیت علیهم السلام را به دلخواه خود و بدون دلیل و مجوز شرعی تغییر دهیم.

در روایات آمده است: حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ.

فهم و درک حدیث ما سخت و مشکل است و دانستن آن کار هر کسی نیست. همچنان که قرآن آیات ناسخ و منسوخ و متشابه و محکم دارد روایات اهل بیت علیهم السلام نیز همین طور است. پس حرف این شخص برخلاف صریح قرآن و گفتار حضرات معصومین علیهم السلام است و باید به عدم فهم و عقل و فکر خود اقرار و اعتراف کند.

* شبهه ی دوم

این آقای محترم همان طوری که ذکر کردیم با مبانی دین آشنایی نداشته، در نتیجه شبهاتی را مطرح می کند تا عده ای که فهم و درک دینشان ضعیف است درب گناه را باز دیده و هر کاری که انجام می دهند منتسب به دین بدانند و خلاصه حربه و بهانه ای دست بگیرند و به نام دین تمام کنند. این ها همگی نا آگاهی نسبت به مبانی دین است.

این آقا می گوید: در مورد ازدواج حضرت زهرا علیها السلام تمسک به روایتی پیدا کردیم:

انصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَزْوَاجِهِ فَأَمَرَهُنَّ أَنْ يُدْفَنَ لِفَاطِمَةَ فَضَرَبْنَ بِالْأُذُنِ.

ص: ۱۱۶

یعنی پس از انجام مراسم عقد کنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سوی همسران خود توجه کرده و آن ها را امر کرد تا اظهار سرور و شادمانی نمایند و طبق معمول زمان دف بزنند. (دف ظاهراً به معنای وسیله ی موسیقی آن زمان بوده است).

دف زدن و شادی کردن در عروسی ها از واقعه ی مذکوره در مورد عروسی حضرت زهرا علیها السلام که استعمال دف که وسیله ی تفریح آن زمان بوده و به امر شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام گردید، دریافت می شود که به کار بردن وسیله ی موسیقی زمان در مراسم عروسی اشکالی ندارد.

شیخ طوسی در کتاب امالی صفحه ی ۱۳۲ چاپ جدید عنوان (جواز الدف عند العرس) (یعنی: جایز بودن دف زدن در مجلس عروسی) را یکی از عناوین کتاب مزبور قرار داده که عیناً نقل و ترجمه می شود. شیخ به اسناد خودش [چنین اسنادی غلط است] از ضیعی بن عبد الرحمن بن محمد بن علی بن هبار نقل می کند که:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ هَبَّارٍ قَالَ اجْتَاَزَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَدَارِ عَلِيِّ بْنِ هَبَّارٍ فَسَمِعَ صَوْتَ دَفٍّ. فَقَالَ: مَا هَذَا؟ قَالُوا: عَلِيُّ بْنُ هَبَّارٍ عَزَّسَ بِأَهْلِهِ. فَقَالَ: «حَسَنٌ هَذَا النِّكَاحُ لَا السَّفَاحُ» ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَسِنِدُوا النِّكَاحَ وَاعْلِنُوهُ بَيْنَكُمْ وَاضْرِبُوا عَلَيْهِ بِالْدَفِّ فَجَرَّتِ السُّنَّةُ فِي النِّكَاحِ بِذَلِكَ (۱)

یعنی: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه ی علی بن هبار که یکی از صحابه بود عبور کرد و صدای دفی را شنید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: این چیست؟ و چه خبر است؟ گفتند: امشب شب عروسی علی بن هبار است و به همین مناسبت اظهار شادمانی و استعمال دف کرده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این طرز نکاح خود را استوار سازید و به آن رو آور شوید و در بین خود این قبیل مجالس نکاح را اعلان کنید و برای شرکت در آن از مسلمانان دعوت نمایید و بر چنین نکاح و ازدواجی دف بزنید (کنایه از اینکه شادی و مسرت ابراز دارید).

ص: ۱۱۷

شیخ طوسی در دنباله ی روایت می فرماید: پس سنت اسلامی در این جاری شد که در نکاح ها دف زده شود و در کتاب مجمع البحرین و در کتاب المنجد است که دف وسیله ای است که در شادی ها زده می شود و موجب برانگیختگی شادی و نشاط و سرور می شود. در هر زمان و در هر محل و استان آلات موسیقی که در مراسم شادی و عروسی به کار برده می شود متفاوت است.

به هر حال مسلم است که هرگاه محرمات دیگر مانند اختلاط زن و مرد بیگانه و کشف حجاب از نامحرم و نظیر آن ها نباشد اصل استعمال دف و انواع شادی مناسب با زمان و مکان و عرف جامعه اشکال شرعی نخواهد داشت و یکی از مستندات اینکه استعمال آلات موسیقی در مراسم عقد کنان به فتوای بسیاری از علما بی اشکال می باشد همین روایت است.

* جواب شبهه ی دوم

در امالی صفحه ۵۱۸ مجلس ۱۸ حدیث ۱۱۳۸، ۴۵ چاپ جدید مؤسسه ی بعثت قم چنین گفتاری دیده می شود. بلی کتاب امالی، املاء شیخ طوسی است، ولی عنوان گذاری ها توسط نویسنده و راوی بوده است نخ شیخ. کتاب امالی کتاب فقهی نیست که اظهار نظر فقهی شیخ باشد بلکه شیخ تنها متن احادیث و اخبار را روایت می کند و اظهار نظر شخصی ندارد و جمله ی خاتمه ی خبر، کلام راوی است، نه اظهار نظر شیخ طوسی رحمه الله.

* اشکال ها:

- ۱- استناد به روایتی که در یکی از کتاب های غیر فقهی آمده است.
- ۲- روایت اشکال سندی دارد.
- ۳- روایت اشکال متنی (تعارض با احادیث دیگر) دارد.
- ۴- اظهار نظر شخصی نویسنده: «به هر حال مسلم است که...» در حالی که حرمت موسیقی خود عنوان خاص دارد.

۵- باز می نویسد: اصل استعمال دف و انواع شادی مناسب با زمان و مکان و عرف جامعه اشکال شرعی نخواهد داشت.

می گوئیم: این اظهار نظر ایشان مستند شرعی ندارد، زیرا احکام شرعی ثابتند و تغییر نمی کنند و الا این اشکال رد خاتمیت و کامل بودن (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) دین و رسالت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم می باشد چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِيهَا النَّاسُ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَلَّا وَقَدْ بَيَّنَّهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْكِتَابِ وَ بَيَّنَّهُمَا لَكُمْ فِي سِيرَتِي وَ سُنَّتِي (۱)

و احکام شرع تابع زمان و مکان و عرف (اکثریت جامعه و مقبولیت آنان) نیست که:

(وَ إِنْ تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ) (۲)

۶- در جواب به گفته ایشان که می گوید: «یکی از مستندات اینکه استعمال آلایت موسیقی در مراسم عقد کنان به فتوای بسیاری از علما بی اشکال می باشد همین روایت است»، باید بگوئیم: شیخ طوسی رحمه الله در کتاب فقهی خود المبسوط (۳) بعد از نقل خبر می فرماید:

... و علی مذهبنا لا یصح لان ذلك محذور استعماله

یعنی بنابر مذهب ما شیعه صحیح نیست زیرا استعمال دف نامشروع است.

در کتاب الصراط المستقیم جلد ۱ صفحه ی ۱۵۸ از بعضی از کتاب های سنی ها اخباری را هم چون خبر امالی نقل می کند و در نهایت می فرماید: ما می گوئیم این اخبار از اخبار فاسد شما (سنی ها) است (۴)

ص: ۱۱۹

۱- وسایل الشیعه ۲۷ / ۱۶۱ ح ۱۲

۲- سوره ی انعام آیه ی ۱۱۶

۳- المبسوط ۴ / ۲۰

۴- روایت نقل شده در بعضی از منابع اهل سنت نیز ذکر شده است که قابل اعتبار نیست و از درجه اعتبار ساقط است.

حضرت آیت الله خوئی رحمه الله و همچنین مرحوم حضرت آیت الله گلپایگانی این خبر را ضعیف و بی اعتبار می دانند و زدن دف را نیز مانند دیگر وسیله های موسیقی حرام و نامشروع می دانند.

در کتاب صراط النجاه آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله، این سؤال ها از ایشان شده است و پاسخش را مرحوم آیت الله خوئی رحمه الله داده است.

در جلد ۱ آن، صفحه ی ۳۷۴ سؤال ۱۰۲۷ آمده است:

سؤال: آیا جایز است در عروسی ها و ولادت های اهل بیت علیهم السلام دف بزیم و آیا صحیح است که در ازدواج حضرت زهرا علیها السلام دف زده اند؟

پاسخ حضرت آیت الله خوئی رحمه الله: جایز نیست زیرا آن ها از وسیله های لهو است و برای زنان در عروسی جایز نیست که دف بزنند مگر آواز تنها و در جلد ۲ صفحه ی ۲۹۰ مسئله ۹۲۵ آمده است.

سؤال: آیا شنیدن غنا و موسیقی حرام است و چه دلیلی بر حرام بودن آن است؟(۱)

پاسخ حضرت آیت الله خوئی رحمه الله: شنیدن غنا و موسی حرام است به اتفاق همه ی علما و دلیل بر حرام بودنش آن است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: صاحب طنبور روز قیامت رو سیاه محشور می شود در حالی که در دست او طنبوری از آتش است و بر سر او هفتاد هزار فرشته و در دست هر فرشته پُتکی است که با آن به سر و صورتش می زنند. ترانه خوان از قبر خود کور و کر و لال محشور می شود و صاحب و زننده ی دف مانند او محشور می شود...

در صراط النجاه جلد ۲ صفحه ی ۲۹۴ مسئله ی ۹۲۹ آمده در بعضی از روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مکانی می گذشتند که صدای دف شنیدند فرمودند: این صدای چیست؟ گفتند: فلانی با همسرش عروسی کرده. فرمود: این سفاح است نه نکاح...

یعنی نکاح با سفاح جمع نمی شود چون نکاح سنت رسول الله است و باید کار خلاف شرع در آن انجام نداد. اما سفاح به معنی فساد و کار بیهوده و بی عقلان است.

ص: ۱۲۰

۱- آقایان گلپایگانی و تبریزی و آقای خمینی و ... نیز به این سؤال همین پاسخ را داده اند.

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از محله ی بنی زریق گذشت و صدای عروسی شنید و فرمود: این چیست؟ گفتند: ای رسول خدا! فلانی عروسی کرده است. فرمود: دین خود را کامل کرده است (این است نکاح نه سَفَاح (بی عقلی) و سپس فرمود: نکاح، پنهانی نباشد. اگر پنهانی بود ولیمه بدهد. نکاح باید دیده شود و یا صدای دف شنیده شود. نظر شما درباره ی این دو خبر چیست؟

پاسخ حضرت آیت الله خوئی رحمه الله: روایات جایز دانستن زدن دف، نزد ما معلول (معیوب) و ظاهر آن ها متروک هستند به دلایلی که در جای خود توضیح داده ایم و در جواب مسئله ی ۹۳۰ فرموده اند: تفصیلی (تفاوتی) در حرام بودن استعمال دف و غیر آن از وسیله های غنا در عروسی ها و غیر آن ها نیست. همچنان که تفاوتی بین انواع دف ها نیست و به کار بردن همه ی آن ها حرام است. و الله العالم.

حضرت آیت الله گلپایگانی رحمه الله در کتاب الشهادت الاول صفحه ی ۱۲۲ می فرماید: ما می گوئیم در حرام بودن لهو و لعب جای هیچ گونه اشکالی نیست... دو خبر ذکر شده در جواز و یا امر به دف زدن در عروسی، سند آن دو تمام نیست و تحقق شهرتی که جُبران کننده ی مبنا باشد ندارد. خلاصه وسیله ی موسیقی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منحصر به دف نبوده است و در روایات متعددی از آن ها نام برده شده است و روایت نقل شده در بعضی از منابع سنی ها نیز ذکر شده است مانند: کشف الخفاء عجلونی جلد ۱ صفحه ی ۱۴۵ خبر ۴۲۲ ترمذی از عایشه می گوید: که آن را تضعیف کرده است...

* چند روایت در این باره

در پایان چند روایت در مورد موسیقی و آلات لهو و لعب مزیداً بر دلیل ذکر می کنیم تا اهل خرد بر این بیندیشند و عمر خود را صرف باطل و ابزار شیطان نکند و خود را مستغنی از قرآن و روایات عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ندانند و فریب دیگران را نخورند و عصمت و طهارت معصوم علیهم السلام را زیر سؤال نبرند.

۱- سخن طنبور چیست؟

در کتاب روضات الجنات نقل شده است که امیر المؤمنین علیه السلام شنید مردی طنبور می نوازد آن حضرت او را از این کار بازداشت و طنبورش را شکست و از آن مرد خواست که از کارش توبه نماید. او نیز توبه نمود. آنگاه فرمود: آیا می دانی که طنبور در هنگامی که نواخته می شود چه می گوید؟ عرض کرد: جانشین رسول خدا داناتر است فرمود: طنبور در آن حالت می گوید:

سَتَنْدِمُ سَتَنْدِمُ أَيَا صَاحِبِي *** سَتَدْخُلُ جَهَنَّمَ أَيَا ضَارِبِي

ای صاحب من! به زودی پشیمان می شوی، به زودی پشیمان می شوی، ای نوازنده ام! به زودی به دوزخ می روی (۱)

۲- حرمت غناء

قال الصادق عليه السلام: لا يَحِلُّ بَيْعُ الْغِنَاءِ وَلا شِرَاؤُهُ وَاسْتِمَاعُهُ نِفَاقٌ وَتَعَلُّمُهُ كُفْرٌ.

امام صادق علیه السلام فرمود: خرید و فروش آلات غنا حرام، شنیدنش دورویی و یاد گرفتنش کفر است (۲)

۳- مسئولیت گوش و چشم و دل

شخصی از امام صادق علیه السلام از غنا (شنیدن آوای طرب انگیز) پرسش نمود. آن حضرت پاسخ داد: آیا سخن خدای تعالی را نشنیده ای که فرموده:

(إِنَّ السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَالفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا)

همانا گوش و چشم و دل همه مسئولند و سپس فرمود:

يُسْأَلُ السَّمْعُ عَمَّا سَمِعَ وَالفُؤَادُ عَمَّا عَقَدَ وَالبَصَرُ عَمَّا أَبْصَرَ.

گوش از آنچه که شنیده، دل از آنچه که به آن معتقد شده و چشم از آنچه که دیده، پرسش می شوند (۳)

ص: ۱۲۲

۱- روضات الجنات به نقل از مستدرک ۱۳ / ۲۲۱ کتاب تجارت ب ۷۹ ح ۲۰

۲- دعائم الاسلام ۲ / ۲۰۹ ح ۷۶۷ به نقل از مستدرک ۱۳ / ۲۲۱ کتاب تجارت

۳- دعائم الاسلام ۲ / ۲۱۰ به نقل از مستدرک ۱۳ / ۲۲۱ کتاب تجارت

۴- نشانه های افراد پست و فرومایه:

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: فرومایه کیست؟ فرمود:

مَنْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَيَضْرِبُ بِالطُّبُورِ.

فرومایه کسی است که شراب بنوشد و طنبور بنوازد(۱)

۵- نخستین آوازه خوان:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كَانَ إِبْلِيسُ أَوَّلَ مَنْ تَغَنَّى(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شیطان نخستین کسی بود که آوازه خوانی نمود.

۶- سرگرمی به آلات موسیقی:

حضرت امام رضا علیه السلام در بیان گناهان کبیره می فرماید:

وَ اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ وَ هِيَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ الزَّانَا وَ السَّرِقَةَ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ... وَ الْإِشْتِغَالُ بِالْمَلَاهِي وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذُّنُوبِ.

دوری از گناهان کبیره عبارت است از کشتن کسی که خدا ریختن خون او را حرام کرده است، زنا و دزدی، نوشیدن خمر، نارضایتی پدر و مادر و ...، سرگرم شدن به آلات موسیقی و پافشاری بر گناهان(۳)

۷- کيفر مطربان و نوازندگان:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يُحَشِّرُ صَاحِبُ الطُّبُورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَسْوَدَ الْوَجْهِ وَ يَبِيدُهُ طُبُورٌ مِنْ نَارٍ وَ فَوْقَ رَأْسِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَبِدُ كُلُّ مَلَكٍ مِقْمَعَهُ يَضْرِبُونَ

ص: ۱۲۳

۱- خصال ۱/ ۳۲ به نقل از بحار ۷۹/ ۲۵۱ ب ۱۰۰ ح ۵. کلمه ی طنبور در لغت نوعی از آلات طرب است. در فارسی تنبور یکی از آلات موسیقی که دارای دسته ی دراز و کاسه ی کوچک شبیه سه تار می باشد. فرهنگ عمید و جامع

۲- تفسیر عیاشی ۱/ ۴۰

۳- عیون اخبار الرضا/ ۲۶۵- ۲۶۹ به نقل از بحار الانوار ۱۰/ ۳۵۹

رَأْسَهُ وَوَجْهَهُ وَيُحْشَرُ صَاحِبُ الْغِنَاءِ مِنْ قَبْرِ أَعْمَى وَأَخْرَسَ وَأَبْكُمْ وَيُحْشَرُ الزَّانِي مِثْلَ ذَلِكَ وَصَاحِبُ الْمِزْمَارِ مِثْلَ ذَلِكَ وَصَاحِبُ الدَّفِّ مِثْلَ ذَلِكَ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نوازنده ی طنبور در روز قیامت در حالی محشور می شود که صورتش سیاه است و طنبوری از آتش به دست دارد و هفتاد هزار فرشته از بالای سرش با عمود آهنین بر سر و صورت او می زنند و آوازه خوان کور و کر و گنگ و زنا کار از قبرش محشور می شود و نوازنده ی نی (۱) و نوازنده ی دایره نیز به این شکل محشور می شوند (۲).

۸- نواختن و گوش دادن به سازهایی از قبیل تار و کمانچه و پیانو و طنبور و دف و نظائر آن از گناهان کبیره به حساب آمده است.

فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه السلام در ضمن گناهان کبیره می فرماید:

وَالِإِشْتِغَالُ بِالْمَلَاهِي

به اتفاق جمیع فقها ساختن و خرید و فروش آلات لهو و لعب معامله اش باطل است. در روایتی شیخ حر عاملی در فصول روایت می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود: یاد دادن، یاد گرفتن، با آن کار کردن، اجرت گرفتن و جمیع تصرفات در صنعتی که هیچ جهت حلالی در آن نباشد و جز شر و فساد چیزی بر آن مترتب نیست مانند بربط (آلت موسیقی که شبیه به عود است و با آن می نوازند) مزمار (نی)، شطرنج، صلیب نصارا، بت ها و هر چه شبیه آن باشد حرام است.

... وَ ذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي حَرَّمَ هِيَ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا نَظِيرَ الْبِرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ وَالشُّطْرَنْجِ وَ كُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَ الصُّلْيَانِ وَ الْأَصْنَامِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِبَةِ الْحَرَامِ وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ لَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ

ص: ۱۲۴

۱- یکی از آلات موسیقی که با دهان نواخته می شود

۲- جامع الاخبار/ ۱۸

وَتَعَلَّمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَخَذَ الْأَجْرَ عَلَيْهِ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا... (۱)

در این مورد روایات فراوانی است که برای حقایق و اثبات مطلب کفایت می کند.

یک سؤال: در اینجا باید از این آقای محترم پرسید با این ادله ی قوی و مستند و مستدل که از قول پیغمبر و اهل بیت عصمت و عترت علیهم السلام گفته شد، آیا می توان گفت کسی که مقام عصمت دارد، به خصوص حضرت صدیقه ی طاهره، فاطمه ی زهرا علیها السلام که خداوند متعال او را از جمیع گناه و معاصی و لغزش ها و حتی از ترک اولی، منزّه و پاک و مطهر قرار داده، العیاذُ بالله در عروسی او دف و آلات لهوی که در قرآن از گناهان کبیره شناخته شده است به کار ببرند. همانند سوره ی لقمان آیه ی ۶ که می فرماید:

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ)

و از مردم کسانی هستند که حدیث لهو و لعب خرید و فروش می کنند تا مردم را بی هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و آیات الهی را به مسخره می گیرند. برای آنان عذابی خوار کننده خواهد بود.

روایات متواتری هم در کتاب اخبار از پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که تعدادی را به عنوان دلیل ذکر کردیم. انصاف بده و قدری در اندیشه ی خود تدبیر کن.

ص: ۱۲۵

موضوع چہارم: فضائل حضرت زہرا علیہا السلام

اشارہ

ص: ۱۲۷

* بعضی از آیات قرآن در مورد حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام

۱- (فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ...)(۱)

خداوند درخواست آن ها را پذیرفت و فرمود من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد.

عمار روایت کرده که منظور از کلمه ی «ذکر» امیر المؤمنین علیه السلام است و از «أنثی» حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام است (۲)

۲- (مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ)(۳)

دو دریا را در هم آمیخت تا به هم پیوستند و در یک جا جمع شدند.

فرات در کتاب تفسیر خود از حضرت رضا علیه السلام در ذیل این آیه فرمودند: مراد از این دو دریا حضرت علی و فاطمه علیهما السلام هستند و مراد از برزخ که به معنی فاصله ی بین دو چیز است در آیه ی:

(بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند.

و مقصود از لؤلؤ و مرجان که به معنای مروارید است و از آن دو دریا خارج می شود، در آیه ی (يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ) امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند (۴)

۳- (وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَىٰ)(۵)

سوگند به خدا که بیافرید مرد و زن را.

قال الباقر علیه السلام: فَالذَّكَرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْأُنْثَىٰ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

امام باقر علیه السلام فرمود: منظور از لفظ ذکر امیر المؤمنین علیه السلام و منظور از لفظ انثی فاطمه علیها السلام است (۶)

ص: ۱۲۸

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۹۵

۲- مناقب شهر بن آشوب- بحار ۳۲ / ۴۳

۳- سوره ی الرحمن آیه ی ۱۹

۴- تفسیر فرات ۴۵۹ ح ۵۵۹- القطره ۱ / ۴۲۱

۵- سوره ی لیل آیه ی ۳

۶- مناقب شهر بن آشوب- نور الثقلین ۵ / ۵۸۹

۴- عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: (إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكَبْرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ) (۱)

به درستی که سقر هر آینه یکی از دواهی و بلائی بزرگ است که برای انسان انذار دهنده است. سقر یکی از بلائی عظیمه ای است برای ترسانیدن آدمیان.

قال: یعنی فَاطِمَه عليها السلام.

یعنی فاطمه یکی از آیات بزرگ الهی و داهیه ی عظیمی است که [مردم را از عذاب الهی] می ترساند (۲)

۵- روی آن فاطمه تمت و کیلاً عند غزه علی علیه السلام فنزل: (رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا) (۳)

فاطمه علیها السلام در هنگام جنگ های علی علیه السلام با دشمنان آرزو می کرد که ای کاش شخصی بود که بین امیر المؤمنین علیه السلام و دشمنانش به حق حکم می کرد که این آیه نازل شد (۴)

۶- خداوند از روی کنایه نام ۱۲ زن را در قرآن آورده است

(۱) (... اسكن أنت و زوجك الجنة...) «سوره بقره آیه ۳۵- حوا»

(۲) (ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح وامرأت لوط...) «سوره تحریم آیه ۱۰»

(۳) (... امرأت فرعون إذ قالت رب ابن لي عندك بيتاً...) «سوره تحریم آیه ۱۱- آسیه»

(۴) (و امرأته قائمه فضحكت...) «سوره هود آیه ۷۱- لبراهیم»

(۵) (... الآن حصحص الحق...) «سوره یوسف آیه ۵۱»

(۶) (... و أصلحنا له زوجته...) «سوره انبیاء آیه ۹۰- زکریا»

ص: ۱۲۹

۱- سوره ی مدثر آیات ۳۵ و ۳۶

۲- تفسیر قمی ۲/ ۳۹۶

۳- سوره ی مزمل آیه ی ۹

۴- مناقب شهر بن آشوب- بحار ۴۳/ ۴۳

(٧) (... وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ...) «سوره انبیاء آیه ۸۴- لایوب»

(٨) (إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ...) «سوره نمل آیه ۲۳- بلقیس»

(٩) (قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ...) «سوره قصص آیه ۲۷- لموسی»

(١٠) (وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا...) «سوره تحریم آیه ۳- حفصه و عایشه»

(١١) (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي) «سوره ضحی آیه ۸- خدیجه علیها السلام»

(١٢) (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ) «سوره الرحمن آیه ۱۹- فاطمه علیها السلام»

سپس خصلت های آن ها را ذکر می کند

التَّوْبَةَ مِنْ حَوْءٍ (قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا...) «سوره اعراف آیه ۲۳»

وَ الشُّوقِ مِنْ آسِيَةٍ (... رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا...) «سوره تحریم آیه ۱۱»

وَ الضِّيَافَةِ مِنْ سَارَةَ (وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ...) «سوره هود آیه ۷۱»

وَ الْعَقْلِ مِنْ بَلْقَيْسٍ (قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً...) «سوره نمل آیه ۳۴»

وَ الْحَيَاءِ مِنْ امْرَأَةِ مُوسَى (فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي...) «سوره قصص آیه ۲۵»

وَ الْإِحْسَانِ مِنْ خَدِيَجَةَ (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا...) «سوره ضحی آیه ۸»

وَ النَّصِيحَةِ لِعَائِشَةَ وَ حَفْصَةَ (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا* وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ...) «سوره احزاب آیات ۳۲ و ۳۳»

وَ الْعِصْمَةِ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام (وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ...) «سوره آل عمران آیه ۶۱»

وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَى عَشْرَةَ أَشْيَاءَ لِعَشْرَةِ مِنَ النِّسَاءِ

التَّوْبَةَ لِحَوْءِ زَوْجِهِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَام

وَ الْجَمَالَ لِسَارَةَ زَوْجِهِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام

وَ الْحِفَاظِ لِرَحْمَةِ زَوْجِهِ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ الْحُرْمَةِ لِأَسِيَّةَ زَوْجِهِ فِرْعَوْنَ

وَ الْحِكْمَةَ لِزَلِيخَا زَوْجِهِ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ الْعَقْلَ لِبَلْقِيسَ زَوْجِهِ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ الصَّبْرَ لِبِرْخَانَةَ أُمِّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ الصَّفْوَةَ لِمَرْيَمَ أُمِّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ الرِّضَى لِخَدِيجَةَ زَوْجَةِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

وَ الْعِلْمَ لِفَاطِمَةَ زَوْجَةِ الْمُرتَضَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

* حضرت زهرا عليها السلام در ۹۷ فضیلت مشترک با سایر اهل کساء

(۱) قوله تعالى: (الصُّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ) «سوره فاتحه آیه ۶»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ أَبْنَاءَهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ هُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي مَنْ اهْتَدَى بِهِمْ هُدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱)

گفتار خداوند متعال: راه راست

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به درستی که خداوند متعال علی و همسر گرامیش و فرزندانش را حجت های خدا بر خلقش قرار داده و آنان در میان امتم درهای علم اند. کسی که به ایشان اقتدا و اهتدا کند به راه راست هدایت شده است.

(۲) «الاسماء» قوله تعالى: (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...) «سوره بقره آیه ۳۱»

أَسْمَاءُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَ أَسْمَاءُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمَا، وَ أَسْمَاءِ خِيَارِ شِيَعَتِهِمْ وَ عَتَاهِ أَعْدَائِهِمْ.

ص: ۱۳۱

گفتار خداوند متعال: و خدای عالم همه ی اسماء را به آدم تعلیم فرمود...

منظور از اسماء و نام ها، اسامی پیامبران الهی و نام های معصومین محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و پاکان از آل آنان و اسامی خوبان شیعیانشان و دشمنان گمراهشان می باشد.

(۳) «أَسْجُدُوا لِآدَمَ» قوله تعالى: (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا...)

«سوره بقره آیه ۳۴»

أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ، تَعْظِيمًا لَهُ أَنَّهُ قَدْ فَضَّلَهُ بِأَنْ جَعَلَهُ وَعَاءً لِتِلْكَ الْأَشْبَاحِ الَّتِي قَدْ عَمَّ أَنْوَارُهَا الْأَفَاقَ (۱)

«اشتراک در سجده کردن ملائکه»

گفتار خداوند متعال: و چون گفتم فرشتگان را که همه بر آدم سجده کنید...

خداوند متعال به ملائکه امر کرد که برای آدم سجده کنند و این سجده از برای تعظیم آدم بود که آن را فضیلت داده بر ملائکه به خاطر اینکه حضرت آدم علیه السلام ظرفی برای اشباح نورانی ائمه ی اطهار بود که نورشان همه ی آفاق را در بر گرفته بود. (یعنی نور اهل بیت علیهم السلام در صلب حضرت آدم بوده است)

(۴) «الشجرة» قوله تعالى: (... هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ) «سوره بقره آیه ۳۵»

شَجَرَةَ الْعِلْمِ فَإِنَّهَا لِلْمُحَمَّدِ وَآلِهِ خَاصَّةٌ دُونَ غَيْرِهِمْ وَ لَا يَتَنَاوَلُ مِنْهَا بِأَمْرِ اللَّهِ إِلَّا هُمْ وَ مِنْهَا مَا كَانَ يَتَنَاوَلُهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۲)

«در اشتراک آن درخت»

گفتار خداوند کریم: ... و به این درخت (گندم یا سیب) نزدیک نشوید. اگر به این درخت نزدیک شوید از جمله ی ستمکاران خواهید بود.

ص: ۱۳۲

منظور از آن درخت که خداوند آدم و حوا را از خوردن آن نهی فرموده بود درخت علم بود. چون آن درخت برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود، نه برای آن ها و خداوند امر فرمود که کسی از آن درخت تناول نکند مگر آنان و از آن درخت (اعلم) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام تناول فرمودند.

۵) «کلمات» قوله تعالی: (فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ...) «سوره بقره آیه ۳۷»

مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک در کلمات»

گفتار خداوند: پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت که خداوند توبه ی او را پذیرفت و خداوند توبه پذیر و مهربان است.

منظور از آن کلمات محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است.

۶) «فتاب علیکم» قوله تعالی: (... فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ) «سوره بقره آیه ۵۴»

فَلَمَّا اسْتَمَرَ الْقَتْلُ فِيهِمْ... فَاجْتَمِعُوا وَ صَبُّوا: يَا رَبَّنَا بِجَاهِ مُحَمَّدٍ الْأَكْرَمِ، وَ بِجَاهِ عَلِيِّ الْأَفْضَلِ الْأَعْظَمِ، وَ بِجَاهِ فَاطِمَةَ الْفُضْلَى، وَ بِجَاهِ الْحَسَنِ وَ... لَمَّا غَفَرْتَ لَنَا... فَرَفَعْنَا عَنْهُمْ الْقَتْلَ (۱)

«بخشیدن بنی اسرائیل»

گفتار خداوند: ... و توبه ی شما را پذیرفت که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

پس هنگامی که قتل و کشتار در میانشان (بنی اسرائیل) استمرار پیدا کرد همگی جمع شده و فریاد زدند: ای پروردگار، ما به جاه و مقام محمد گرامی و به جاه و مقام علی برتر و عظیم و به جاه و مقام فاطمه دارای

ص: ۱۳۳

فضیلت والا- و به جها و مقام حسن و حسین ما را بیامرز (پس به برکت این اسامی مقدسه) کشت و کشتار از میان آن ها برطرف شد.

(۷) «و اذا استسقى موسى لقومه» قوله تعالى: (وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ... «سوره بقره آیه ۶۰»

فَقَالَ مُوسَى: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ بِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ، وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ، وَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ وَ بِحَقِّ عِتْرَتِهِمْ وَ خُلَفَائِهِمْ سَادَةِ الْأَزْكِيَاءِ لَمَّا سَقَيْتَ عِبَادَكَ هَؤُلَاءِ (۱)

«اشتراک در استجاب دعا برای طلب آب و باران کردن»

گفتار خداوند متعال: (یاد آرید) وقتی را که موسی برای قوم خود به جستجوی آب برآمد...

موسی علیه السلام عرض کرد: خداوند! به حق محمد سرور پیامبران و به حق علی سرور اوصیا و به حق فاطمه سرور زنان و به حق حسن سرور اوصیا و به حق حسین سرور شهیدان و به حق عترتشان سرور پاکان که برای این بندگان خود آب فرست.

(۸) «بکلمات» قوله تعالى: (وَ إِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ...) «سوره بقره آیه ۱۲۴»

مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک در کلمات»

گفتار خداوند کریم که می فرماید: به یاد آور هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان فرمود و او همه را به جای آورد. خداوند به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم.

منظور از این کلمات محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

ص: ۱۳۴

۹) «قولوا آمنا بالله و ما أنزل الينا و آمنتهم» قوله تعالى: (قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ...) «سوره بقره آیات ۱۳۶ و ۱۳۷»

عَنِّي بِذَلِكَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک در ایمان آوردن»

گفتار خداوند که می فرماید: بگویند که ما مسلمین ایمان به خدا آورده ایم و به آن کتابی که بر پیغمبر ما فرستادند و به آن چه بر پیغمبران گذشته چون ابراهیم و اسماعیل و ...

منظور ایمان آوردن به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

۱۰) «الصلاة» قوله تعالى: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ...) «سوره بقره آیه ۲۳۸»

الصَّلَاةِ: رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک در صلوات وسطی»

گفتار خداوند متعال: در هر نماز باید توجه و مواظبت کامل داشته باشید خصوص نماز وسطی...

مقصود از نماز وسطی رسول الله و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اند.

۱۱) «حَبَّة» قوله تعالى: (... أَمْوَالُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ...) «سوره بقره آیه ۲۶۱»

حَبَّة فاطمه علیها السلام.

«مشترک بودن حضرت فاطمه علیها السلام با سایر معصومین علیهم السلام در حبه»

گفتار خداوند متعال: مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می کند مانند دانه ای است که از یک دانه هفت خوشه برآید...

منظور از آن حبه (یک دانه) وجود مبارک حضرت فاطمه علیها السلام است که در گران بها است.

(۱۲) إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (سوره آل عمران آیه ۳۳)

دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ عَائِشَةَ... فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَا عَائِشَةُ أَمَا مَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمزَةَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱)

«اشتراک در برگزیدن»

گفتار خداوند متعال: به حقیقت که خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد بر فاطمه زهرا علیها السلام و عایشه شد. سپس رو به عایشه فرمود: ای عایشه! آیا نمی دانی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه علیها السلام را بر همه ی جهانیان برگزید.

(۱۳) «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ» قوله تعالى: (وَ إِذِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ) (سوره آل عمران آیه ۴۲)

ای: علی نساء عالمی زمانک لأن فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سیده نساء العالمین (۲)

«برگزیدن آن حضرت»

گفتار خداوند متعال: و هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و برتری بخشید بر زنان جهانیان (مریم را بر زنان زمان خود برگزید).

اما فاطمه علیها السلام سرور زنان دو عالم است. یعنی حضرت مریم برگزیده ی زنان زمان خودش بود ولی فاطمه علیها السلام را بر زنان دو عالم برگزید. علاوه بر

ص: ۱۳۶

۱- بحار الانوار ۳۷ / ۶۳

۲- همان ۱۴ / ۱۹۳

اینکه حضرت فاطمه علیها السلام از مادر خود خدیجه علیها السلام و مریم و آسیه افضل و برتر است.

۱۴) «نسائنا» قوله تعالی: (... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ...) «سوره آل عمران آیه ۶۱»

یعنی: فاطمه علیها السلام.

«منظور از کلمه ی نسائنا یعنی: زنانمان را می آوریم»

گفتار خداوند متعال: ... فرزندان و همسرانتان را بیاورید ما نیز فرزندان و همسرانمان را می آوریم...

مراد از زنان، حضرت فاطمه علیها السلام می باشد، که قرار شد پیامبر با نصارای مدینه به مباحله و نفرین پردازند تا از خدا درخواست کنند که هر کدام بر حق است خداوند بر سر دیگری عذاب فرستد و آن ها را نابود کند که گروه نصاری پشیمان گشته و حاضر به مباحله نشدند، چون می دانستند که صد درصد هلاک خواهند شد و لذا قبول کردند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلح کنند و جزیه و مالیات بدهند تا آنان را آزاد گذارند. یعنی خلاصه از عظمت پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام جرئت نکردند به مباحله برخیزند.

و منظور از کلمه ی نسائنا حضرت فاطمه علیها السلام بود که در میان چهار معصوم بود و برای مباحله و نفرین و دعا آماده شدند.

۱۵) قوله تعالی: (... وَ إِنَّمَا تُؤَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...) «سوره آل عمران آیه ۱۸۵»

یعنی: عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

«پاداش عظیم»

گفتار خداوند متعال: روز قیامت همه ی شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید.

منظور علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند که روز قیامت به اجر و پاداش عظیم نزد پروردگارشان خواهند رسید.

ص: ۱۳۷

۱۶) «أو أنثى» قوله تعالى: (فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى...) (سوره آل عمران آیه ۱۹۵)

ای: الفَوَاطِمِ الثَّلَاثِ الْمُهَاجِرَاتِ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

«اشتراک در پاداش»

گفتار خداوند متعال: پس خداوند دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچ کس از مرد و زن را بی مزد نگذارم.

در این آیه مقصود از کلمه ی انثی (زن) حضرت فاطمه علیها السلام است و اعمال آن بزرگوار نزد خداوند محفوظ است و در حد اعلی اجر و پاداش داده می شود.

۱۷) «الصالحين» قوله تعالى: (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ... وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا) (سوره نساء آیه ۶۹)

ای: فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک با صالحین»

گفتار خداوند متعال: و آنان که خدا و رسول را اطاعت کنند... و اینان (در بهشت) چه نیکو رفیقانی هستند.

منظور از صالحین و خوبان فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اند.

۱۸) «الوسيلة» قوله تعالى: (وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) (سوره مائده آیه ۳۵)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تُسَمَّى الْوَسِيلَةَ وَ هِيَ لِنَبِيِّ وَ أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا فَإِذَا سَأَلْتُمُوهَا فَاسْأَلُوهَا لِي فَقَالُوا مَنْ يَسْكُنُ مَعَكَ فِيهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ فَاطِمَةُ وَ بَعْلُهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک در وسیله بودن»

گفتار خداوند متعال: ای اهل ایمان از خدا بترسید و به وسیله ی ایمان و پیروی از اولیای حق به خدا توسل جوید. یعنی منظور از وسیله محمد و آل محمد علیهم السلام هستند.

ص: ۱۳۸

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در بهشت درجه ای است به نام وسیله، پس وقتی شما حاجتی را از خداوند درخواست کنید، به آن وسیله متصل شوید، که آن وسیله من باشم.

عرض کردند: یا رسول الله! چه کسی با شما در بهشت ساکن می شود؟ فرمودند: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستیم. در کارهای دین و دنیا ما را در نزد پروردگار واسطه قرار دهید تا خداوند به برکات ما امور شما را اصلاح کند.

(۱۹) قوله تعالی: (... وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ...)

«سوره اعراف آیه ۴۶»

النَّبِيِّ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

«منظور از (و علی الاعراف رجال)»

گفتار خداوند متعال: مردانی هستند که همه به سیمایشان شناخته می شوند.

یعنی افراد اعراف، افرادی هستند با نفوذ و صاحب قدرت که دوزخیان (اهل کفر و شرک و نفاق) را مؤاخذه و سرزنش می کنند و به واماندگان در اعراف (نام محلی در قیامت) کمک می کنند که از آن سرزمین عبور کنند و به سر منزل سعادت برسند. در روایات آمده است که فرموده اند:

نَحْنُ الْأَعْرَافُ

ماایم اعراف. یعنی خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم اعرافند که واماندگان را کمک می کنند تا به بهشت برسند. پس مراد از اعراف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اند.

(۲۰) «الحق» قوله تعالی: (... إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ...) «سوره انفال آیه ۳۲»

إِذَا كُنْتَ رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلِيُّ وَصِيَّتِكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُكَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ابْنَاكَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ حَمْرَةُ عُمُّكَ سَيِّدُ

ص: ۱۳۹

الشَّهِدَاءِ وَ جَعْفَرُ الطَّيَّارُ ابْنُ عَمِّكَ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ وَ السَّقَايَةُ لِلْعَبَّاسِ عَمَّكَ... إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمِطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ (۱)

«فاطمه عليها السلام حق است»

گفتار خداوند متعال: و چون لجاجت کردند و گفتند: خدایا اگر این قرآن به راستی حق و از جانب توست پس با این حال بر سرمان سنگی از آسمان ببار...

در کافی از ابی بصیر روایت شده که این آیه راجع به نصب امیر مؤمنان از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. کسانی که عداوت علی علیه السلام را در دل داشتند از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردند: نصب علی از جانب شما امامت و وصایت دلخواه شما بوده یا فرمان الهی است؟ فرمود: به امر الهی است. (مصدق کامل آن در جریان غدیر خم است) که بعد از معرفی امیر المؤمنین علیه السلام به امامت و وصایت برای همه، شخصی طاغی قبول نکرد و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: گفتید نماز بخوانید، ایمان بیاورید، حج انجام دهید، زکات دهید و روزه بگیرید قبول کردیم. اما نصب پسر عمویت به امامت و وصایت از جانب خودت بود یا از جانب خدا؟

فرمود: از جانب خدا بود. از روی عناد گفت: خدایا اگر محمد آنچه می گوید راست است عذابی بر من بفرست. که در همان لحظه سنگی از آسمان یا صاعقه ای آمد و او را هلاک کرد.

اما در این آیه شخصی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: اگر تو رسولی و علی وصی توست بعد از تو و فاطمه دخترت سرور زنان عالمیان و حسن و حسین دو پسر تو سرور جوانان اهل بهشتند و حمزه عمویت سرور شهیدان و جعفر طیار پسر عمویت با ملائکه در بهشت پرواز می کند و سقایت (آب دادن) به حاجیان برای عمویت عباس است... خدایا اگر در این امور نزد تو حق است، پس

ص: ۱۴۰

بر من سنگی از آسمان ببار. پس فاطمه علیها السلام حق است و انکار او موجب عذاب الهی در دنیا و آخرت می شود.

۲۱) «لذی القربی» قوله تعالی: (وَ لِذِی الْقُرْبٰی وَ الْیَتٰمٰی...) «سوره انفال آیه ۴۱»

ای: فاطمه علیها السلام و من یلی أمرها من بعدها من ذرّیتها الحجج علی الناس.

«اشتراک در ذی القربی»

گفتار خداوند متعال: ... و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان... این آیه راجع به خمس است. یعنی بدانید ای گروه مؤمنان آنچه غنیمت و فایده به دست آوردید پس محققاً یک پنجم آن از برای خدا و برای رسول و برای ذوی القربی که ائمه علیهم السلام باشند و یتیمان و فقرا و در راه ماندگان از سادات است. اگر به خدا ایمان آورده باشید و به آنچه نازل کردیم.

خمس در هفت چیز است:

۱- معادن و ذخایر زیرزمینی از فلزات و جواهرات و نفت و نمک و امثال آن ها.

۲- گنج و آن چیزهایی که در زیر زمین دفن باشد.

۳- غوث، چیزهایی که از ته دریا استخراج می شود مثل مروارید و مرجان و امثال آن ها.

۴- زمینی که اهل ذمه ی یهود و نصاری و مجوس از مسلمین خریداری کنند.

۵- مال حلال مخلوط به حرام که مقدار حرامش و صاحبانش معلوم نباشد.

۶- غنائم دار الحرب (در جنگ) مشروط به شرایطی که در کتب فقهیه مانند کتاب جهاد مطرح شده.

۷- سودی که مکاسب از تجارت و صناعات و زراعات و غیر آن ها از کلیه ی استفادات بعد از مصرف مؤونه ی سالیانه ی خود و عیالات و معارف مشروعه مثل زیارات و ضیافات و توسلات و امثال آن ها. و لذی القربی که مذهب امامیه است که به امام وقت باید داد و در زمان غیبت به نایب عام، یعنی مجتهد جامع شرایط و

ص: ۱۴۱

سهم الفرض و مراد از ذوی القربی خویشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، اعم از ائمه ی هدی علیهم السلام و سادات ذو العزّ و الاحترام.

مراد از ذوی القربی فاطمه و کسانی که بعد از آن حضرت هستند از ذراری آن بزرگوار و فرزندان معصومش که بر مردم حجت خدای متعال هستند می باشد. حضرت فاطمه علیها السلام یکی از مصادیق اکمل ذوی القربی و دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

(۲۲) «الصادقین» قوله تعالى: (... اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) «سوره توبه آیه ۱۱۹»

ای: علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام و ذریتهم الطاهرون الی یوم القیامه.

«اشتراک با صادقین»

گفتار خداوند متعال: ای اهل ایمان خدا ترس باشید و به مردان راستگوی با ایمان پیوندید.

یعنی با علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فرزندان و ذراری پاک آنان باشید تا روز قیامت.

(۲۳) «أولوا الارحام» قوله تعالى: (وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ...)

«سوره انفال آیه ۷۵»

ای: النَّبِيُّ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

«فاطمه ی زهرا علیها السلام از اولی الارحام است»

گفتار خداوند متعال: و صاحبان ارحام یعنی صاحبان و وارثان در کتاب خدا بعضی مقدم بر بعضی دیگر مقرر شده اند.

یعنی این ولایت و اولویت در مورد خویشاوندان به صورت قوی تر و جامع تری است. زیرا خویشاوندان مسلمان علاوه بر ولایت ایمان و

هجرت، ولایت خویشاوندی نیز دارند. به همین جهت آن ها از یکدیگر ارث می برند. در حالی که غیر خویشاوندان از یکدیگر ارث نمی برند.

ثابت ثمالی از امام زین العابدین علیه السلام روایت نموده که فرمودند: این آیه درباره ی ما نازل شده است.

عبدالله بن حسن با سند خود از پدران بزرگوارش روایت کرده: هنگامی که ابوبکر فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام منع و دریغ نمود و خبرش به آن حضرت رسید، آمد و فرمود پسر ابی قحافه آیا در کتاب خداوند است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم. حقیقتاً چیز عجیبی گفته ای و بر خداوند افترا بسته ای. آیا از روی عمد کتاب خداوند متعال را پشت سر انداخته ای. مگر این کتاب خداوند نیست که می فرماید: صاحبان رحم بعضشان بر بعضی دیگر برتری دارند در ارث و ...

یعنی مراد از اولی الارحام بعضهم اولی ببعض... این افرادند پیامبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام (۱)

(۲۴) « اهل البیت » قوله تعالی: (... رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ...)

«سوره هود آیه ۷۲»

ای: النَّبِيُّ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

«فاطمه علیها السلام از اهل بیت است»

گفتار خداوند متعال: آیا از کار خدا عجب داری. رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت است زیرا خدا بسیار ستوده صفات و بزرگوار است.

منظور از اهل بیت پیامبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند. روایت است که امیر المؤمنین علیه السلام بر جمعی می گذشت و بر ایشان سلام کرد. گفتند: و علیک السلام و رحمه الله و برکاته و مغفرتة و رضوانه.

ص: ۱۴۳

لَا تُجَاوِزُوا مَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لَأَيُّنَا إِبرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَتْ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.

از ما تجاوز نکنید. یعنی این اهل بیت، ما هستیم نه غیر ما، در آن هنگامی که ملائکه به پدر ما ابراهیم علیه السلام گفتند: رحمه الله و برکاته علیکم اهل البیت (۱)

پس خلاصه مراد از اهل بیت پیامبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند. پس حضرت فاطمه علیها السلام یکی از اعضای اصلی اهل بیت می باشند.

(۲۵) «طوبی لهم» قوله تعالی: (... طوبی لهم و حسن مآب) «سوره رعد آیه ۲۹»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَقَدْ شَهِدَ إِمْلَاكُ فَاطِمَةَ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فِي أُلُوفٍ مِنْ مَلَائِكَةٍ وَ لَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ طُوبَى فَنَثَرَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ حُلَلِهَا وَ... (۲)

«مصدق طوبی لهم»

گفتار خداوند متعال: آنان که به خدا ایمان آورده و به کار نیکو پرداختند خوشا بر احوال آن ها و مقام نیکوی آن ها.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به حقیقت ملائکه و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل در میان هزاران ملائکه، در حق فاطمه علیها السلام شهادت دادند (یعنی در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان شاهد بودند) و خداوند به درخت طوبی امر فرمود که (در جشن عروسی آن حضرت) نثار کند.

معمولاً- رسم است که وقتی عروس را به خانه ی داماد می برند از زیور آلات خود بر سر مردم می ریزند. در اینجا از آن حضرت تعبیر به طوبی شده است، یعنی در شب عروسی، آن بزرگوار، درخت طوبی بوده و حلال و زیور آلات خود را بر سر مردم پخش می کرد.

ص: ۱۴۴

۱- منهج الصادقین ۴/ ۴۳۹

۲- بحار الانوار ۸/ ۱۴۲

۲۶) «کشجره طیبه» قوله تعالى: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا - كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) «سوره ابراهيم آیه ۲۴»

قَالَ جِبْرِئِيلُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَنْتَ الشَّجَرَةُ وَ عَلِيُّ غَصْنُهَا وَ فَاطِمَةُ وَ رَقِيَّةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَارُهَا.
«اشتراک در شجره ی طیبه»

گفتار خداوند متعال: ای رسول مگر ندانستی که چگونه خدا کلمه ی پاکیزه را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه ی آن برقرار باشد و شاخه ی آن به آسمان رفعت و سعادت بالا رود.

جبرئیل به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: تو اصل درختی (شجره ی نبوت) و علی شاخه و فاطمه برگ و حسن و حسین علیهم السلام میوه ی آن درختند.

جابر جعفی گوید: من از امام باقر درباره ی قول خداوند عز و جل سؤال کردم که می فرماید: مانند درخت پاک که اصلش ثابت و شاخه اش در آسمان است، فرمودند: منظور از درخت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی تنه ی آن و فاطمه شاخه ی آن و اولاد آن حضرت میوه های آن و شیعیان ما برگ های آن می باشند.

حضرت زهرا علیها السلام مصداق درخت طیبه و پاک می باشد که در قرآن آمده است (۱)

۲۷) «اهل الذکر» قوله تعالى: (... فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ...) «سوره نحل آیه ۴۳»

ای: مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک با اهل ذکر»

گفتار خداوند متعال: و ما پیش از تو (ای محمد) غیر از رجال مؤید به وحی خود کسی را به رسالت نفرستادیم. بروید و از اهل ذکر سؤال کنید اگر نمی دانید.

ص: ۱۴۵

مراد از اهل ذکر یعنی محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند که از خاندان وحی و نبوتند.

۲۸) «ذی القربی» قوله تعالی: (... وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ...) «سوره نحل آیه ۹۰»

ای: فَاطِمَةُ وَ أَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک با ذی القربی»

گفتار خداوند متعال: همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می دهد و به بذل و عطای خویشاوندان امر می کند.

منظور از ذوی القربی حضرت فاطمه علیها السلام و اولاد آن بزرگوار می باشد.

۲۹) «آیاتنا» قوله تعالی: (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا...) «سوره اسراء آیه ۱»

ای: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک در آیاتنا»

گفتار خداوند متعال: پاک و منزّه است خدایی که در مبارک شبی بنده ی خود (محمد) را از مسجد الحرام (مکه ی معظمه) به مسجد الاقصایی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت سیر داد تا آیات خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و بیناست.

مقصود از آیاتنا علی و فاطمه حسن و حسین علیهم السلام می باشند.

روایات فراوانی است که در شب معراج راجع به اهل بیت آن حضرت خصوصاً وجود مبارک مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام سفارش زیاد شده است. پس یکی از آیات الهی وجود پر برکت حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام می باشد.

۳۰) «ذا القربی» قوله تعالی (وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ...) «سوره اسراء آیه ۲۶»

ای: فاطمه علیها السلام.

گفتار خداوند متعال: حقوق خویشاوندان را ادا کن.

این فرمان مربوط به فدک است که حق حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه زهرا علیها السلام می باشد. یعنی ای پیامبر حق فاطمه را بده.

جریان فدک از این قرار است: چون این آیه ی شریفه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به حضرت فاطمه علیها السلام بخشید و در مدت حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دست آن بزرگوار بود، و منافع آن را صرف فرزندان می کرد. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسید، حق دخت گرامیش را با زور و عدوان گرفتند و حتی وقتی که برای دفاع از حقش نزد ابی بکر رفت و با دلیل حقش را ثابت نمود، او بهانه آورد و حدیث جعل کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفته: مَا تَرَكَاهُ صَدَقَهُ أَنْجَحَهُ مِنْ مِي غَازِمِ صَدَقَهُ اسْت.

با اینکه همه ی علمای شیعه و سنی روایت کرده اند، فدک که سرزمین بسیار وسیعی بود، از آن فاطمه ی زهرا علیها السلام بوده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات خود به آن حضرت بخشید، اما حق آن حضرت را منع کردند و تصاحب کردند. ما این قضیه را مفصل در کتاب فدک ذکر کرده ایم. اهل مطالعه به آن جا رکوع کنند. پس منظور از ذا القربی وجود مقدسه ی حضرت فاطمه علیها السلام می باشد.

۳۱) قوله تعالى: (وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا) «سوره اسراء آیه ۲۸»

نزلت فی علی و فاطمه حیث أهدی ملک حبشه الی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عشره إماء.

گفتار خداوند متعال: و چنانچه از ارحام چون فعلاً نادر هستی و در آینده به لطف خدا امیدواری اکنون اعراض کرده و توجه به حقوقشان نتوانی کرد باز به گفتار خوش آن ها را از خود دل شاد کن.

این آیه ی شریفه در حق علی و فاطمه علیها السلام نازل شده است.

پادشاه حبشه (نجاشی) ده کنیز برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هدیه فرستاد.

شیرازی عالم سنی در کتابش ذکر کرده هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کرد یکی از آن ده کنیز را برای کارهای منزل به ایشان بدهند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریه کرد و فرمود: به آن خدایی که مرا به حق برای پیامبری فرستاد در مسجد چهارصد مرد وجود دارد که نه طعامی و لباسی دارند و اگر نمی ترسیدم آنچه را که خواستی به تو می دادم.

من نمی خواهم به تو کنیز ندهم، اما می ترسم که علی بن ابی طالب علیه السلام در روز قیامت با تو مخاصمه کند. پس نماز و تسبیح را یاد آن حضرت داد. شاید منظور تسبیحات اربعه باشد که معروف و مشهور است.

در روایات آمده است که: حضرت فاطمه علیها السلام آن قدر با مشک آب آورد که اثر آن در سینه ی مبارکش باقی ماند. آن قدر گندم آسیا کرد که دست هایش پینه بست. آن قدر خانه را جارو کرد که لباس هایش سیاه شد. از فشار اینگونه زخم ها دچار ضعف شدیدی گردید. یکی از روزها حضرت علی علیه السلام به آن حضرت گفت: برو از پدر خود تقاضای کنیزی کن تا در کار خانه به تو کمک کند. وقتی که حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد، دید عده ای در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مشغول گفت و گو هستند. فاطمه ی زهرا علیها السلام خجالت کشید با آن حضرت صحبت کند، لذا به طرف خانه ی خود برگشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متوجه شدند که زهرا علیها السلام حاجتی داشت. لذا روز دیگر صبح زود نزد آن دو بزرگوار آمد و فرمود: ای فاطمه! چه حاجتی داشتی که دیروز پیش من آمدی؟ حضرت فاطمه خجالت کشید و چیزی نگفت. حضرت علی علیه السلام جریان را به عرض آن حضرت رسانید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا می خواهید که چیزی بهتر از کنیز را به شما تعلیم دهیم. عرض کردند: آری یا رسول الله! فرمود: هنگامی که می خواهید بخوابید ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۴ مرتبه الله اکبر بگویید.

حضرت زهرا علیها السلام پس از شنیدن این موضوع سه مرتبه عرض کرد: از خدا و رسول راضی شدم. امیر مؤمنان فرمود: تو از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم کنیزی خواستی پس خداوند به ما ثواب آخرت را عنایت فرمود.

ابوهریره گوید: چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از نزد فاطمه بیرون رفت، این آیه نازل شد (۱)

(۳۲) «وسيله» قوله تعالى: (... يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ...) «سوره اسراء آیه ۵۷»

هُمُ النَّبِيُّ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک در وسیله»

گفتار خداوند متعال: (آن بت هایی که کافران آن ها را به خدایی می خوانند) خود به درگاه خدا وسیله ی تقرب می جویند.

که مراد از وسیله (که مردم به توسط آن وسیله تقرب می جویند در کارهای دنیا و آخرتی خودشان) در این جا پیامبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین اند علیهم السلام. پس حضرت فاطمه علیها السلام یکی از آن وسایلی است که مردم توسط آن بزرگوار در کارهای دینی و دنیایی خودشان به خداوند متعال تقرب می جویند.

(۳۳) «وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ» قوله تعالى: (فِيمَا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا) «سوره کهف آیه ۲»

يُبَشِّرُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ بِالْجَنَّةِ عَلِيًّا وَ جَعْفَرًا وَ عَقِيلًا وَ حَمزَةَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ.

«اشتراک در بشارت مؤمنین»

گفتار و فرمایش خداوند: و اهل ایمان را که اعمال آن ها نیکوست با اجرا بسیار نیکو بشارت دهد.

ص: ۱۴۹

یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی و جعفر و عقیل و حمزه و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را به بهشت بشارت می دهد.

(۳۴) قوله تعالی: (وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ...) «سوره طه آیه ۱۱۵»

كَلِمَاتٍ فِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

«اشتراک در عهدهای که خدا با آدم بست»

فرمایش خداوند متعال: و ما با آدم عهد کردیم او را استوار و ثابت قدم نیافتیم.

یعنی به او امر کردیم که گرد شجره ی نهی شده نگردد و از آن نخورد، پس فراموش کرد. یعنی امر ما را ترک نمود و از آن درخت نهی شده تناول کرد.

منظور از این نهی، نهی تنزیهی و ترک اولی است. یعنی بهتر بود که جناب آدم علیه السلام از آن درخت نهی شده میل نمی فرمود و نسیان و فراموشی به معنای ترک و عدم عزم است. یعنی جناب آدم ترک اولی نمود و از آن درخت تناول نمود و عزمش را برای آنکه از آن درخت نخورد جزم نکرد، بلکه عمداً آن را تناول نمود.

در اینجا می فرماید: ما در حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام با کلماتی از جناب آدم علیه السلام عهد گرفتیم.

نسیان در اینجا شاید عزیمت نهی است به طوری که تأویل و رخصت را قبول نمی کند. یعنی در انجام کار رخصت و اجازه نمی دهد و غیر منسی و نسیان یعنی فراموشی اصل نهی است. یا اینکه بگوئیم منسی آن چیزی که فراموش شده است، فضیلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وصی آن حضرت و فرزندان آن دو بزرگوار (از معصومین علیهم السلام باشد). نسیان در اینجا به معنی ترک باشد.

ص: ۱۵۰

در کافی از قول امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ی شریفه روایت شده است: *وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ* (یعنی ما از قبل به آدم) کلماتی را در حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه هدی علیهم السلام از فرزندان آن ها عهد کردیم، ولی آدم این عهد ما را فراموش کرد.

از قول امام باقر علیه السلام روایت شده است که: خداوند از آدم در حق محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عهد گرفت، ولی آدم به طور محکم به این عهد وفا نکرد (که آنان دارای چنان صفاتی اند).

در حدیثی دیگر فرموده اند: خداوند از صاحبان عزم و جزم عهد و پیمان گرفت، به اینکه من پروردگار شما و محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول من است و علی علیه السلام امیر المؤمنین و اوصیایش بعد از آن صاحبان امر و خزینه دار علم من می باشند و اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دین مرا یاری می دهد و دولت مرا ظاهر می سازد و از دشمنان من انتقام می جوید. گفتند: به همه این ها اقرار می کنیم و گواهی می دهیم. اما جناب آدم اقرار نکرد. پس این عزمیت و قصد برای این پنج تن آل عبا ثابت شد در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (که ان شاء الله در وقت ظهور پیاده خواهد شد) (۱)

شاید منظور این باشد که آنچه در حق پنج تن آل عبا، از اظهار فضایل و مناقب به عهده جناب آدم بود، به مرحله ظهور نرساند. یا زمان مهلت نداد آن چنان فضایل و مناقب آنان را برای مردم معرفی کند و این فضیلت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ماند، که با ظهور خود ان شاء الله آن چنان که حق مطلب است در حق پنج تن را به مرحله ظهور برساند تا بر همه عالم، مقام و فضایل و مناقب آن بزرگواران روشن گردد.

ص: ۱۵۱

همان طور که بسیاری از علوم هنوز برای بشر کشف نشده که با ظهور ایشان ان شاء الله همگی آشکار می شود، همان طور هم فضایل ایشان مو به مو برای مردم آشکار می شود و هیچ کاری را در حق آنان و انمی گذارد و ترک نمی کند. البته عمق مطلب خوب برای ما روشن نیست. باز هم باید به اهلش یعنی به معصومین علیهم السلام ارجاع داد تا برای ما معنا کنند.

حَدِيثًا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ.

فهم حدیث ما قدری سخت است، همچنان که بعضی از آیات قرآن مانند آیات متشابه درک و فهمش مشکل است و باید به معصومین علیهم السلام علم او را ارجاع داد.

(۳۵) قوله تعالى: (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...) «سوره طه آیه ۱۳۲»

نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

كَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: يَا أَيُّهَا فَاطِمَةُ كُلِّ شَيْءٍ حَرَهُ فَيَقُولُ السَّأْمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ الصَّلَاةُ يَرْحَمُكُمْ اللَّهُ...

«فاطمه عليها السلام اهل پیامبر»

فرمایش خداوند متعال: تو اهل بیت خود را به نماز امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش.

این آیه در حق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است، که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر بامداد بر در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها می آمد و می فرمود:

السلام علیکم اهل البيت و رحمه الله و برکاته الصلاه یرحمکم الله.

سلام بر شما اهل خانه (وحی و رسالت) و رحمت و برکات خدا بر شما باشد. نماز مرا به پای دارید.

ابی سعید خدری گوید: چون این آیه شریفه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا مدت ۹ ماه در هر وعده نماز به در خانه فاطمه و امیر مؤمنان علیهما السلام می آمد و به آواز بلند می گفت:

الصَّلَاةَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ الصَّلَاةَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

خداوند اراده فرموده که از شما اهل بیت رجس و پلیدی و هر آلودگی ظاهری و باطنی را دور کرده و شما را پاک و پاکیزه قرار داده است (۱)

و ضمنای این مطلب را هم ثابت می کند که امر کردن اهل بیت علیهم السلام به خصوص بر نماز باعث می شود تا مردم عظمت این فریضه الهی را لمس کنند و شبانه روز به یاد آل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشند و در زندگی خودشان این کار را نقش دهند.

(۳۶) أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَمَرَ بِقَطْعِ لِصِّ فَقَالَ اللَّصُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدَّمْتُهُ فِي الْإِسْلَامِ وَتَأْمُرُهُ بِالْقَطْعِ فَقَالَ لَوْ كَانَتْ ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَسَمِعَتْ فَاطِمَةُ فَحَزِنَتْ فَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ بِقَوْلِهِ: (لَنْ أَشْرَكَتَ لِيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ) «سوره زمر آیه ۶۵»

فَحَزَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَنَزَلَ: (لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهُ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا) «سوره انبیاء آیه ۲۲» فَتَعَجَّبَ النَّبِيُّ مِنْ ذَلِكَ فَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ وَقَالَ: كَانَتْ حَزْنَتْ مِنْ قَوْلِكَ فَهَذِهِ الْآيَاتُ لِمُؤَافَقَتِهَا لِتَرْضَى (۲)

«حزن فاطمه علیها السلام حزن خداوند است»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند تا دست دزدی را قطع کنند. پس آن دزد گفت: این دست را در اسلام تقدیم کرده ام ولی اکنون فرمان به قطع آن می دهی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دخترم فاطمه علیها السلام هم که باشد این کار را انجام می دهم (العیاذ بالله). [آن بی بی دو عالم که معصومه است و هرگز این کار را انجام نمی دهند اما این صحبت از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای مردم است که حق الناس و خیانت به مال مردم نکنند و فکر سرقت به سرشان نزنند که احکام خداوند در حق او جاری خواهد شد.] این خبر به گوش

ص: ۱۵۳

۱- منهج الصادقین ۶/ ۴۴

۲- بحار الانوار ۴۳/ ۴۳

حضرت فاطمه علیها السلام رسید و از صحبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناراحت شد. جبرئیل نازل شد و از جانب خداوند تبارک و تعالی گفت: اگر به خدا شرکت آوری عملت را محو و نابود می گرداند، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناراحت شد. سپس این آیه نازل شد که: اگر به جز خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل در آسمان راه می یافت. یعنی اگر غیر از خداوند متعال که مستحق عبودیت است نه غیر او خدای دیگری بود هر آینه آسمان و زمین تباہ می شدند و نظام کارهای آن درهم می شکست. پس خدا و معبودی غیر از خدای یگانه وجود ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این مطلب تعجب کرد. جبرئیل فرود آمد و گفت: فاطمه از گفتار تو محزون و ناراحت شد. پس این آیات کریمه برای دلداری حضرت زهرا علیها السلام آمد تا راضی و خشنود گردد و از محزونیت بیرون آید.

البته این خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از باب کنایه است. به اصطلاح عرف به در می زنند که دیوار بشنود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مقام عصمت دارد و منزّه از چنین صفات است.

خلاصه ربط این مطلب این است که حزن و ناراحتی حضرت فاطمه علیها السلام همانند حزن و ناراحتی پیامبر گرامی است. من جمله همان روایتی که می فرماید:

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي.

فاطمه پاره تن من است. کسی که او را اذیت کند مرا اذیت نموده است.

(۳۷) «عباد مکرمون» قوله تعالی: (... سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ) «سوره انبیاء آیه ۲۶»

ای: مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

«اشتراک با بندگان گرامی»

فرمایش خداوند متعال: و گفتند خدای رحمان دارای فرزند است. خدا پاک و منزّه از آن است، بلکه همه بندگان مقرب خدا هستند.

که منظور از عباد مکرمون و بندگان خاص و مقرب خداوند محمد و علی و فاطمه اند. پس حضرت فاطمه علیها السلام یکی از بندگان خاص و مقرب خداوند، بعد از پیامبر و امیر مؤمنان علیهما السلام است.

۳۸) قوله تعالى: (... وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ* لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَ كُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) «سوره انبیاء آیات ۱۰۲ و ۱۰۳»

ای: فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ ذُرِّيَّتُهَا وَ شِيعَتُهَا.

«فاطمه عليها السلام اهل بهشت»

فرمایش خداوند متعال: آن ها هرگز آواز جهنم را نخواهند شنید و به آنچه مشتاق و مایل آنند (در بهشت) تا ابد متعنند و هیچ گاه فزع و فریاد هنگامه بزرگ قیامت آن ها را محزون نخواهد ساخت و فرشتگان رحمت با آنان ملاقات کنند. این است آن روز (سعادت) شما که در دنیا به شما وعده می دادند.

یعنی فاطمه عليها السلام و ذراری و شیعیان آن حضرت از روز فزع بزرگ قیامت در امان هستند. مرحوم شیخ صدوق در امالی خود روایت مفصّلی از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم نقل کرده که فرمود: یا علی تو و شیعیان تو بر حوض (کوثر) وارد می شوید. تو کسی را که تو را اجابت کرده و پیروی نموده و در خط و مشی تو بوده آب می دهی و کسی را که نمی پسندی و در خط و مشی تو نبوده آب نمی دهی و شماها روز قیامت از فزع و ترس بزرگ قیامت در امان هستید(۱)

۳۹) قوله تعالى: (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...) «سوره حج آیه ۴۰»

ای: أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ مَا أَرْتَكَبَ مِنْ أَمْرِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«فاطمه عليها السلام مظلوم است»

فرمایش خداوند متعال: آن مؤمنانی که (به ظلم کفار) به ناحق از خانه هایشان آواره شدند.

یعنی امیر مؤمنان علیه السلام و فرزندان آن حضرت و آن مصائبی که درباره فاطمه عليها السلام از دشمنان دیدند و آزار و اذیت هایی که در حق آن بزرگوار لمس کردند.

ص: ۱۵۵

البته این مطلب کلی است و درباره سایر معصومین علیهم السلام که از دشمنان انواع آزار و اذیت ها دیدند مانند مصائب امام حسین علیه السلام و دیگر معصومین نیز می باشد. امام باقر علیه السلام می فرماید: این آیه در حق ما نازل شده است (۱) و در اینجا خاصه درباره وجود مقدسه حضرت زهرا علیها السلام نازل شده است.

(۴۰) قوله تعالى: (... وَ بَثْرٍ مُعْطَلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ) «سوره حج آیه ۴۵»

ای: فَاطِمَةُ وَ وُلْدُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُعْطَلِينَ مِنَ الْمَلِكِ.

«غصب فدک فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: ... و چه چاه و قنات های آب که معطل بماند و چه قصرهای عالی که بی صاحب گشت.

یعنی فاطمه علیها السلام و فرزندان آن بزرگوار که از ملک بی نصیب ماندند. یعنی چه اموال منقول و غیر منقول که به غارت برده شد. و چه زمین هایی که دشمن به غصب و تصاحب گرفت. و چه منازل و خانه ها که به وسیله دشمن تخریب شد و خصوصاً فدک که به دست دشمن دست به دست گشت و به دست صاحب اصلی آن نرسید، که حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان او باشند. و اگر فدک سالم می بود و به دست صاحبان اصلی آن می رسید، جهان را آباد و گلستان می کردند و همه جهان از فقر نجات می یافت. از پرتو آن بزرگواران دولت مند می گشتند و همه امور دنیا و آخرت اصلاح می شد.

(۴۱) قوله تعالى: (وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ...) «سوره حج آیه ۵۲»

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: أَصَابَهُ حَصَاةٌ فَجَاءَ إِلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ لَهُ هَلْ عِنْدَكَ مِنْ طَعَامٍ؟ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ دَبِحَ لَهُ عَنَاقًا وَ شَوَاهُ فَلَمَّا أَدْنَاهُ

ص: ۱۵۶

مِنْهُ تَمَنَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَنْ يَكُونَ مَعَهُ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ وَ
عَمْرٌ... (۱)

فرمایش خداوند متعال: و ما پیش از تو هیچ رسول و پیغمبری نفرستادیم جز آنکه چون آیاتی برای هدایت خلق تلاوت کرد، شیطان (جن و انس) در آیات الهی القای دسیسه کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد مردی از انصار آمد فرمود: آیا طعامی نزد تو است؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله و برای آن حضرت بزغاله ای ذبح کرد و آن را بریان نمود. وقتی آن را نزد حضرت آورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آرزو می کرد که ای کاش علی و فاطمه و حسن و حسین نیز با او بودند تا از آن گوشت با هم میل می فرمودند.

(۴۲) قوله تعالى: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ) (سوره مؤمنون آیه ۱)

ای: رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«فاطمه علیها السلام جزو رستگاران»

فرمایش خداوند متعال: همانا اهل ایمان به پیروزی و رستگاری رسیدند.

یعنی رسول خدا و امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام مصداق کامل این آیه هستند و مؤمن واقعی و کامل می باشند که رستگار و پیروز مندند.

(۴۳) قوله تعالى: (... اليَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ) (سوره مؤمنون آیه ۱۱۱)

ای: بِصَبْرِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا عَلَى الطَّاعِيَاتِ وَ عَلَى الْجُوعِ وَ الْفَقْرِ، وَ بِمَا صَبَرُوا عَلَى الْمَعَاصِي وَ صَبَرُوا عَلَى الْبَلَاءِ لِلَّهِ فِي الدُّنْيَا (۲)

ص: ۱۵۷

«فاطمه علیها السلام جزو رستگاران»

فرمایش پروردگار عزیز: من هم امروز جزای خیر به آن بندگان خود خواهم داد و آن ها امروز رستگاران عالمند.

یعنی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در دنیا بر طاعات و بر گرسنگی و فقر و بلا به خاطر خداوند صبر می کردند و روز قیامت جزا و پاداش این امور را به نحو اکمل در نزد خداوند دارا هستند.

(۴۴) قوله تعالی: (وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَتُهُ...) «سوره نور آیه ۱۰»

ای: فاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام مصداق فضل و رحمت خداوند»

فرمایش خداوند متعال: و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما مؤمنان نبود.

در این جا حضرت فاطمه علیها السلام فضل و رحمت خداوند است بر بندگان همانند معصومین دیگر.

(۴۵) قوله تعالی: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ...) «سوره نور آیه ۳۵»

ای: فاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام مصداق نور خداوند»

فرمایش خداوند متعال: خدا نور آسمان ها و زمین است. داستان نورش به مشکاتی می ماند که در آن چراغی روشن باشد و آن چراغ در میان شیشه ای که تالو آن گویی ستاره ایست درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون که با آن که شرقی و غربی نیست شرق و غرب جهان بدان فروزان است.

که منظور از مشکات حضرت فاطمه علیها السلام می باشد. در تفسیر نور آمده که در رابطه با این آیه در میان مفسران چند قول است. بعضی گویند: صفت نور خدا که آن را به مؤمنان داده همان ایمان است. بعضی گویند: مثل نور، مثل من آمن به است. یعنی کسی که ایمان به او بیاورد. عده ای

گویند: مثل نور خداوند، قرآن است که در قلب مؤمن است. عده ای گویند: منظور نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و اضافه این نور به ذات خود به خاطر شرافت آن حضرت است. یعنی مثل نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم چون مشکاتی است که از غایت وضوح و ظهور مثل نور است. عده ای گویند: منظور نور طاعت است. و گویند مصباح چراغی است که در آن فتیله و روغن باشد و سراج فتیله ای است که روشنی می دهد(۱)

خلاصه: منظور کمشکات فاطمه علیها السلام می باشد. اصول کافی از قول امام صادق علیه السلام روایت کرده که در گفتار خداوند عزوجل که فرمود: اللهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمِشْكَاهٍ مَقْصُودِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ است. فیها مِصْبَاحٌ - مصباح امام حسن علیه السلام است. المِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ مَقْصُودِ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ ستاره ای است که در میان زنان اهل دنیا می درخشد(۲)

(۴۶) قوله تعالى: (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا...) «سوره نور آیه ۳۶»

ای: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَبَيْتُ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ مِنْ أَفْضَلِهَا.

«خانه فاطمه علیها السلام نورانی ترین خانه ها»

فرمایش خداوند متعال: در خانه های خدا (مانند معابد و مساجد و منازل انبیاء و اولیاء) خداوند رخصت داده که آن جا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود.

که مقصود از بیوت (خانه ها) خانه های پیامبران است و خانه علی و فاطمه علیها السلام از بهترین خانه ها هستند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که در ذیل آیه شریفه فرمودند: این خانه ها، خانه های انبیاء است و خانه علی نیز جزو آن خانه ها می باشد.

ص: ۱۵۹

۱- منهج الصادقین ۶/ ۳۱۴

۲- نور الثقلین ۳/ ۶۰۲

در روایت دیگری ابی بصیر از امام صادق علیه السلام در این مورد سؤال کرد فرمود: این ها خانه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است (۱)

(۴۷) قوله تعالى: (رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ...) «سوره نور آیه ۳۷»
ای: عَلِيُّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانُ وَ الْقِدَادُ وَ صُهَيْبٌ.
«فاطمه علیها السلام هیچ گاه از یاد خدا غافل نشود»

فرمایش خداوند سبحان: پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خداوند غافل نگرداند.
این افراد منظور علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام ابوذر و سلمان و مقداد و صهیب هستند.

(۴۸) قوله تعالى: (... وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً...) «سوره فرقان آیه ۲۰»
«آزمایش مردم به وسیله دشمنی با فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: ما بعضی شما بندگان را سبب آزمایش بعضی دیگر قرار دادیم.

یعنی ما برخی شما را برای برخی دیگر آزمایش قرار دادیم و از جمله این ابتلاها فقر است به اغنیا و امت های پیغمبران و دشمنی ایشان با پیامبران و چاره جز این نیست. ما آنان را می آزماییم تا اهل صبر و شکر از افراد جزع و کافران ممتاز گردند. (صبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به آن چه کفار در حق آن حضرت می گفتند). یعنی ما بعضی از شما را برای دشمنی با علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام مورد آزمایش قرار می دهیم که ببینیم شما با این بزرگواران چه می کنید؟ آیا دوستشان دارید یا با آنان دشمنی می ورزید و صبر آنان هم در مقابل آزار و اذیت و دشمنی شما هم متقابلاً معلوم است (۲)

ص: ۱۶۰

۱- نور الثقلین ۳/ ۶۰

۲- تفسیر منهج و صافی

۴۹) قوله تعالى: (... خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا...) «سوره فرقان آیه ۵۴»

نَزَلَتْ فِي النَّبِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ابْنُ عَمِّ النَّبِيِّ وَ زَوْجُ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۱)

«اشتراک در خلقت»

فرمایش خداوند متعال: و او خدایی است که از آب (نطفه) بشر را آفرید و بین آن‌ها خویشاوندی و هم بستگی و ازدواج را قرار داد.

این آیه در حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب پسر عم رسول خدا و همسر او فاطمه نازل شده است.

۵۰) قوله تعالى: (... رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا...) «سوره فرقان آیه ۷۴»

ای: فاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام از یک نسل طیب و پاک»

در مورد فرمایش خداوند متعال که می فرماید: و آنان هستند که هنگام دعا با خدای خود گویند: پروردگارا ما را از جفتمان فرزندانِ مرحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشد.

روایت شده که مراد از ازواجنا حضرت خدیجه علیها السلام است و مراد از ذریاتنا حضرت فاطمه علیها السلام و از قره اعین حسن و حسین علیهما السلام و اجعلنا للمتقین اماماً علی بن ابی طالب و ائمه علیهم السلام می باشد (۲)

۵۱) قوله تعالى: (أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا...) «سوره فرقان آیه ۷۵»

ای: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

ص: ۱۶۱

«فاطمه علیها السلام در غرفه های بهشتی»

فرمایش خداوند متعال: چنین است پاداش صبرشان غرفه های جنت و قصرهای بهشتی یابند که در آن جا با تحیت و سلام برخورد کنند.

منظور از این افراد علی بن ابی طالب و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام اند.

(۵۲) قوله تعالی: (وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ) «سوره شعراء آیه ۲۱۹»

ای: عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«فاطمه علیها السلام از یک نسل پاک و طاهر»

فرمایش خداوند متعال: و به انتقال تو در اهل سجود آگاهست.

امام باقر علیه السلام می فرماید: منظور از این آیه آن افرادی است که در اصلااب و پشت انبیا می باشند (۱) که مقصود علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند که از پدران و مادران پاک و طاهر به وجود آمده اند.

(۵۳) قوله تعالی: (بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ) «سوره روم آیه ۵»

ای: نَصَرَ فَاطِمَةَ لِمُحِبِّهَا.

«نصرت فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: به یاری خدا که هر که را بخواهد نصرت و پیروزی می بخشد یعنی حضرت فاطمه علیها السلام محبتش را یاری می کند.

(۵۴) قوله تعالی: (فَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ...) «سوره روم آیه ۳۸»

جَعَلَ فَدَكَ لِفَاطِمَةَ بِأَمْرِ اللَّهِ.

«فاطمه علیها السلام مصداق ذی القربی»

فرمایش خداوند متعال: پس حق نزدیکان را بده.

یعنی فدک را برای فاطمه علیها السلام قرار داد و ملک شخصی آن حضرت نمود.

(۵۵) قوله تعالى: (تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ...) «سوره سجده آیه ۱۶»

فِي حَدِيثِ تَرْوِيجِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَا لَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي دُنْيَاهَا وَآخِرَتِهَا ثُمَّ أَتَاهُمَا فِي صَبِيحَتِهِمَا وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَدْخُلْ رَحِمَكُمُ اللَّهُ؟ فَفَتَحَتْ أَسْمَاءُ الْبَابَ وَكَانَا نَائِمِينَ تَحْتَ كِسَاءٍ فَقَالَ عَلِيُّ حَالِكُمَا فَأَدْخَلَ رِجْلَيْهِ بَيْنَ أَرْجُلِهِمَا فَأَخْبَرَ اللَّهُ عَنْ أَوْرَادِهِمَا تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ الْآيَةَ (۱)

«فاطمه عليها السلام نماز شب می خواند»

فرمایش خداوند متعال: (شب ها) پهلو از بستر خواب حرکت دهند و با بیم و امید (در نماز شب) خدای خود را بخوانند.

در حدیث تزویج فاطمه عليها السلام به علی علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه عليها السلام را خواند و برای دین و آخرتش دعا فرمود. سپس در صبح همان روز حضور فاطمه عليها السلام رسید و فرمود: سلام بر شما. حضرت فاطمه عليها السلام جواب داد: خدا شما را رحمت کند وارد شوید.

اسماء بنت عمیس در را باز کرد و علی و فاطمه عليها السلام در زیر کساء خواب بودند. پیامبر حال آن دو بزرگوار را جويا شد. سپس از پایین پای علی علیه السلام وارد اتاق شد. پس خداوند آن حضرت را خبر داد از اوراد و اذکاری که آن دو (شبانہ روز داشتند) و آیه را برای آنان خواند: (شب ها) پهلو از بستر خواب حرکت دهند و با بیم و امید (در نماز شب) خدای خود را بخوانند.

(۵۶) قوله تعالى: (وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...) «سوره سجده آیه ۲۴»

نَزَلَتْ فِي وُلْدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«فرزندان فاطمه عليها السلام ائمه هدی هستند»

ص: ۱۶۳

فرمایش خداوند متعال: و برخی از آن بنی اسرائیل را امام و پیشوایانی که خلق را به امر هدایت کنند قرار دادیم.

این آیه در مورد فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام نازل شده که ائمه هدی علیهم السلام باشند که مردم را به سوی خدا هدایت می کنند و حجت های پروردگاران بر مردم و خلق در اثر پرتوی هدایت آن بزرگواران به سعادت ابدی می رسند.

(۵۷) قوله تعالی: (... يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...) «سوره احزاب آیه ۳۳»

ای: رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک با اهل بیت»

فرمایش خداوند متعال: خدا چنین می خواهد که رجس و هر آلاینش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاکیزه و منزّه گرداند.

که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند. البته سایر ائمه معصومین را نیز در بر می گیرد.

(۵۸) قوله تعالی: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا) «سوره احزاب آیه ۴۱»

ای: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ.

«تسبیح فاطمه علیها السلام ذکر کثیر»

فرمایش خداوند متعال: ای کسانی که ایمان آورده اید ذکر حق و یاد خدا را (به دل و زبان) بسیار کنید.

که مقصود از ذکر زیاد تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می باشد. یعنی تسبیح حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از ذکر کثیر است.

(۵۹) قوله تعالی: (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ...) «سوره احزاب آیه ۵۷»

نَزَلَتْ فِيمَنْ غَضِبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَقَّهُ وَ أَخَذَ حَقَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ آذَاهَا.

«خداوند دشمنان فاطمه علیها السلام را لعن می کند»

فرمایش خداوند متعال: آنان که خدا و رسول را (به عصیان و مخالفت) آزار و اذیت می کنند، خدا آن ها را در دنیا و آخرت لعن کرده...

این آیه در حق کسانی نازل شده که حق امیرمؤمنان علیه السلام را غصب کردند و حق حضرت فاطمه علیها السلام اعم از فدک و ... را با زور و عدوان و غصب گرفتند.

۶۰) قوله تعالى: (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...) «سوره احزاب آیه ۷۲»

ای: أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

«فاطمه علیها السلام امانت عظمی خداوند»

فرمایش خداوند متعال: ما بر آسمان ها و زمین و کوه های عالم عرض امانت کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیدند و اندیشه کردند تا انسان (ناتوان) بپذیرفت و ایشان هم در ادای امانت بسیار ستم کار و نادان بود.

مقصود این است که ارواح محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را بر ایشان عرضه داشت و انسان قدرت تحمل این بار گران را نداشت و در حق آن ظلم و ستم کرد.

۶۱) قوله تعالى: (وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ...) «سوره فاطر آیه ۲۲»

ای: فَأَلْحِيَاءَ عَلِيٍّ وَحَمْزَةَ وَجَعْفَرَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَفَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَام،

«فاطمه علیها السلام برای همیشه زنده است»

فرمایش خداوند متعال: و ابدأً زندگان با مردگان برابر نیستند.

مقصود در این جا این است که علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه علیهم السلام برای همیشه در نزد خداوند از احیا و زندگانند. (در مقابل آنان بنی امیه و امثال آن برای همیشه مردگانند و هیچ درک و شعوری جز ظلم و ستم ندارند.)

۶۲) قوله تعالى: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...) «سوره فاطر آیه ۳۲»

ای: لَوْلِدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام.

«فرزندان فاطمه علیها السلام بندگان برگزیده خدا»

فرمایش خداوند متعال: پس (از آن پیامبران سلف) ما آن خاندان را که از بندگان خود برگزیدیم، وارث علم قرآن گردانیدیم.

که مقصود از عباد و بندگان برگزیده، فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام می باشند.

۶۳) قوله تعالی: (وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ... * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمُسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ) سوره فاطر آیه ۳۴ و ۳۵

فَمَا إِذَا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ وَ نَظَرَتْ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهَا مِنَ الْكِرَامَةِ قَرَأَتْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ... لُغُوبٌ» (۱)

«فاطمه علیها السلام در روز قیامت غرق در نعمت های الهی است»

فرمایش خداوند متعال: حمد خدا را گویند که حزن و اندوه ما را برد. همانا خدای ما بسیار بخشنده و پاداش دهنده سپاس است. شکر آن خدایی را که از لطف و کرم ما را به منزل دائمی بهشت وارد کرد که در این جا هیچ رنج و المی به ما نرسد و ابداً ضعف و خستگی نخواهیم یافت.

هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام وارد بهشت می شود و به آن چه خداوند منان از کرامت هایی که برای آن بزرگوار مهیا فرموده می نگرد این را می خواند.

۶۴) «العالین» قوله تعالی: (يَا ابليسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ...) «سوره ص آیه ۷۵»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ.

«تکبر ابلیس در سجده به فاطمه علیها السلام و دیگر اهل کسا»

فرمایش خداوند متعال که فرمود: ای ابلیس تو را چه مانع شد که به موجودی که من به دو دست خود آفریدم سجده کنی؟ آیا تکبر کردی یا از بلند رتبان بودی؟

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مقصود من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستیم که به خاطر ما تکبر کرد و کرنش نشان نداد.

ص: ۱۶۶

۶۵) «القربى» قوله تعالى: (... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...) (۱)

ای: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ ابْنَاهُمَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«اشتراک با نزدیکان پیامبر»

فرمایش خداوند متعال: بگو من از شما اجر رسالت نخواهم، جز این که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید.

که مقصود از قربی، علی و فاطمه و فرزندان آن بزرگوار می باشد.

۶۶) «لیله مبارکه» قوله تعالى: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةٍ...) «سوره دخان آیه ۳»

فهی فاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام ليله مبارکه»

فرمایش خداوند متعال: ما آن قرآن را در شب مبارک فرستادیم تا خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم.

که مقصود از ليله مبارکه وجود مقدسه حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

۶۷) قوله تعالى: (... حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ وَضَعَتْهُ كُرْهَا...) «سوره احقاف آیه ۱۵»

لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... كَرِهَتْ حَمَلَهُ... وَ لَكِنَّهَا كَرِهَتْهُ لِأَنَّهَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَيُقْتَلُ وَ فِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ

الآيَةُ (۲)

«فاطمه علیها السلام مصداق مادر فداکار»

فرمایش خداوند متعال: و ما ایشان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم. مادر با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود.

ص: ۱۶۷

۱- سوره شوری آیه ۲۳

۲- همان ۴۴ / ۲۳۱

این آیه در مورد امام حسین علیه السلام است. هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام به امام حسین علیه السلام باردار شد، حمل آن حضرت برای حضرت زهرا علیها السلام سخت بود. البته کراهت و رنج و زحمت به خاطر این بود که خبر شهادت آن بزرگوار را شنید و دانست که به زودی ستم کاران آن حضرت را شهید می کنند. و این آیه در مورد این مطلب نازل شد.

۶۸) قوله تعالی: (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ...) «سوره محمد آیه ۱۱»

ای: وَلِيُّ عَلِيٍّ وَ حَمَزَةَ وَ جَعْفَرَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

فرمایش خداوند متعال: این از آن روست که خدا یار مؤمنان است و کافران هیچ مولا و یآوری ندارند.

یعنی خداوند یاور علی و حمزه و جعفر و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است.

۶۹) قوله تعالی: (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ...) «سوره فتح آیه ۱۰»

دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: عَلِيًّا وَ حَمَزَةَ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُمْ بَايِعُونِي بِيَعَهُ الرَّضَا... ثُمَّ قَرَأَ «إِنَّ الَّذِينَ...

«بيعت فاطمه عليها السلام با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»

فرمایش خداوند متعال: ای رسول! مؤمنانی که با تو بیعت کردند به حقیقت با خدا بیعت کردند.

پیامبر و علی و حمزه و فاطمه علیهم السلام را خواند. سپس به آن ها گفت: با من بیعت کنید این بیعت رضا و خشنودی خداوند است. سپس این آیه را قرائت نمود.

۷۰) قوله تعالی: (مَنَاعَ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ) «سوره ق آیه ۲۵»

لَمَّا كَتَبَ الْأَوَّلُ كِتَابَ فَدَاكَ يَرُدُّهَا عَلَيَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَنَعَهُ الثَّانِي، فَهُوَ «مُعْتَدٍ مُرِيبٍ» (۱)

«دشمن فاطمه عليها السلام معتد مریب است»

ص: ۱۶۸

فرمایش خداوند متعال: از هر کار خیر مانع می گشت و به حق خلق ستم می کرد و همیشه شکاک بود.

ابوبکر نامه ای نوشت تا فدک را به فاطمه علیها السلام بدهند اما عمر مانع شد و او را از این کار منع نمود. پس او معتد مریب است. ستم گر بود و در دین شک داشت. در صلح حدیبیه که بنابر مصالحی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلح نمود. پس از این جریان عمر گفت: من در نبوت محمد شک دارم. چرا که با مشرکان مکه صلح کرد.

(۷۱) قوله تعالی: (كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ* وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) «سوره ذاریات آیات ۱۷ و ۱۸»

نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

«فاطمه علیها السلام نماز شب می خواندند»

فرمایش خداوند متعال: و از شب اندکی را می خوابند و سحرگاهان از درگاه خدا طلب آمرزش می کنند.

این آیه شریفه در حق علی بن ابی طالب و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام نازل شده که شب ها کم می خوابیدند و مشغول عبادت بودند. و بعضشان با ریشمانی به گردن شب را نمی خوابیدند. و حضرت زهرا علیها السلام در شب جمعه ها در محراب عبادت تا صبح مشغول عبادت و دعا برای مؤمنان و همسایگان بود. امام حسن علیه السلام می گفت: ای مادر من که هر چه می بینم، شما برای همسایگان و مؤمنین و مؤمنات دعا می کنید و برای خودتان دعا نمی کنید! فرمود:

يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ

ای پسر! اول همسایه بعد خودمان.

(۷۲) «المتقين» قوله تعالی: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَعِيمٍ) «سوره طور آیه ۱۷»

نَزَلَتْ خَاصَّةً فِي عَلِيٍّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرٍ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

ص: ۱۶۹

«اشتراک با متقین»

فرمایش خداوند متعال: متقین هم امروز در باغ های بهشت پر نعمتند.

که در حق علی و حمزه و جعفر و فاطمه علیهم السلام نازل شده است.

(۷۳) قوله تعالی: (... وَ اتَّبَعْتُهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...) «سوره طور آیه ۲۱»

یعنی: فَفَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي دَرَجَتِهِ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُمَا.

«فاطمه علیها السلام در بهشت به پیامبر اکرم ملحق می شود»

فرمایش خداوند متعال: و آنان که به خدا ایمان آوردند و فرزندانشان هم در ایمان پیرو ایشان شدند، ما فرزندانشان را به آن ها می رسانیم.

یعنی فاطمه علیها السلام را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در درجه آن حضرت و علی علیه السلام را با آن دو بزرگوار در یک درجه قرار می دهیم و فرزندانشان هم به آن ها ملحق می شوند.

(۷۴) قوله تعالی: (فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِي مَا أَوْحَىٰ) «سوره نجم آیه ۱۰»

فَأَوْحَىٰ اللَّهُ إِلَيَّ أَنْ زَوْجَهُ فَاطِمَةُ وَ اتَّخَذَهُ وَصِيًّا.

«ازدواج فاطمه علیها السلام به دستور پیامبر»

فرمایش خداوند متعال: پس خدا به بنده خود وحی کرد که هیچ کس درک آن وحی را نتوان کرد.

یعنی خداوند وحی فرمود به سوی بنده اش رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم: که فاطمه علیها السلام را به ازدواج علی علیه السلام در بیاورد و علی علیه السلام را به عنوان وصی اتخاذ کن.

(۷۵) قوله تعالی: (عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ) «سوره نجم آیه ۱۴»

فَاطِمَةَ فَرْعُهَا

«فاطمه علیها السلام شاخه درخت سدره المنتهی»

فرمایش خداوند متعال: در نزد سدره المنتهی.

یعنی فاطمه علیها السلام فرع و شاخه آن درخت است.

گفته شده است سدره المنتهی درختی است بر بالای آسمان هفتم و اعمال همه مخلوقات و علم ملائکه و سایر مخلوقین به آن جا منتهی می شود. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که در شب معراج چون به سدره المنتهی رسیدم جبرئیل گفت: این سدره المنتهی است که هرکس از امت تو به هر کیفیتی که بمیرد به اینجا خواهد رسید. پس آن حضرت فرمود: من نگاه کردم دیدم که چهار جوی از زیر آن بیرون می آید. نهری از آب، نهری از عسل مصفی، نهری از شیر و نهری از می. و عظمت آن درخت به طوری بود که اگر سوار تندرو در سایه او هزار سال می رفت به آخر آن نمی رسید (۱).

(۷۶) «الدُّسْرُ» قوله تعالى: (وَ حَمَلْنَا عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَ دُسر) «سوره قمر آیه ۱۳»

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: نَحْنُ الدُّسْرُ لَوْلَا مَا سَارَتِ السَّفِينَةُ بِأَهْلِهَا.

«اشتراک با دُسر»

فرمایش خداوند متعال: ما نوح را در کشتی که اساسش محکم بود نشانیدیم.

کلمه دسر به معنای میخ آهنی است که کشتی را با آن اصلاح کنند. یعنی میخ هایی که کشتی را با آن می بندند، دسار است به معنی مسمار. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ما دسر هستیم اگر ما نبودیم کشتی جناب نوح حرکت نمی کرد.

(۷۷) قوله تعالى: (فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ) «سوره الرحمن آیه ۳۷»

أَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَنْ يَسَارِهِ... وَ أَنَّكَ يَا فَاطِمَةُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ وَ أَنَّ اللَّهَ كَسَاكَ تَوْبِينِ أَحَدُهُمَا أَخْضَرُ وَ الْآخَرُ وَرْدِيٌّ... إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ».

«فاطمه عليها السلام در طرف راست عرش است»

فرمایش خداوند متعال: آن گاه که آسمان شکافته شود و همچون گل، سرخ گون و چون روغن روان گردد.

ص: ۱۷۱

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را طرف چپ خود نشانید و فرمود: تو ای فاطمه در طرف راست عرش هستی و خداوند متعال دو جامه به تو می پوشاند که یکی از آن دو جامه سبز و دیگری گلگون سرخ است. خداوند می فرماید: آن گاه که آسمان شکافته شود و همچون گل، سرخ گون و چون، روغن روان گردد.

(۷۸) قوله تعالی: (قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا...) «سوره مجادله آیه ۱»

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِفَاطِمَةَ: إِنَّ زَوْجَكَ يُلَاقِي بَعْدِي كَمَا... فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا تَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَصْرِفَ ذَلِكَ عَنْهُ؟... فَهَبَّطَ جِبْرَائِيلُ فَقَالَ: «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ»...

«خدا سخن فاطمه را می شنود»

فرمایش خداوند متعال: خدا سخن آن زن را که درباره شوهرش با تو به مجادله برخاسته و شکوه به خدا می برد محققاً شنید و گفت و گوی شما را نیز می شنود.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: شوهر تو بعد از من مرا ملاقات خواهد کرد. عرض کرد: یا رسول الله! از خدا نمی خواهی تا آن را از او دور و منصرف کند. جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: خدا سخن آن زن را که درباره شوهرش با تو به مجادله برخاسته و شکوه او را به خدا می برد شنید. این آیه تفسیر دیگری هم دارد. رجوع شود به نور الثقلین ۵ / ۲۴۵.

(۷۹) قوله تعالی: (إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا...) «سوره مجادله آیه ۱۰»

فی روایه آن فاطمه علیها السلام رَأَتْ فَاطِمَةَ الرُّؤْيَا مُعَيَّنَةً وَبَعْدَ إِخْبَارِهَا الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَنْزَلَ اللَّهُ الْآيَةَ.

«توصیه خداوند به فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: همیشه نجوی و راز گفتن از شیطان و عمل منافقان است که می خواهد مؤمنان را دل تنگ و پریشان خاطر کند.

در روایتی آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام خوابی دید و به رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد. این آیه نازل شد که همیشه نجوی و راز گفتن از شیطان است

که می خواهند مؤمنان را دل تنگ و پریشان خاطر کنند. البته روایت مفصلی دارد که علاقمندان می توانند رجوع کنند به نور الثقلین ۵ / ۲۶۱.

۸۰) قوله تعالى: (... وَ يُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) «سوره حشر آیه ۹»

نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

«ایثار فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: مهاجران را بر خویش مقدم می دارند و هرچند به آن نیازمند باشند.

این آیه شریفه در حق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده که مسلم است ایثار آن چهار بزرگوار و فضیه خادمه که سه روز روزه گرفتند و در هر سه شب غذای خود را به اسیر و یتیم و مسکین دادند و با آب افطار کردند.

۸۱) قوله تعالى: (وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا ك...) «سوره جمعه آیه ۱۱»

إِنَّ دِحْيَةَ الْكَلْبِيِّ جَاءَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنَ الشَّامِ بِالْمِيرَةِ فَنَزَلَ عِنْدَ أَحْجَارِ الزَّيْتِ ثُمَّ ضَرَبَ بِالطَّبُولِ لِيُؤْذِنَ النَّاسَ بِقُدُومِهِ فَتَفَرَّقَ النَّاسُ إِلَيْهِ إِلَّا عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ وَ سَيْلَمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمِقْدَادُ وَ صَيْهَيْبٌ وَ تَرَكُوا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَائِمًا يَخْطُبُ عَلَى الْمِنْبَرِ... وَ نَزَلَ فِيهِمْ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ أَوْ لَهْوٌ ۚ نور

«اشتراک با مردان خدا جوی»

فرمایش خداوند متعال: و این مردم چون تجارت یا لهو و لعب و بازیچه ای ببینند بدان شتابند و تو را در نماز تنها گذارند.

روایت شده که روز جمعه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حال خواندن خطبه نماز جمعه بود که دحیه کلبی که برای تجارت شام رفته بود، به مدینه رسید و پشت سر او بنی خزرج و از پشت سر او زید بن متاب نیز رسید. هر نوبت که دحیه به مدینه می آمد انواع طعام از گندم و جو و آرد و برنج و روغن زیتون و ... می آورد و در احجار الزیت در بازار مدینه فرود می آمد و آغاز به طبل زدن

ص: ۱۷۳

می کرد. تا مردم خبردار می شدند برای خرید متاع و کالا متوجه او می شدند و حتی به استقبال او بیرون می رفتند. در آن روز هم که او رسید طبل زدند و مردم آواز طبل را شنیده و از مسجد بیرون دویدند و غیر از دوازده نفر کسی در مسجد نماند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چون این حال را مشاهده کرد فرمود:

لولا هؤلاء لسومت لهم الحجارة من السماء

اگر این جماعت نیز بیرون می رفتند، سنگ ها از آسمان برای هر کدام از ایشان نازل می گشت و همه را هلاک می کرد. پس حق سبحانه این آیه را نازل فرمود و ایشان را مورد عتاب قرار داد(۱) خلاصه کسی باقی نماند مگر این چند نفر علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام و سلمان و ابوذر و مقداد و صهیب. و رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم را رها کردن در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطبه نماز جمعه را می خواند. و این آیه نیز در حق این چند بزرگوار نام برده نازل گشت:

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ...

پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نگرداند و نماز به پاداشته و زکات به فقیران دهند و از روزی که دل و دیده ها در آن روز حیران و مضطرب است ترسان و هراسانند.

(۸۲) قوله تعالى: (... يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ...) («سوره تحریم آیه ۸»)

لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ مُحَمَّدًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ لَا يُعَذِّبُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ وَ حَمَزَةُ وَ جَعْفَرُ (۲)

ص: ۱۷۴

۱- منهج الصادقين ۹/ ۲۸۷

۲- همان ۸/ ۶۷

«فاطمه علیها السلام جزو ایمان آورندگان»

فرمایش خداوند متعال: در آن روزی که خدا پیغمبر خود و گروه با ایمان و گرویدگان به او را ذلیل نسازد. در آن روز نور (ایمان و عبادت) آن‌ها در پیش رو و سمت راست ایشان می‌رود.

یعنی خداوند هرگز محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و حمزه و جعفر را عذاب نکند.

۸۳) قوله تعالی: (... نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ...) «سوره تحریم آیه ۸»

يُضِيءُ عَلَى الصِّرَاطِ لِعَلِّيٍّ وَ فَاطِمَةَ مِثْلَ الدُّنْيَا سُبْعِينَ مَرَّةً (۱)

«نور فاطمه علیها السلام روشن کننده محشر»

فرمایش خداوند متعال: (در آن روز) نور آن‌ها در پیش رو و پشت سر آن‌هاست.

نور علی و فاطمه برای مردم در محشر و عبور از صراط هفتاد برابر دنیا روشنی می‌دهد. نور این بزرگواران قابل قیاس با نور صراط یا انوار دیگر نیست. بلکه همه مخلوقات به نور ولایت این بزرگواران و فرزندان معصوم و پاکشان محتاج می‌باشند. مردم محتاج به نور ولایت و نبوت آن‌ها هستند. آنان نیازی به دیگران ندارند چون هم هادیند و هم هدایت شده از جانب خداوند سبحان.

۸۴) قوله تعالی: (وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتَ فَرْجَهَا...) «سوره تحریم آیه ۱۲»

هذا مثل ضرب الله لفاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام رحمش را پاکیزه نگه داشت»

فرمایش خداوند متعال: و یادآور حال مریم دختر عمران را که رحمش را پاکیزه داشتیم. این آیه را خداوند برای عصمت و پاکی و عفت حضرت فاطمه علیها السلام مثال زده است. تأویلاً رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه رحمش را پاکیزه داشت.

ص: ۱۷۵

پس خداوند فرزندان و ذراری آن بزرگوار را بر آتش جهنم حرام کرد. چون فاطمه زهرا علیها السلام جزو چهار زنی است که خداوند آن ها را نمونه قرار داد. البته مقام آن بزرگوار از آن سه نفر بالاتر است.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: از میان مردان نمونه ها زیاد است ولی از میان زنان کامل نشد مگر چهار نفر. آسیه دختر مزاحم زن فرعون، مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد و فاطمه علیها السلام دخت گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهار خط روی زمین کشید و فرمود: می دانید چرا این خط ها را کشیدم. اصحاب گفتند: نه یا رسول الله! خدا و رسولش عالمند. فرمود: برترین زنان عالم چهار نفرند. خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم زن فرعون(۱)

۸۵) قوله تعالى: (رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِمَن دَخَلَ بَيْتِي...) «سوره نوح آیه ۲۸»

وَ قَدْ كَانَ قَبْرُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ. فَلَمَّا خَرَجَ مِنَ السَّفِينَةِ تَرَكَ قَبْرَهُ خَارِجَ الْكُوفَةِ فَسَأَلَ نُوحٌ رَبَّهُ الْمَغْفِرَةَ لِعَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَوْلُهُ: «وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ»(۲)

«فاطمه علیها السلام مشمول دعای حضرت نوح»

فرمایش خداوند متعال در مورد سخن نوح: بارالها مرا و پدر و مادر و هر که با ایمان به خانه من داخل شود و همه مردان و زنان با ایمان عالم را ببخش.

گفته اند: منظور از این سخن حضرت نوح، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند. یعنی کسی که داخل در ولایت اهل بیت علیهم السلام و داخل در بیت انبیا شده باشد، دعای نوح در حق او مستجاب است. و قبر علی بن ابی طالب علیه السلام با نوح در کشتی بود. قبر حضرت را کشتی، خارج از کوفه قرار داد. پس جناب نوح از خداوند

ص: ۱۷۶

۱- نور الثقلین ۵ / ۳۷۷

۲- بحار الانوار ۴۲ / ۲۳۷

درخواست مغفرت برای مؤمنین و مؤمنات کرد که مؤمن حقیقی علی بن ابی طالب علیه السلام و مؤمنه حقیقی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام است.

۸۶) قوله تعالی: (إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا... إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا) «سوره انسان آیات ۵-۲۲»

ای: نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

«فاطمه علیها السلام نوشنده شراب کافور»

فرمایش خداوند متعال: و نیکوکاران عالم در بهشت از شرابی نوشند که طبعش کافور است...

این سوره در حق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده که جریانش در حق آن سه نفر یتیم و اسیر و مسکین اشاره شد.

۸۷) قوله تعالی: (... لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا) «سوره انسان آیه ۱۳»

قال ابن عباس: بينا أهل الجنة في نعيمهم إذ سطع لهم نور فظنوه شمساً فقالوا: إِنَّ رَبَّنَا يَقُولُ: «لا يرون فيها شمساً» فيقول رضوان: هذه فاطمه و علي ضحكا فأشرق الجنان من نور ضحكهما.

«حکایت خنده فاطمه و علی علیهما السلام»

فرمایش خداوند متعال: و آن جا نه آفتابی سوزان بیند و نه سرمای زمهریر.

ابن عباس گوید: در آن وقتی که اهل بهشت در ناز و نعمت به سر می برند، نوری برای آن ها نور افشانی می کند که خیال می کنند آن نور، نور خورشید است. می گویند: خداوند و پرورگار ما می فرمود: در آن جا (قیامت) نه آفتابی بینند و نه سرمای زمهریر. پس این چه نوری است. پس رضوان خازن بهشت می گوید: این نور ولای فاطمه و علی می باشد.

۸۸) قوله تعالى: (وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ) «سوره عبس آیات ۳۸ و ۳۹»

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ قَوْلِهِ: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ» قَالَ: يَا أَنَسُ هِيَ وَجُوهُنَا يَوْمَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَا وَعَلِيٌّ وَحَمْزَةُ وَجَعْفَرٌ وَحَسَنٌ وَالحُسَيْنُ وَفَاطِمَةُ، نَخْرُجُ مِنْ قُبُورِنَا وَنُورُ وَجُوهِنَا كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱)

«اشتراک با چهره های خندان روز قیامت»

فرمایش خداوند متعال: در آن روز طایفه ای رخسارشان فروزان و خندان و شادمانند.

انس بن مالک گوید: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردم منظور خداوند متعال که می فرماید: در آن روز رخسارشان فروزان و خندان و شادند چیست و چه افرادی اند؟ فرمودند: ای انس این چهره های ما فرزندان عبدالمطلب است. من و علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه. از قبرها و چهره های ما نور خارج می شود و مانند خورشید فروزان، روز قیامت خندانیم.

۸۹) قوله تعالى: (كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ * كِتَابٌ مَّرْقُومٌ)

قال الباقر عليه السلام: وَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

«اشتراک با نیکوکاران»

فرمایش خداوند متعال: چنین نیست نیکوکاران با نامه اعمالشان در بهشت علین برونند و چگونه به حقیقت علین آگاه توانی شد. کتابی است نوشته شده.

از امام باقر علیه السلام روایت است که: این ابرار و نیکان منظور علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اند.

ص: ۱۷۸

۹۰) قوله تعالى: (إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا) «سوره طارق آیه ۱۵»

كَادُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَكَادُوا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَادُوا فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

«مکر خداوند بر علیه دشمنان فاطمه عليها السلام»

فرمایش خداوند متعال: هرچه بتواند مکر می کنند و ما هم در مقابل مکرشان مکر خواهیم کرد.

دشمنان در حق رسول الله و علی و فاطمه مکر کردند و خدا هم مکرشان را به خودشان برگردانید و عذاب سخت بر ایشان مهیا کرده است. گرچه به سزای اعمال دنیایی خود رسیدند ولی به سزای اعمالشان در آخرت نیز باید برسند.

۹۱) قوله تعالى: (وَ الشَّفَعِ وَ الوَترِ) «سوره فجر آیه ۳»

ای: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

فرمایش خداوند متعال: قسم به جفت و فرد.

منظور از شفع و وتر امیر مؤمنان و فاطمه زهرا عليها السلام هستند. گرچه این دو به نماز جفت و طاق یا روز نحر (قربانی) و روز تروی و عرفه گفته شده، ولی در روایتی است که الشفع، حسن و حسین و وتر، حضرت علی عليهم السلام هستند (۱).

۹۲) قوله تعالى: (يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً) «سوره فجر آیات ۲۷ و ۲۸»

عن أبي عبد الله عليه السلام في المؤمن حين يقبض روحه قال: وَ يُمَثَّلُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَيَقَالُ لَهُ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَ ... فَيَفْتَحُ عَيْنَيْهِ فَيَنْظُرُ فَيَنَادِي رَوْحَهُ

ص: ۱۷۹

مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ رَبِّ الْعِزَّةِ فَيَقُولُ: «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ «ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً بِالْوَلَايَةِ» (۱)

«آمدن حضرت فاطمه عليها السلام بر بالین مؤمنان»

فرمایش خداوند متعال: ای نفس مطمئن به حضور پروردگارت باز آی گر تو خوشنود و او راضی از تو است.

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: وقتی که موقع قبض روح مؤمن می شود رسول الله و امیر مؤمنان و فاطمه زهرا و حسن و حسین و ائمه از فرزندان آن بزرگواران در حضور او ظاهر می شوند، سپس به او گفته می شود: این آقا رسول الله است و این آقا امیر مؤمنان و این بانوی بزرگوار فاطمه زهرا عليها السلام هستند. سپس چشمان خود را باز می کند و از جانب پروردگار متعال روح آن مؤمن را ندا می دهند که: ای نفس مطمئن و آرمیده بیا به سوی محمد و اهل بیت محمد عليهم السلام و در حالی که خشنودی باز گردد به ولایت آنان.

(۹۳) قوله تعالى: (وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى * وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) «سوره ضحی آیات ۴ و ۵»

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِالرَّحَى وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ أَجْلِهِ الْإِبِلِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا قَالَ يَا فَاطِمَةُ تَعَجَّلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا الْيَوْمَ لِنَعِيمِ الْآخِرَةِ غَدًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى».

«اعطای خداوند به فاطمه عليها السلام»

فرمایش خداوند متعال: و البته عالم آخرت برای تو بهتر از دنیاست و پروردگار تو به زودی به تو چندان عطا کند که تو راضی شوی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (روزی) بر حضرت فاطمه زهرا عليها السلام وارد شد و دید دخت گرامیش مشغول آسیاب کردن گندم است. لباسی از پشم شتر پوشیده.

ص: ۱۸۰

هنگامی که نگاهش به دخت گرامی خود افتاد گریه کرد و فرمود: ای فاطمه! (مرارت چند صباح) دنیا را برای نعمت های فردای آخرت تحمّل کن و خداوند این آیه را فرستاد: به زودی (آنقدر) به تو خواهیم بخشید تا راضی شوی.

(۹۴) لَيْلَةُ الْقَدْرِ يَعْنِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ (الرُّوحُ) رُوحِ الْقُدُسِ وَ هُوَ فِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. «سوره قدر ۳ و ۴»

«فاطمه علیها السلام لیلہ القدر»

فرمایش خداوند متعال: ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم و چه تو را به عظمت این شب قدر آگاه تواند داد. شب قدر «به مقام و مرتبه» از هزار ماه بهتر و بالاتر است.

منظور از لَيْلَةُ الْقَدْرِ وجود مقدسه حضرت زهرا علیها السلام می باشد و منظور از «الرُّوح» روح القدس که در مورد آن وجود پر برکت است.

(۹۵) قوله تعالى: (... يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ) «سوره بینه آیه ۵»

هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

«فاطمه علیها السلام قیّمه»

فرمایش خداوند متعال: این است دین درست.

منظور از قیّمه وجود مقدسه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام می باشد. قیّمه یعنی کسی که مستقیم است در دین و راه عوج و کجی ندارد. از حق به باطل نگراید و از باطل و کذب و زور، پاک و منزّه است که مصداق کامل و اتم آن حضرت فاطمه علیها السلام می باشد.

(۹۶) قوله تعالى: (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ) «سوره کوثر آیه ۱»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: يَا عَلِيُّ أَمَّا الْمُنَادِي فَجَبْرَائِيلُ وَ الْمَاءُ مِنْ نَهْرٍ يُقَالُ لَهُ: الْكَوْثَرُ... وَ هُوَ لِي وَ لَكَ وَ لِفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ شَيْءٌ.

«فاطمه علیها السلام خیر کثیر»

فرمایش خداوند متعال: (ای رسول) ما به تو اعطای بسیار بخشیدیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی... آب نحری است که کوثر گفته می شود و برای من و تو و فاطمه و حسن و حسین است نه برای کسی دیگر و دیگران بهره ای از او ندارند.

البته در روایت دیگری چنین آمده که ابن عباس گوید: هنگامی که این سوره مبارکه نازل شد (انا اعطیناک الکوثر ما به تو کوثر دادیم) علی بن ابی طالب علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: یا رسول الله! کوثر چیست؟ فرمود: نحری است که خداوند با آن مرا گرامی داشته. علی بن ابی طالب عرض کرد: این نحر شریفی است. پس برای ما توصیف فرما یا رسول الله. فرمود: بلی یا علی! کوثر نحری است که زیر عرش آبش جاری است. از شیر سفیدتر، از عسل شیرین تر و از کره نرم تر است. سنگ ریزه آن از زمرد و یاقوت و مرجان است. گیاه او زعفران است. خاکش مشک خوش بوست. اصل و پایه او در زیر عرش خداوند است. سپس بر شانه علی علیه السلام زد و فرمود: یا علی! این نحر برای من و تو و محبین تو بعد از من است.

۹۷) قوله تعالی: (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ) «سوره نصر آیه ۱»

لَمَّا أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَانزَلَ اللَّهُ تَعَالَى «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَا فَاطِمَةَ قَوْلًا: «جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ...»

«فتح و پیروزی برای فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: چون هنگامه فتح و پیروزی با یاری خدا فرا رسد.

چون این آیه شریفه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد فرمود: یا علی بن ابی طالب و یا فاطمه گوید: اذا جاء نصر الله والفتح. یاری و پیروزی خداوند آمد (۱)

ص: ۱۸۲

علامه امینی رحمه فرموده است که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در پانزده منقبت با سایر معصومین علیهم السلام مشترک است که ما به ذکر چند مورد می پردازیم:

اول: زهرای مرضیه یکی از علل آفرینش است

روایات بسیاری در این مورد از فریقین (شیعه و سنی) وارد شده من جمله ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى آدَمَ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ انْتَفَتِ آدَمُ يَمَنَهُ الْعَرْشِ فَمَاذَا فِي النَّوْرِ خَمْسَةٌ سُجَّدًا وَرُكْعًا. فَقَالَ آدَمُ: هَلْ خَلَقْتَ أَحَدًا مِنْ طِينِ قَبْلِي؟ قَالَ: لَا يَا آدَمَ. قَالَ: فَمَنْ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الْأَشْبَاحِ الَّذِينَ أَرَاهُمْ فِي هَيْبَتِي وَصُورَتِي؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وُلْدِكَ لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا الْعَرْشَ وَ لَا الْكُرْسِيَّ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا الْجِنَّ وَ لَا الْإِنْسَ. شَقَقْتُ لَهُمْ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا الْمُحْمُودُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ وَ أَنَا الْعَالِي وَ هَذَا عَلِيٌّ وَ أَنَا الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ وَ أَنَا ذُو الْإِحْسَانِ وَ هَذَا الْحَسَنُ وَ أَنَا الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ. آلَيْتُ بِعِزَّتِي أَنَّهُ لَا يَأْتِينِي أَحَدٌ بِمِثْقَالِ ذَرَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ بُغْضٍ أَحَدِهِمْ إِلَّا أَدْخَلْتُهُ نَارِي وَ لَا أَبَالِي. يَا آدَمُ هَؤُلَاءِ صِفَوْتِي مِنْ خَلْقِي بِهِمْ أَنْجِيهِمْ وَ بِهِمْ أُهْلِكُهُمْ فَإِذَا كَانَ لَكَ إِلَيَّ حَاجَةٌ فَبِهَؤُلَاءِ تَوَسَّلْ (١)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هنگامی که خدای تعالی حضرت آدم ابوالبشر را آفرید و از روح خود در او بدمید آدم به سمت راست عرض نگاه کرد و آن جا پنج شبح غرق در نور به حال سجده و رکوع مشاهده کرد: عرض کرد خدایا قبل از من کسی را از خاک خلق کرده ای؟ جواب آمد: نه نیافریده ام.

ص: ۱۸۳

عرض کرد: پس این پنج شیخ که آن‌ها را در هیئت و صورت همانند خود می‌بینیم چه کسانی هستند؟ خدای تعالی فرمود: این پنج تن از نسل تو هستند. اگر آن‌ها نبودند تو را نمی‌آفریدم. نام‌های آنان را از اسامی خود مشتق کرده‌ام. اگر این پنج تن نبودند، نه بهشت و دوزخ را می‌آفریدم نه عرش و کرسی، نه آسمان و زمین را خلق می‌کردم و نه فرشتگان و انس و جن را.

منم (محمود) و این (محمّد) است منم (عالی) و این (علی) است منم (فاطر) و این (فاطمه) است منم (احسان) و این (حسن) است و منم (محسن) و این (حسین) است. به عزتم سوگند هر بشری به مقدار ذره بسیار کوچکی کینه و دشمنی آن‌ها را در دل داشته باشد، او را در آتش دوزخ می‌افکنم.

ای آدم!... این پنج تن برگزیدگان من هستند و نجات و هلاکت هر کس، وابسته به حبّ و بغضی است که نسبت به آن‌ها دارد. ای آدم! هر وقت از من حاجتی می‌خواهی به آنان توسل کن.

ابوهریر می‌گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه سخن خود فرمود:

نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاهِ، مَنْ تَعَلَّقَ بِهَا نَجِيَ وَ مَنْ هَادَ عَنْهَا هَلَكَ، فَمَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَسْتَلْ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

ما (پنج تن) کشتی نجاتیم هر کس با ما باشد نجات یابد و هر کس که از ما روگردان شود هلاک گردد. پس هر کس حاجتی از خدا می‌خواهد پس به وسیله ما اهل بیت از حضرت حق تبارک و تعالی مسئلت نماید.

دوم: نام پنج تن بر ساق و بر در بهشت نوشته شده است

ابن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود:

لَيْلَةَ عُرْجِ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْهَمُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ حَبِيبُ اللَّهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ فَاطِمَةُ أُمَّةُ اللَّهِ عَلَى مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ.

در شب معراج به سمت آسمان این کلمات را دیدم که بر در بهشت نوشته شده بود. خدایی جز خدای بی همتا نیست. (محمد) پیامبر خداست (علی) محبوب خداست (فاطمه) و (حسن) و (حسین) برگزیدگان خدا هستند. لعنت خدا بر کسانی که کینه و دشمنی آنان را دارند.

سوم: فاطمه علیها السلام خیره الله است

حافظ عاصمی در کتاب «زین الفتی» آورده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَشْرَفَ عَلَى الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدِي ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّلَاثَةَ فَاخْتَارَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدَكَ ثُمَّ أَطَّلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

خدای تبارک و تعالی به دنیا (یعنی جمیع بشر) نظری افکند و از همه مردان عالم مرا انتخاب کرد. آن گاه بار دوم نظر فرمود و از جمیع مردان جهان تو را برگزید. و بار سوم ائمه ای که از فرزندان تو هستند انتخاب فرمود. سپس بار چهارم از جمیع زن های عالم (فاطمه) را برگزید.

چهارم: بهشت با تصویر فاطمه علیها السلام منور است

انس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ آدَمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ نَظَرَ فِي الْجَنَّةِ فَلَمْ يَرِ صُورَةَ مِثْلَ صُورَتِهِ فَقَالَ: الْهِيَ لَيْسَ فِي الْجَنَّةِ صُورَةٌ مِثْلَ صُورَتِي؟

فَأَخْبَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ أَشَارَ إِلَى الْجَنَّةِ الْفَرْدُوسِ فَرَأَى قَصْرًا مِنْ يَاقُوتِهِ بَيَضَاءٍ فَدَخَلَهَا فَرَأَى خَمْسَ صُورٍ مَكْتُوبٍ عَلَى كُلِّ صُورَةٍ إِسْمُهَا: أَنَا مُحَمَّدٌ وَ هَذَا أَحْمَدُ، أَنَا الْأَعْلَى وَ هَذَا عَلِيٌّ، أَنَا الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ، أَنَا الْمُحْسِنُ وَ هَذَا حَسَنٌ، أَنَا ذُو الْأَحْسَانِ وَ هَذَا حُسَيْنٌ.

حضرت آدم علیه السلام چون در بهشت به هر سو نگریست و صورتی را به شکل و قیافه خود نیافت، عرض کرد: خدایا صورتی نظیر چهره من نیافریده ای؟ خدای متعال او را متوجه بهشت فردوس کرد. حضرت آدم علیه السلام در آنجا قصری از یاقوت سفید دید. هنگامی که وارد آن قصر شد پنج تصویر مشاهده کرد که اسامی هر یک از آن ها به این شرح نوشته شده بود:

من محمود و این احمد است، من اعلی هستم و این علی است، من فاطم و این فاطمه است، من محسنم و این حسن است، من ذوالاحسانم و این حسین است.

پنجم: اهتدا و اقتداء و تمسک

که آن عبارت است از هدایت یافتن و پیروی کردن مردم از آنان و در موقع نیاز متوسل شدن به آن ها.

انس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود:

صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَيْلَمَةَ الْفَجْرِ فَلَمَّا انْفَتَلَ مِنْ صَيْلَمَتِهِ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ افْتَقَدَ الشَّمْسَ فَلَيْسَتْ مَسِيكَ بِالْقَمَرِ وَ مَنْ افْتَقَدَ الْقَمَرَ فَلَيْسَتْ مَسِيكَ بِالزُّهْرَةِ فَمَنْ افْتَقَدَ الزُّهْرَةَ فَلَيْسَتْ مَسِيكَ بِالْفَرْقَدَيْنِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَا الشَّمْسُ وَ عَلِيٌّ الْقَمَرُ وَ فَاطِمَةُ الزُّهْرَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ الْفَرْقَدَانِ وَ كِتَابُ اللَّهِ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ.

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ما نماز صبح به جای آورد و پس از فراغت از نماز روی مبارکش را به سوی ما گردانید و فرمود: ای جماعت مسلمان هر کس که آفتاب را از دست بدهد پس باید به ماه تمسک جوید و در فقدان ماه دست به دامان زهره شود و اگر زهره را نیابد به دو ستاره (فرقدان) پناه آورد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد که یا رسول الله مقصود از آفتاب و ماه و زهره و (فرقدان) دو ستاره نور افشان چیست؟

فرمود: من آفتابم، علی ماه و فاطمه، زهره و دو ستاره حسنین هستند. آنان با کتاب خدا، دو دستاویز بشرنند و همواره به هم پیوسته اند و هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض (کوثر) به من ملحق شوند.

ششم: در مقام ولایت با سایر معصومین علیهم السلام شریک است

جنگ و یا صلح با فاطمه علیها السلام و دوستی یا دشمنی نسبت به او عیناً همانند جنگ و یا صلح با علی و حسنین علیهم السلام و حبّ و یا بغض نسبت به آنهاست.

زید بن ارقم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایت می کند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَسَلَامٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام فرمود: هر کسی که با شما از در صلح و آشتی در آید من نیز با او در صلح و صفا خواهم بود.

هفتم: منقبت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام با سایر معصومین علیهم السلام

حضرت زهرا علیها السلام در مقام رکن بود با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام جابر بن عبدالله انصاری رحمه الله چنین روایت می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود:

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرِّيحَانَيْنِ أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا مَاتَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، قَالَ عَلِيٌّ هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

سلام بر تو ای پدر دو ریحانه من یا علی؛ محافظت کردن از آن دو را به تو سفارش می کنم، قبل از آن که هر دو رکن تو از بین برود، تو را به خدا می سپارم که او نگهدارنده توست.

جابر بن عبدالله روایت را چنین ادامه می دهد:

پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: این بود یکی از آن دو رکن من که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود و اینک منهدم گردید و هنگامی که فاطمه علیها السلام چشم از جهان فرو بست، علی علیه السلام فرمود: این بود همان رکن دومی که به قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امروز از دست دادم.

هشتم: فاطمه علیها السلام محدث است یعنی حدیث فرشتگان را می شنود

مرحوم کلینی در این باره در اصول کافی جلد ۱ مفصل توضیح داده است.

روایتی در این مورد آمده است که در این منقبت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام با علی علیه السلام و اولاد معصومین او شریک است و او نیز محدثه بوده چنانکه امامان دوازده گانه محدث بوده اند. حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً، إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فُتَنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَقْنِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّائِعِينَ فَتُحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محدثه بود ولی پیامبر نبود. فاطمه علیها السلام را از این جهت محدثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می شدند و با او سخن می گفتند، همان گونه که با مریم دختر عمران گفتگو می کردند که فاطمه به درستی که خدای تعالی تو را پاک و منزّه گردانید و از تمام زنان عالم تو را برگزید. ای فاطمه برای پروردگارت قنوت و سجده به جای آور و با رکوع کنندگان رکوع کن و با آنان گفتگو می کرد و آنان نیز با او گفتگو می کردند.

نهم: برای شیعیان فاطمه علیها السلام هم بشارت بهشت وجود دارد

چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان (معصومش) بشارت بهشت را داده است، شیعه فاطمه علیها السلام نیز در اخبار عیناً در ردیف شیعیان علی علیه السلام است.

گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مدح شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام سخن می گوید و گاه در منقبت شیعیان فاطمه علیها السلام و همین روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشان گر این است که حضرت زهرا علیها السلام خود استقلال دارد و دارای کرامات و مقام والا و صاحب ولایت کبری می باشد که روایت مفصلی در مورد ثواب الاعمال و فاطمه زهرا مرحوم علامه امینی و دیگر کتب اخبار از شیعه و سنی است.

دهم: مبدأ خلقت در خوی و سرشت و شئون دیگر آفرینش است

قضیه ولادت آن بزرگوار نمونه بارز این بحث است.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام سؤال می کند که ولادت فاطمه علیها السلام چگونه بوده است؟ آن حضرت در ابتدای کلام می فرماید: نَعَمْ. گفتن کلمه نعم (بلی) در شروع سخن نشانگر عظمت موضوع می باشد.

نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هَجَرَتْهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَلَا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ وَكَانَ جَزَعُهَا وَغَمُّهَا حَادِرًا عَلَيْهِ. فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَتُصَبِّرُهَا وَكَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ يَوْمًا فَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي. قَالَ

يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرِيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسِيْلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وِلَادَتَهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ بَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِتَلِينَ مِنِّي

مَا تَلَى النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلَنَ إِلَيْهَا أَنْتَ عَصِيَّتَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتَ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقِيرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا. فَاعْتَمَمْتُ خَدِيحَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمِرَ طَوَالِ كَاتِنَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِخِيدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيحَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كُلثُمُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْكَ مَا تَلَى النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ. فَجَلَسْتُ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّلَاثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ وَ دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طَسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَعَسَيْتُهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ حَرْقَتَيْنِ بَيْضَاوَيْنِ أَشَدَّ بِيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعُتْبَرِ فَلَفَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ قَنَعَتْهَا بِالثَّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَانطقت فاطمة عليها السلام بالشهادتين و قالت أشهد أن لا إله إلا الله و أن أبا رسول الله سيد الأنبياء و أن بعلي سيد الأوصياء و ولدي سادة الأسباط ثم سلمت عليهن و سميت كل واحدٍ منهن باسمها و أقبلن يضحكن إليها و تباشرت الحور العين و بشر أهل السماء بعضهم بعضاً بولاده فاطمة عليها السلام و حدث في السماء نورٌ زاهرٌ لم تره الملائكة قبل ذلك و قالت النسوة خديجة يا خديجة

طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكٌ فِيهَا وَفِي نَسْلِهَا فَتَنَّاوَلَتْهَا فَرِحَهُ مُسْتَبَشِرَةٌ وَ أَلْقَمَتْهَا ثَدْيَهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا (۱)

بعد از آنکه خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد، زن های مکه از او دوری جسته و دیگر به خانه او نمی آمدند و در هنگام ملاقات با خدیجه علیها السلام از سلام کردن به او خودداری می کردند و از ورود زنان به خانه او جلوگیری می کردند. به همین خاطر قلب خدیجه علیها السلام را غم و وحشت فرا گرفت البته نه از ترس جان خودش، بلکه برای خطری که جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را تهدید می کرد.

هنگامی که خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها السلام باردار بود، حضرت فاطمه علیها السلام در شکم او مونس و هم صحبت مادر بود و با او سخن می گفت و خدیجه را به صبر و بردباری دعوت می کرد.

جناب خدیجه علیها السلام این موضوع را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مخفی می داشت تا اینکه یک روز غفلتاً رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه شد و سخن گفتن فاطمه را با خدیجه علیها السلام شنید. پیامبر پرسید: با چه کسی سخن می گفتی؟ عرض کرد: این کودکی که در شکم من است هم صحبت و مونس تنهایی من است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای خدیجه! اینک جبرئیل به من خبر می دهد که این کودک دختر است. به درستی که او اصل و ریشه نسب مبارک و پاکیزه من است که خدای تبارک و تعالی سلسله اولاد مرا از او قرار داده است و از ائمه طاهرین و خلفای روی زمین بعد از انقضای دوران وحی من از نسل اوست. حضرت فاطمه علیها السلام تا هنگام ولادتش با خدیجه علیها السلام سخن می گفت و مونس و هم صحبت مادر بود. وقتی که میلادش نزدیک شد خدیجه علیها السلام به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که زمان وضع حمل من نزدیک است به نزد من آییید و مرا در ولادت نوزادم یاری و مساعدت نمائید، ولی آنان چنین پاسخ دادند: ای خدیجه! چون تو در امر ازدواجت گفتار ما را قبول نکردی و از سخنان ما سرپیچی نمودی و محمد یتیم آل ابی طالب را که فقیری تهیدست است

ص: ۱۹۱

به همسری برگزیدی ما نیز هرگز نزد تو نمی آئیم و در هنگام وضع حمل یار و پرستارت نخواهیم بود.

حضرت خدیجه علیها السلام از جواب آنان بسیار غمگین و آزرده شد. در آن بین ناگهان چهار زن همانند زنان بنی هاشم به خانه جناب خدیجه علیها السلام وارد شدند، در حالی که خدیجه علیها السلام از دیدار آنان هراسان شده بود. یکی از آن چهار زن به او گفت: ای خدیجه! غم مخور، پروردگار تو ما را برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم. من ساره هستم. این آسیه دختر مزاحم، رفیق بهشتی تو است. این مریم دختر عمران و این کلثوم خواهر موسی بن عمران است. خدا ما را برای کمک تو فرستاده است تا «در این حالت که هر زنی معمولاً به کمک زنان دیگر نیازمند است» یار و پرستار تو باشیم. یک نفر از آن چهار زن در سمت راست خدیجه علیها السلام، دوّمی در طرف چپ او، سوّمی در پیش رویش و چهارمی در پشت سر او «به ترتیبی که برای تولّد نوزاد مرسوم است» نشستند.

فاطمه علیها السلام پاک و پاکیزه تولد یافت و چون آن مولود مقدّس به زمین فرود آمد، نوری از طلعت او ساطع شد که پرتو آن در تمام خانه های مکه وارد گردید و در شرق و غرب زمین محلی نماند که از آن نور بی بهره باشد. در آن هنگام ده نفر از حور العین که در دست هر یک ظرف بهشتی پر از آب کوثر و یک طشت بهشتی بود وارد شدند و آن ها را به آن بانویی که در پیش روی حضرت خدیجه علیها السلام نشسته بود دادند و آن بانو حضرت فاطمه علیها السلام را «نه با آب های دنیا» بلکه با آب کوثر شست و شو نمود و سپس در میان پارچه ای که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود پیچید و از همان پارچه مقنعه ای برای سر مبارک او ترتیب داد و قبل از این که او سخن بگوید، فاطمه علیها السلام چنین سخن را آغاز فرمود: شهادت می دهم که خدایی جز (الله) نیست و این که پدرم پیام آور از جانب خدا و سید و سالار پیمبران است و این که همسرم سید الاوصیا و فرزندانم سید و سالار نوادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم هستند. این کلمات، نخستین سخن حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بعد از تو اوست و سپس

فاطمه علیها السلام به هر یک از آن چهار زن با ذکر نامشان سلام فرمود و آنان شاد و خندان به سلام او پاسخ گفتند. حوران بهشتی که در آن جا حضور داشتند ولادت حضرت زهرا علیها السلام را به یک دیگر مبارک باد گفتند و دامنه این شور و سرور به آسمان ها کشیده شد و اهالی آسمان هر یک در بشارت و تهنیت بر دیگران پیشی می گرفت.

آن نور بسیار درخشانی که در میلاد حضرت فاطمه علیها السلام در آسمان ها درخشید، نوری که قبل از آن هرگز فرشتگان نظیر آن را مشاهده نکرده بودند، بشارت دهنده این مطلب بود که عالم از طلعت این نوزاد چراغان است و جهان از پرتو رحمت این بانو نورباران است. آن چهار زن نوزاد را به خدمت خدیجه علیها السلام آوردند و گفتند: ای خدیجه! فرزند خود را بگیر که پاک و پاکیزه و مطهر و مبارک است و برکات بی پایان الهی در وجود او و نسل اوست...

تا این جا اشتراک در فضائل و مناقب بود که هر چه خدای متعال بر سایر معصومین افاضه کرده است به حضرت فاطمه علیها السلام هم افاضه کرده، به استثنای نبوت و امامت که آن هم وجهش برای ما معلوم نیست. حکمت آن دست پروردگار متعال است و نظر این بنده حقیر این است که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام به غیر از پدر و شوهر بزرگوارشان، از همه فرزندان شان بلکه از همه انبیا افضلند. چنانکه ائمه هدی از همه انبیا به غیر از وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افضلند. و چنان که حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک روایتی فرموده است:

وَفِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.

و در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای من اسوه حسنه است و افضل از انبیای عظام هم می باشد، غیر از پدر بزرگوارش که موضوع بحث افضلیت آن بزرگوار از انبیای عظام هم ان شاء الله خواهد آمد. که خود دلیل قوی بر عصمت و طهارت آن پاره تن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

ما موضوع طهارت و عصمت و فضائل و مناقب آن حضرت را اجمالاً بیان می کنیم، فقط برای افراد ناآگاه یا جاهل و یا مغرض، تا معرفت خود را به ساحت

مقدّس حضرت صدیقه طاهره علیها السلام کامل کنند و از تقصیر و کوتاهی خود یا خدای ناکرده اگر جسارت و توهین بی ادبانه ای از خود نشان داده اند، عذر تقصیر خود را به پیشگاه آن ولیّ الله العظمی ببرند و طلب عفو کنند تا خدای مَنَّان به وجود برکت آن بزرگوار، ایشان را ببخشد و افرادی که معرفت خوبی به بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارند اعتقاد و ایمانشان بیشتر گردد و ضمناً دلیل محکمی باشد برای معاندین و دشمنان آن بزرگوار و فرزندان و شوهر و پدر معصومش.

بسیاری از ادله ای که ما در این کتاب اقامه می کنیم و به رشته تحریر در آوردیم از مدارک و مآخذ خود معاندین و دشمنان است، اما خداوند متعال دلشان را کور گردانیده تا در هر دو جهان به قول قرآن کور باشند:

كما قال الله تبارک و تعالی: (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا) (۱)

و در واقع امر، اینان نه دنیا را دارند و نه آخرت را بلکه از هر دو جهان به خاطر اعمال ننگین خود زیان و خسران می بینند.

كما قال الله تعالی: (خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ) (۲)

ص: ۱۹۴

۱- سوره اسراء آیه ۷۲

۲- سوره حج آیه ۱۱

موضوع پنجم: افضلیت حضرت زهرا علیها السلام از انبیاء به جز پدر بزرگوارش و امیر مؤمنان علیهما السلام

اشاره

ص: ۱۹۵

* اشتراک حضرت زهرا علیها السلام با ائمه اطهار علیهم السلام در فضائل (به جز امامت)

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام جوهره آفرینش میوه نبوت و گزیده ولایت است. آن بانوی دو جهان بر تمامی افراد، بشر حتی پیامبران و مرسلین غیر از پدر بزرگوار و شوهر گرامی اش برتری دارد. ادله ما آیاتی از قرآن مجید و روایات فراوانی از ائمه معصومین است.

همان دلیلی که برتری پیامبر اکرم و امیر المؤمنین علیهما السلام را بر دیگران اثبات می کند، همان دلیل گواه برتری آن حضرت نیز می باشد، که مقداری از این ادله گذشت و در این جا هم مطالبی را خواهیم آورد که برتری آن حضرت را ثابت می کند. من جمله آیه تطهیر که مفصلاً بحث شد و خلاصه مطلب اینکه خداوند متعال در این آیه شریفه بر عصمت و طهارت آن بزرگوار گواهی داده است زیرا که خداوند هر گونه پلیدی و ناپاکی ظاهری و باطنی و هر گونه معصیت و گناه کوچک و بزرگ حتی حدیث نفس به آنچه که ناروا باشد و خدا را خوش نیاید و یا آنکه چیزی از آن ها به خاطرش بگذرد همه را از آن بزرگ بانوی آفرینش به دور ساخته است.

بنابراین حضرتش به نص این آیه و صراحت آن از هر گونه عیب و نقصی به طور مطلق پاک و پاکیزه است. زیرا هر گونه وسوسه و حدیث نفس و خطورات ناروای قلبی، رجس (ناپاکی) به شمار می رود و آن حضرت از هر گونه رجسی به دور است. بنابراین آن بزرگوار که در بالاترین رتبه عصمت و طهارت قرار دارد و در آیات قرآن چیزی که دلیل بر عصمت و طهارت دیگر پیامبران تا حد چهارده معصوم علیهم السلام باشد وجود ندارد. از این جهت عصمت هیچ یک از پیامبران برابر با عصمت حضرت زهرا علیها السلام نیست و بدین جهت شرافت و برتری ویژه آن حضرت خواهد بود.

روایاتی که در این رابطه وجود دارد عبارتند از:

روایتی است که علامه مجلسی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

ابوالحسن نجفی در کتاب ارزنده اش (ملتی البحرین صفحه ۴۰) می گوید: مقصود از قرون نخستین، دوران زندگی تمام پیامبران و اوصیا و امت های آنان از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم است یعنی خداوند هیچ یک از پیامبران را مبعوث نکرد، مگر اینکه به فضیلت و محبت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام اقرار کنند.

مؤید این مطلب روایتی است که سید هاشم بحرانی رحمه الله صاحب تفسیر برهان از آن حضرت آورده است که فرمود:

* نبوت هیچ پیامبری تکمیل نشد

مگر اینکه به فضیلت و محبت آن حضرت اقرار کرد (۲)

علامه مجلسی رحمه الله در باب میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از محمد بن سنان روایت کرده است که: در خدمت حضرت جواد الائمه علیه السلام بودم و از اختلاف شیعیان در باب معرفت ائمه علیهم السلام و حالات و صفاتشان صحبت به میان آوردم حضرت فرمود:

ای محمد! همانا خداوند تبارک و تعالی همیشه و پیوسته در وحدانیت خود تنها و یکتا بود، آنگاه محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را آفرید. آنان روزگاری طولانی در همان حالت بودند و سپس دیگر مخلوقات را آفریده و آنان را بر آفرینش ایشان گواه گرفت و اطاعت از آنان را واجب نمود و امور موجودات را به اینان سپرد. آنان هر آنچه را که بخواهند حلال کرده و هر چه را که نخواهند حرام می نمایند و البته هرگز اراده و خواستی، مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی اراده کرده باشد ندارند. سپس فرمود: ای محمد! این دیانتی است که هر کس از آن جلو افتد از مرز تجاوز کرده هر کس نسبت به آنان تخلف ورزد نابود شود و هر کس به آنان پیوندد به حق پیوسته است. ای محمد! این مطلب را کاملاً متوجه باش (۳)

ص: ۱۹۷

۱- بحار الانوار ۴۳/۱۰۵ چاپ ایران

۲- مدینه المعاجز سید هاشم بحرانی

۳- بحار الانوار ۴۳/۱۰۷

* اگر امیر المؤمنین علیه السلام نبود همسری برای فاطمه علیها السلام یافت نمی شد

عَنْ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَوْ لَمَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفُوًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمَ فَمَنْ دُونَ (۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر علی بن ابی طالب علیه السلام با آن حضرت ازدواج نمی کرد تا روز قیامت بر روی زمین از آدم به بعد همسری برای او وجود نداشت.

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: با این روایات می توان برتری علی و فاطمه علیهما السلام را بر عموم پیامبران غیر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استدلال کرد (۲)

محدث بزرگ مرحوم طبری رحمه الله شیعه، از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: اطاعت حضرت زهرا علیها السلام بر همه مخلوقات از جن و انس و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است (۳) و در حق آن بزرگوار فرموده:

إِنَّهَا رُوحِي وَ نَفْسِي وَ قَلْبِي وَ بَضْعَتِي وَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي وَ نُورُ بَصْرِي وَ فَلَدُهُ كَبْدِي وَ شَجَنْتِي وَ إِنَّهَا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا.

که نظائر آن در کتب فریقین (شیعه و سنی) فراوان موجود است (۴)

هرچه کمالات امیر المؤمنین علیه السلام دارد، مگر امامت در ایشان نیست که آن هم خواست خداوند است. همان طوری که امیر المؤمنین علیه السلام تساوی با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم داشت مگر از جهت نبوت، همین طور حضرت صدیقه طاهره علیها السلام هم برابر و کفو امیر المؤمنین علیه السلام بود، مگر از جهت امامت و زوجیت مطاعه. همان طور که قرآن کریم می گوید:

(الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) (۵)

(وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ) (۶)

ص: ۱۹۸

۱- همان

۲- همان

۳- دلائل الامامه، طبری / ۲۸

۴- نور الابصار / ۴۱- فرائد السمطين ۲ / ۶۶

۵- سوره نساء آیه ۳۴

۶- سوره بقره آیه ۲۲۸

رتبه فاضله و درجه راجحه که برای حضرت علی علیه السلام است و آن هم در کنار اطاعت صاحب مقام امامت و ولایت مرجوح است. پس همان اتحاد معنوی نبوی و علوی در وجود ذی جود حضرت با عصمت فاطمه جاری است.

وَلَا شَكَّ أَنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ لِأَجْلِ عَلِيٍّ وَأَنَّ عَلِيًّا لِأَجْلِهَا وَأَنَّهُمَا كُفْوَانٌ وَ مُتَّحِدَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ فِي عَالَمِ الْأَبَدِيَّةِ بِإِلَّا شَائِبَةٍ وَ رَبِّهِ.

و در حدیث دیگری:

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ نَفْسِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ فَاطِمَةُ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي (۱)

پس جناب امیر المؤمنین علیه السلام نفس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام روح پیغمبر است. شاید گفته شود منزلت روح بالاتر از منزلت نفس است. لکن نفس و روح از جهتی متحدند و بر معنی واحد یا آن که این مقالات از امور اعتباریه و اضافیه است بر حسب موارد و مواقع اطلاق می شود.

* سخن قوشجی

مَلَمَّا عَلِيٌّ قَوْشَجِي (سنی) گفته است این فرقه علویه ذلیله (شیعه)، قائل به عصمت زنی شده اند، با آن که همه اهل سنت و جماعت اعتقاد به عصمت همه انبیا ندارند.

هم چنین قوشجی از طرف عبد الحمید بن ابی الحدید معتزلی از مفضلّه بغداد، فضیلت فاطمه طاهره علیها السلام را بر حضرت امیر علیه السلام و خلفای دیگر نقل می کند و گفته است: مردم در مورد جناب امیر علیه السلام غالی و مقصر و محب به افراط رسیده اند و این دو طایفه در معرض هلاکتند و ما طایفه مفضلّه بر راه استوار و طریق مستقیم اعتدال می باشیم که علی بن ابی طالب را بعد از نبی خیر خلق الله می دانیم (۲).

مع ذلك می گویند حکمت بر تقدیم خلفا و نصب بر خلافت ایشان بود و عبارت ایشان این است:

ص: ۱۹۹

۱- نور الابصار / ۴۱

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید ۱۲- ۱۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَ الْمَفْضُولَ عَلَى الْفَاضِلِ لِحِكْمِهِ اِقْتِضَائِهَا التَّكْلِيفَ (۱)

حمد و ستایش از خدایی است که مفضول را بر فاضل فضیلت داده است به خاطر حکمتی است که اقتضای تکلیف است. (یعنی می گوید: حکمت این بود که خلفای سه گانه بر علی بن ابی طالب مقدم باشند. اما نصب و خلافت و امامت حق امیر المؤمنین علیه السلام است نه ابی بکر و خلفای سه گانه).

هر منصف عاقلی از این عبارت سست و اعتقادات پست، حقیقت عقیده فرقه ناجیه شیعه امامیه را می فهمد و آنان که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را افضل دانسته اند، خواسته اند شرافت حضرت شاه ولایت را محو نمایند. و حال آنکه شیعه چنین چیزی را نگفته است و این از افتراهای این افراد است که ما را متهم به غلو و افراط می کنند. ما نه اهل غلو هستیم و نه اهل افراط و تفریط. بلکه اهل تفریط آنان هستند که در حق امامان کوتاهی می کنند و بلکه گمراه می باشند.

و این ابیات در تقدیم و تفضیل حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بر جناب شاه اولیا از ابن ابی الحدید مشهور و مذکور است:

و خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ الْمُصْطَفَى *** أَعْظَمُهُمْ يَوْمَ الْفِخَارِ شَرَفًا

السَّيِّدِ الْمُعْظَمِ الْوَصِيِّ *** بَعْدَ الْبَتُولِ الْمُرْتَضَى عَلَيَّ

وَالنَّاهُ ثُمَّ حَمَزَهُ وَ جَعَفَرٍ *** ثُمَّ عَتِيقُ بَعْدَهُمْ لَا يُنْكِرُ

الْمُخْلِصِ الصِّدِّيقِ ثُمَّ عُمَرَ *** فَارُوقِ دِينَ اللَّهِ ذَاكَ الْقَسْوَرُ

وَ بَعْدَهُ عُثْمَانُ ذُو النُّورَيْنِ *** هَذَا هُوَ الْحَقُّ بَغَيْرِ مَبِينِ

این ابیات را ابن ابی الحدید معتزلی گفته است. در کتاب انس النفوس و غیره از اهل سنت، در تفضیل حضرت فاطمه بر حضرت امیر ادله سخیفه ای اقامه شده و تمام آن ها ناشی از اعراض فاسده و خیالات واهی است.

ص: ۲۰۰

وَ الْأَمْرُ لِلَّهِ يُفْضِلُ بَعْضَ عِبَادِهِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ عَلَى بَعْضٍ وَ هُوَ الْمُعِزُّ وَ الْمُذِلُّ وَ قَالَ عَزَّوَجَلَّ: تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ... (۱)

ای الانبیاء و الأولیاء لکن الذین خالفوهم اصدادهم فی الدین و أعداءهم فی الآخِرَه وَ الاوْلی علی نحو الیقین و انهم من الفرقه الطاغیه وَ الفئه الباغیه نحو اليهود و نصاری و بنی اُمیّه و ... و الشیعه من هؤلاء برآد فویل لمن شفعائه خصماء (۲)

امر به دست خداست که بعضی از بندگان را بر بعضی دیگر فضیلت داده و خداوند عزت می دهد و ذلیل می کند. و خدا فرموده: آن رسولان را ما فضیلت دادیم بعضی را بر بعضی دیگر.

و لکن آن هایی که با انبیا مخالفت می کنند ضد انبیا هستند و دشمنان آن هایند در آخرت. و به طور یقین اینها از سرکشان هستند و جزء فرقه ستمگران هستند. همانند یهود و نصاری و ...

و شیعه از این حرف ها به دور است و وای به حال آن ها که شیعه با این ها روز قیامت مخاصمه کند. آن ها دلیلی برای جواب شیعه قطعاً ندارند و در آخر کار محکوم و مخذول و محروم خواهند شد. این ها مسئولند که در آیات صریح قرآن که در مورد عصمت معصومین علیهم السلام و آیات امامت و ولایت خدشه وارد می کنند و بر طبق هوای نفس خود عمل می کنند. در واقع این ها رافضی هستند که از ائمه هدی علیهم السلام کناره گیری می کنند و به ولایت افرادی چنگ زده اند که خودشان انتخاب کرده اند نه خداوند تبارک و تعالی. البته در روز قیامت هم باید از آنان یاری بخواهند که هر دو در خسران مبین هستند.

ص: ۲۰۱

۱- سوره بقره آیه ۲۵۳

۲- خصائص فاطمیه / ۳۲۳

* نظر شیعه درباره خواستگاری معصومه علیها السلام

مذهب ما بر آن است که معصومه را معصوم باید بخواند و جز معصوم خواستن او را نشاید. اگر چنین چیزی جایز باشد، باید گفت که شخص فاسقی معصومه را تحت حکومت خود می گیرد و او را برخلاف رضای خداوند متعال امر نماید. خداوند منان نیز ابا دارد که زن مطیع و مؤمنه ای که همه کارهایش مورد رضایت اوست، تحت حکم و فرمان مردی فاسق و گناه کار باشد. ولکن عکس آن جایز است. چنان که همه ائمه، معصوم بودند اما زنان ایشان معصوم نبودند. از میان زنان فقط ۲ نفر معصوم بودند: اول مریم علیها السلام و دوم صدیقه طاهره علیها السلام.

باز می گوئیم علت اینکه زن معصومه نباید همسر مرد غیر معصوم شود این است که: زن معصوم درست کار و نیک رفتار است و مرد غیر معصوم خطا کار. پس آنکه دارای مقام عصمت است البته بر غیر معصوم شرف دارد و جایز نیست، اهل صواب در اطاعت اهل خطا بیایند. بلکه عقیده ما این است که معصومه و شخصی که عمرش را در راه اطاعت پروردگار صرف کرده و یا حتی کسی هم که معصوم نیست اما ممکن است یک گناه مرتکب نشده باشد باز لیاقت درخواست ازدواج با معصومه را ندارد تا چه رسد به اینکه آن شخص فاسق و گناه کار باشد.

و اصلاً حکمت خدا بر این نیست که زن معصوم در تحت فرمان غیر معصوم باشد. به هر حال زن معصوم از این قاعده خارج است. همان گونه که بزرگان و سران قریش برای خواستگاری آن بزرگوار آمده بودند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ می فرمودند ازدواج فاطمه دست من نیست. خداوند او را به عقد علی علیه السلام در آورده.

چرا که خداوند در قرآن در ذیل آیه شریفه:

(الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) (۱)

ص: ۲۰۲

نیز به این نکته اشاره کرده است که: مردان بر زنان مسلط هستند. پس زن معصوم تحت تسلط فرد غیر معصوم نمی تواند قرار بگیرد، بلکه باید تحت تسلط شخصی باشد که یا هم تراز خود او باشد یا از او بالاتر باشد. زیرا هیچ گاه مرد غیر معصوم حرف زن معصوم را نمی فهمد. اما مرد معصوم به راحتی زن غیر معصوم را تحت تسلط خود قرار می دهد چه آن که مرد غیر معصوم نیز زن غیر معصوم خود را طبق صریح قرآن تحت تسلط قرار می دهد. اما از لحاظ قانون طبیعت هم عاقلانه نیست که زن معصوم تحت تسلط مرد غیر معصوم قرار بگیرد چرا که از لحاظ درک و شعور و عقل از آن مرد بالاتر است. و چه بسا آن مرد زن خود را به فساد اخلاقی فرا بخواند و یک چنین چیزی اصلاً امکان ندارد.

لیکن مخفی نماند که طبق روایت عوالم العلوم، خداوند متعال هیچ زنی را با مردی مساوی قرار نداده و برابر نکرده جز فاطمه علیها السلام، که در آیه مباهله او را مساوی با امیر المؤمنین علیه السلام ذکر فرموده. اما در جهت خاصه کآنکه این عموم تخصیص یافته به نحوی که می توان از خصایص آن بزرگوار شمرد و شاهد بر این صحبت روایات معتبر از ائمه هدی علیهم السلام می باشد از آن جمله:

۱- وَ يُطِيعُهَا فِي جَمِيعِ مَا تَأْمُرُهُ (۱)

۲- و در اخبار دیگر دارد که گاهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: فاطمه را اطاعت کن و گاهی به فاطمه علیها السلام می فرمود: علی را اطاعت کن. علتش آن بود که بفهماند فاطمه علیها السلام به خطا نمی رود و رأی او رأی پیغمبر است. و برای همین بود که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: در این مدت نه سال نه فاطمه، من را به غضب آورد و نه من او را به غضب آوردم.

ص: ۲۰۳

حال که علی علیه السلام کفو فاطمه علیها السلام شد و فاطمه علیها السلام کفو علی علیه السلام، پس بر علی علیه السلام حرام بود که زنی اختیار کند با آن که در اسلام چنین کاری ممنوعیت نداشت (۱).

۳- همچنین روایت شده که:

حَرَّمَ اللَّهُ النِّسَاءَ عَلَيَّ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً لِأَنَّهَا طَاهِرَةٌ لَا تَحِيضُ.

یعنی خداوند زنان را بر امیر المؤمنین علیه السلام حرام کرد تا زمانی که فاطمه علیها السلام زنده بود، برای آنکه آن بزرگوار حیض نمی شدند (۲).

علاوه بر این یکی از ویژگی هایی که آن بانوی عظمی داشت در هر شب عذراء بود. پس معنی هم کفو بودن این دو بزرگوار در این مورد، خاصه عصمت است یعنی فاطمه زهرا علیها السلام معصومه بوده و باید با معصوم ازدواج کند و اگر یقیناً امیر المؤمنین علیه السلام نبود، کفو و همسری برای حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام نبود که روایت او گذشت و این خود برهان واضح و روشنی بر عصمت آن بزرگوار است. پس:

وَالْمَعْصُومَةُ لَا يَنْكُحُهَا إِلَّا الْمَعْصُومُ وَالصَّديقَةُ لَا يَغْسِلُهَا إِلَّا الصَّديقُ.

سؤال: یکی از دلایل عصمت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام افضلیت ایشان از انبیای اولوالعزم به غیر از پدر و شوهرش است. حال سؤال اینجاست که به چه دلیل ایشان از انبیای اولوالعزم افضل هستند؟

ص: ۲۰۴

۱- همان ۴۳ / ۱۵۳

۲- همان ۴۳ / ۱۶

* افضیلت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت آدم علیه السلام

اگر حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام صَفَى اللهُ و آفریده از خاک و مسجود ملائکه و پدر آدمیان و برگزیده ای از بندگان خدا بود که رشته انسان به او منتهی می شود و او اصل اصیل این فروع ثابت است همان طوری که قرآن فرموده:

(إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) (۱)

از او به عنوان برگزیده یاد نموده و در زیارت آن جناب آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيُّ اللَّهِ

و او را صفوه الله می نامند و در کوه صفا نیز خلعت اصطفا به او پوشیده گردید، لیکن حضرت صدیقه کبری علیها السلام از روز نخست با صفوت و صفا بود، بلکه صفوت آدمیت از آن منبع عصمت و طهارت و از پرتو آن بزرگوار به آدم علیه السلام عنایت و مرحمت شد. اینجا نیز ادله فوق تواتر داریم که مجال ذکرشان نیست. که مقداری از آن ها بیان شده به اضافه حدیث شریف کساء و آیه إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ (۲) را که ملائکه مَلَمَّا أَعْلَى در وقت نماز و غیر آن بر وی عرضه داشتند و به جای نام شریف مریم، فاطمه علیها السلام را خطاب می نمودند، و آن بزرگوار به (اُمِّ الْاِئِمَّةِ وَ الذَّرِّيَةِ الْمِصْطَفَوِيَّةِ) ملقب گردید.

اگر حضرت آدم علیه السلام را در بدو خلقت به مفاد آیه (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) (۳) تعلیم اسماء کردند، حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام (اُمِّ الْأَسْمَاءِ) بود و عالم به حقایق و مسلمیات اشیا از اول دنیا تا آخر بوده و خود اسمی از اسماء حُسنی که به آن اسم بلند مرتبه حضرت آدم علیه السلام توَسَّل جست و نجات یافت.

ص: ۲۰۵

۱- سوره آل عمران آیه ۳۳

۲- سوره آل عمران آیه ۴۲

۳- سوره بقره آیه ۳۱

اگر حضرت آدم علیه السلام از خاک خلق گردید، حضرت صدیقه علیها السلام طینت مرضیه و نطفه زکیه اش از میوه بهشتی بود و چقدر فرق است بین کسی که از خاک آفریده شود با کسی که از نور پاک محمدی صلی الله علیه و آله و سلم آفریده شود و شوهرش حضرت امیر المؤمنین علیه السلام (رب الارض و ابوتراب) باشد، البته نسبت به خاک داشتن یا نسبت با صاحب مقام لولاک امتیاز بی اندازه دارد. اگر حضرت آدم علیه السلام شرف پدری بر فرزندان خود داشت (و هُوَ أَبُو الْأَدَمِيِّينَ) حضرت صدیقه طاهره علیها السلام شرف مادری بر ائمه معصومین علیهم السلام و ذریه فاطمین دارد.

(و هِيَ أُمُّ الْأَيْمَةِ الْخَيْرَةِ الْبَرَّةِ وَ لَذَرِيَّةِ الطَّيِّبَةِ الطَّاهِرَةِ).

به علاوه کثرت نسل آن مکرمه مطهره تا روز قیامت موهبت بزرگ دیگری است.

اگر حضرت آدم علیه السلام از خوردن گندم از بهشت بیرون آمد و به زمین هبوط نمود، حضرت زهرا علیها السلام از ایثار و بذل چند قرص نان تمام بهشت های هشتگانه را متصرف شد و آیات کریمه در سوره هل اتی و غیر آن در شأن آن حضرت نازل گردید. به علاوه بهشت مخصوصی از برای ایشان بنیان و بنیاد گشت و به انواع قصرهای عالی و بناهای رفیع و خیمه ها و جنات عالیات سلطنت یافت.

اگر حضرت آدم علیه السلام پس از اكمال خلقت و تحفه روح، عطسه کرد و الحمدلله گفت و تحمید نمود، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام پس از ولادت، شهادتین گفت و بعد از نام پدر و شوهر بزرگوارشان نام تک تک از فرزندان معصوم خود را برده و یاد کردند.

اگر حضرت آدم علیه السلام بنا به روایتی از خدا خواست تا مقام خمسه طیبیه را به او دهد و حوّا تمنای جایگاه والای حضرت زهرا علیها السلام را برای خود کرد و پس از این خواسته ها از نعمت های بهشتی مهجور و محروم شدند، و پس از طلب کردن مقام ایشان، در کامشان زهر حرمان و هجران ریخته شد و از دارالسرور به دارالغرور و از

دارالقرار به دارالبوار(۱) هبوط کردند، لیکن عاقبت از تمسک و توسل به آن بزرگوار به جایگاه اولیّه خود بازگشت نمودند و توبه ایشان قبول شد.

اگر هابیل را از آدم علیه السلام گرفتند و شیث هبه الله را که پدر ثانی انبیای مرسلین و اولیای کاملین است، در عوض به او بخشیدند، در حالی که شیث افضل از هابیل بود و پیغمبری بزرگوار بود.

و بِهِ يَفْتَخِرُ آدَمُ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

و خداوند سبحان از وی خواست فخر دودمان آدم علیه السلام بماند، اما ابراهیم از ماریه قبطیه گرفته شد و فدای جناب امام حسین علیه السلام گردید(۲) و امام حسین علیه السلام افضل از ابراهیم بود تا برای ائمه پدر ثانی باشد و از آن بزرگوار نسل کثیر در خانمان رسالت بماند.

و بِهِ يَفْتَخِرُ النَّبِيُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ مِنْ مَوَاهِبِ اللَّهِ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ.

اگر حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام یک صد سال برای ترک اولی یا دوری از بهشت یا فراق حوا گریست، به نحوی که مرغان هوا از اشک دیدگانش سیراب می شدند و از این کار حضرت آدم متعجب بودند و رقت می نمودند، جناب صدیقه طاهره علیها السلام نیز از خوف خدا و فراق حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم و گمراهی این امت و مظلومی شوهرش چندان گریست که در شمار پیغمبران بزرگ و گریه کن قرار گرفت. و قبل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پس از شهادت آن حضرت از خوف پروردگار و از دست دادن پدر بزرگوارش، دیده مبارکش خشک نشد و اهل مدینه بلکه اهل زمین و آسمان را به فرع و جزع آورد.

و حدیث البکائون خمسه(۳)

ص: ۲۰۷

۱- بوار زمین نامزروع، ناآباد و خراب

۲- حدیقه الشیعه ۱/ ۲۷۹

۳- کشف الغمه ۱/ ۴۹۸

در کتب مناقب و مصائب مشهور است اگر جناب حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام از حضرت احدیت منزل و مکان اولیه را می خواست، و از پروردگار خود تمنای بهشت می نمود، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پیوسته رضای خدای خود را می خواست و حدیث آن عبارت است از: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خانه فاطمه زهرا علیها السلام رفت، دید که گلیمی از پشم پوشیده و با دست مبارک خود آرد خمیر می کند و فرزند خود را شیر می دهد. آب از چشم مبارکش جاری شد و فرمود:

يَا بِنْتَاهُ تَعَجَّلِي مَرَاةَ الدُّنْيَا بِحَلَاوَةِ الْآخِرَةِ... فَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى(۱)

ای دخترم مرا در دنیا را برای رسیدن به شیرینی آخرت تحمل کن همانا که خداوند بر من نازل کرده که آنقدر به تو می دهد که تو راضی شوی.

حضرت فاطمه علیها السلام نیز حمد و شکر خدا را به جا آورد.

* افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت نوح علیه السلام

اگر جناب نوح علیه السلام برای هلاک قوم و خسران عاقبت ایشان آن قدر گریه کرد که معروف به نوح شد (نوح از نیاچه است)،(۲) فاطمه زهرا علیها السلام نیز از برای ضلالت این امت مرحومه و سوء عاقبت ایشان چنان گریان بود که عالم امکان را بیت الاحزان خود نمود.

حضرت نوح علیه السلام از طول عمر و زیادی سن، شیخ الانبیاء نامیده شد، و از آن جهت احترامی فوق العاده یافت و تا روز قیامت شهرت فوق العاده یافت. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در مدت کمی که در دنیا زندگی کرد، نزد خدا و رسول حرمتی بی پایان و فضیلتی روشن و واضح یافت که در آن خردسالی بر چنین شیخ سالخورده ای که اولوالعزم نیز بود برتری جست.

ص: ۲۰۸

۱- سوره ضحی آیه ۵- نور الثقلین ۱۰ / ۵۹۴-۵۹۵

۲- کشف الغمّه ۱ / ۴۹۸

اگر حضرت نوح علیه السلام برای خود و یاران اندکش کشتی نجات از طوفان ساخت، آخر کشتی نجات او دست به دامان ولایت و دوستی فاطمه زهرا علیها السلام و پدر و شوهر و فرزندان علیهم السلام شد و به ایشان پناه جسته از طوفان خلاص شدند و حدیث مسمار و احادیث دیگر در توسل حضرت نوح علیه السلام در کتب شیعه و سنی موجود است (۱).

اگر دعای حضرت نوح علیه السلام مستجاب گردید، چنانکه قرآن مجید بشارت اجابتش را خبر داد، حضرت فاطمه علیها السلام در دفعات عدیده قرین اجابت آمد و آنچه در حق ابن حنتمه فرمود مستجاب شد.

اگر حضرت نوح علیه السلام مکرر در آیات کریمه قرآن به طور صحیح یاد شده، جناب عصمت کبری علیها السلام در اغلب آیات مبارکه تلویحاً یاد شده، بلکه ثلث قرآن در حق خمسه طیبه و عترت معصومین ایشان نازل گردید.

اگر حضرت نوح علیه السلام هلاکت قوم خود را خواست و همه را به طوفان بلا داد جناب صدیقه طاهره علیها السلام صبر بر اذیت های این امت کرده و لب به نفرین نگشود.

اگر حضرت نوح علیه السلام خواست از فرزندان ناخلف خود شفاعت نماید و به ساحل نجاتش برسانند مقبول نشد همان طور که قرآن می فرماید:

(إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ) (۲)

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در روز جزاء شفیعه کبری می باشد و قطعاً بعد از پدر بزرگوار و شوهرش امیر المؤمنین علیه السلام شفاعت خواهد کرد.

ص: ۲۰۹

۱- امالی شیخ صدوق مجلس ۳۹ - ۲۱۸ / ۱

۲- سوره هود آیه ۴۶

* افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت ابراهیم علیه السلام

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام در میان خاندانش برگزیده شد، طبق آیه شریفه:

(إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ) (۱)

جزو آل ابراهیم جناب صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام است، که خداوند آیه إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ را که ظاهراً در حق مریم علیها السلام اما در باطن در حق آن بزرگوار نازل شده است را در قرآن بیان فرمود.

اگر در قرآن بر ابراهیم علیه السلام سلام داده شده است بر آل یس هم سلام کردند. یس حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و نزدیکترین از نزدیکان آل یس، حضرت فاطمه علیها السلام است.

اگر به حضرت ابراهیم علیه السلام با گفتن

(وَ آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً) (۲)

یک حسنه دادند، به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حسنت دادند و آیات:

(آتَيْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً) (۳) و (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا) (۴) و (وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً) (۵)

در شأن آن بزرگوار نازل شد. اگر ملوک روم از اسحاق نبی از نسل ابراهیم علیه السلام بودند، یازده نفر از ائمه معصومین از ذریه فاطمه علیها السلام نیز اوصیای مرضیین شدند.

اگر در حق حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود:

(أَنْ طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ) (۶)

در حق حضرت فاطمه علیها السلام آیه تطهیر نازل شد:

ص: ۲۱۰

۱- سوره آل عمران آیه ۳۳

۲- سوره نحل آیه ۱۲۲

۳- سوره بقره آیه ۲۰۱

۴- سوره انعام آیه ۲۶

۵- سوره شوری آیه ۲۳

۶- سوره حج آیه ۶۸

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) (۱)

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور خداوند عزوجل فرزند خود اسماعیل علیه السلام را خواست قربانی کند، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در زمان حمل و شیر دادن فرزندش از شهادت ایشان آگاه بود و با آنکه قدرت بر دفع آن داشت ایشان را فدا نمود. اگر در حق حضرت ابراهیم علیه السلام آیه:

(إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا) (۲)

نازل شد حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بنا به آیه اقرب تابعین و اشرف مؤمنات به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند.

مَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي (۳) و نهایت متابعت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کرد که خاصه و خلاصه نبوت شد و به مقام فاطمه منی و انا من فاطمه (۴) رسید.

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام را خداوند به لشکر یاد فرمود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به ذکر یاد نمود.

(الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا) (۵)

اگر به حضرت ابراهیم علیه السلام ملکوت سماوات نشان داده شد همان طور که در قرآن آمده:

(نُورِ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ) (۶)

در خانه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام دریچه ای بود تا به عرش اعظم که از آن هر چیز را مشاهده می فرمود.

ص: ۲۱۱

۱- سوره احزاب آیه ۳۳

۲- سوره آل عمران آیه ۶۸

۳- سوره ابراهیم آیه ۳۶

۴- مناقب ابن شهر آشوب ۳ / ۳۹۱

۵- سوره آل عمران آیه ۱۹۱

۶- سوره انعام آیه ۷۵

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام از شام به مکه معظمه هجرت فرمود. آن برگزیده خدا حضرت زهرا علیها السلام نیز از مکه مکرّمه به مدینه طیبّه مهاجرت کرد و هر یک مأموریت مهاجرت داشتند.

* افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت موسی علیه السلام

اگر حضرت موسی علیه السلام معجزات زاهره (روشن و درخشان) داشت، آن صدیقه طاهره علیها السلام کرامات روشنی داشت. اگر بر حضرت موسی علیه السلام مَنّ و سلوی (۱) نازل شد، از دعای آن حضرت نیز مائده آسمانی و میوه های بهشتی نازل گردید. اگر بر جناب حضرت موسی علیه السلام در زمان کوتاهی تورات نازل شد، بر حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در زمان اندکی سه برابر قرآن مجید، مصحف نازل گردید.

اگر به موسی علیه السلام عصایی از بادام تلخ دادند، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را شجره طوبی مرحمت کردند.

اگر خداوند در آن زمان از میان همه مردمان جناب موسی علیه السلام را به مفاد آیه کریمه (أَنَا اخْتَرْتُكَ) (۲) اختیار فرمود، جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را هم به مفاد آیه کریمه (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ) از میان همه زنان عالمیان برگزید.

اگر حضرت موسی علیه السلام زمان مناجات با قاضی الحاجات به طور سینا می رفت و با حضور خداوند اعلی راز و نیاز داشت، جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در اوقات نمازهای پنج گانه به محراب عبادت رفته و چندان قیام به وظائف و آداب طاعات می نمود که پای مبارکش ورم کرده کما اینکه در خبر است که:

تَوَزَّمت قَدَمَاهُ مِن كَثْرَةِ الْعِبَادَةِ (۳)

ص: ۲۱۲

۱- مَنّ و سلوی در سه جای قرآن آمده است. سوره بقره آیه ۷۵، سوره اعراف آیه ۱۶۰ و سوره طه آیه ۸۰. من و سلوی دو نوع غذای آسمانی بوده که خداوند برای بنی اسرائیل نازل فرمود.

۲- سوره طه آیه ۱۳

۳- مناقب ابن شهر آشوب ۳/ ۳۸۹

اگر در طور سینا از تجلی حق از جبین جناب موسی علیه السلام نوری ساطع و لامع شد و از هوش رفت از رخساره حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در صبح و ظهر و عصر انواری خاصه به رنگ های مختلف همیشه درخشان بود.

اگر از حضرت موسی علیه السلام در ایام حمل و پس از ولادت و ایام شیر خواری معجزات و خارق عاداتی ظاهر گردید از خفای حمل و داخل شدن در تنور آتش و حرکت در دریا و آنچه در خانواده فرعون کرد از جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در ایام حمل و ولادت و ایام شیر خواری به اتفاق فریقین کرامات و معجزات و خارق عادات زیادی ظاهر گردید (۱) همانند صحبت کردن در شکم مادر و شهادت دادن به هنگام تولد.

اگر فرعون از احضار قبطیان و ساحران و دیگران، حضرت موسی علیه السلام را طلب کرده و خواست او را مغلوب نماید، و خداوند او را به واسطه عصا و غیره یاری کرد، چند تن بازرگان، حضرت زهرا علیها السلام را به مجامع عامه خودشان از عروسی و غیره دعوت نمودند، تا آن بزرگوار را خجالت زده و آزرده نمایند و زینت های خودشان را جلوه دهند. اما خداوند متعال از بهشت جامه های زیبا برای او فرستاد و دیده و دل آن ها را ربود که بسیاری از زنان ایمان آورده به شرف اسلام فائز شدند.

اگر حضرت موسی علیه السلام علاوه بر مرتبه فخریه رسالت، عصا و ید بیضا و آیات نه گانه داشته، فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین و نه نفر از آیات شیعیه الهیه از صلب مطهر فرزندش جناب امام حسین علیه السلام از دامن پاک ایشان بوده اند، علاوه بر این همگی ارتباط و انتساب به شجره نبوت محمدیه داشتند.

اگر حضرت موسی علیه السلام دریا را شکافت و گمراهان امت خود را غرق نمود، در حضرت امیر مؤمنان و جناب فاطمه علیها السلام امور خارق العاده ای به چشم می خورد که

ص: ۲۱۳

انبیای سلف از اولوالعزم و غیر آن ها روی حاجت همیشه به سوی این بزرگواران داشتند و نجات از مهالک را از توسل به ایشان می خواستند. چنانچه در کتب امامیه از حالات موسویه و التجاء او به این خانواده زکیه اخبار زیادی وارد است (۱).

* افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت عیسی علیه السلام

اگر حضرت عیسی علیه السلام از نفخه روح الامین خلق شد، جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از نور پروردگار و میوه بهشت و عرق و پر و موی (۲) بال جبرئیل خلق شد.

اگر حضرت عیسی علیه السلام در شکم مادر سخن گفت و پس از ولادت فرمود:

(إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا) (۳)

جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در رحم مادرش خدیجه علیها السلام و بعد از ولادت سخن گفت و خدا را به وحدانیت یاد کرد.

اگر حضرت عیسی علیه السلام را خداوند در قرآن مبارک خواند. حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام را در اسفار انجیل مبارکه اش نامید و او را به کثرت نسل و ذریه اش مژده داد و خبر از شهادت دو فرزند و اولاد گرامیش را به او داد.

اگر حضرت عیسی علیه السلام خبر از خوردنی ها و ذخائر بنی اسرائیل می داد، آن بزرگوار از علم ما کان و ما یکون خبر می داد.

اگر مادران انبیای عظام، شرافت و عظمت شأن مریم، مادر حضرت عیسی علیه السلام را ندارند هیچ یک از زنان شرافت فضل و علو قدر و سیمو مقام خدیجه سید النسوان مادر جناب فاطمه زهرا علیها السلام را ندارند. بلکه شایسته و سزاوار است فاطمه زهرا با این عصمت ذاتی و جلالت قدر، از چنین مادری کریمه فخر مادران و از اقدس سید کاینات یعنی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا بیاید.

ص: ۲۱۴

۱- رجوع شود به امالی شیخ صدوق مجلس ۳۹

۲- امالی شیخ صدوق مجلس ۸۷

۳- سوره مریم آیه ۳۰

اگر جمعی از نصاری مشهور به مریمیه اند و مریم علیها السلام را از کبار پیغمبران می دانند، این امت مرحومه نیز همگی فاطمیه اند، با آنکه او را پیغمبر نمی دانند. اما از پیغمبرانش برتر و بالاترش می دانند و حضرت عیسی علیه السلام را در آخر الزمان ملازم رکاب آخرین فرزند برومندش دانند.

اگر در شأن حضرت عیسی علیه السلام است:

(وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ) (۱)

در شأن حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است که حضرت مقدس نبوی صلی الله علیه و آله و سلم مکرر خبر داد که اینان مؤید به روح القدس می باشند.

اگر بر حضرت عیسی علیه السلام جبرئیل و ملائکه رحمت نازل می شدند و او را به تعلیم کتاب آسمانی پیوسته مژده می دادند، بر حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز جبرئیل و ملائکه نازل شده و او را به عنایات رحمانیه و افاضات سبحانیه مژده می دادند.

اگر حضرت عیسی علیه السلام در زمره پیغمبران کم سن بود بیشتر از سی و سه سال نداشت و از پیغمبران دیگر زودتر رخت از عالم خاک به افلاک کشید. فاطمه زهرا علیها السلام نیز در زمره حسان نسوان عالمیان در دنیا زمان اندکی زیست فرمود. پس از هجده سال از این دار الزوال توجه به حظیره القدس و اعلی علین فرمود و به جوار پروردگار و پدر بزرگوارش ملحق شد و از میحن و فتن و شدائد زمان رحل اقامت دائمه انداخت.

صلوات الله علیها و علی ابیها و علی بعلها و علی بنیها و علی شیعتها و محبیها

ص: ۲۱۵

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) (۱)

به درستی که مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنانی که در طاعت و وظایف خود ثبات ورزند و راستگویان در قول و عمل و صبر کنندگان در طاعت ها و معاصی و تواضع کنندگان از برای خدا و صدقه دهندگان از هر دو طائفه به آن چه واجب است در مالشان از زکوات و خمس ها و روزه داران از برای خدا از مردان و زنان و مردان و زنانی که عفت خود را حفظ می کنند و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند خدا برای ایشان آمرزش گناهان و مزد بزرگ بر طاعت ایشان آماده کرده است.

شأن نزول: فی نور الثقلین ج ۴ ص ۲۷۷ قال مقاتل بن حیان:

لما رجعت أسماء بنت عمیس من الحبشه مع زوجها جعفر بن أبی طالب علیه السلام دخلت علی نساء النبی صلی الله علیه و آله و سلم فقالت هل نزل فینا شیء من القرآن قلن لا فأتت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقالت یا رسول الله إن النساء لفی خیبه و خسار فقال و مم ذلك قالت لأنهن لا یدکرن بخیر کما یدکر الرجال فأنزل الله تعالی هذه الآیه.

در این آیه کریمه خداوند سبحان زنان را با مردان این امت به ده صفت به طریق مقابله برابری داده و ستوده و آنچه از مردان خواسته از زنان هم خواسته است و در این ده چیز حکم به مساوات فرموده و آن هم بر حسب استدعای (اسماء بنت عمیس خثعمیه) شد.

ص: ۲۱۶

زمانی که اسماء بنت عمیس از حبشه بازگشت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشت که زنان مرا ناامید می کنند و به من زیان می رسانند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چرا؟

عرضه داشت: به خاطر اینکه زنان مرا به خیر یاد نمی کنند، همچنان که مردان یاد می شوند. این آیه مبارکه در مدح این صنف زن که دارای عمل خیرند نازل شد. خلاصه اگر در اخبار اسلام و آثار اهل بیت علیهم السلام و تفاسیر ایشان ملاحظه شود می بینید در زمره مردان و زنان از جهت اسلام و ایمان و قنوت و صدق و صبر و خضوع و انفاق و روزه و حفظ ذکر دوام کسی بالاتر و کاملتر از این مرد و زن یعنی شاه اولیا و سیده النساء در این عالم و عوالم دیگر نیامده است. یعنی هریک از این مراتب به قدری که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به اعلی درجه کمال رسیده بود، فاطمه زهرا علیها السلام هم اقتداء کرده و از موافقت و برابری با آن بزرگوار باز نمی ماند.

در حدیث (کفائت) هم کفو گذشت که خداوند سبحان آن جناب را برای حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام خلق فرمود تا شوهر او باشد و هم کفو او گردد و اگر خلق نمی شد برای آن بزرگوار کفوی نبود. و این حدیث دلیل محکمی است بر جلالت قدر و عصمت فاطمه زهرا علیها السلام.

پس چنان که امیر المؤمنین علیه السلام شخص اول مسلمین است تا آخر آیه، فاطمه زهرا علیها السلام نیز شخص اول مسلمات است تا آخر آیه و گرنه برتری نسبت به دیگران زنان نداشت. بلکه همین دوازده زنی که خداوند در قرآن یاد کرده و هریک را با صراحت و با کنایه توصیف به صفتی کرد، تمام آن ها راجع به صدیقه طاهره علیها السلام است و بالاتر. یعنی خواه حوا به توبه و ساره به جمال و رحمت و زن ایوب را به حفظ و آسیه را به حرمت و زلیخا را به حکمت و بلقیس را به عقل و برحانه مادر موسی را به صبر و مریم را به صفوت و خدیجه علیها السلام را به رضا و فاطمه علیها السلام را به علم تمجید کرد، همه آن ها برای حضرت زهرا علیها السلام با نهایت کمال صادق است.

تمام این صفات و مقامات با آثارش به دلالت علم و روشنایی آن در انسان کامل جمع می شود و چنین کسی از علم، به مقام رضا و درجه برگزیدگی از جانب خدا

می رسد و از علم در بلاها صابر و در مسلک عقل سالک و به حکمت حقه ادراک خیر کثیر می کند و در عوالم علویه محترم و به حفظ حق می آید و به جمال معنوی و صوری آراسته می گردد و پیوسته در اکثار توبه و انابه الی الله گوی سبقت از همگان می رباید. پس وصف علم و طهارت از همه صفات اشرف و افضل است و علم و دانایی از همه مقامات بالاتر و برتر است.

علامه مجلسی رحمه الله در اجابت دعا، فاطمه زهرا علیها السلام را در زمره پیغمبران بزرگ، یعنی آدم و نوح و یوسف و موسی و هارون و ایوب و زکریا علیهم السلام و جناب خاتم انبیای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شمار آورده است. یعنی چنانکه خداوند دعوت این انبیای عظام را اجابت کرد، دعوت حضرت زهرا علیها السلام را هم اجابت نمود. پس از آدم علیه السلام سلسله رجال و بندگان از مردان خدا منتهی به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شد و از حواء البشر سلسله زنان و کنیزان خدا منتهی به جناب فاطمه کبری علیها السلام شد. پس بعد از امیر المؤمنین علیه السلام کسی بهتر نیامد و بعد از فاطمه زهرا علیها السلام هم زنی همانند آن بزرگوار مادر دهر نزاده و به عقیده اهل اسلام، حضرت ابراهیم علیه السلام خلیل شیعه است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افضل از او است و در زنان فرد کامل مریم علیها السلام است که معصومه بود و فاطمه زهرا علیها السلام افضل از اوست چنان که پیغمبران اولوالعزم افضل از رسل و غیر رسل هستند، با آنکه در جهت روح القدس و عصمت مساوات داشتند.

ممکن است دو زن معصومه باشند و یکی بر دیگری برتری داشته باشد و شرف هر زمانی به واسطه اهل اوست و هر قدر از آدم علیه السلام تا خاتم، زمان ها به وجود پیغمبران مشرف شد و سعادت یافت، زمان پیغمبر رحمت هم، به واسطه وجود مبارکش و چهار نفر دیگر از اهل عصمت همان مقدار شرف گرفت.

علی هذا شرافت شریعت و امت هر پیغمبر و ذریه طاهره اش بر حسب علو و قدر و مکانت صاحب آن است و علاوه بر اصالت ذاتیه از جهت اصل و نسب فضیلت و مزیت می یابند. پس تمام مغفرت و اجر عظیم برای آن مرد و زنی است که به این اوصاف ده گانه موصوف بوده باشد و هم چنین برای آن زنی است که به صفات این

دوازده زن متصف گردد، بلکه کسی که دارای مرتبه جلیله عصمت است، البته احاطه کافی به این مراتب و مقامات دارد و خود بدیهی است که اجر عظیم، در مقابل عمل عظیم است و مغفرت مخصوص جهت بزرگان دین و نیکان از بندگان معصوم است.

* اخبار و روایات طهارت و عصمت

سابقاً روایات و اخباری که بر طهارت و عصمت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام دلالت می کرد را علاوه بر آیه تطهیر که دلیل محکمی بر عصمت آن حضرت بود آوردیم. اما الان خود روایات را برای دسته بندی و نظم موضوع در آخر کار می آوریم.

* اما روایات

۱- عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ مَا الْبُتُولُ؟ فَإِنَّا سَمِعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَقُولُ إِنَّ مَرْيَمَ بُتُولٌ وَفَاطِمَةَ بُتُولٌ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْبُتُولُ الَّتِي لَمْ تَرَ حُمْرَةَ قَطُّ أَيْ لَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ (۱)

حضرت علی علیه السلام فرمودند: از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد که ما از شما شنیدیم که فرمودید: مریم و فاطمه علیها السلام بتول هستند. بتول یعنی چه؟ فرمودند: بتول آن زنی است که خون حیض نمی بیند هرگز خون حیض در دختران انبیاء پسندیده نیست [زیرا مقام عصمت دارند مانند حضرت فاطمه علیها السلام]

۲- سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا الْبُتُولُ؟ قَالَ الَّتِي لَمْ تَرَ حُمْرَةَ قَطُّ وَ لَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لِعَائِشَةَ يَا حَمِيرَاءُ إِنَّ فَاطِمَةَ لَيْسَتْ كِنِسَاءِ الْأَدَمِيِّينَ لَأَتَعَتَّلُ كَمَا تَعَتَّلُنَ (۲)

ص: ۲۱۹

۱- بحار الانوار ۴۳ / ۱۵

۲- همان / ۱۶

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: معنای بتول چیست؟ فرمودند: بتول زنی است که هرگز سرخی نمی بیند و هرگز حیض نمی شود، زیرا حیض در دختران انبیاء ناپسند است.

و هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه فرمودند: ای حمیرا! (به عایشه می گفتند حمیرا) به درستی که فاطمه مانند زنان آدمیان نیست که خون ببیند و علت در او باشد و علت و نقص در فاطمه نیست. (زیرا او معصومه است)

۳- عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمِنَا سِيَّمِيَّتِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرَةِ لَطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ طَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ رَفَثٍ وَ مَا رَأَتْ قَطُّ يَوْمًا حُمْرَةً وَ لَا نِفَاسًا(۱)

از امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارشان نقل فرموده است که: همانا فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم طاهر و پاک است به خاطر طهارت و عصمتش هرگز خون سرخ (حیض) و هرگز خون نفاس ندیده.

۴- قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: به درستی که فاطمه علیها السلام عفت (عصمت) دارد و خداوند ذراری و فرزندان آن بزرگوار را بر جهنم حرام فرموده است و بدنشان از آتش دوزخ نمی سوزد.

۵- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أُمِّهِ قَالَتْ مَا رَأَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ دَمًا فِي حَيْضٍ وَ لَا فِي نِفَاسٍ(۳)

انس بن مالک از مادرش نقل می کند که گوید: هرگز فاطمه علیها السلام خون ندید، نه خون حیض و نه نفاس (و نه غیره)

۶- قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: فَأَيُّمَا امْرَأَةٍ صَيَّئْتُ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ صِلَوَاتٍ وَ صَامَتِ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ حَجَّتْ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ وَ زَكَّتْ مَالَهَا وَ أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَ

ص: ۲۲۰

۱- بحار الانوار ۱۹ / ۴۳

۲- همان / ۲۰

۳- همان / ۲۱

وَأَلَّتْ عَلَيَّ بَعْدِي دَخَلَتِ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ذَاكَ لِمَرِيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَ الْآخِرِينَ وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيَسَلُّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرِيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (١)

این روایت ترجمه اش گذشت.

٧- عن ابی جعفر علیه السلام قال: إِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لَا يَطْمَثَنَّ إِنَّمَا الطَّمْثُ عُقُوبَةٌ عَقُوبَهُ (٢)

از امام باقر علیه السلام روایت است که: به درستی که دختران انبیا خون (حیض و آلودگی) نمی بینند، چون طمٹ (خون) خود یک نوع کم عقلی است و یک نوع نقصان است) همانا طمٹ خود یک نوع عقوبت است.

٨- قال صلى الله عليه و آله و سلم: مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَ مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا) (٣)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که فاطمه علیها السلام را در زمان حیات من آزار دهد انگار مرا آزار داده و کسی که مرا اذیت کند خداوند را آزار داده است و این قول خداوند است که می فرماید: کسانی که خدا و رسولش را آزار دهند، خداوند آن ها را در دنیا و

ص: ٢٢١

١- بحار الانوار ٢٤ / ٤٣

٢- همان / ٢٥

٣- همان - سوره احزاب آیه ٥٧

آخرت لعنت کرده است و عذاب مهین و خوار کننده ای برای آن ها مهیا و آماده است و اذیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اذیت خداوند است.

۹- و قال صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّ فَاطِمَةَ شَجَنَةٌ مِّنِّي يُؤْذِينِي مَا آذَاهَا وَ يَسْرِئُنِي مَا سَرَّهَا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه شادی من است، هر کس فاطمه را اذیت و آزار دهد مرا آزار و اذیت کرده. و خداوند متعال به خاطر غضب فاطمه غضب می کند و برای خوشنودی آن حضرت خوشنود گردد.

۱۰- قال صلی الله علیه و آله و سلم: يَا فَاطِمَةُ أَبَشِّرِي فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى نِسَاءِ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ خَيْرُ دِينٍ(۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای فاطمه! بشارت می دهم تو را به اینکه خداوند متعال تو را بر زنان عالم و بر زنان اسلام برگزیده و این بهترین دین است.

۱۱- قال صلی الله علیه و آله و سلم: حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ وَ فِي رِوَايَةٍ مُقَاتِلٍ وَ الضَّحَّاكِ وَ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ أَفْضَلُهُنَّ فَاطِمَةَ(۳)

و فرمودند: ای فاطمه! همین بس که خداوند تو را برتر از زنان دو عالم قرار داده مریم علیها السلام دختر عمران و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و آسیه زن فرعون. و در روایتی از ضحاک و عکرمة از ابن عباس دارد که بهترین آن چهار زن فاطمه علیها السلام است.

۱۲- عَنْ نَافِعِ بْنِ أَبِي الْحَمْرَاءِ قَالَ شَهِدْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ تَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَيْلَمَةِ الْغَدَاةِ مَرَّ بَبَابِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

ص: ۲۲۲

۱- بحار الانوار ۴۳ / ۲۶

۲- همان / ۳۶

۳- همان

رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ الصَّلَاةَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۱)

نافع بن ابی حمراء گوید: ما شاهد بودیم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدت ۶ ماه هنگامی که برای نماز صبح بیرون می آمد- به در خانه فاطمه علیها السلام می گذشت و می ایستاد و می فرمود: سلام بر شما اهل خانه و رحمت و برکت خداوند بر شما باد. همانا خداوند اراده فرموده که پلیدی و رجس را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک و طاهر قرار دهد از هر جهت. (راجع به این آیه مفصل توضیح داده شد)

۱۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى الْأَرْضِ. (۲) و قال صلی الله علیه و آله و سلم: لَوْلَا كَلَّمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند متعال امیر مؤمنان علیه السلام را نمی آفرید برای فاطمه علیها السلام ابداً هم کفو و هم شأنی بر روی زمین نبود. و در خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: اگر تو نبودی هم کفو و همسری برای فاطمه علیها السلام بر روی زمین نمی بود.

۱۴- قال صلی الله علیه و آله و سلم: اللَّهُمَّ يَا بَارِكُ فِيهِمَا يَا بَارِكُ عَلَيْهِمَا وَ بَارِكْ لَهُمَا فِي شَيْبَلَيْهِمَا وَ رُوِيَ أَنَّهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيَّ فَأَحِبَّهُمَا وَ بَارِكْ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا وَ اجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظًا وَ إِنِّي أُعِيدُهُمَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ رُوِيَ أَنَّهُ دَعَا لَهَا فَقَالَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكَ تَطْهِيرًا (۴)

فرمودند: خداوند ا مبارک گردان آن دو را (علی و فاطمه علیهما السلام) و مبارک گردان بر آن دو و مبارک گردان آن دو را در مورد دو پسرشان (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) و فرمودند: خداوند ا علی و فاطمه علیهما السلام محبوب ترین خلق نزد من هستند. پس دوستشان بدار. من آن دو و ذریه شان را از شر شیطان رجیم به تو پناه می دهم (آن ها را از شر

ص: ۲۲۳

۱- بحار الانوار ۵۳/۴۳

۲- همان/ ۹۷

۳- همان/ ۱۰۷

۴- همان/ ۱۱۶ و ۱۱۷

شیطان حفظ فرما) و فرمودند: خداوند رجس و پلیدی را از تو ببرد و تو را پاک قرار دهد پاک شدنی.

۱۵- فقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: يا أسماء اتينني بالمخضب فمأته ماء فمخج النبي صلى الله عليه وآله وسلم فيه و غسل قدميه و وجهه ثم دعا بفاطمه فأخذ كفاً من ماء فضرَب به على رأسها و كفاً بين يديها ثم رشَّ جلده و جلدتها ثم التزمها فقال اللهم إنيها مني و أنا منها. اللهم كما أذهبت عني الرجس و طهرتني فطهرها ثم دعا بمخضب آخر ثم دعا علياً عليه السلام فصنع به كما صنع بها ثم دعا له كما دعا لها ثم قال قوماً إلى بيتكما جمع الله بينكما و بارك في نسلكما و أصلح بالكما ثم قام فأغلق عليه بابهُ قال ابن عباس فأخبرتني أسماء بنت عميس أنها رَمقت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فلم يزل يدعو لهما خاصه و لا يُشركهما في دعائه أحداً حتى توارى في حَجْرته (۱)

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: ای اسما آب تازه ای بیاور، ظرف آبی به حضور ایشان آورد. (سه بار بر آن آب فوت کرد و چند آیه از قرآن را قرائت فرمود و به حضرت علی فرمود: مقداری از آن را بیاشام) و باقی مانده آب را به سر و سینه آن حضرت پاشید و فرمود: خداوند ناپاکی را از تو ای ابوالحسن دور سازد و تو را پاک و پاکیزه نمود. آنگاه فرمود: ای اسما آب تازه ای بیاور. آبی به حضورش آوردم چند آیه قرآن را قرائت کرد و سه بار بر آن فوت کرد و آنگاه آن آب را به دخترش فاطمه علیها السلام داد و به او فرمود بیاشام و اندکی بگذار حضرت فاطمه علیها السلام چنین کرد پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم باقی مانده آب را بر سر و سینه حضرت زهرا علیها السلام پاشید و به آن حضرت فرمود: خداوند ناپاکی را از تو دور سازد و تو را پاک و پاکیزه نماید.

ابن عباس گوید: به من خبر داد اسما بنت عمیس که پیوسته رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم برای علی و فاطمه علیهما السلام دعا می کرد و کسی را شریک دعای آنان قرار نمی داد تا او را اهل خانه اش کرد. یا تا داخل خانه اش شد.

ص: ۲۲۴

۱۶- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ النِّسَاءَ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً قُلْتُ وَكَيْفَ قَالَ لِأَنَّهَا طَاهِرَةٌ لَا تَحِيضُ (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جل بر علی علیه السلام زنان را (ازدواج کردن با زنان) حرام کرد تا هنگامی که فاطمه علیها السلام زنده بود.

راوی می گوید: سؤال کردم چرا؟ فرمود: چون فاطمه علیها السلام طاهر است و هرگز خون نمی بیند.

۱۷- عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ كُنْتُ شَهِدْتُ فَاطِمَةَ وَقَدْ وَلَدَتْ بَعْضَ وُلْدِهَا فَلَمْ تَرِ لَهَا دَمًا. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ فَاطِمَةَ وَلَدَتْ فَلَمْ تَرِ لَهَا دَمًا. فَقَالَ: يَا أَسْمَاءُ! إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَّةً إِنْسِيَّةً (۲)

اسماء بنت عمیس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: فاطمه علیها السلام در ولادت فرزندان خود خون ندید. عرض کردم: یا رسول الله! چرا فاطمه علیها السلام در به دنیا آوردن فرزندان خود خون ندید؟

فرمود: چون فاطمه علیها السلام حوریه ای است که به صورت انسان خلق شده است. (علاوه بر این، چون مقام عصمت دارد و معصومه از پلیدی و رجس به دور است، از هر عیب و نقص و آلودگی های ظاهری و باطنی منزّه است).

۱۸- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورِهِ إِنْسِيَّةً وَإِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَحِيضْنَ (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه علیها السلام حوریه ای است که به صورت انسان آفریده شده است و به درستی دختران انبیا حیض نمی بینند.

۱۹- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ابْنَتِي فَاطِمَةُ حُورَاءٌ آدَمِيَّةٌ لَمْ تَحِضْ وَلَمْ تَطْمَثْ وَأَنْمَا سَمَّاهَا (فَاطِمَةَ) لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَمَحَيَّيْهَا عَنِ النَّارِ (۴)

ص: ۲۲۵

۱- بحار الانوار ۴۳ / ۱۵۳

۲- عوالم جلد فاطمه زهرا علیها السلام / ۳۰

۳- بحار الانوار ۴۳ / ۳۱

۴- بحار الانوار ۴۳ / ۵۴

و فرمودند: ایضاً: دخترم فاطمه علیها السلام حوراء آدمیه است. هرگز حیض نمی شود و هرگز این صفت را ندارد (حیض و ...) و همانا فاطمه نامیده شده است به خاطر اینکه خداوند فاطمه و دوستان آن حضرت را از آتش قطع کرده و بریده است.

۲۰- قال الصادق علیه السلام أتدری أئی شیء تفسیر فاطمه قلت أخبرنی یا سیدی قال فطمت من الشر و يقال: إنما سُمیت فاطمه لأنها فطمت عن الطمث (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: می دانی معنا و تفسیر فاطمه علیها السلام چیست؟ راوی گوید عرض کردم: به من خبر بده ای سرور من و آقای من!

فرمودند: از شرّ و بدی بریده شده است و فاطمه نامیده شده است زیرا از خون بریده شده است.

۲۱- قالت عائشه: کتبا نخیط و نغزل و الأبره باللیل فی ضوء وجه فاطمه و قالت: إذا أقبلت فاطمه کانت مشیتها مشیه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و کانت لا تحيض قطّ خلقت من تفاحه الجنّه و لقد وضعت الحسن بعد العصر و طهارت من نفاسها فاغتسلت و صلّت المغرب و لذلك سمیت الزهراء (۲)

عایشه گوید: ما در شب که خیاطی می کردیم و با سوزن لباس می دوختیم از نور چهره فاطمه علیها السلام استفاده می کردیم. به همین خاطر زهرا نامیده شده است (که نور چهره اش منور بود).

و هنگامی که فاطمه علیها السلام به طرف ما آمد، منش و رفتار آن حضرت شبیه منش و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و هرگز حیض نمی دید. فاطمه علیها السلام از سبب بهشتی خلق شده است و بعد از عصری بود که امام حسن علیه السلام را به دنیا آورد، از نفاس پاک بود (یعنی هرگز خون نفاس ندید).

ص: ۲۲۶

۱- بحار الانوار ۵۷ / ۴۳

۲- همان / ۶۰

۲۲- قال الحافظ السيوطي: و من خصائص فاطمه عليها السلام أنّها كانت لا تحيض و كانت إذا ولدت طهرت من نفاسها بعد ساعه حتّى لا تفوتها صلاه و لذلك سمّيه الزهراء(۱)

حافظ سيوطي (عالم سنّي) گوید: از خصائص فاطمه عليها السلام این بود که حیض نمی دید و هنگامی که امام حسن علیه السلام را به دنیا آورد یا امام حسین علیه السلام را، نفاس ندید و پاک و مطهر بود و همان ساعت نمازش فوت نشد بلکه نمازش را همان ساعت خواند به خاطر این زهرا نامیده شده است.

۲۳- ینابیع المودّه: عن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلّم و أنّما سمّيت فاطمه البتول لأنّها تبّتلّت من الحيض و النفاس لأنّ ذلك عنب في بنات الانبياء أو قال نقصان(۲)

عالم سنی در کتاب ینابیع الموده از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم روایت می کند که فرمودند: همانا فاطمه علیها السلام بتول نامیده شد زیرا آن حضرت تبّتل و بریده و جدا است از حیض و نفاس. زیرا این خود یک نقصان (حیض و نفاس) و عیب است و دختران انبیاء از این نقص مُبرّاء هستند.

۲۴- و قال صلى الله عليه و آله و سلّم و سمّيت فاطمه بتولاً لأنّها تبّتلّت كل ليله معناه ترجع كل ليله بكرة(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: فاطمه علیها السلام نامیده شد بتول به خاطر اینکه او هر شب بکر بود (و از خون حیض بریده بود).

۲۵- و قال صلى الله عليه و آله و سلّم و سمّيت فاطمه بتولاً لأنّها تبّتلّت و تقطعت عما هو معتاد العورات في كلّ شهر و لأنّها ترجع كل ليله بكرة(۴)

ص: ۲۲۷

۱- بحار الانوار ۴۳ / ۶۳

۲- همان / ۶۴

۳- همان / ۶۳

۴- همان

۲۶- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُخَيَّرَتْهُ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فْتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ اقْنِطِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاِكِعِينَ.

فَتَحَدَّثَهُمْ وَيُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلٍ أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَعَالِمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (۱)

اسحاق بن جعفر بن عیسی بن زید بن علی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: همانا فاطمه علیها السلام مُخَيَّرَتْهُ نامیده شد. چون ملائکه از آسمان پائین می آمدند و آن حضرت را خطاب می کردند به همان خطابی که مریم علیها السلام را دادند که ای مریم دختر عمران و ... و می گفتند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و پاک قرار داده و بر زنان عالم برگزیده است. ای فاطمه! عبادت کن برای پروردگارت و سجده کن و رکوع بنما با رکوع کنندگان پس ملائکه با آن حضرت گفتگو و حدیث می کردند و سخن می گفتند و در مقابل، فاطمه زهرا علیها السلام نیز با آن ها سخن می گفتند و شی با آنان گفت: آیا مریم بنت عمران بر زنان عالم برتر نیست؟

ملائکه گفتند: مریم بزرگ زنان زمان خودش بود و خداوند عز و جل تو را بزرگ زنان عالم خود و بزرگ زنان دو عالم قرار داده است (پس تو مقامت از همه زنان دو عالم برتر است چه از آسیه چه مریم چه حتی مادرت حضرت خدیجه علیها السلام).

ص: ۲۲۸

۲۷- قَالَتْ عَائِشَةُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: أَلَا أُبَشِّرُكِ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَسَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ (۱)

روزی عایشه به حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: همانا بشارت می دهم تو را به این که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: که سرور و بزرگ زنان بهشت چهار نفر اند مریم بنت عمران و فاطمه بنت محمد و خدیجه بنت خویلد و آسیه بنت مزاحم که زن فرعون بود.

۲۸- عن عائشه قالت: ما رأيت قطُّ أحدًا أفضل من فاطمه غير أبيها (۲)

از عایشه روایت شده است که گوید: من هرگز احدی را برتر از فاطمه ندیدم.

۲۹- قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَنَا بِنِي مَلِكٌ فَبَشِّرْنِي أَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَوْ نِسَاءِ أُمَّتِي (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ملک نزدیک من آمد و مرا بشارت داد که فاطمه بزرگ زنان اهل بهشت و زنان اُمَّتَم است.

۳۰- و قدر روى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْحُورَ الْعَيْنِ فِي نَهَائِهِ الْحَسَنِ وَالْجَمَالَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ الْهَنَا وَمَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا هَلْ خَلَقْتَ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْهُمْ فَجَاءَهُمُ النَّدَاءُ مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى إِنِّي خَلَقْتُ سَيِّدَاتِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَفَضَّلْتُهُنَّ عَلَى الْحُورِ الْعَيْنِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ وَهِنَّ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَمَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ (۴)

روایت شده است که خداوند متعال هنگامی که حور العین آفرید در نهایت حُسن و زیبایی و جمال ملائکه گفتند: پروردگار ما و مولای ما و سید ما آیا خلقی از آفریده ای که از حور العین زیباتر باشد؟

ص: ۲۲۹

۱- بحار الانوار ۴۳ / ۹۰

۲- همان / ۹۳

۳- همان / ۹۳

۴- همان / ۱۰۹

ندا آمد از جانب خداوند علی‌اعلی‌ که: من زنان دو جهان را خلق کرده ام و آن‌ها را بر حُور العین فضیلت داده ام همانند فضیلت خورشید بر سایر کواکب و آن‌ها آسیه دختر مُراحم و مریم دختر عمران و خدیجه دختر خُوَیَلد و فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند.

۳۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: انا انزلنا فی لیلہ القدر منظور از لیلہ (شب) فاطمه و از قدر خداوند است. پس کسی که حق فاطمه علیها السلام را شناخت حقیقتاً شب قدر را درک کرده است.

همانا فاطمه علیها السلام نامیده شد چون خلق از معرفتش در مانده اند و بریده اند و معرفتش و درک معرفتش را ندارند.

ص: ۲۳۰

*** قصائدی که بر فضائل، طهارت و عصمت حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد.**

وَإِنَّ مَرِيَمَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا*** وَجَاءَتْ بِعِيسَى كَبْدِرِ الدُّجَى

فَقَدْ أَحْصَنَتْ فَاطِمٌ بَعْدَهَا*** وَجَاءَتْ بِسِبْطَى نَبِيِّ الْهُدَى(۱)

**

وَ قَدْ رُزِنَا بِهِ مَحْضًا خَلِيقَتُهُ*** صَافِي الضَّرَائِبِ وَ الْأَعْرَاقِ وَ النَّسَبِ

وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ*** عَلَيْكَ تَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبِ

وَ كَانَ جِبْرِئِيلُ رُوحَ الْقُدُسِ زَائِرِنَا*** فَغَابَ عَنَّا وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجِبِ

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقَنَا*** لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْحُجُبِ(۲)

**

ای بنای وجود ربانی*** وی ز جودت وجود امکانی

فاطمه، ای ز نور رخسارت*** عرش و کرسی و فرش نورانی

آنچه بر طور تافت نور تو بود*** که شد از هوش پور عمرانی

تو همان نور سرمدی که شدی*** محتجب در حجاب جسمانی

به خدا در مشیمه عصمت*** نبود چون تو در پنهانی

عفت و عصمت و شرف ز خضوع*** بر قدوم تو سود پیشانی

ای که در صحنه عبودیت*** نشدی غافل از خدا آنی

به نماز تو بر ملائکه فخر*** می کند ذات پاک سبحانی

شد نبوت به انبیای عظام*** از شناسایی تو ارزانی

اسوه صاحب الزمان مهدی*** بر حجج حجّتی و برهانی

گفت در مدح تو رسول خدا*** سرور کل عالی و دانی

حسن و خوبی اگر مجسم بود*** در حقیقت به شکل انسانی

ص: ۲۳۱

۱- حسان بن ثابت، بحار الانوار ۴۳ / ۵۰

۲- حسان بن ثابت، بحار الانوار ۴۳ / ۱۹۶

آن وجود شریف فاطمه است*** که نباشد دگر ورا ثانی
بلکه تو برتری از آن به جهان*** آری این مدح را، تو شایانی
ای که در عرصه گاه توحیدت*** فکر را نیست جای جولانی
چيست باغ فدك که خصم زبون*** غصب حقت کند به نادانی
به در خانه ی تو جبرائیل*** یافته افتخار دربانی
ای تو اُمّ الائمه النُّجباء*** که نبی را فروغ چشمانی
هر چه در شأن تو سخن گویند*** به حقیقت تو برتر از آنی
پایگاهت به عرصه ی محشر*** کرده مسحور عالی و دانی
چون شب قدر، قدر تو مجهول*** در فضای علوم انسانی
سرو جانم فدای عصمت تو*** گر قبولم کنی به قربانی
دامن عفت تو می گیرم*** تا مرا از عذاب برهانی
(قائمی) رستگار خواهد شد*** گر کند بر در تو دربانی (۱)

فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ عَنِ عَصْمَتِهَا*** يَعْبَى بَيَانَ الْوَصْفِ مَهْمَا وَصَفَا

هر که درباره عصمت فاطمه زهرا وصف کند در بیان آن عاجز و خسته خواهد شد (۲)

وَلِي الْفَخْرِ فَاطِمَةَ وَ آيِبَهَا*** ثُمَّ فَخْرِي بِرَسُولِ اللَّهِ إِذْ زَوَّجْنِيهَا (۳)

بَرَّةٌ طَيِّبَةٌ طَاهِرَةٌ*** مَرِيْمُ الْكُبْرَى عِفَافًا وَ وَرَعًا (۴)

١- محمد جواد قائمی همدانی - نائب همدانی

٢- حاج محمد باقر ایروانی

٣- حضرت امیر المؤمنین

٤- مناقب ابن شهر آشوب ٣ / ٣٤١

صَدِيقُهُ خَلَقَتْ لِصِدِّقِ شَرِيفٍ فِي الْمَنَاسِبِ

اِخْتَارَهُ وَ اِخْتَارَهَا *** طُهْرَيْنِ مِنْ دَنْسِ الْمَعَايِبِ

اَسْمَاهُمَا قُرْنَا عَلٰى سَطْرِ *** بِظِلِّ الْعَرْشِ رَاتِبِ

كَانَ الْاِلٰهَ وَلِيَّهُمَا *** اَمِينَهُ جَبْرِيْلُ خَاطِبُ

وَ الْمَهْرُ خُمْسُ الْاَرْضِ مَوْ *** هَبَّهُ تَعَالَتْ فِي الْمَوَاهِبِ

وَ تَهَايَبُهَا مِنْ حَمَلِ طُوْبِي *** طُيِّبَتْ تِلْكَ الْمَنَاهِبُ (۱)

صدیقہ ای کہ برای صدیق شریف در نسب، آفریده شده است خداوند متعال (علی علیه السلام) و آن بانو را برگزید. نام های آنان در یک سطر قرین و همسان شده در زیر سایه عرش و در ردیف یک دیگر قرار گرفته اند. خداوند متعال ولی آن دو و جبرائیل امین خطبه خوان است. مهریه او خمس روی زمین موهبتی که خداوند در بین دیگر موهبت ها ارزانی داشته است. و نثار او از بار درخت طوبی است که نثار بس پاکیزه ای است.

اَيُّهَا السَّائِلُ الْمَسْأَلُ دُونِي *** كُلُّ ذِي جَوْهَرٍ عَزِيْزٌ ثَمِيْنٌ

ای پرسش گر سئوالات از من! هر آن کس که دارای گوهر است ارزشمند می باشد.

مَا اَنَا ذَا مَنِ الْثَرَى اٰخِرِجُونِي *** اَنَا دُرٌّ مِنَ السَّمَاءِ نَثْرُونِي

مرا از خاک بیرون نیاورده اند من درّی از آسمانم که نثارم کردند

يَوْمَ تَزْوِيْجِ وَالِدِ السَّبْطَيْنِ *** كُنْتُ مِنْ جَوْهَرٍ وَ لَا اَعْرَاضاً

روز عروسی پدر سبطین (حسن و حسین علیهما السلام) من از جنس جواهر بودم.

مَوْضِعِي فِي السَّمَاءِ وَ لَيْسَ اِنْخِفَاضاً *** اِنَّمَا حُمْرَتِي اَتْنِي اَعْتِرَاضاً

نه جایگاهم در آسمان بود نه در پایین، سرخی ام رنگی است که بر من عارض شده است.

ص: ۲۳۳

كُنْتُ أَصْفَى مِنَ اللَّجِينِ بَيَاضاً*** صَغَبْتَنِي دِمَاءُ نَحْرِ الْحُسَيْنِ (۱)

من از آب سفید تر بودم ولی خون گلوی حسین رنگینم ساخت

ریزدم ز درج دهن گوهر*** در ثنای دختر پیغمبر

فاطمه که یذهب عنکم را*** گفته در طهارت او داور

فاطمه که شخص پیمبر را*** جان پاک آمده در پیکر

فاطمه که سینه و دستش را*** بوسه زد ز مرتبه پیغمبر

زهره ای که سینه ی آن جنت*** جنتی که چشمه ی آن کوثر

مادری که دختر او زینب*** دختری که بر پدرش مادر

کاخ عصمتش به زمین بر پا*** تاج عزتش به فلک بر سر

نور او به ارض و سما ظاهر*** روی او به نور خدا مظهر

چون خدا نبود و راهنما*** گر علی نبود بر او همسر

زن مگویی و از همه ی مردان*** بنگرش به مرتبه بالاتر

عصمت حق فاطمه صدیقه ی کبری منم*** دخت ختم الانبیا کفو علی زهرا منم

طاهره منصوره صدیقه زکیه فاطمه*** راضیه مرضیه ام انسیه حورا منم

آنکه از پیدایش هستی میان هست و بود*** بانوی هر دو سرا ریحانه ی طاها منم

شمسه ی برج حیا چشم و چراغ انبیا*** بوده قدر و عزتش پیوسته ناپیدا منم

پاک بانویی که در قرآن به وصف پاکی اش*** آیه ی تطهیر گفته داور دانا منم

هست در من آنچه آمد از خدا بر انبیا*** دین منم قرآن منم ایمان منم تقوا منم

وحی می گویی منم توحید می جویی منم*** بلکه مرآت جمال حق ز سر تا پا منم

دختر آخر رسول و همسر اول امام*** اول و آخر منم دنیا منم و عقبی منم

ص: ۲۳۴

۱- کشکول شیخ بهایی به نقل از ریاض المدح و الرثاء شیخ سلیمان بلاذری بحرانی / ۲۲۱ و ۲۲۲

آنچه می جویند پاکان یافت در من مصطفی*** بر مشام او شمیم جنه المأوی منم
دختری را کز جلال و عزّت و مجد و وقار*** بوسه زد بر سینه و بر دست او بابا منم
مادر پاکی که در دامان پاک خویشتن*** پاک دختری پرورد چون زینب کبری منم
گر به یک عیسی کند مریم به گیتی افتخار*** مادر والا مقام یازده عیسی منم
بانویی کز خاک پایش دست لطف کبریا*** بر سر انسان نهاده تاج کَرَمنا منم
هر که دارد فخر بر آبا و بر اجداد خود*** آنکه خود فخر است بر اجداد و بر آبا منم
فخر بر آبا و بر اجداد تنها نیستم*** افتخار ذات پاک خالق یکتا منم
هست سِرّی اینکه حق خورده قسم بر مهر و ماه*** معنی والشمس واللّیل اذا یغشی منم
ذکر و تسبیح خدا با مهر من گردد قبول*** روح بخش سبح اسم ربّک الاعلی منم
دین و قرآن و ولایت زنده با خون من است*** کشته ی راه علی عالی اعلا منم...[\(۱\)](#)

ای کتاب ثنای تو قرآن*** وی ثنا گسترت خدای جهان
حسن یزدان به چهره ات پیدا*** سر هستی به سینه ات پنهان
دشمنی با تو تلخ تر از کفر*** دوستی با تو خوش تر از ایمان
بارش رحمت تو بی آغاز*** دفتر مدحت تو بی پایان
دل شیر خدا ز تو روشن*** جان ختم رسل تو را قربان
خانه ی خاکی تو قبله ی دل*** حجره ی کوچک تو کعبه ی جان
خادم کوی فضّه ات حوری*** عاشق روی قنبرت غلّمان
قصه ی عصمت نه حدّ سخن*** گفتن مدحت نه کار بیان
بذل یک نان تو کند نازل*** سوره ی هل اتی علی الانسان

کیستی تو که مصطفی می گفت*** جان بابا فدات فاطمه جان

کیستی ای تجلی توحید*** کیستی ای حقیقت ایمان

کیستی ای ملک به تو مبهوت*** کیستی ای بشر ز تو حیران

ص: ۲۳۵

۱- سازگار

کیستی ای محبتت جنت*** کیستی ای عداوتت نیران

کیستی ای فراق تو همه درد*** کیستی ای وصال تو درمان

کیستی تو که در هجوم ستم*** آمدی حافظ امام زمان(1)

زهره که بود ما حاصل هستی عالم*** هم دختر خاتم بود و مادر خاتم

گویم چه به وصفش که توصیف نیاید*** جایی که کند مدح وی را خالق اعظم

بی او به خدای خدا خلق نمی شد*** چرخ و فلک و مهر و مه و هستی عالم

با بودن او کرد خدا خلقت احمد*** با بودن او حقّ علی گشت مسلم

هنگام ندامت چو به او شد متوسل*** شد نزد خدا واسطه ی توبه ی آدم

میلااد ورا نوح نبی جشن گرفته*** تا نام خوش فاطمه شد ناجیش از یم

شد باغ گل از یک نگهش آتش نمرود*** تا منزل نمرود شود نار جهنم

در سینه ی او سینه ی سینا متجلی*** احرام به تن، حضرت موسی شده محرم

ز انفاس خوشش صاحب دم گشته مسیحا*** دم می زند از فاطمه در عرش دما دم

در مکه قدم زد که ز یمن قدم او*** میلاد علی شد به بر دیده مجسم

بر ختم رسل داده خدا سوره ی کوثر*** کز کوثر او آب خورد چشمه ی زمزم

از تیغ علی راست شده قامت اسلام*** قد قامت او قامت کفار کند ختم

از عصمت او شرح دهد آیه ی تطهیر*** از عزت او دم زده پیغمبر اکرم

در صلح و صفا داده حسن را به جهان شیر*** با نهضت خون، شیر حسینش شده توام

در ورع به ما سید سجاد*** باقر شده در مکتب او عالم اعلم

صادق شده در مدرسه اش فارغ تحصیل*** موسی شده از مرحمتش کاظم عالم

از دولت او گشته رضا ضامن آهو*** مغلوب جوادش شده صد زاده ی اکثم

از همت او شمع هدایت شده هادی*** حُسن حسن از حُسن رخس گشته مجسم

او می کند از بهر براندازی بیداد*** اسباب ظهور پسر خویش فراهم

ص: ۲۳۶

۱- همان

ز بهر سرافرازی اسلام خدیجه*** از هستی خود دیده فرو بست به عالم
ایثار وی از لطف خدا گشت تلافی*** حق داد به او هستی و شد بر همه اقدم
از ختم رسل فاطمه را حامله گردید*** شد همدم او آسیه و ساره و مریم
شد خادمه ی خدمت او خواهر موسی*** بر چاکریش بر جبرئیل مصمم(1)

ای آنکه تویی واسطه ی خلقت عالم*** محبوبه ی حق، نور دل حضرت خاتم
ای صدر نشین شرف و عصمت تاریخ*** مجموعه ی هستی شده در هست تو متغم
جایی که خدا وصف تو را کرده به کوثر*** جایی که دما دم بزند دم ز تو آدم
جایی که تو را مدح کند آیه ی تطهیر*** جایی که پدر خوانده تو را ام پدر هم
گویم چه به توصیف تو ای نادره ی دهر*** هرگز نتوان قطره کند منقبت یم
آنقدر بگویم که تویی فوق تصور*** عاجز بود از آنکه کند درک تو را هم
حق خوانده تو را طاهره در مجمع قرآن*** زیرا که تویی پاکتر از پاکی شبنم
در عرش به منصوره تویی شهره ی آفاق*** در فرش تو را نام فراوان شده توأم
یک فوج تو را فاطمه خوانند که هستی*** یک دسته تو را راضیه دانند مسلم

هم فاطمه و عالمه و عاطفه ای تو*** بین همه اسماء تو زهرا شده اقدم

از شوق تو در مروه کند هروله هاجر*** شد در هدفش آسیه بهر تو مصمم

سارا و صفورا زده اند دست تو سل*** بر دامن پر مهر تو ای بانوی عالم

ام النجبا ام اب و ام کتابی*** ناموس خدا هستی و هم همسر ابن عم

گنجینه ی اسراری و در خلوت لاهوت*** کس نیست به اسرار خدا غیر تو محرم

از شرم تو شرمنده بود تا ابدالدهر*** ماه و زحل و مشتری و نیر اعظم

از چشمه ی جوشان تو شد ساری و جاری*** در کعبه و در باغ جنان کوثر و زمزم
از جود و سخای تو زبانه شده الکن*** چون ریزه خور خوان و گدایت شده حاتم
از یمن قدوم تو زمین، خلد برین است*** از مقدم تو باغ ولایت شده خرم

ص: ۲۳۷

۱- ژولیده

از بس که مقام تو عظیم است و رفیع است*** شد آینه دار حرمت حضرت مریم

ای مام حسین و حسن ای شافعه ی حشر*** نسوان جهانند مؤخر تو مقدم

با این همه قدر و عظمت بعد پیمبر*** در فصل جوانی ز چه شد قامت تو خم

جا دارد اگر شهر جبریل بسوزد*** از ماتم جانسوز تو مظلومه ی عالم(۱)

أَيْكِبُرُ عَنِ قَدْرِ الْبِتُولَةِ أَنَّهُا*** تَلَامِسُ مَا فِي الْقَدْرِ وَ هِيَ تَفُورُ

آیا مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام بالاتر از این که آن حضرت آنچه را که در دیگ می جوشد دست می زند.

أَمَّا هِيَ الْبِنْتُ الْمُصْطَفَى طَابَعَ الْحِصَى*** بِخَاتِمِهِ وَ الْمُسْلِمُونَ حَضُورُ

آیا او دختر مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نیست که بر روی ریگ ها با انگشتی خود مهر زد در حالی که مسلمانان حاضر بودند.

مَظْهَرُ اسْرَارِ الْإِلَهِ الَّتِي لَهَا*** عَلَى بَاطِنِ السِّرِ الْخَفِيِّ ظُهُورُ

او مظهر اسرار خداوندی است و همان کسی است که باطن به سر پنهان بر او آشکار است.

وَ مَنْ كَانَ الْحُورُ الْحِسَانُ تَزُورُهَا*** لَهِنَّ لَدَيْهَا غَيْطَةٌ وَ سَرُورُ

او کسی است که حوریه های زیبا به زیارتش می آیند و نسبت به حضرتش غبطه خورده و شادمانند(۲)

ص: ۲۳۸

۱- ژولیده

۲- بلاذی بحرانی

يا حَبْدًا مِنْ لَيْلِهِ الْمِيلَادِ *** اللَّيْلَةَ الْعِشْرِينَ مِنْ جُمَادَى

چه خوش است میلاد شب بیستم جمادی

مِيلَادِ بِنْتِ الْمُصْطَفَى الرَّسُولِ *** صِدِّيقِهِ طَاهِرِهِ بَتُولِ

میلاد دختر حضرت مصطفی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم صدیق و طاهره و بتول

سَيِّدَهُ اِنْسِيَهُ حَوْرَاءُ *** فَاطِمَةُ زَكِيَّةُ زَهْرَاءُ

بانوی انسانی و حوریه ای بهشتی، فاطمه ای پاک و درخشانده چهره

يا لَيْلَهُ سَرَّ بِهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ *** اِذْ وُلِدَتْ بِنْتُ النَّبِيِّ اَحْمَدَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

چه خوش آن شبی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم در آن خشنود شد هنگامی که دختر احمد پیامبر زاده شد.

مِيلَادُهَا سَرَّ قُلُوبَ الْبَشَرِ *** لِأَنَّهَا شَفِيعَةٌ فِي الْمَحْشَرِ

تولد او دل انسان ها را شاد کرد زیرا او شفیع ی روز محشر است.

وَ قَرَّتِ الْعُيُونُ مِنْ اَبْنَاهَا *** كَذَاكَ قَرَّتْ عَيْنُ مَنْ وَالَاهَا

دیدگان از فرزندانش روشن شد. هم چنین دیده ی هر که او را دوست دارد و به ولایت پذیرفته است روشن گردید.

خَدِيجَةُ بِمَكَّةَ مَلِكَةٌ *** كَانَتْ عَلَى الْعَرِيشِ وَالْأَرِيكَةِ

خدیجه ملکه ی مکه است که بر روی تخت و سریر نشسته است.

حَقَّتْ لَهَا لَوْ فَخَرَتْ مَدَى الزَّمَنِ *** بِنْتِهَا أُمُّ الْحُسَيْنِ وَ الْحَسَنِ

شایسته اوست که همواره به دخترش که مادر حسین و حسن است مباهات کند.

نُورُ الْإِلَهِ قَدْ ضَحَى وَ أَشْرَقَ *** غُصْنُ النَّبِيِّ قَدْ عَلَا وَ أَوْرَقَ

نور خداوند درخشید و روشن شد. شاخه ی وجود پیامبر بالا رفته و به برگ و بار نشسته است.

وَ أَشْرَقَتْ مَكَّةُ بِالْأَنْوَارِ *** وَ طَيَّبَتْ كَذَاكَ بِالْأَزْهَارِ

مکه با نورها درخشیدن گرفت و مدینه ی پاک با شکوفه هی او روشن گردید.

بِكُلِّ الْآفَاقِ ضِيَاؤُهَا ضَحَى *** أَنَارَ أَطْبَاقِ السَّمَوَاتِ الْعُلَى

در تمام کرانه های گیتی نورش پرتو افکنده و طبقات آسمان های بالا را روشن کرده است.

و نُورُهَا قَدْ كَانَ قِنْدِيلُ الضِّيَاءِ *** مُعَلَّقًا فِي سَاقِ عَرْشِ الْكِبْرِيَاءِ

نور و چراغدان و قندیل روشن است که بر ساق عرش خداوند بزرگ آویخته شده است (۱)

هِيَ قُطْبُ دَائِرَةِ الْوُجُودِ وَ نُقْطَةُ *** لَمَّا تَنَزَّلَتْ أَكْثَرَتْ كَثْرَتُهَا

او قطب و نقطه ی مرکزی دایره ی هستی است که به هنگام فرود آمدنش فزونی هایش را فزونی.

هِيَ أَحْمَدُ الثَّانِي وَ أَحْمَدُ عَصْرِهَا *** هِيَ عُنْصُرُ التَّوْحِيدِ فِي عَرَصَاتِهَا

او احمد دوم و احمد دوران خویش است او در میدان های یکتا شناسی اساس و عنصر اولیه است. (۲)

هِيَ مِشْكَاهُ نُورِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ *** زَيْتُونَهُ عَمَّ الْوَرَى بِرَكَاتِهَا

او چراغدان نور خداوند متعال و درخت زیتونی است که برکاتش همگان را در بر گرفته است.

نَحْنُ مِنْ بَارِي السَّمَوَاتِ سِرُّ *** لَوْ كَرِهْنَا وُجُودَهَا مَا بَرَاهَا

ما سَرَى از آفریدگار آسمان ها هستیم که اگر از پیدایش آن ها خوشمان نمی آمد آن ها را نمی آفرید.

بَلْ بَا ثَارِنَا وَ لَطْفِ رِضَانَا *** سَطَحَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ بِنَاهَا

بلکه به آثار و لطافت خشنودی ماست که زمین را گسترده و آسمان را برافراشته است (۳)

ص: ۲۴۰

۱- الكوكب الدرّي، شيخ مهدي مازندراني

۲- بهجه قلب المصطفى / ۲۲۱

فِي الذَّرِّ كَوْنَهَا الْبَارِي وَ صَوَّرَهَا*** مِنْ قَبْلِ اِيْجَادِ خَلْقِ اللُّوْحِ وَ الْقَلَمِ

در عالم ذر خداوند متعال او را به وجود آورد و پیش از ایجاد لوح و قلم به آن صورت بخشید.

وَ تَوَجَّتْ تَاجِ نُورٍ حَوْلَهُ دُرُّرٌ*** يُضِيئُ كَالشَّمْسِ أَوْ كَالنَّجْمِ فِي الظُّلَمِ

تاجی از نور بر سرش نهاده که اطرافش گوهرهایی می درخشد همانند خورشید یا ستاره ای در تاریکی.

لِلَّهِ أَبَاحُ نُورٍ طَالَمَا سَكَنُوا*** سِرِّ الْعُيُوبِ قَادُوا سَائِرَ الْأُمَمِ

خدا شیخ های از نور دارد که از مدت ها قبل در سراپرده ی غیب ساکن بودند و بر دیگر امت ها آقایی و سادات داشتند(۱)

محمد بن منصور السرخس:

وَ ارَادَ رَبُّ الْعَرْشِ اَنْ يَلْقَى بِهَا*** شَجْرَ كَرِيمِ الْعِرْقِ وَ الْاَغْصَانِ

فَقَضَى فَرْوَجَهَا عَلِيًّا اَنَّهُ*** كَانِ الْكُفَى لَهَا بِلَا نَقْصَانِ

وَ قَضَى الْاِلَهِ بَانَ تَوْلَدَ مِنْهُمَا*** وَ لِدَانَ كَالْقَمَرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

سَبَطَا مُحَمَّدَ الرَّسُولِ وَ فَلذَاتَا*** كَبِدَ الْبَتُولِ كَذَلِكَ يَلْتَقِيَانِ

فَبَنَى الْاِمَامَةَ وَ الْخِلَافَةَ وَ الْهَدْيَ*** بَعْدَ الرَّسَالَةِ ذَانِكَ الْوَلَدَانِ(۲)

مهیار:

يَا ابْنَهُ الْمَخْتَارِ مِنْ كُلِّ*** الْاَذَى رُوْحِي فِدَاكَ

يَا ابْنَهُ الْمَخْتَارِ اِنَّ اللّٰهَ*** بِالْفَضْلِ اجْتَبَاكَ

وَ ارْتَضَى بَعْلَكَ لِلْخَلْقِ*** جَمِيْعًا وَ ارْتَضَاكَ

وَ عَلَى الْاِمَامَةِ جَمْعًا*** فَضَّلَ اللّٰهُ اَبَاكَ(۳)

ص: ۲۴۱

۱- بهجه قلب المصطفى / ۲۵۹

۲- مناقب ابن شهر آشوب فی تفضيلها علی سایر النساء ۳ / ۳۱۹

البشوى:

وقف الندافى فى موضع عبرت*** فيه البتول عيونكم غصوا

فتغض و الابصار خاشعه*** و على بنان الظالم العض

تسود حينئذ وجوه*** و وجوه اهل الحق تبيض(١)

خطيب منيح:

توافى فى النشور على نجيب*** به املاك ربك مُحدقونا

و يسمع من خلال العرش صوت*** ينادى و الخلائق شاخصونا

الا ان البتول تجوز فيكم*** فغصوا من مهابتها العيوننا(٢)

ابوالحسن البونسجى:

قال النبى المصطفى فيما روى*** عنه على و هو نور يقتبس

نادى مناد من وراء الحجب فى*** يوم القيامة و الخلائق اركسوا

هاتيك فاطمه سليه احمد*** تهوى تجوز على الصراط و نكسوا(٣)

مسعود بن عبدالله القاينى:

لابد ان ترد القيامة فاطم*** و قميصها بدم الحسين ملطخ

وليل لمن شفاعؤه خصماؤه*** و الصور فى يوم القيامة ينفخ(٤)

ص: ٢٤٢

١- مناقب ابن شهر آشوب فى تفضيلها على ساير النساء ٣/ ٣٢٧

٢- همان

٣- همان

٤- همان / ٣٢٨

العبدى:

اوليس الاله قال لنا*** لا شمس فيها يرى و لا زمهريرا

و اذا بالنداء يا ساكن الجنه*** مهلا امنتم التغييرا

ذا على الوصى داعب مولا تكم*** فاطمه فأبدت سروراً

فبدا اذ تبسمت ذلك النور*** فزادت كرامه و حبوراً(١)

منصور الفقيه:

اذا فخرت بنو الاسلام يوماً*** على من ليس من آل الرسول

قضيت لها كما أفضى عليها*** بأن خيارها ولد البتول(٢)

الصاحب:

قد قلت قولاً صادقاً بنياً*** و ليست النفس به آثمه

لكل شىء فاضل جوهر*** و جوهر الناس بنو فاطمه(٣)

الزاهى:

و بمدح فاطمه البتول تنير لى*** ظلم القيامه يوم ينفخ صورها(٤)

قال ابن الحجاج فى رده على مروان بن ابى حفصه:

اكان قولك فى الزهراء فاطمه*** قول امرىء لهج بالنصب مفتون

عيرتها بالرحى والحب تطحنه*** لا زال زادك حباً غير مطحون

و قلت ان رسول الله زوجها*** مسكينه بنت مسكين لمسكين

ست النساء غداً فى الشجر يخدمها*** اهل الجنان بحور الحر و المعين(٥)

ص: ٢٤٣

۲- همان / ۳۳۰

۳- همان / ۳۳۱

۴- همان / ۳۴۲

۵- همان / ۳۳۵

ابن حماد:

و قالت ام يمن جئت يوماً*** الى الزهراء فى وقت الهجير
فلما أن دنوت سمعت صوتاً*** و طحناً فى الرحاء له الهدير
فجئت الى الباب أقرعه ملياً*** فما من سامع او من مجير
اذ الزهراء نائمه سكوت*** و طحن للرخاء بلا مدير
فجئت المصطفى فقصصت شانى*** و ما عانيت من أمر دُور
فقال المصطفى شكراً لربى*** باتمام الحباء لها جدير
رآها الله متعبه فألقى*** عليها النوم ذو المن الكبير
و وكل بالرحى ملكاً مديراً*** فعدت و قد ملئت من السرور(١)

ابن حماد:

زوجه بفاطم*** بأمر رب العالم
على اغترام الراغم*** ابرىء الى الله انا
و الله لم يرض لها*** فى الخلق الا شكلها
و من يضاهاى فعلها*** و هو على ذو الحجى
طيبه لطيب*** تفرغاً لمنصب
مطهر مهذب*** قد شرفا على الورى(٢)

قالت ام سلمه:

سرن بعون الله جاراتى*** و اشكرنه فى كل حالات
و اذكرن ما انعم رب العلى*** من كشف مكروه و آفات
فقد هدانا بعد كفر و قد*** انعشنا رب السماوات

١- همان / ٣٣٨

٢- همان / ٣٤٠

و سرن مع خير نساء الورى*** تغدى بعمات و خالات

يا بنت من فضله ذو العلى*** بالوحى منه والرسالات(١)

قالت عائشه:

يا نسوه استرن بالمعاجر*** و اذكرن ما يحسن فى المحاضر

و اذكرن رب الناس اذ خصنا*** يدنيه مع كل عبد شاكر

فالحمد لله على افضاله*** و الشكر لله العزيز القادر

سرن بها فالله اعطى ذكرها*** و خصها منه بطهر طاهر(٢)

سلامه الموصلى:

يا نفسى ان تلتقى ظلماً فقد ظلمت*** بنت النبى رسول الله و ابناها

تلك التى أحمد المختار والدها*** و جبرئيل أمين الله رباها

الله طهرها من كل فاحشه*** و كل ريب و صفها و زكاها(٣)

لما قضت فاطمه الزهراء غسلها*** عن امرها بعلمها الهادى و سبطها

و قام حتى اتى بطن البقيع بها*** ليلا فصلى عليها ثم و اراها

و لم يصل عليها منهم احد*** حاشا لها من صلاه القوم حاشاها(٤)

ص: ٢٤٥

١- همان / ٣٥٤

٢- همان

٣- همان / ٣٥٨

٤- همان / ٣٦٣

زد لیلی حسن قدم در بزم حدوث قدم*** یا سینه ی سینا زد از سرّ انا الله دم
یا شاهد هستی شد در جلوه ز غیب حرم*** یا از افق عصمت رخشان شده بدر اتم
یا زهره ی زهرا زد بر قبه ی عرش علم*** بانوی ملک حشمت خاتون ملوک خدم
ناموس جمال ازل طاوس ریاض قدم*** کاندلر حرم لاهوت جز او نبود محرم
امّ الخلفا که بود پیوسته پناه امم*** هم قبله ی اهل دعا هم کعبه ی اهل همم
مشکات نبوت را مصباح منیر ظلم*** انوار ولایت را چرخ فلک اعظم
افلاک امامت را او محور مستحکم*** اسرار حقایق را سرچشمه و بحر خضم
هم معدن صدق و صفا هم گنج علوم و حکم*** انسیه ی حورا او، نی آسیه و مریم
صدیقه ی کبری او، او سیده ی عالم*** در یستر و عفاف و حیا با سرّ قدم توأم(۱)

وهم به اوج قدس ناموس اله کی رسد؟*** فهم که نعت بانوی خلوت کبریا کند؟
ناطقه ی مرا مگر روح قدس کند مدد*** تا که ثنای حضرت سیده ی نسا کند
فیض نخست و خاتمه نور جمال فاطمه*** چشم دل از نظاره در مبدأ و منتهی کند
صورت شاهد ازل معنی حسن لم یزل*** هم چگونه وصف آئینه ی حق نما کند
مطلع نور ایزدی، مبدأ فیض سرمدی*** جلوه ی او حکایت از خاتم انبیا کند
بسمله ی صحیفه فضل و کمال و معرفت*** بلکه گهی تجلی از نقطه تحت (با) کند
دائرة ی شهود را نقطه ی ملتقی بود*** بلکه سزد که دعوی لو کشف الغطا کند
حامل سرّ مستسر حافظ غیب مستتر*** دانش او احاطه بر دانش ما سوی کند
لیله ی قدر اولیا نور نهار اصفیا*** صبح جمال او طلوع از افق علا کند
بضعه ی سید بشر امّ ائمه ی غرر*** کیست جز او که همسری با شه لافتی کند

وحی نبوتش نسب، جود و فتوتش حسب*** قصه ای از مروّتش سوره ی هل اتی کند

دامن کبریای او، دسترس خیال نی*** پایه ی قدر او بسی پایه به زیر پا کند

لوح قدر به دست او کلک قضا به شصت او*** تا که مشیت الهیه چه اقتضا کند

ص: ۲۴۶

۱- دیوان کمپانی فارسی / ۳۷

در جبروت حکمران در ملکوت قهرمان*** در نشأت «کن فکان» حکم «بماتشا» کند
عصمت او حجاب او، عفت او نقاب او*** سرّ قدم حدیث از آن ستر و از آن حیا کند
قبله ی خلق روی او کعبه ی عشق کوی او*** منطق او خبر ز لا ینطق عن هوی کند
بهر کنیزیش بود زهره کمینه مشتری*** چشمه ی خور شود اگر چشم سوی سُها کند
مفتقرا متاب رو از در او به هیچ سو*** زانکه مس وجود را فضّه ی او طلا کند(۱)

جوهره القدس من الكنز الخفی*** بدت فابدت عالیات الأحرف
و قد تجلی من سماء العظمه*** من عالم الأسماء اسمی کلمه
بل هی أم الکلمات المحکمه*** فی غیب ذاتها نکات مبهمه
أم ائمه العقول الغربل*** ام ابیها و هو عله العلل
روح النبی فی عظیم المنزله*** و فی الکفاء کفو من لا کفوله
تطورت فی افضل الاطوار*** نتیجه الأدوار و الأکوار
فانها الحوراء فی النزول*** و فی الصعود محور العقول
یمثل الوجوب فی الامکان*** عیانها با حسن البیان
فانها قطب رحی الوجود*** فی قوسی النزول و الصعود
و لیس فی محیط تلك الدائره*** مدارها الاعظم الا الطاهره
مصونه عن کل رسم و سمه*** مرموزه فی الصحف المکرمه
صدیقه لا مثلها صدیقه*** تفرغ بالصدق عن الحقیقه
هی البتول الطهر و العذراء*** کمریم الطهر و لا سواء
فانها سیّده النساء*** و مریم الکبری بلا خفاء

وجها من الصفات العاليه*** عليه دارت القرون الخاليه

ص: ٢٤٧

١- همان / ٣٩

تبتلت عن دنس الطبيعه*** فيا لها من رتبه رفيعه

مرفوعه الهمه و العزيمه*** عن نشأه الزخارف الذميمه

في افق المجد هي الزهراء*** للشمس من زهرتها الضياء

بل هي نور عالم الانوار*** و مطلع الشموس والأقمار

رضيعه الوحي من الجليل*** خليفه المحكم و التنزيل

مفطومه من زلل الأهواء*** معصومه عن وصمه الأخطاء

معربه بالستر و الحياء*** عن غيب ذات باري الأشياء

راضيه بكل ما قضى القضاء*** بما يضيق عنه واسع الفضاء

زكيه من وصمه القيود*** فهي غنيه عن الحدود

يا قبله الارواح و العقول*** و كعبه الشهود و الوصول

من يقدمها تشرفت منى*** و من بها تدرك غايه المنى

بابها و صاحبها

و بابها الرفيع باب الرحمه*** و مستجار كل ذى ملمه

و ما الحطيم عند باب فاطمه*** بنورها تطفأ نار الحاطمه

و بيتها المعمور كعبه السما*** اضحى ثراه للثريا ملثماً

و خدرها السامى رواق العظمه*** و هو مطاف الكعبه المعظمه

صاحبها مثل حجاب الباري*** بارقه تذهب بالأبصار

تمثل الواجب في حجابها*** فكيف بالأشراق من قبايها(1)

ص: ٢٤٨

يا دره العصمه و الولايه*** من صدف الحكمه و العنايه
ما الكوكب الدرى فى السماء*** من ضوء تلك الدره البيضاء
والنير الاعظم منها كالسها*** كيف و لا حد لها و منتهى
اشرقت العوالم العلويه*** بنور تلك الدره البهيه
يا دوحه جازت نسام الفلك*** بل جاوز السدره فرعها الزكى
يا دوحه اغصانها تدلت*** بموضع فيه العقول ضلت
دنت الى مقام او ادنى فلا*** تتبع من ذلك اعلى مثلا(١)
الشجره الطيبه و ثمارها
ما شجر الطور و اين الشجره*** من دوحه المجد الاثيل المثمره
و انما السدره و الزيتونه*** عنوان تلك الدوحه الميمونه
اثمارها الغر مجالى الذات*** مظاهر الاسماء و الصفات
مبادئ الحياه فى البدايه*** و منتهى الغايات فى النهايه
اثمارها عزائم القرآن*** فى صفحات مصحف الامكان
اثمارها منابت للمعرفه*** من جنه الذات غدت مقتطفه(٢)

ص: ٢٤٩

تهنئه سيد الرسل بها:

لك الهنا يا سيد الوجود*** في نشأت الغيب و الشهود

بمن تعالى شأنها عن مثل*** كيف و لا تكرار في التجلي

لا يتثنى هيكل التوحيد*** فكيف بالنظير و النديد

و ملتقى القوسين نقطه فلا*** ترى لها ثانيه او بدلا

وحيده في مجدها القديم*** فريده في أحسن التقويم

بشراك يا ابا العقول العشره*** بالبضعه الطاهره المطهره

مهجه قلب عالم الامكان*** و بهجه الفردوس و الجنان

عزتها الغراء مصباح الهدى*** يعرف حسن المنتهى بالمبتدا

و في محياها بعين الاوليا*** عينان من ماء الحياه و الحيا

بل وجهها الكريم وجه البارى*** و قبله العارف بالاسرار(1)

البشرى:

بشراك يا خلاصه اليجاد*** بصفوه الامجاد و الانجاد

ام الكتاب و ابنه التنزيل*** ربه بيت العلم بالتأويل

بحر الندى و مجمع البحرين*** قلب الهدى و مهجه الكونين(2)

الفلسفه العليا:

واحد النبي اول العدد*** ثانيه الوصى نسخه الاحد

و مركز الخمسه من اهل العبا*** و محور السبع علوا و ابا

لك الهنا يا سيد البريه*** باعظم المواهب السنيه

اتاك طاووس رياض الأنس*** بنفحه من نفحات القدس

١- الانوار القدسيه شيخ محمد الاصفهاني / ٣٤

٢- همان / ٣٤

من جنه الاسماء و الأصفاء*** جلت عن المديح و الثناء
فارتاحت الأرواح من شميمها*** و اهتزت النفوس من نسيمها
بها انتشى فى الكون كل صاح*** و طابت الأشباح بالأرواح
تحبى بها الارض و من عليها*** مرجع الامر غداً اليها(١)

الرزيه الكبرى:

لهفى لها لقد اضيع قدرها*** حتى تواترى بالحجاب بدرها
تجرعت من غصص الزمان*** ما جاوز الحد من البيان
و ما اصابها من المصاب*** مفتاح بابه حديث الباب
ان حديث الباب ذو شبحون*** مما جنت به يد الخون
ايهجم العدى على بيت الهدى*** و مهبط الوحى و متدى الندى(٢)

الضرم فى الباب:

ايضرم النار بباب دارها*** و آيه النور على منارها
و بابها باب النبى الرحمه*** و باب ابواب نجاه الامه
بل بابها العلى الاعلى*** فثم وجه الله قد تجلى
ما اكتسبوا بالنار غير العار*** و من ورائه عذاب النار
ما اجهل القوم فان النار لا*** تطفىء نور الله جل و علا(٣)

ص: ٢٥١

١- الانوار القدسيه شيخ محمد الاصفهاني / ٣٥

٢- همان

٣- همان / ٣٦

الضلع المكسور:

لكن كسر الضلع ليس ينجر*** الا بصمصام عزيز مقتدر

اذ رضُ تلك الاضلع الزكيه*** رزيه لا مثلها رزيه

و من نبوع الدم من ثديها*** يعرف عظم ماجرى عليها

و جاوزوا الحد بلطم الخد*** شلت يد الطغيان و التعدى

يا لثارات فاطمه:

فاجرت العين و عين المعرفه*** تذرِفُ بالدمع على تلك الصفه

ولا تزيل حمره العين سوى*** بيض السيوف يوم ينشر اللوى

و للسياط رنه صداها*** فى مسمع الدهر فما اشجاها

و الاثر الباقي كمثل الدمليج*** فى عضد الزهراء اقوى الحجج

و من سواد متنها اسود الفضا*** يا ساعد الله الامام المرتضى

و وكز نعل السيف فى جينها*** اتى بكل ما اتى عليها

و لست أدرى خبير المسمار*** سل صدرها خزانة الاسرار

و فى جنين المجد ما يدمى الحشاء*** و هل لهم أخفاء امر قد فشى

و الباب و الجدار و الدماء*** شهود صدق ما به خفاء

لقد جنى الجانى على جنينها*** فاندكت الجبال من حنينها

اهكذا يصنع بابنه النبى*** حرصا على الملك فى للعجب

اتمنع المكروبه المقروحه*** عن البكا خوفا من الفضيحه

تالله يتبغى لها تبكى دما*** ما دامت الارض و دارت السماء

لفقد عزها أبيها السامى*** ولا هتضامها و ذل الحامى

فاطمه عليها السلام و النحله:

استبتاح نحله الصديقه*** و ارثها من اشرف الخليفه

كيف يرد قولها بالزور*** اذ هو رد آيه التطهير

ايؤخذ الدين من الاعرابي*** و ينبذ المنصوص في الكتاب

فاستلبوا ما ملكت يداها*** و ارتكبوا الخزيه منتهاها

يا ويلهم قد سألوها بينه*** على خلاف السنه الميينه

وردهم نهاده الشهود*** اكبر شاهد على المقصود

و لم يكن سد الثغور غرضا*** بل سدَّ بابها و باب المرتضى

صدوا عن الحق و سدوا بابه*** كأنهم قد آمنوا عذابه

ابضعه الطهر العظيم قدرها*** تدفن ليلا و يعفى قبرها

ما دفنت ليلا بستر و خفا*** الا لوجدها على اهل الجفا

ما سمع السامع فيما سمعا*** مجهوله بالقدر و القبر معا

يا ويلهم من غضب الجبار*** بظلمهم ريحانه المختار(1)

في رثاء الصديقه الطاهره عليها السلام (في تتمه كتابنا نتوسل بحضرتها):

دلِ افسرده ام از زندگی آمد بی زار*** می رسد بسکه به گوش دل من ناله ی زار

ناله وا ابتا می رسد از سوخته ای*** کز دل مادر گیتی ببرد صبر و قرار

صد چو قمری کند از ناله ی او نوحه گری*** می چکد خون دل از دیده ز منقار هزار

ص: ۲۵۳

شرری زهره ی زهرا زده در خرمن ماه*** که نه ثابت به فلک ماند و نه دیگر سیار

جوورها دید پس از دور پدر در دوران*** نه مساعد ز مهاجر نه معین از انصار

بت پرستی به در کعبه ی مقصود و امید*** آتشی زد که برافروخته تا روز شمار

شرر آتش و آن صورت مهوش عجیبت*** نور حق کرد تجلی مگر از شعله نار

طور سینای تجلی متزلزل گردید*** چون بدان سینه ی بی کینه فرو شد مسمار

نه ز سیلی شده نیلی رخ صدیقه و بس*** شده از سیل سیه، روی جهان تیره و تار

بشنو از بازو و پهلو که چه دید آن بانو*** من نگویم چه شد اینک در و اینک دیوار

دل سنگ آب شد از صدمه ی پهلو که فتاد*** گوهری از صدف بحر نبوت به کنار

بس که خستند و شکستند ز ناموس اله*** بازوی کفر قوی، پهلوی دین گشت نزار(۱)

تَمَّتْ بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى كِتَابَ عَصْمَتِ حَضْرَتِ صَدِيقَةِ ي طَاهِرَةِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ اَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ شِيَعَتِهَا وَ مُحِبِّيهَا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا
بِحَرَمَتِهَا عِنْدَكَ

سه شنبه ۲ رجب المرجب ۱۴۲۸

ص: ۲۵۴

۱- قرآن کریم

۲- مناقب شهر بن آشوب

۳- بحار الانوار

۴- عوالم

۵- احتجاج طبرسی

۶- تفسیر علی بن ابراهیم

۷- تفسیر مجمع البیان

۸- تفسیر نور الثقلین

۹- شواهد التنزیل

۱۰- ینایع الموده

۱۱- خصال

۱۲- فاطمه ی زهرا

۱۳- بیت الاحزان

۱۴- جامع الاخبار

۱۵- وسائل الشیعه

۱۶- روضه کافی

۱۷- اصول کافی

۱۸- کشف الغمه

۱۹- الدرہ النجفیہ

۲۰- امالی صدوق

- ۲۱- مفاتیح الجنان
- ۲۲- دلائل طبری دلائل الامامه
- ۲۳- مصباح الانوار
- ۲۴- خصائص فاطمیه
- ۲۵- انوار القدسیه شیخ محمد حسین اصفهانی
- ۲۶- دیوان فارسی کمپانی
- ۲۷- دیوان ژولیده
- ۲۸- ارشاد شیخ مفید
- ۲۹- جلاء العیون
- ۳۰- تفسیر فرات
- ۳۱- تفسیر برهان
- ۳۲- مفردات راغب
- ۳۳- فرهنگ جامع
- ۳۴- فرهنگ عمید
- ۳۵- المنجد
- ۳۶- لمعه شهید
- ۳۷- جامع الاثار عن النبی و الائمه الاطهار
- ۳۸- شب های پیشاور
- ۳۹- صحاح ستّه (سنی ها)
- ۴۰- کشف البیان

۴۱- تفسیر فخر رازی

۴۲- درّ المنثور

۴۳- خصائص الکبری

۴۴- اصابه ابن حجر

۴۵- ریاض النظره

۴۶- تاریخ ابن عساکر

۴۷- کفایت الطالب

۴۸- گلشن راز شبستری

۴۹- البد الامین

۵۰- مرآه العقول

۵۱- تأویل الایات

ص: ۲۵۶

۵۲- بهجه القلب المصطفى

۵۳- احقاق الحق

۵۴- اخبار الدؤل

۵۵- مجمع البحرين

۵۶- دعائم الاسلام

۵۷- مستدرک

۵۸- روضات الجنات

۵۹- عيون اخبار الرضا عليه السلام

۶۰- تحف العقول

۶۱- مدينه المعاجز

۶۲- فرائد السمطين

۶۳- شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد

۶۴- حديقته الشيعه

۶۵- منهج الصادقين

۶۶- كشكول شيخ بهائى

۶۷- رياض المدح و الرثاء

۶۸- الكوكب الدررى

۶۹- تفسير صافى

۷۰- حليه الاولياء

۷۱- تفسير نيشابورى و كتب ديگر از شيعه و سنى

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

